



خیمه یاد تو بهشت من است
مهرت ای ماه در سرشت من است
شکر گویم خدای را شب و روز
بای بوسیت سرنوشت من است

خیمه

هیئت قرآنی احیا

علاوه بر تولید و انتشار کتاب و محصولات فرهنگی، ناشر مجلات خیمه، محیا و جدید است.
ehyaonline.ir, info@ehyaonline.ir

نشانی ماهنامه خیمه: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به تقاطع استاد نجات‌اللهی، ساختمان مجامع، پلاک ۲۴۱
طبقه چهارم، واحد ۹، تلفن دفتر تهران: ۸۸۹۳۴۹۷۰ - ۰۲۱، صندوق پستی: ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

شماره ۱۱، آذرماه ۱۳۹۳، صفر ۱۴۳۶
نشریه هیئت‌ها و مجالس حسینی

- نگاه فراگیر به اربعین حسینی (گفت‌وگو با حمیدرضا غریب‌رضا) / ۷۱
هر چه مادر این مسیر دیدیم زیبایی بود (میزگردی با حضور زائران اربعین از نقاط مختلف جهان) / ۷۳
پیاده‌روی اربعین بزرگ‌ترین راهپیمایی در طول تاریخ (گفت‌وگو با حجت‌الاسلام نجم‌الدین طبسی) / ۸۰
طرح پردیس اربعین / ۸۳
تجربه‌های کاربردی برای اعزام کاروان پیاده‌روی اربعین / ۸۹
- هنر و ادبیات آیینی**
سیر تحول و تطور در شعر هیئت / ۲۰
عقلانیت و معرفت در شعر هیئت (گفت‌وگو با سید محمد جواد شرافت) / ۲۷
با طعم گریه / ۳۰
قصیده‌ای از صائب در مصیبت حضرت سید الشهداء (ع) / ۳۲
سوگید شبیه‌خوان برجسته استان مازندران / ۳۶
نگاه هنرمندانه به مکتب عاشورا / ۳۹
تجربه‌ای نو و تازه در ارائه مفاهیم عاشورایی (گفت‌وگو با حسین پارسایی) / ۴۱
از اصیل‌ترین و کهن‌ترین تا مدرن‌ترین / ۴۲
- جامعه**
پرونده ویژه زائران اربعین
زیارت اربعین؛ جلوه‌ای نمادین از هویت شیعه / ۴۴
اربعین؛ یادمان نخستین زیارت امام حسین (ع) / ۴۸
سازمان حج سفر زائران اربعین را تسهیل می‌کند / ۵۸
قصد داریم راهپیمایی اربعین را جریان‌سازی کنیم / ۶۰
دور روز و سه شب در شهر عجایب / ۶۱
پیاده‌روی اربعین تویی و تبری در میدان عمل / ۶۴
چند تجربه از همراهی با زائران اربعین / ۶۶
دستاورد های بین‌المللی
میعادگاه جهانی عاشقان حسین (ع) / ۶۹
- حسینی**
گوش‌های مسافر / ۹۸
تذکراتی درباره شئون و شرایط تعزیت و تعظیم شعائر حسینی / ۹۹
پهلوان در هیئت (گفت‌وگو با حسین طیبی) / ۱۰۳
مرام‌نامه آکادمی فرهنگی ورزشی صالحین / ۱۰۶
ورزشکار مسلمان چه ویژگی‌هایی دارد؟ / ۱۰۷
- زینبیه**
رخشنده‌اخری از کهکشان علم / ۱۱۱
دینداری زنانه و حضور خاموش زنان در حوزه اجتماعی / ۱۱۴
تحلیل گفتمان حضرت زینب (ع) در مواجهه با حادثه عاشورا / ۱۱۶
تأملی بر چند و چون مجالس روضه زنانه / ۱۲۴
برای بچه‌های هیئت چه می‌کنیم؟ / ۱۲۶
- کتابنامه**
معرفی لهوف اثر سید بن طاووس / ۱۱۲
نخستین مترجم لهوف بهاء‌الدین محمد مختاری / ۱۱۵
گزارش از جلسه نقد و بررسی کتاب لهوف / ۱۱۸
لهوف در مقایسه با دیگر مقاتل (گفت‌وگو با حجت‌الله جودکی) / ۱۲۳

- مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید.
- خیمه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
- برگشت دادن مطالب ارسالی امکان‌پذیر نیست.
- برای مکاتبه از پست الکترونیکی استفاده کنید.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
محمدرضا زائری
سر دبیر: میثم غضنفری
دبیر تحریریه: امیر عیسی ملکی
همکاران این شماره: مسعود جاور
محسن حسام‌مظاهری
امین یگانه، حسن بختیاری، رضا دستجردی
روح‌الله حمیدیان، امین رشیدی
امیر سرسنگی، هانیه خاکپور
دبیر پرونده ویژه اربعین: حسن صدراپی عارف
ویراستاری و تصحیح
امیر عیسی ملکی، سحر غریبی
طراح نامواره: حمید عجمی
مدیر هنری: علی‌اکبر محمدخانی
با سپاس از: مرتضی وافی، مهدی رحمانی
علی‌اکبر، بهزاد بهزادپور، مهدی توکلیان
سید مهدی حسینی، امین مقومی، مرتضی کاردر
سید مرتضی توکلی، مهدی خداجویان
عطا اسماعیلی، حمید محمدی
پدرام الوندی، سید محمد سادات‌اخوی
ابراهیم قاسمی، علیرضا یزدان‌طلب
چاپ و صحافی: هنر سرزمین سبز

طرح جلد شماره ۱۰۶ خیمه اثر آقای "محمد صابر شیخ‌رضایی" بود که در شناسنامه مجله به اشتباه نام ایشان درج نشده بود. ▶▶
ضمن عرض پوزش از ایشان، امیدواریم که در شماره‌های آینده از آثار هنری ایشان بهره ببریم.





گزارشی از کنگره جهانی «خطر جریان های تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»

برای تقریب؛ علیه تکفیر

هم صدایی ۶۰۰ عالم شیعه و سنی در کنگره ای تحت اشراف دو مرجع تقلید شیعه

یونس تسلیمی

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



علمای مذاهب اسلامی با حضور مستقیم دو مرجع تقلید شیعه در قم گرد آمدند تا این بار فارغ از مجادلات و مناظرات کلامی و تاریخی با «گفت و گو» چاره ای برای فتنه تکفیر بیندیشند. همه آمده بودند؛ حتی بسیاری از سلفی ها. نقد و نظرهای بسیاری مطرح شد؛ همه معترف بودند که خط مقدم مبارزه مسلمانان باید فلسطین باشد نه خیابان ها و شهرهای عراق، سوریه، پاکستان، لیبی و جمعی از صداهای افراطی و تفرقه افکنی ماهواره ها و منابر مذاهب، گله داشتند و گروهی، خواستار تشکیل نهادهایی چون «مجمع جهانی علمای اسلام» و «سازمان ملل متحد اسلامی» بودند.

دوم و سوم آذرماه در بحبوحه آخرین مراحل مذاکرات ۵+۱ و ایران در وین و در هیاهوی کری خوانی های سرخابی ها و هواداران شان در حواشی قبل و بعد از شهرآورد حساس تهران، اتفاق مهمی در قم در جریان بود؛ بیش از ۶۰۰ اندیشمند و صاحب نظر از مذاهب مختلف اسلامی با حضور مستقیم و اشراف دو مرجع تقلید شیعه در شهر مرجعیت شیعه در یک کنگره عظیم بین المللی گرد هم آمده بودند تا چاره و علاجه ای برای یک درد مشترک بیندیشند؛ خطر جریان های تکفیری برای اسلام، مسلمین و جهان بشریت. سال هاست که آتش فتنه کوری دامن دنیای

اسلام را فرا گرفته است. تیغی که باید بر پیکره دشمن فرود آید، هر روز در نقطه ای از قلمرو اسلام، بیگناهی را به خاک و خون می کشد؛ برای همین علمای مذاهب اسلامی در کنگره بزرگ قم گرد آمدند تا مانع سرایت آتش این فتنه به همه عالم اسلام شوند و به تعبیر خودشان، اجماعی جهانی علیه تکفیر شکل دهند.

سلفی ها هم به قم آمدند

در این کنگره، تعداد علمای اهل سنت، بیش از شیعیان بود (تقریباً ۶۰ به ۴۰) و بیش از ۷۰ عالم برجسته دنیای اهل سنت حضور داشتند. همه آمده بودند؛ حتی بسیاری از سلفی ها. کسانی که اجتماع شان در یک انجمن واحد تقریباً نامتصور بود و همیشه عادت کرده بودیم تا آنها را جمع اضداد بدانیم و انتظار دیدن شان را در محافل جدل و مناظره در باب مسائل تاریخی و کلامی ببینیم یا اظهار نظرهای تند آنها را در باب یکدیگر در فضای مجازی دنبال کنیم، این بار بنا بر مصلحتی، فارغ از اختلافات اجتناب ناپذیر علمی، کنار هم نشسته بودند تا برای حل این معضل مشترک با یکدیگر «گفت و گو» کنند. آمده بودند که بگویند همه از این اوضاع خسته شده اند و دیگر نشستن و سکوت جایز نیست.

زنگ خطر برای همه مذاهب به صدا درآمده است. چند سالی است که ده ها گروه ریز و

درشت تکفیری در منطقه فعالیت می کنند و تقریباً روزی نیست که خبری شوکه کننده، هولناک و بهت آور از جنایات این گروه های افراطی در رسانه های جمعی و فضای مجازی منتشر نشود؛ فجایعی که آشوب و هراس در جان مسلمانان می افکند و چهره های سیاه و دهشتناک از اسلام در انتظار غیرمسلمانان دارد؛ البته دیگر همه عقلای عالم کمابیش فهمیده اند که این فتنه کور برای بر هم زدن وحدت از کجا آب می خورد و چگونه مشتی جاهل، آلت دست اجانب برای مقابله با موج اسلام گرایی و در چند سال اخیر، بیداری اسلامی شده اند تا هم پروژه اسلام هراسی آنان را پیش ببرند و هم مسلمانان را از مسئله اول خود یعنی فلسطین غافل کنند.

کنگروه ای برای نجات «شهر اسلام» از آتش تفرقه آنان به نام اسلام و اهل تسنن، دست به کشتار مسلمانان از مذاهب اسلامی و نیز ادیان و اقلیت های قومی دیگر زده اند و جالب است که برای نمونه در عراق، تعداد قربانیان و شهدای اهل سنت بسیار بیشتر از شهدای شیعه بوده است و همین نکته است که موجب حضور فعال علمای دیگر مذاهب در این کنگره مؤثر شده است. تعیین حدود و ثغور «شهر اسلام» و تعریف مفاهیمی چون «ایمان»، «کفر»، «فسق» و «بدعت» در طول تاریخ اسلام و به ویژه در



کسانی که هم‌زمان ضربه به اسلام و مسلمین و جهان بشریت می‌زنند. باید به جهان بشریت ثابت کنیم تکفیری‌ها از امت اسلامی نیستند، اینان امروز آبروی اسلام را برده‌اند و اسلام را که مکتب صلح و مهربانی است به خشونت کشیده‌اند. باید جوانان فریب‌خوردهٔ مسلمان را به آغوش اسلام بازگردانیم. مبارزهٔ نظامی با این گروه منحرف لازم است؛ اما کافی نیست و باید با همت علمای اسلام ریشهٔ اعتقادی آنها را خشکانید.

آیت‌الله مکارم شیرازی بخش دوم سخنانش را که بسیار مبسوط و مفصل بود و مفاد مهمی داشت به زبان عربی ایراد کرد. سخنانی که آیت‌الله اراکی، دبیر مجمع تقریب مذاهب اسلامی از آن به «منشور مقابله با تکفیر» تعبیر کرد. ایشان در ابتدای سخن خود به صراحت سه خط قرمز این کنگره را برشمرد: «دوری از مسائل سیاسی مورد اختلاف»، «بحث در مسئلهٔ تکفیر و غلو از دیدگاه مذاهب فقهی و اسلامی و عدم طرح هرگونه بحث در باب مسائل اختلاف‌انگیز مذهبی حتی در یک کلمه» و «احترام به مقدسات همهٔ مذاهب اسلامی». آیت‌الله مکارم از موضوعات متنوعی سخن گفت و با توجه به فضای کنگره، کلامش را فقط مستند به مشترکات مذاهب کرد؛ یعنی آیات قرآن و مشهورات تاریخی.

«داعش» نه «دولت» است و نه «اسلامی»

ایشان پس از سخنانی در تبیین هدف کنگره با اشاره به فجایع وحشیانه و تخریب و کشتار و هتک حرمت نوامیس مسلمانان در چند سال اخیر گفت: این مسئله بهانه‌ای در دست دشمنان اسلام شده است تا اسلام را به دین بربریت و خشونت متصف کنند ... مخالفان اسلام اصرار دارند نام «دولت اسلامی» را روی «داعش» بگذارند؛ در حالی که این تشکیلات، تشکیلاتی انحرافی است که نه دولت است و نه اسلامی ... آغاز این جاهلیت جدید، ناشی از غفلت مسلمانان است؛ غفلتی که موجب شده جماعتی از گمراهان مبادرت به نابودی نعمت‌ها و فتنه‌گری در زمین کنند. آنان هر کسی غیر از خود را کافر حربی دانسته و مرتد اعلام می‌کنند، خون و مال و عرض او را مباح می‌دانند و دست به جنایاتی زدند که حتی تصورش هم برای هر انسانی دشوار است و جالب آنکه، نام اسلام را بر جاهلیت شوم خود قرار داده‌اند.

سه دلیل عمدهٔ انحراف تکفیری‌ها از نگاه آیت‌الله مکارم شیرازی

این مرجع تقلید با اشاره به اظهارنظر پاپ در مورد وجوب واکنش مراجع و علمای اسلام نسبت

بالاخره این زخم کهنه سر باز کرده و هر چند ظاهری تلخ و آزاردهنده دارد؛ اما به زودی با دفع علائم چرکین در آینده‌ای نزدیک از بدنهٔ دنیای اسلام رخت برخواهد بست و به عبارتی امروز در آغاز پایان این جریان سیاه قرار داریم؛ البته درمان این درد، بیش و پیش از همه به هوشیاری و تدبیر زعمای قوم بستگی دارد.

آینده‌پرداز کنگره چه کسی بود؟

برگزاری کنگره‌ای بین‌المللی برای مواجهه با جریان‌های تکفیری در قم دو سال پیش کلید خورد؛ با ایدهٔ آیت‌الله مکارم شیرازی. بلافاصله دبیرخانهٔ آن شکل گرفت و برای ارسال مقالات فراخوان داده شد. چندین پیش‌نشست و میزگرد و کنگره با حضور علمای مذاهب، علاوه بر ایران در سه کشور پاکستان، عراق و سوریه برای آن برگزار شد که هر یک حواشی خاص خود را داشتند؛ مثلاً در نشست سوریه صدای تیراندازی‌های تکفیری‌ها به گوش حاضران می‌رسید و در نشست پاکستان، نمایندهٔ طالبان هم در جمع حضور یافته بود.

کنگره‌ای با حضور مستقیم دو مرجع تقلید

کنگرهٔ بین‌المللی «خطر جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»، صبح روز دوم آذرماه با استقبال وسیع علمای جهان اسلام از ابتکار مرجعیت شیعه در مجتمع فرهنگی و مدرسهٔ علمیهٔ امام کاظم (عج) قم آغاز به کار کرد. حضور آیت‌الله مکارم شیرازی در قامت ریاست کنگره و آیت‌الله سبحانی در کسوت دبیری علمی آن از سویی نشان از حساسیت فعلی اوضاع جهان اسلام داشت و از سویی حاکی از وزانت و فخامت آن مجلس بود. ۳۱۵ اندیشمند خارجی از ۸۳ کشور جهان در کنگره حاضر بودند که بیش از ۷۰ اندیشمند برجسته و طراز اول در میان آنها بودند. از ایران هم ۲۰۰ عالم شیعه و ۱۰۰ عالم اهل سنت آمده بودند.

آیت‌الله مکارم شیرازی و خط قرمزهای «منشور مقابله با تکفیر»

مراسم افتتاحیه با سخنرانی آیت‌الله مکارم شیرازی آغاز شد؛ بخشی کوتاه به زبان فارسی و بخشی مفصل به زبان عربی. ایشان در سخنان ابتدایی خود، آن روز را از بهترین روزهای خود دانست و خطاب به جمعیت حاضر گفت: تا کی باید بنشینیم و شاهد ریختن خون مسلمانان و هتک حرمت ناموس آنان باشیم؟! امروز می‌خواهیم دربارهٔ مهم‌ترین مشکل جهان اسلام مشورت کنیم و راه‌حلی برای خروج از اعمال و افکار شوم تکفیری‌ها بیابیم و تلاش کنیم ریشه‌های اعتقادی آنها را بخشکانیم.

چند سدهٔ نخست اسلامی، به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان اسلام، دست‌مایهٔ مباحث گسترده و پردامنه‌ای در میان آنان بوده است و هر یک به نحوی کوشیده‌اند تا با تفسیر صحیح این مفاهیم، مسلمانان را به رعایت احتیاط در قبال مباح شمردن خون، مال و نوامیس یکدیگر ترغیب کنند؛ البته اختلاف نظرها و رد و جرح‌ها همواره به عنوان امری طبیعی در میان علمای ملل و نحل اسلامی جریان داشته و در بسیاری از مواقع، منجر به رشد و شکوفایی علمی شده است.

جریان تکفیر از خوارج تا وهابیت

مشهور است که بزرگ‌ترین و نمایان‌ترین بروز و ظهور اندیشهٔ تکفیری ضابطه و بی‌حد و مرز در دنیای اسلام در اندیشه و عملکرد خوارج بود و البته شواهد تاریخی، حکایت از آن دارد که برخی از حکام جور نیز در پا گرفتن این اندیشه در میان امت اسلام مؤثر بوده‌اند. این قرائت افراطی در قرون نخستین با تدابیر علمای اسلام تا حدی کنترل شد. چند قرن از التیام نسبی زخم‌های این تیغ مسموم بر پیکرهٔ اسلام نگذشته بود که با ظهور وهابیت جانی دوباره گرفت و با حمایت‌های سیاسی قدرت‌های غربی و حکام مرتجع برخی از کشورهای اسلامی، به ویژه در سرزمین حجاز، فجایع هولناکی به بار آورد. از اولین نشانه‌های آن، تخریب بسیاری از مقدس‌ترین ابنیه و اماکن مسلمانان در مکه و مدینه و سپس حملات وحشیانه به شهرهای عراق و قتل عام بیگناهان در آن مناطق بود. در چند دههٔ اخیر نیز برخی از ثمرات این اندیشه، البته با پشتوانهٔ سیاست و زر و زور در نقاط مختلف جهان آشکار شده است.

هم بیم و هم امید: آغاز پایان یک جریان سیاه

وهابیت که دیروز از درخت دژبندی سلفی، میوهٔ طالبان را چید و فجایع خونباری در افغانستان و پاکستان و شبه‌قارهٔ رقم زد، امروز در لباس اهل سنت با نام‌هایی چون داعش، النصره، بوکوحرام و ... سر برآورده و در عراق، سوریه، آفریقا، یمن و دیگر مناطق اسلامی جنایت می‌کند. فجایع دردناک دنیای اسلام در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اندیشهٔ تکفیر در دنیای اسلام، هیچ‌گاه به اندازهٔ امروز، حساسیت نیافته و خطرناک نبوده است. غدهٔ چرکینی که قرن‌ها پیکرهٔ دنیای اسلام را آزرده و ضعیف کرده بود در سال‌های اخیر سر باز کرده و موجی از بیم و امید ایجاد کرده است؛ بیم از لحظه‌ای غفلت و بی‌بصیرتی مسلمانان و به مخاطره افتادن کیان اسلام و امید به اینکه





به حملات تکفیری‌ها بر ضد غیرمسلمانان و پاسخ منتقدانه خود به آن نامه و نیز محکومیت خشونت این تندروی‌ها حتی توسط بسیاری از اتباع عقاید سلفی، اظهار امیدواری کرد که اجماع علمای مسلمانان بر ضد تکفیری‌ها شکل بگیرد. ایشان با برشمردن سه دلیل عمده انحراف تکفیری‌ها از حق، استبداد رأی را علت اصلی فعالیت‌های جنایتکارانه آنان برشمرد. به کارگیری روش ایمانی نسبت به برخی آیات قرآن و کفران برخی آیات دیگر و خطای بزرگ در تفسیر شرک و ایمان از دیگر دلایل انحراف این جماعت بودند که معظم‌له به تفصیل و با استناد به آیات قرآن به تشریح‌شان پرداخت. آیت‌الله مکارم شیرازی تصریح کرد: «ما با درد بسیار اعلام می‌کنیم؛ آنها از دریای معارف کتاب و سنت، جز اندکی را درک نکرده‌اند و چون نزد علمای راستین اسلام تعلیم نیافته‌اند، تفسیرشان از قرآن و سنت نبوی خطاست ایشان با بیان اینکه «فقط بیان مشکلات و دردها کافی نیست»، با اشاره به مشوه شدن چهره اسلام با اندیشه و عملکرد تکفیری‌ها، یافتن راه‌حل‌ها و درمان‌های مناسب برای ریشه‌کنی این اندیشه‌های افراطی را ضروری دانست.

راه‌حل نظامی کافی نیست، علما همت کنند

در سالی که به پیشنهاد رئیس‌جمهور ایران از سوی مجامع جهانی، سال عاری از خشونت و تندروی نام گرفته، صدها هزار نفر از مردم سوریه و عراق و آفریقا با جنایات تکفیری‌ها کشته و بی‌خانمان شده‌اند؛ این در حالی است که کشورهای غربی به همراه چند کشور مرتجع عربی پس از سه سال حمایت مداوم و مستمر از جریانات افراطی، این روزها ائتلافی نظامی علیه داعش را راه انداخته‌اند که به فرض صادق بودن در مدعای خود، تاکنون هیچ کاری از پیش نبرده‌اند. بخش دیگری از سخنان آیت‌الله مکارم شیرازی به این موضوع اختصاص داشت. بنا به گفته ایشان، راه‌حل نظامی گرچه لازم، اما ناکافی است و در کنار آن، باید بنیان‌های فکری و اعتقادی این گروه‌ها را خشکاند و جوانان غافل و فریب‌خورده را نجات داد و این مهم، بدون مشارکت و اهتمام علما میسر نخواهد شد.

دبیرخانه دائمی کنگره تشکیل شود

آیت‌الله مکارم شیرازی پیشنهاد کردند که دبیرخانه دائمی این کنگره در یکی از شهرهای مهم جهان اسلام با هدف مبارزه فکری و فرهنگی با جریان تکفیرتشکیل شود و اعضای آن نیز از علمای مؤسسات فکری و فرهنگی جهان اسلام باشند.

هیئت رئیسه‌ای با پنج سنی، یک شیعه و یک زیدی مذهب

پس از سخنان آیت‌الله مکارم شیرازی، هیئت رئیسه کنگره در جایگاه قرار گرفتند و سخنرانی‌ها ادامه یافت. هیئت رئیسه متشکل بود از آیت‌الله جنتی (دبیر شورای نگهبان)، تاج‌الدین هلالی (از علمای مصر و مفتی کل سابق استرالیا)، شیخ خالد ملا (عضو ائتلاف ملی عراق و رئیس جماعت علمای جنوب عراق)، شیخ السید حسین برکه (از علمای فلسطین)، شیخ شرف‌الدین شمس‌الدین (از یمن)، شیخ علاءالدین زعتری (معاون مفتی کل جمهوری عربی سوریه) و مولوی نذیراحمد سلامی (از علمای تقریبی سیستان و بلوچستان). همه اعضای هیئت رئیسه به جز آیت‌الله جنتی و شیخ شرف‌الدین شمس‌الدین که شیعه زیدی بود. همگی اهل سنت بودند. پس از چند سخنرانی از سوی شخصیت‌های برجسته علمی و سیاسی با مضمون ضرورت وحدت اسلامی و خطر جریان تکفیر، کنگره بعدازظهر روز دوم آذرماه و صبح و بعدازظهر روز سوم آذرماه با سخنرانی‌ها و ارائه ۶۰ مقاله برگزیده در چهار کمیسیون تخصصی در موضوعات تبارشناسی جریان تکفیر، عقاید تکفیری‌ها، نسبت سیاست و جریان تکفیر و راه‌های مقابله و برون‌رفت از شرایط فعلی، ادامه یافت.

از مقابله با صداهای افراطی تا توجه به آرمان قدس

مهم‌ترین موضوعاتی که صاحب‌نظران با رویکردها و تعابیر مختلف در سخنرانی‌ها و مقالات‌شان به آنها پرداختند، عبارت بودند از: ضرورت حذف صداهای افراطی از ماهواره‌ها و منابر و لزوم نظارت علما بر ماهواره‌های مذهب، ضرورت برخورد با رسانه‌های تفرقه‌افکن، انتقاد از حامیان داعش به ویژه حکومت‌های مرتجع منطقه، ضرورت برخورد با مدارس تکفیری، توجه به آرمان آزادی قدس، تشکیل سازمان ملل متحد اسلامی، هشدار نسبت به عواقب ترویج اندیشه تکفیر، ارتباط تکفیری‌ها با قدرت‌های غربی و صهیونیسم، ضرورت مرزبندی مشخص مذاهب با جریان‌های افراطی، تأثیر اندیشه و عملکرد تکفیری‌ها بر پروژه اسلام‌هراسی، بررسی بی‌ارتباط بودن اندیشه تکفیر با سیره علمای گذشته اسلام، نقد و بررسی اندیشه و اقدامات تکفیری‌ها در آینه قرآن و حدیث، ضرورت وحدت و تقرب مذاهب اسلامی و

مولوی عبدالحمید: قم مرکز ثقل تشیع است

از آن جمله، مولوی عبدالحمید، امام جمعه

اهل سنت زاهدان یکی از میهمانان این کنگره در سخنرانی مفصلی با قدردانی از آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی در برگزاری این کنگره، قم را مرکز ثقل جهان تشیع و یکی از شهرهای علمی مهم خواند و سخنان مهم و مفصلی درباره خطرات فتنه تکفیر، ضرورت وحدت اسلامی حول مشترکات مذاهب، ضرورت دشمن‌شناسی، پرهیز از اهانت‌های مذهبی و نقش و رسالت علمای اسلام در مقابله با افراطی‌گری و تکفیر ایراد کرد.

۷۱۶ مقاله و ۳۵ کتاب ضد تکفیری

آمار کلی مقالات رسیده به دبیرخانه کنگره، ۷۱۶ عنوان بود که از آن میان، ۹۶ مقاله از خارج کشور و ۵۰ مقاله از اهل سنت داخل کشور به اجلاس رسیده بود. این مجموعه مقالات که در هشت جلد کتاب به زبان عربی و فارسی تدوین و نرم‌افزار آن نیز به همت مرکز کامپیوتری نور تولید شد در روز کنگره در بین علاقه‌مندان توزیع شد؛ همچنین در مراسم اختتامیه از هر کمیسیون کنگره سه مقاله و به طور کلی ۱۲ مقاله برتر تجلیل شدند.

همچنین ۳۵ عنوان کتاب به دبیرخانه کنگره ارسال شده بود که در مراسم اختتامیه از برخی از آنها رونمایی شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت؛ از جمله کتاب‌های شاخص، اثر آیت‌الله سبحانی با موضوع بررسی ریشه‌های تکفیر بود که به زبان عربی و فارسی منتشر شده است؛ همچنین اثری با نام «کتاب‌شناسی تکفیر»، شامل معرفی ۳۰۰ کتاب ضد تکفیری نوشته شده توسط اندیشمندان اسلامی و نیز کتابی با موضوع معرفی میراث فرهنگی تخریب‌شده جهان اسلام از سوی وهابیت از دیگر کتاب‌های شاخص این مجموعه بود. در پژوهشی، موسوعه گفتارهای ضد تکفیری علمای اسلام از شیعه و سنی در ۷۰۰ صفحه جمع‌آوری شده بود و در یک پروژه جالب دیگر، مجموعه فتاوی سخیف و بی‌پایه علمای تکفیری گردآوری شده بود.

نمایشگاه عکس و پوستر در حاشیه کنگره

در حاشیه برگزاری این کنگره، نمایشگاهی نیز با هدف نمایاندن چهره واقعی تکفیری‌ها در قم برگزار شد که در آن، عکس‌ها و پوسترهایی از سخنان رهبر معظم انقلاب و مراجع تقلید ایران، عراق و دیگر کشورها درباره تکفیری‌ها و راهکارهای مقابله با این گروه‌های تروریستی و نیز جنایات آنها به نمایش درآمده بود.

این کنگره عظیم که به گفته بسیاری از شرکت‌کنندگان داخلی و خارجی در نوع خود بی‌نظیر بود؛ پس از دو روز فعالیت در عصر روز سوم آذرماه با حضور چهره‌های کشوری





«مجمع جهانی علمای اسلام» تشکیل شود

در یکی از فقرات مهم این بیانیه نیز هراقدام عملی بر اساس اندیشه‌های تکفیری، از جمله عملیات انتحاری، انفجار، ترور، قتل و کشتار و هرگونه اذیت و آزار اهل قبله، اباحه اموال و نوامیس آنان، ایراد خسارت‌های مالی، تخریب و هدم اماکن و آثار اسلامی، حرام شرعی و نمایش تصاویر این عملیات جنایتکارانه موجب وهن دین مبین برشمرده و تصریح شده که ارائه تصویری غیرواقعی و خشن از اسلام، خود حرامی مضاعف است؛ همچنین در این بیانیه پیشنهاد شده که برای برون رفت از مشکلات کنونی، «مجمع جهانی علمای اسلام» برای دستیابی به دیدگاه‌های مشترک، تقویت هم‌گرایی میان علمای اسلام، رفع سوء تفاهم و پرهیز از دامن زدن به مسائل اختلافی تشکیل شود.

دیدار میهمانان خارجی کنگره با رهبر معظم انقلاب

فردای آن روز (چهارم آذرماه)، میهمانان خارجی این کنگره به دیدار رهبر معظم انقلاب رفتند. معظم له در این دیدار به ایراد نکات بسیار مهمی درباره وضعیت جهان اسلام و جریان تکفیر پرداختند که برخی از مهم‌ترین فقرات بیانات ایشان عبارت‌اند از:

۱. احیای جریان تکفیری در سال‌های اخیر مشکل تحمیلی برای اسلام و دست‌ساز استکبار بوده است و این جریان با ظاهری اسلامی، عملاً و کاملاً در جهت اهداف استکباری، یعنی آمریکا و دولت‌های استعماری اروپایی و رژیم صهیونیستی حرکت

محکوم کردن جنایات گروه‌های تکفیری در کشورهای منطقه و تأکید بر بی‌ارتباط بودن جریانات تکفیری و افراطی با آیین حیات‌بخش اسلام بر موضوعات مهمی تأکید شده بود: توجه به وجه رحمانی اسلام، روحیه اخوت، دعوت به نیکی و احسان، تبیین شیوه صحیح مواجهه با اندیشه‌های مخالف در اسلام (بر مبنای اصول حکمت، پند نیکو و جدال احسن)، وحدت و تقرب مذاهب، پشتیبانی همه آحاد امت اسلامی از آزادی همه سرزمین فلسطین به عنوان یک فریضه دینی، رسالت علمای دین بر آگاه کردن جوانان مسلمان فریب‌خورده، ضرورت هشجاری نسبت به ترفندهای استکبار جهانی، دفاع از مقدسات و مصالح امت اسلامی در برابر دشمنان اسلام، پرهیز از اهانت به مقدسات دیگران و دامن زدن به اختلافات بین مذاهب

در بیانیه پایانی، همچنین تأکید شده که برخی اندیشه‌های انحرافی که به بهانه‌های واهی و به دلیل بعضی باورها یا مراسم دینی که مورد قبول اکثریت علمای اسلام است، سایر مسلمانان را تکفیر می‌کنند، محکوم و مردود است و ... به‌ویژه بر علما و مراجع دینی است که با صدور فتوای قاطع خود، گامی مهم در مبارزه با تکفیر بردارند. رواج تکفیر در جامعه، فتنه‌ای است که نزد قاطبه مسلمانان منفور بوده است، مسلمانان باید چون گذشته به مخالفت با تکفیر اهل قبله همت و آتش فتنه جدید را خاموش کنند تا آثار زیانبار آن، مقدسات و مصالح امت اسلامی را به نابودی نکشاند.

و حوزوی به کار خود پایان داد. در مراسم اختتامیه، دبیران چهار کمیسیون تخصصی به بیان گزارشی از نتیجه جلسات و مصوبات این کمیسیون‌ها پرداختند؛ پس از حضور هیئت رئیسه در جایگاه، چهره‌هایی چون دکتر علی‌اکبر ولایتی، شیخ محمدتقی مولا (از علمای موصل)، شیخ بلال سعید شعبان (دبیر کل جنبش التوحید الاسلامی لبنان) و ... به سخنرانی پرداختند.

آیت الله سبحانی: مطالب تکفیری از مفاد درسی حذف شود

در ادامه، پس از رونمایی از آثار و تجلیل از صاحبان مقالات برتر، آخرین پرده این کنگره مربوط به سخنرانی آیت الله العظمی سبحانی بود. ایشان با بیان اینکه مسئله تکفیری ضابطه با قواعد اسلام سازگار نیست و با تمام معنا محکوم است، تکفیر اهل قبله را بزرگ‌ترین منکر دانست و پیشنهادهایی عملی برای ریشه‌کن کردن این اندیشه افراطی ارائه کرد؛ از جمله اینکه معظم له با تأکید بر ضرورت حذف مطالب تکفیری در مفاد درسی برخی کشورها گفت: مطالبی مانند شرک دانستن توسل به انبیا و اولیا در ترویج تروریسم مؤثر است و باید از کتب درسی مقطع دبیرستان برخی کشورها اصلاح شود.

بیانیه شش‌بندی در مخالفت با تکفیر اهل قبله پس از سخنان آیت الله سبحانی، این کنگره با قرائت بیانیه مهم شش‌بندی به وسیله شیخ نبیل نعیم از علمای اهل سنت مصر، به کار خود پایان داد. در این بیانیه مفصل و مهم با



می‌کند و اقدامات آن به ویژه تلاش برای به فراموشی سپرده شدن مسئله اصلی فلسطین و مسجدالاقصی بوده است. از مهم‌ترین و اولویت‌دارترین وظایف علمای جهان اسلام در شرایط کنونی، ایجاد یک نهضت علمی، منطقی و فراگیر برای ریشه‌کن کردن جریان تکفیری، روشننگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری در احیای این جریان و اهتمام جدی و مطالبه عمومی در مورد قضیه فلسطین به عنوان مسئله اصلی دنیای اسلام است. در این میان، موضوع اصلی، مقابله همه‌جانبه با جریان احیا شده و خطرناک تکفیری است که فراتر از گروه موسوم به داعش است و در واقع، داعش یکی از فروع این شجره خبیثه است.

خط مقدم مبارزه، فلسطین است نه خیابان‌های عراق و پاکستان و لیبی

۲. حرکت جریان تکفیری در جهت اهداف استکباری و در خدمت به منافع دشمنان اسلام، شواهد روشنی دارد:

الف) منحرف کردن حرکت بیداری اسلامی: بیداری اسلامی حرکتی ضد آمریکایی، ضد استبدادی و ضد دست‌نشانندگان آمریکا بود که جریان تکفیر، این حرکت عظیم ضد استکباری را منحرف و به جنگ خانگی و برادرکشی میان مسلمانان تبدیل کرد. خط مقدم مبارزه مسلمانان در این منطقه، فلسطین اشغالی بود؛ اما جریان تکفیر این خط مقدم را تغییر داد و به داخل خیابان‌ها و شهرهای عراق، سوریه، پاکستان و لیبی کشاند و این، یکی از جنایات‌های فراموش نشدنی جریان تکفیر است.

ب) شاهد دیگر آن است که پشتیبانان جریان تکفیر در مقابل رژیم صهیونیستی یک اخم هم نمی‌کنند و حتی با این رژیم برای مقابله با مسلمانان همکاری می‌کنند؛ ولی برای ضربه زدن به کشورها و ملت‌های اسلامی حضور فعال دارند و بهترین نمونه آن، تنها گذاشتن محور مقاومت در جنگ ۵۰ روزه غزه بود.

ج) شاهد دیگر، اقدام اخیر و مکرر هواپیماهای ترابری آمریکا در پرتاب تجهیزات جنگی برای گروه موسوم به داعش در عراق بود. آمریکایی‌ها در ظاهر، مدعی تشکیل ائتلاف ضد داعش هستند که یک دروغ محض است؛ زیرا هدف اصلی این ائتلاف، زنده نگه داشتن فتنه جنگ و درگیری میان مسلمانان است که البته به اهداف خود نخواهند رسید.

د) شاهد دیگر، نابودی زیرساخت‌های ارزشمند کشورهای اسلامی و مخدوش کردن چهره اسلام رحمت و تعقل و منطق با نشان دادن تصاویر جنایات خود علیه مسلمانان

بی‌گناه در مقابل دوربین و به نام اسلام است که از اقدامات خبیثانه جریان تکفیر است.

علماء، بیزاری سلف صالح از این اقدامات را نشان دهند

۳. در شرایط کنونی، علمای جهان اسلام چند وظیفه مهم دارند:

الف) ایجاد نهضتی علمی و منطقی و فراگیر از جانب علمای مذاهب اسلامی برای ریشه‌کن کردن جریان تکفیر. این جریان با شعار دروغین سلف صالح وارد شده است و باید با زبان دین، علم و منطق، بیزاری سلف صالح را از این اقدامات نشان داد. علما باید با این نهضت علمی و منطقی، جوانان بیگانه‌ای را که گرفتار این جریان خبیث شده‌اند، نجات دهند.

ب) علمای اسلام باید نسبت به نقش سیاست‌های آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در احیای جریان تکفیری روشننگری کنند.

ج) علما باید اهتمام جدی به قضیه فلسطین و مسجدالاقصی داشته باشند و از مورد غفلت واقع شدن این موضوع اصلی دنیای اسلام جلوگیری کنند. رژیم صهیونیستی به دنبال تصرف قدس و مسجدالاقصی و تضعیف هر چه بیشتر فلسطینی‌هاست. همه ملت‌های اسلامی و همچنین علما باید از دولت‌های خود، مسئله فلسطین را مطالبه و پیگیری کنند. جمهوری اسلامی ایران، اسیر محدودیت‌ها و اختلافات مذهبی نشده و همان‌گونه که به حزب‌الله شیعہ در لبنان کمک می‌کند به حماس و جهاد اسلامی و دیگر گروه‌های اهل سنت در فلسطین نیز کمک می‌کند و به این کمک‌ها ادامه خواهد داد.

کنگره ضد تکفیر؛ فتح باب دیگری همگرایی و تقرب

باری، کنگره خطر جریان‌های تکفیری از منظر علمای اسلام در نوع خود بی‌نظیر بود؛ هم از حیث حضور مستقیم و اشراف مراجع تقلید، هم از حیث تعداد شرکت‌کنندگان و هم از لحاظ تنوع تیپ‌ها و نحل‌های شرکت‌کننده. حتی سلفی‌ها که تا پیش از آن حضورشان در شهر مرجعیت شیعہ تقریباً به کلی نامتصور بود. نفس هم‌نشینی، هم‌دلی و گفت‌وگو میان علمای مذاهب، یک دستاورد مهم محسوب می‌شود تا شاید فتح بابی شود برای هم‌گرایی بیشتر مذاهب اسلامی و تمرینی برای تصحیح ذهنیت‌ها نسبت به همدیگر. اینکه طرفین متوجه شوند وحدت به معنای گونه‌ای همزیستی مسالمت‌آمیز بر اساس مصالح و اشتراکات است و قرار نیست در فرایند وحدت، افکار و اندیشه‌ها یکی شود؛ چرا که خاستگاه و ظرف

تحقق وحدت، مناسبات انسان‌ها با هم است نه فکر و اندیشه. نه حقانیت یک مذهب برابر با نامشروع بودن وحدت است و نه مشروعیت وحدت، عبور از خط قرمز حقانیت مذهب.

تقرب برای جمهوری اسلامی یک راهبرد است، نه یک تاکتیک

این کنگره همچنین از جهتی نشانه صدق ادعای جمهوری اسلامی در پرچم‌داری وحدت و تقرب مذاهب اسلامی در دنیای اسلام است و همان‌گونه که رهبران نظام، بارها بر آن تأکید کرده‌اند، مسئله تقرب برای جمهوری اسلامی یک راهبرد است و نه یک تاکتیک که اختصاص به موقعیت و زمان خاصی داشته باشد؛ البته تحقق این مهم، نیازمند مشارکت و عزم عمومی و به‌ویژه همکاری هیئات مذهبی و پرهیز آنان از هرگونه حرکت نامعقول، افراطی و تفرقه‌افکنانه است. نکته جالب اینکه مسئولان قم از هیئات مذهبی آن شهر خواسته بودند که در برگزاری این کنگره جهانی همکاری‌های لازم را با آن داشته باشند.

باز هم غفلت و کوتاهی رسانه‌ها

متأسفانه این رویداد بزرگ فکری و فرهنگی، به رغم همت ستودنی مراجع تقلید و دیگر دست‌اندرکاران آن، بازتاب رسانه‌ای مناسبی نداشت و در هیاهوی مسائل کم‌اهمیت‌تر گم شد؛ البته برگزاری این کنگره در قم، فرصت مغتنمی برای حضور گسترده مراجع دیگر قم و نجف یا نمایندگان‌شان هم بود که جای‌شان خالی بود؛ گرچه برخی از مراجع، دورادور به اهمیت این کنگره تأکید کردند؛ همچنان که آیت‌الله جوادی آملی در درس تفسیر خود در مسجد اعظم قم با اشاره به اهمیت این کنگره به فضیلت توصیه کردند که از این فرصت مناسب برای پاسخ دادن به شبهات استفاده کرده و میهمانان این کنگره را با دست پر بدرقه کنند.

الزهر به دنبال قم

ابتکار عمل مرجعیت شیعہ در برگزاری این کنگره عظیم، علاوه بر تأثیرات مهم در از میان بردن پدیده شیعہ‌هراسی و ایران‌هراسی، ایجاد وحدت و هم‌گرایی بین علمای شیعہ و سنی و نیز تقویت احساس مسئولیت در میان علمای اسلام، می‌تواند الگوی دیگر مجامع علمی در برگزاری چنین کنگره‌هایی باشد؛ همچنان که یکی از نخستین نتایج و ثمرات این ابتکار مهم در الزهر مصر آشکار شده است. علمای الزهر به فراست افتاده‌اند تا آنان نیز کنگره‌ای در براءت از تکفیر و تکفیری‌ها، آن هم فقط چند روز پس از کنگره قم در روزهای ۱۲ و ۱۳ آذرماه با نظارت شیخ احمد الطیب، شیخ الزهر برگزار کنند.





علامه حکیمی:
کتاب جورج جرداق، کامل‌ترین اثر بعد از «الغدیر»
درباره امام علی (ع) است

در شکوه سُخنِ مردی که «غواص بحر معنا» بود

گزارشی از متن و حاشیه‌های یک مراسم

خیاما

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳

مسیحیان‌ش هم به اهل بیت پیامبر ﷺ علاقه داشتند. اولین بارقه‌های علاقه او به تحقیق درباره امام علی (ع) در خانواده‌اش روشن شد؛ برادرش فؤاد که دستی در شعر و ادبیات داشت و اشعاری در مدح امام علی (ع) هم سروده بود. در ایام کودکی‌اش، یک روز کتابی قطور (نهج البلاغه) را به وی هدیه داده و به او گفته بود که همه ادبیات عرب در آن کتاب خلاصه شده است. پدرش نیز که سنگ‌تراش بود، سنگی با نقش «لافتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار» بر سردر خانه‌شان نصب کرده بود. به جز فضای خانواده و محله، فضای دانشگاه بیروت آن زمان هم، البته به علاقه و توفیق‌اش در

گرفته تا سلیمان کتانی و سعید عقل و جورج شکور و دیگران، اما بی‌شک هیچ یک از آنان، شهرت جورج جرداق را در نزد ایرانیان نیافته‌اند. نام این استاد فقید که ۱۴ آبان‌ماه یک روز پس از عاشورای حسینی در ۸۳ سالگی رحلت کرد به واسطه شاهکارش با نام «الامام علی؛ صوت العدالة الانسانیة» در نزد ایرانیان با امام علی (ع) و نهج البلاغه پیوند خورده است. جورج سجعان جرداق، شاعر و نویسنده نامدار لبنانی در سال ۱۹۲۶ میلادی در مرجعین (مرکب از مرج و عیون: محل جوشش چشمه‌ها) از مناطق جنوب لبنان به دنیا آمد. بازی‌های کودکی‌اش در محله‌هایی گذشت که علاوه بر مسلمانان،

«غواص بحر معنا» نام یکی از معدود مراسم‌هایی بود که در بزرگداشت یک بزرگ‌مرد در ایران برگزار شد. با پیام استاد محمدرضا حکیمی. جورج جرداق آنقدر شیفته علی (ع) بود که بعد از درگذشت‌اش همه می‌پرسیدند: «بالاخره شیعه شد یا مسیحی ماند؟!»; کسی نمی‌داند. مهم آن است که به قول علامه حکیمی کامل‌ترین و تمام‌ترین کتاب را بعد از «الغدیر»، درباره امام علی (ع) نوشت.

در چند دهه اخیر در میان جامعه مسیحیان لبنان، چندین متفکر، نویسنده و شاعر برجسته ظهور کرده‌اند که عشق و علاقه آنان به پیشوایان اسلام و تشیع زبان‌زد شده است؛ از پولس سلامه



جمعی از فرهیختگان و اساتید ایرانی و لبنانی، بعد از ظهر روز یکشنبه دوم آذرماه در سالن همایش های مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی برپا شد.

بی شک مهم ترین بخش این مراسم، قرائت پیام استاد محمدرضا حکیمی درباره مرحوم جورج جرداق بود. مرحوم جورج جرداق، همچنان که از نام کتابش پیداست، عمری دغدغه مرام و عدالت علی علیه السلام را داشت و البته پیامی از مؤلف اولین دائرة المعارف مدون حدیثی شیعه که او نیز عمری دغدغه قسط و عدالت داشته در شکوه بیان و بنان این استاد فقید، درخور و خواندنی است. متن کامل پیام استاد حکیمی درباره مرحوم جورج جرداق که توسط حجت الاسلام زائری قرائت شد، بدین شرح بود:

بسم الله الحکیم المتعال

مرزبان بزرگ تشیع، مرحوم علامه مجاهد، سید عبدالحسین شرف الدین عاملی، صاحب کتاب گرانسنگ «المراجعات» که مشتمل بر نامه هایی است رد و بدل شده، میان ایشان و رئیس اسبق الازهر، جناب شیخ سلیم بشری و سرانجام شیخ ازهر در آخرین نامه خود (نامه ۱۱۱) تصریح می کند که مسانی مطالبی نادرست درباره شیعه می گفتند؛ ولی تو مرا از حقیقت مذهب شیعه مطلع کردی؛ مذهبی گرفته شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام و تو سبب راهیابی من به حقیقت شدی.

اثر جورج جرداق، کامل ترین کتاب بعد از «الغدیر»

باری، علامه مجاهد و مرزبان، سید شرف الدین عاملی در نامه ای تقریظ گونه به مرحوم استاد بزرگ جورج جرداق، درباره کتاب او در شرح شخصیت حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، خطاب به او به این مضمون می گوید: «اگر می خواهید درباره اهمیت و ارزش کتاب «الامام علی علیه السلام؛ صوت العدالة الانسانیة» سخنی درخور بگویم، قلم خود را و بیان شگرفتان را به من عاریه بدهید تا حق سخن ادا شود.

مرحوم علامه جعفری نیز تقریظی عمیق بر کتاب «صوت العدالة» نوشته اند. کتاب در چاپ بیروت در پنج جلد، سال ها پیش انتشار یافته است و نه اینکه در این کتاب حق امام علی علیه السلام کامل و تمام ادا شده باشد؛ اما جورج جرداق، کامل ترین و تمام ترین کتاب را. بعد از کتاب «الغدیر». نوشته است. در پایان جلد پنجم که مؤلف مرحوم، تقریظ های دانشمندان کشورهای مختلف را درج کرده است (از سنی و شیعه و مسیحی)، تقریظ علامه جعفری را نیز آورده است. فکر پرافاق نویسنده و قلم سیال او، و واژگان بسیار سرشار او و تعبیرات سحرآفرین کتاب، باعث شده تا کتاب «صوت العدالة» به

علاقه اش کتاب بود و یکی از دغدغه های همیشگی او، کتابخانه شخصی اش. می گفت که با نوشتن، زنده است و همیشه چند کار چاپ نشده، دم دستش داشت. ظاهراً دو بار به ایران مسافرت کرده بود که همواره از آنها به نیکی یاد می کرد؛ در یکی به دیدار و گفت و گو با علمای قم رفته بود و دیگری در مراسم بزرگداشت سعدی بوده است. همواره از علاقه اش به ایرانیان می گفت؛ گرچه از ناشران ایرانی آثارش دل خوشی نداشت؛ چون نه حق التألیف کتاب هایش را به او پرداخته بودند و نه نسخه ای از چاپ های جدید کتاب هایش برای او ارسال کرده بودند.

جورج جرداق در سال های آخر عمرش با بی توجهی مسئولان لبنانی و نیز مقامات ایرانی، حال و روز چندان مساعدی نداشت. او در یکی از مناطق قدیمی بیروت، زندگی فقیرانه ای را می گذرانده و از طریق فعالیت نه چندان منظم اش در رادیو لبنان، امرار معاش می کرد و حتی به سبب تنگدستی، ناچار شده بود که بخشی از کتاب های ارزشمند کتابخانه شخصی اش را برای گذراندن مخارج روزمره اش به معرض فروش بگذارد.

این استاد فقید، سرانجام روز ۱۴ آبان ماه (۱۱ محرم) پس از عمری تألیف و تحقیق به دیار باقی شتافت. به رغم همه این خدمات به فرهنگ اسلام و تشیع و با آن همه علاقه به فرهنگ و مردم ایران، نه در دوران حیات اش چنان که باید، قدر او دانسته شد و نه به بهانه وفاتش مراسم درخوری برای یادبود شخصیت و افکار و آثارش گرفته شد.

همایش «غواص بحر معنا»

«غواص بحر معنا» نام یکی از مراسم های معدودی بود که در بزرگداشت این بزرگ مرد در ایران برگزار شد. این مراسم با ابتکار حجت الاسلام و المسلمین زائری و با حضور

این حوزه مطالعاتی افزود؛ جایی که نهج البلاغه به عنوان یکی از متون کهن ادبیات عرب تدریس می شد. او در آنجا در دو رشته ادبیات عرب و فلسفه عرب تحصیل کرد و در هر دو حوزه، ناگزیر از شناخت شخصیت امام علی علیه السلام به عنوان یک شخصیت ادیب و متفکر تاریخ عرب بود. از همین روی، تصمیم گرفت که تحقیقی جدی و جامع درباره شخصیت امام علی علیه السلام انجام دهد. همه آثار شیعه و سنی را درباره امام خواند و به نتیجه جالبی رسید؛ مسلمانان به علی علیه السلام ظلم کرده اند و شخصیت بزرگ و ابعاد انسانی و فرازمانی و فرامکانی او در میانه بحث های حاشیه ای مربوط به مسائل تاریخی و کلامی و مسئله خلافت، گم شده و مانع از آن شده تا چهره نورانی و انسانی او را ببینند.

نام جرداق خیلی زود با اثر جاودانه علمی و ادبی اش با نام «الامام علی؛ صوت العدالة الانسانیة» بر سر زبان ها افتاد؛ زمانی که جوانی بیست و چند ساله بود. جالب آنکه مقالات این اثر، نخستین بار با استقبال و هزینه جمعی از کشیش های مسیحی لبنان منتشر شد. این کتاب حدود نیم قرن پیش در پنج جلد با عناوین «علی علیه السلام و حقوق بشر»، «علی علیه السلام و انقلاب فرانسه»، «علی علیه السلام و سقراط»، «علی علیه السلام و زمانه اش»، «علی علیه السلام و قومیت عرب» و ضمیمه بزرگ این مجموعه با نام «روائع نهج البلاغه» منتشر شد و از آن زمان تاکنون بیش از دو میلیون نسخه از این اثر نفیس در سراسر جهان به فروش رفته است.

جوارج جرداق، ایران، تشیع

جورج جرداق، مسیحی بود؛ اما هیچگاه نام علی علیه السلام را بدون امام بر زبان نراند. گفته بود که شیفته شخصیت انسانی علی علیه السلام شده و علی علیه السلام را از مسیح بالاتر می دانست؛ بزرگ ترین

نام یکی از بی نظیرترین کتاب‌ها در بلاغت عربی یاد شود.

زبان عرب، زبان بلاغت است. در زبان عربی، شعر و خطابه و نامه و کتاب، همه آثاری پراز و پرافاق فراوان است؛ اما «صوت العدالة» در میان آن همه آثار، درخششی چشمگیر دارد. جورج جرداق نمی‌نویسد؛ بلکه تصویر می‌آفریند و تابلو می‌سازد و از رسالت واژه و تعبیر به سرشاری استفاده می‌کند. همان‌گونه که امام علی (ع) به زندگی، حیات بخشید و ارج انسانی را فریاد کرد و شاکله عدالت را اساس ضروری جامعه‌ها و تمدن‌ها شمرد و در فضای ملکوتی و تعبیر پر نور نهج البلاغه، خدا و انسان و زندگی و عدالت را سرود و به واژه‌ها جان جاودان داد، نویسنده «صوت العدالة» نیز به پیروی از خطب علوی و در کتاب خود در شرح مقداری از شخصیت امام علی (ع)، آفاق آفرید و آفاق اوج گرفت و تعبیرات و واژگانی آنچنان را عرضه کرد و در آفاق لاهوتی شخصیت علی (ع)، حقیقت علوی و به تعبیر خود او «فریاد عدالت انسانی» او نیز اوج گرفت. واژه و تعبیر در کتاب او، چیزهایی نیستند که خواننده کتاب، فقط آنها را بخواند؛ بلکه خواننده کتاب، هنگام روبه‌رو شدن با «فریاد عدالت انسانی» و آن همه واژه و تعبیر و آن همه تابلو و تصویر، باید نخست همراه نویسنده کتاب با واژه‌ها و تعبیرهای بسیار ذوق‌پرور و دلکش کتاب به راه افتد تا به بلندی مضامین علوی کتاب برسد و از مشعلی به نام امیرالمؤمنین علی (ع) که معنای زندگی و انسان و عدالت را روشن کرد، پرتو گیرد و با شکوه این کتاب در آستانه جلال و مقام علی (ع) سرفرو آورد.

سخن درباره این کتاب شگفت و این قلم شکوهمند و این نویسنده عاشق، بسیاری می‌توان گفت که می‌گذرم. جورج جرداق نویسنده توانا و سحرآفرین بود که همواره در تاریخ اسلام زنده خواهد ماند. آری، هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق؛ به‌ویژه که او به نقطه اوج آفاق اندیشه و کردار و گفتار امام علی (ع) که بعد از توحید، عدالت بود، توجه یافت و نام کتاب پنج‌جلدی خود را چه زیبا و شورانگیز و شورگستر، «الامام علی؛ صوت العدالة الانسانية» گذاشت و همین نام‌گذاری کافی است برای اینکه انسان بداند که نویسنده کتاب، دارای وجدانی بیدار و دلی حق جو و در بلاغت، توانی بسیار بسیار بالا دارد و کتاب او از نظر حیات بخشیدن به واژه در اوج زیبایی است و از نظر جلالت تعبیر، کم‌مانند است.

جورج جرداق با مطالعه تاریخ اسلام و تاریخ فلسفه، بخش «علی و سقراط» را می‌نگارد و نکاتی مهم را از زندگی انسان‌ساز و جامعه‌پرداز انسان‌های بزرگ یادآور می‌شود. خوب است در اینجا اشاره کنم به شعری در مدح و ثناگستری

حضرت علی (ع)، سروده برادر بزرگ‌تر جورج جرداق، یعنی فؤاد جرداق که نویسنده در پایان جلد پنجم «صوت العدالة» آن را ذکر کرده است. مضمون این شعر که در آن اشاره به «نهج البلاغه» شده، چنان آفاق یافته است که می‌توان به عنوان ترجمه آزاد گفت: «آیا می‌توان تصور کرد که در جامعه‌ای و در میان مردمی که نهج البلاغه وجود دارد و آن جامعه و آن مردم، خود را معتقد به نهج البلاغه و صاحب نهج البلاغه می‌دانند، ظلم و ستم هم باشد؟ و محرومانی از امکانات مختلف زندگی بسر برند؟ و یتیمانی گرسنه بخواهند؟»

باری، برمی‌گردیم به سخن بسیار پر معنا و پر اشاره و تاریخ‌ساز خود جورج جرداق و خطاب دردمندانه و هشدارگونه او به تاریخ که با توجه به وضع اسف‌بار انسان و انسانیت. در شرق و غرب و دسترس نداشتن انسان‌ها به رهبرانی انسان‌دوست و عدالت‌گستر که می‌گوید: «ای تاریخ! کاش می‌شد هر از گاهی (بلکه قرنی) یک علی بن ابیطالب (ع) به شریعت قرون و اعصار تقدیم می‌کردی تا کسی بتواند به نجات انسان و شکوفایی انسانیت و همه‌گیر شدن عدالت امیدوار شود.

محمدرضا حکیمی، ۹۳/۹/۱

لبنان حتی سید مسیحی نیز دارد

پس از قرائت پیام استاد حکیمی، نخستین سخنران مراسم، میرمسعود حسینیان، معاون مدیر کل خاورمیانه و شمال آفریقای وزارت امور خارجه بود که با اشاره به موقعیت خاص مذهبی و فرهنگی کشور لبنان گفت: وجود اشخاصی چون جرداق در لبنان، چندان عجیب نیست و در لبنان حتی سید مسیحی نیز وجود دارد! شاید در مصر و کشورهای دیگر، بعد از جریانات پیش آمده، فضای فعالیت، کمی متشنج شده باشد؛ اما لبنان همواره بستری مناسب برای ظهور و بروز فعالیت‌های فرهنگی از این دست بوده است. حسینیان به توصیف یکی از خاطراتش درباره جرداق پرداخت و گفت: در مراسمی که به مناسبت عید غدیر در لبنان برگزار شده بود از او سبب نوشتن‌اش درباره امام علی (ع) را پرسیدم؛ گفت: از کودکی اهل کتاب و مطالعه بودم؛ اما شوقی به مدرسه نداشتیم و از آن فرار می‌کردم. برادر بزرگ‌ترم فؤاد روزی کتابی به من داد تا مطالعه کنم. آن کتاب، نهج البلاغه بود؛ وقتی مطالعه کردم، مبهوت آن شدم و از آن پس نهج البلاغه یکی از مبانی اصلی مطالعاتی‌ام شد.

نظر آیت‌الله بروجردی درباره کتاب جورج جرداق

شمس فراهانی، مدیر انتشارات فراهانی سخنران بعدی بود؛ ناشری که اولین سری کتاب‌های

جورج جرداق را در ایران به چاپ رسانده است. او گفت: خانواده ما از قدیم، مذهبی بوده و من هم به نشر علوم انسانی و اسلامی بسیار علاقه داشتم. زمانی که مجموعه «صوت العدالة الانسانية» جرداق در لبنان به چاپ رسید، من آنها را با گونی از گمرک تحویل گرفتم و به دلیل مشکلات امنیتی قبل از انقلاب، چند روزی هم مهمان مکانی نامعلوم بودم. این کتاب بسیار مورد توجه حضرات آیات حکیم و بروجردی قرار گرفت؛ مرحوم حکیم نامه‌ای درباره آن نوشت و آیت‌الله بروجردی هم فرمود: اشخاص بسیاری در رثای امام علی (ع) کتاب نوشته‌اند؛ اما بهره من از کتاب جورج جرداق بسیار بیشتر از آنها بوده است. خلاصه ما این کتاب را در سال ۱۳۴۵ و به دست گروهی از مترجمان به فارسی ترجمه و آماده چاپ کردیم. استقبال از کتاب آنچنان زیاد بود که بعد از یک ماه به چاپ دوم رسید.

حجم آثار مسیحیان لبنان درباره امام علی (ع) پیش از مسلمانان است

استاد و ویکتور الکک، اسلام‌شناس و ایران‌شناس معاصر مسیحی لبنان، دیگر مهمان این نشست بود که با بیان بخشی از خاطرات خود با جورج جرداق به نکته جالبی درباره علاقه مسیحیان لبنان به شخصیت و اندیشه امام علی (ع) اشاره کرد. او گفت: «حجم کتاب‌ها، اشعار و نوشته‌های مسیحیان لبنان درباره امام علی (ع) از نوشته‌ها و سروده‌های مسلمانان آن دیار بیشتر است». الکک که به قول خودش جورج جرداق را از کودکی می‌شناخته به توصیف وجوهی از شخصیت و اندیشه این استاد فقید پرداخت و گفت: معتقدم اولین و بهترین اثر دوره معاصر درباره امام علی (ع) را جورج جرداق نوشته است. الکک در پایان، یکی از اشعار خود در مدح امیرالمؤمنین (ع) را قرائت کرد.

حجت‌الاسلام زائری، مدیر مؤسسه سرچشمه هم در سخنان کوتاهی در این نشست گفت: ما امروز به احترام یک عاشق امام علی (ع) در اینجا جمع شده‌ایم. کتاب جورج جرداق با وجود همه مسائلی که برای آن ایجاد شده، قطعاً تا قیامت پایدار و ماندگار است. بعد از انتشار این کتاب از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس و مصر بارها او را وسوسه کردند که درباره برخی از شخصیت‌های دیگر اسلام نیز کتابی را بنویسد؛ اما او هیچ‌گاه زیر بار این حرف‌ها نرفت. او همواره می‌گفت: من متواضعانه می‌گویم که هر آنچه نوشته‌ام در مقابل شخصیت امام علی (ع)، چونان قطره‌ای در مقابل دریا است.

تکفیری‌ها به آرزوی شان رسیدند!

حجت‌الاسلام زائری، پیشتر در ایام وفات



جرداق، یادداشتی خواندنی با نام «تکفیری ها به آرزوی شان رسیدند!» منتشر کرده بود و در آن با مرور برگ هایی از دفتر زندگی، اندیشه و خدمات جرداق به فرهنگ شیعی و اسلامی و نیز ارادت وی به امام علی (ع)، دلیل کینه جریانات متعصب وهابی و تکفیری از این نویسنده و شاعر مشهور مسیحی را بیان کرده بود؛ همانان که از سر همین عصبیت و کینه ورزی در سال های اخیر، بارها در سایت های خبری خود خبر فوت او را منتشر کرده بودند! در یکی از فقرات خواندنی آن یادداشت آمده است: (مرحوم جرداق) همیشه با شور و حرارت می گفت: اگر من از امام علی (ع) هیچ نشنیده و هیچ نخوانده بودم و ایشان را جز با این حدیث نمی شناختم، همین جمله حضرت اش برای شیفتگی و عشق و ارادت من کافی بود که فرموده: «اگر هفت اقلیم را به من

یادداشت هایی درباره شخصیت و زندگی آن استاد فقید و معرفی کتاب «الامام علی (ع)؛ صوت العدالة الانسانیة»؛ برپایی نمایشگاهی از عکس ها و دست نوشته هایی از مرحوم جورج جرداق.

جورج جرداق بالاخره شیعه شد یا نه؟!

زمانی که خبر درگذشت این استاد فقید در رسانه ای مجازی منتشر شد، یکی از اولین سؤالاتی که به ذهن بسیاری از ما ایرانیان آمد و در نظرات و کامنت های ذیل خبر مربوط به درگذشت ایشان نیز انعکاس یافت، این بود که «جورج جرداق بالاخره شیعه شد یا نه؟!». ظاهراً خود او در سال های پایانی عمرش چنین به این سؤال جواب داده بود که مسیحی یا مسلمان بودن تفاوتی نمی کند؛ مهم این است که بتوانیم



بدهند که در مقابلش تنها پر کاهی را از دهان مورچه ای بستانم، هرگز چنین نخواهم کرد». در بخش دیگری از این مراسم، خانم دکتر العوام از فعالان دانشگاهی سوریه به ارائه سخن پرداخت و با اظهار شگفتی و تقدیر از بزرگداشت یک شاعر و نویسنده عرب در ایران گفت: جای بسی خوشحالی است که در ایران، مردم قدرشناس و فرهنگ دوستی هستند که یاد آنان، نویسندگان و اندیشمندان و هنرمندان عرب را زنده نگه می دارند.

مستند «پرچین راز» و چند برنامه جانبی

همایش «غواص بحر معنا» چند برنامه جانبی مهم هم داشت؛ نمایش مستندی ۴۵ دقیقه ای با نام «پرچین راز» درباره زندگی و آثار جورج جورداق؛ رونمایی از کتابی درباره جورج جرداق که توسط دبیرخانه دائمی همایش «باران غدیر» تدوین شده بود، شامل مقالات و

انسان پاکی بوده و به آموزه های پیامبران آسمانی عمل کنیم. اسم ها برای من مهم نیست؛ من عاشق مرام و انسانیت علی (ع) بوده و هستم و باید بگویم که من خود را از شیعیان علوی می دانم.

موضوع مهم تر از حواشی مربوط به تغییر کیش و مذهب مرحوم جورج جرداق این است که در حالی که بسیاری از مدعیان و منتسبان به تشیع از لطایف و ظرایف کلام معصومین (ع) بی بهره اند، بنابر مشهور، او بیش از ۲۰۰ بار نهج البلاغه را مطالعه کرده بود و آثارش در واقع، شرح همین شیدایی و شیفتگی به مرام امیرالمؤمنین (ع) است. مگر امام باقر (ع) نفرمود: «ان حدیثنا یحی القلوب»، جورج جرداق دلش به نور حقیقت روشن شده بود و مصداق همان قول خواجه شیراز بود که استاد حکیمی در پیام اش آورده بود: «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق». خدایش رحمت کند.

برج میلاد در دهه پایانی ماه محرم، شاهد برنامه های آیینی و عاشورایی فراوانی بود که از مهم ترین آنها می توان به «سوگ چامه ها» با کارگردانی حسین پارسایی اشاره کرد؛ که اجتماع آیینی اصحاب فرهنگ و هنر در ۱۰ خیمه بود.

نقالی، پرده خوانی، چاووش خوانی، شروه خوانی، فانوس گردانی، اصغر خوانی، تشیت گذاری و گهواره گردانی از جمله برنامه های خیمه های «سوگ چامه ها» بود. گارگاه شبیه خوان، ساخت و تولید ادوات تعزیه، نقش حماسه در کارگاه تاریخ، نمایشگاه ادوات تعزیه (شرح شمایل شکوفه)، پرده خوانی (مویه در نوای سوگ)، سوگینه های عاشورایی (اینجا چراغی همیشه است)، آیین های عاشورایی (نقش آب و رایحه نور)، نقاشی قهوه خانه ای و نقاشی آیینی پشت شیشه (جلوه گاه رخ او)، مرثیه های عاشورایی (دیدۀ من تنهایی است)، اجرای نمایش (پرده عاشقی) و اجتماع آیین اصحاب فرهنگ و هنر (باز این چه شورش است) از برنامه های انجام شده در این اجتماع بود.

علی نصیریان، الهام پناه نژاد، بهاره رهنما، محمود عزیزی، سیاوش طهمورث، فرزاد حسنی، حامد بهداد، آتیلا پسیانی، دانیال حکیمی و بهزاد فراهانی برای مردم مقتل خوانی می کردند و بخشی از مصائب اهل بیت (ع) را متذکر می شدند.

ده شب این مراسم، عناوین مختلفی داشت؛ شیدایی، «قرار ستاره به وقت آفتاب» بزرگداشت اصحاب امام حسین (ع)، «پژواک پرنده در حصار» بزرگداشت حضرت مسلم بن عقیل، «سیلاب عطش به دشت ریا» بزرگداشت طفلان کربلا، «در سایه سار آفتاب با اشک» بزرگداشت حرین ریاحی، «در قاب ماه» بزرگداشت علی اکبر (ع)، «رکعت اول عاشقی» بزرگداشت قاسم، «ذوالفقار صبر و کلمه» بزرگداشت حضرت زینب (ع)، «سردار آب و ادب» بزرگداشت حضرت ابوالفضل (ع) و «یک غزل تنهایی شعر و شکوه» بزرگداشت امام حسین (ع).

امیرحسین مدرس، غلامحسین کویتی پور، حسام الدین سراج و رسول نجفیان نیز نوحه های عاشورایی را زمزمه می کردند. صدیقه بحرانی، لالایی خوان سریال تاریخی مختار، لالایی این سریال را خواند و در خیمه «مرثیه های عاشورایی» با سرپرستی ناصر فیض نیز شاعران نامدار، مرثیه های عاشورایی را همراه با ساز رسول نجفیان می خوانند. کنسرت شب

هنرمندان علمداران

هانیه خاکپور



در حاشیه

● شوشتری، رئیس هیئت مدیره برج میلاد تهران، سوگ چامه‌ها را یک پرفورمنس آرت خواند که روش جدیدی در ارائه هنرهای عاشورایی است. وی تأکید کرد: «با توجه به اینکه این اولین دوره برگزاری مراسم سوگ‌چامه‌هاست، باید گفت که هنوز در زمینه محتوا با مشکل مواجه هستیم و این برنامه نیازمند نقدهای جدی اهل فن است تا در دوره‌های بعد با کیفیتی بالاتر و محتوایی ارزنده‌تر ارائه شود.»

● تعدادی از اعضای شورای شهر تهران از مراسم عاشورایی برج میلاد دیدن کردند. ابوالفضل قناعتی و سردار طلایی از جمله اعضای شورای شهر بودند که پس از بازدید از ۱۰ خیمه برپا شده و گپ و گفت با هنرمندان حاضر شده در خیمه‌ها به کنسرت شب دهم علیرضا قربانی که این برنامه نیز در قالب

دهم علیرضا قربانی نیز در قالب برنامه‌های عاشورایی برج میلاد تهران برگزار شد. علاوه بر مقتلخوانی و مرثیه‌خوانی هنرمندان سرشناس، نمایش‌های عاشورایی «زخمه بر رمل» آتیلا پسیانی، «شیپور» ایوب آقاخانی، «آب و آیین» سیما تیرانداز، «طوفان» آرش دادگر، پرفورمنس عاشورایی «پیکر» یاسر خاسب، «خواهرانه به وقت خیزران» حسین پارسایی و نمایش محیطی «راز کهن» علی براتی اجرا شد.

اجرای آیین‌های عاشورایی از دیگر برنامه‌های سوگ چامه‌ها بود. هر شب، آیین‌های عاشورایی تعدادی از شهرها اجرا و معرفی می‌شد که آیین «حرت، حرت» پارچه‌های کهنه‌مازندران، آیین طفلان کهگیلویه و بویر احمد و آیین «وجه نکوش طلای بکوش» (بچه را نکش، خروس را بکش) از تنکابن از جمله آنها بود که در فضای باز برج میلاد تهران اجرا شد.

برنامه‌های عاشورایی برج میلاد تهران بود، رفتند.

● مجید سرسنگی رئیس خانه هنرمندان در حاشیه بازدید از مراسم سوگ چامه‌ها گفت: «باید از اجرای این مراسم در نقاط فرهنگی دیگر پایتخت الگوبرداری و نمونه این مراسم در دیگر نقاط پایتخت برگزار شود.»

● الهام پناه‌نژاد از هنرمندان مقتلخوان این مراسم، گفت: «من سابقه مقتلخوانی نداشته‌ام؛ اما در زمینه تعزیه فعالیت کرده بودم و با این فضا بیگانه نبودم. من نمی‌توانم برای کارهای دلی نامی بگذارم و معتقدم که کاری که برای دل انجام می‌شود، هیچ نامی ندارد و بی‌نام است.»

● بهاره رهنما در صفحه اجتماعی خود درباره حضورش در این مراسم نوشت: «به عنوان سفیر انجمن حمایت از کودکان به خوانش مقتلخوانی حضرت رقیه علیها السلام پرداختم. رسول نجفی‌ان عزیز با ساز دیوان، همراهی‌ام کرد و اشک اما مکث‌های طولانی انداخت میان کلمات مقتلخوانی‌ام. از عزیزترین و پر لذت‌ترین اجراهای عمرم بود.»

● حبیب کاشانی عضو شورای شهر تهران با بازدید از برنامه «سوگ چامه‌ها» گفت: «حضور هنرمندان شاخص کشور از جذابیت‌های ویژه این کار است. این حضور، حاکی از آن است که امام حسین علیه السلام متعلق به همه مردم با هر تفکر و اندیشه‌ای است و مردم کشور ما با هر تفکر و اعتقادی به این امام بزرگوار ارادت دارند. این چیزی است که دشمنان ما

متوجه نمی‌شوند که مردم این سرزمین پای اعتقادات خود ایستاده و در چنین مواقعی در کنار یکدیگر هستند، تفاوت در ظاهر به معنی تفاوت در اندیشه و اعتقاد نیست و همه خود را خادم امام حسین علیه السلام می‌دانیم.»

● حامد بهداد قبل از شروع مقتلخوانی خود در این مراسم گفت: «افکار عمومی ما بر این باور است که در چنین مجالسی صاحبان اصلی این مجلس حضور دارند. من امشب از صاحب این مجلس سپاسگزارم که سعادت این مقتلخوانی را نصیب من کرد.»

● واکنش یکی از حاضران به مقتلخوانی بهاره رهنما در این مراسم، این بازیگر کشور را به پاسخگویی در فضای مجازی واداشت. رهنما نوشت: «سینه زدن زیر پرچم امام حسین علیه السلام لیاقت می‌خواهد؛ نمی‌دانستم اشخاصی به دلیل اعتقادات مذهبی به انسان هتاک می‌کنند و وقیحانه علمداری حسین علیه السلام را تحجر می‌نامند.»



فرهنگسرای شهر میزبان عزاداران حسینی در دهه اول محرم

کربلا

دریای بی انتهای رازهاست

خیابا

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



محرم، ماه حزن، اندوه و عزاداری شیعیان در قتل حسین بن علی علیه السلام است و مبارزه با ظلم مهم‌ترین مبنای فکری در فرهنگ استراتژیک انقلاب کربلاست. از آنجا که مظلومان جهان در میان توده‌های مردمی تحت ستم قرار دارند، این مبنای فکری دایر مدار عمومی جهان با صرف نظر از اعتقاد دینی آنهاست. بی‌تردید بر اساس چنین بینشی است که نهضت عاشورا می‌تواند مبنای یک مدل حرکتی در جهان اسلام و خارج از آن قرار گیرد. بر اساس چنین پتانسیل قوی‌ای است که قیام کربلا، توانسته تفکر مبارزه با ظلم را در میان مظلومان و همه مستضعفان جهان به صورت یک نهضت فکری درآورده و آن را به عنوان عنصری اساسی و ماندگار در مبارزه با تبهکاری‌ها، بی‌عدالتی‌ها، زشتی‌ها، پلیدی‌ها و ایجاد روحیه تسلیم‌ناپذیری برای

آزادی خواهان طالبان عزت و استقلال طلبی به وجود آورد. بر این اساس، همه ساله شیعیان جهان به ویژه مسلمانان ایران اسلامی در این ایام به سوگ می‌نشینند و عاشقانه مولای شان حسین علیه السلام را با نوای عاشقانه صدا می‌زنند. هر جای این مرز و بوم با شیوه‌ای مختص به خود به عزاداری پرداخته که این عزاداری می‌تواند به صورت حضور در تکایا، مساجد، توزیع ندورات و ... باشد. و اما مراکز فرهنگی هنری نیز همسو با سایر مراکز، ارگان‌ها و نهادها همزمان با شروع ماه محرم در قالب اجرای برنامه‌های مذهبی، به سوگ می‌نشینند و با اجرای برنامه‌های متفاوت، یاد و خاطره مصائب کربلای حسینی را در اعماق وجود انسان‌ها زنده می‌کنند. در این میان، یکی از مراکزی که عاشقانه به

استقبال محرم رفت، فرهنگسرای شهر بود. با اجرای زیبا و به یاد ماندنی «کربلاخوانی». خوانش گزیده آثار ادب عاشورایی در هشت مجلس توسط مهدی فراهانی، دکلمه خوانی اکرم صوفی، خوانندگی امیر یوسف نژاد و با همراهی گروه موسیقی مذهبی، رونقی به این مجلس داد که مخاطبان را در فضای عطرآگین کربلا به تصویر می‌کشید. آنچه در پی می‌آید مشروحه‌ای است از هشت مجلس کربلاخوانی با اجرای صحنه‌ای و بیان روایت‌های متنوع با عناوین «حبیب خوانی، رازخوانی، نگاه خوانی، زهیرخوانی و عباس خوانی». در مجلس اول که به حبیب ابن مظاهر تعلق داشت، نحوه پیوستن او به سپاه امام حسین علیه السلام و شهادتش روایت شد. حبیب، فرزند مظاهر (مظهر) چهارده سال

کند و برای امام جواب آورد؛ اگر چه آن زمان که شمر بن ذی الجوشن از کوفه به کربلا آمد، این مذاکره قطع شد. صبح روز عاشورا در کربلا عمرو به همراه سعید بن عبدالله حنفی حفاظت از جان امام را به عهده گرفت و مراقب بود تا اگر تیری به طرف امام اصابت کرد، آن را با سینه و پیشانی به جان بخرد. به نقل تاریخ، وی بعد از کشته شدن مسلم بن عوسجه از امام خود اجازه رفتن به میدان گرفت و به جنگ با دشمن پرداخت تا عده زیادی را کشت و زخم‌های زیادی به بدنش رسید. او هر تیری که به جانب حسین علیه السلام می‌آمد، خود را سپر می‌کرد تا به امامش آسیبی نرسد و این چنین بود تا از کثرت

رفت و با مسلم بن عقیل دشمنی کرد. او که تا روز پنجم محرم از رفتن به کربلا طفره می‌رفت، مجبور به شرکت در واقعه کربلا شد. وی در معرکه کربلا زیرکانه عمل کرد و از رویارویی مستقیم با امام حسین علیه السلام و یارانش پرهیز کرد تا جایگاه خود را در آینده به خطر نیندازد؛ از جمله اینکه پس از قتل مسلم بن عوسجه از شخصیت وی تمجید کرد. او بعدها به همراهی مختار ثقفی به خونخواهی حسین علیه السلام درآمد.

در مجالس چهارم و پنجم که به بهانه تعزیت و عرض ارادت به خاندان اهل بیت علیهم السلام برگزار شد، گزیده ادب عاشورایی خوانده شد. در

پیش از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خاندان بزرگ بنی اسد در یمن به دنیا آمد. سال نهم هجری با خانواده‌اش به مدینه آمد و آنجا ساکن شد. در نوجوانی فقط چند صباح از اوان زندگی را در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله گذراند و در این مدت کوتاه، به خاطر دوستی با یکی از کودکان مدینه که او حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام بود، درخشید. این دو نفر با یکدیگر حدود ۱۰ تا ۱۳ سال اختلاف سن داشتند؛ اما حبیب همیشه در مقابل این کودک بسیار فروتن بود. دوران جوانی و میانسالی خود را در کنار امیرالمؤمنین علی علیه السلام با جنگ‌های صفین و نهروان پشت سر گذاشت و همواره یکی از سرداران و دلاورمردان سپاه علی و نامش در کنار یاران علی علیه السلام رقم خورد. در دوران خلافت امیر المؤمنین علیه السلام و با آغاز جنگ جمل، همراه آن حضرت راهی بصره شد و پس از پایان جنگ، کوفه را برای زندگی خود انتخاب کرد. پس از شهادت علی علیه السلام در کنار امام حسن مجتبی علیه السلام و در سایه آن حضرت بود و درس سکوت را از آن حضرت آموخت. حبیب بن مظاهر در این سال‌ها در کنار آل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله غم‌ها و اندوه‌های فراوان از دشمنان دید تا به سن پیری رسید. به هنگام خروج امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه و دعوت مردم کوفه از آن حضرت که حبیب هم جزو دعوت‌کنندگان آن حضرت بود و نامه‌ای در این زمینه به همراه چند نفر برای حسین بن علی علیه السلام نوشت. امام حسین علیه السلام هم نامه‌ای به حبیب نوشتند و او را به یاری خود دعوت کردند. حبیب به دنبال شنیدن خبر ورود امام حسین علیه السلام به کربلا، خود را از کوفه به آنجا رسانده و در رکاب حسین بن علی علیه السلام جنگید و تا آخرین لحظه، وفاداری خود را به امام زمانش ابراز کرد و سرانجام در ظهر عاشورا به شهادت رسید.

مجلس دوم رازخوانی که سیر کربلا را بازگو می‌کرد. کربلا اگر چه خود به تمامی «سرا» است، لیک سرشار از اسراری است که طی قریب به هزار و چهار صد سال، همواره در حال شکفتن و شکوفایی است. کربلا دریای بی‌انتهای رازهاست. روایت این مجلس بیان نقطه‌ای بود از این وسعت و عظمت.

مجلس سوم اشقیاء خوانی بود. روایتی برگرفته از کتاب «ماه به روایت آه» تألیف ابوالفضل زرویی نصرآباد. این روایت از زبان شبث بن ربیع بود. او با آنکه سابقه حضور و جنگاوری در رکاب امام علی علیه السلام را داشت؛ اما در کربلا یکی از سران سپاه عمر بن سعد بود. شبث در واقعه عاشورا از کسانی بود که به امام حسین علیه السلام نامه نوشت و او را به کوفه دعوت کرد؛ اما او با روی کار آمدن عبیدالله زیاد در کوفه به سمت وی



جراحات از پای درآمد. او خطاب به امام خود گفت: که «ای پسر پیامبر صلی الله علیه و آله! آیا به وظیفه‌ام و به عهد و پیمانم وفا کردم؟» امام فرمود: «آری و تو در بهشت پیشاپیش من هستی. سلام مرا به جدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله، برسان و بگو که من نیز به دنبال توبه پیشگاه او و به دیدارش خواهم آمد». سرانجام عمرو به شهادت رسید. در برنامه ششم و هفتم که به زهیرخوانی اختصاص داشت به احوالات برخی از جوانان بنی هاشم پرداخت که مورد توجه نوجوانان و جوانان قرار گرفت، نحوه میدان رفتن حضرت قاسم و علی اکبر علیهما السلام اشک‌ها را بر صورت‌ها غلطاند. زهیر بن قین از یاران حسین بن علی علیه السلام بود که در نبرد کربلا شهید شد.

وی از اهالی کوفه بود. زهیر در ابتدا از طرفداران عثمان بود؛ ولی پس از آنکه در سال ۶۰ هجری با خانواده‌اش از سفر حج باز می‌گشت در اثر دیدار با امام حسین علیه السلام از عقیده خود دست کشید و شیعه شد و با آن حضرت همراه شده و به کربلا آمد.

این دو مجلس که نگاه‌خوانی نام داشت، روایتی است از عمرو بن قرظه انصاری، برگرفته از کتاب «فصل شیدایی لیلها» تألیف سید علی شجاعی. در این روایت آمده است؛ عمرو بن قرظه بن کعب خزرجی انصاری از اصحاب بسیار فعال امام حسین علیه السلام، اصالتاً مدنی و ساکن کوفه بود، پدرش قرظه از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و راوی حدیث از قبیله خزرج بود که به شهر کوفه هجرت کرده بود، سپس از یاران امام علی علیه السلام شد و امام او را مدتی والی فارس کرد. قرظه در جنگ‌های احد در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعد علی بن ابیطالب علیه السلام و در جنگ صفین یکی از پرچمداران لشکر امام علی علیه السلام بود.

او اولین کسی بود که در کوفه برایش نوحه‌سرایی کردند! برادر عمرو، علی بن قرظه، جزو سپاهیان عمر بن سعد و از دشمنان حسین بن علی علیه السلام در واقعه کربلاست. در جریان قیام حسینی، عمرو بن قرظه از کوفه به کربلا آمد و خود را به امام حسین علیه السلام رساند. وی از طرف امام مأموریت داشت تا با عمر بن سعد گفت‌وگو



پس از مرگ معاویه، هنگامی که حاکم مدینه امام حسین (علیه السلام) را به دارالاماره دعوت کرد تا پیام یزید را به او تسلیم کند، عباس به همراه این سی نفر در بیرون از دارالاماره حاضر بودند و ترس از حضور آنان باعث شد که در آن روز هیچ خطری امام را تهدید نکند.

عباس سرپرستی قافله امام حسین (علیه السلام) را در کوچ به کربلا برعهده داشت. او در کربلا حماسه‌ای آفرید که تاریخ نظیر آن را در برگ‌های خود ندارد. او با پس زدن امان‌نامه امویان بزرگ‌ترین درس وفاداری به معشوق را در جامعه انسانی به یادگار گذاشت.

در روز عاشورا و در صحرای سوزان کربلا، عباس با دیدن لب‌های خشکیده فرزندان امام، بی‌اختیار مشک آب را بردوش گرفت و رفت تا بزرگ‌ترین امتحان زندگی‌اش را پس دهد. او رفت و با شجاعت، صف دشمن را شکست، خود را به آب فرات رساند، مشک را پرکرد و با لب‌هایی تشنه به آب زلال فرات نظاره کرد، جرأت نکرد جرعه‌ای بنوشد؛ چون حسین (علیه السلام) و فرزندان تشنه بودند و شایسته نبود او قبل از آنها خود را سیراب کند.

دشمن خوب می‌دانست که تا بازوان عباس بر تن اوست، توان برابری با او را ندارند. به همین علت بازوان عباس هدف قرار گرفت. عباس برای حفظ آب، دو دست خود را از دست داد و با ضربه‌های دشمنان از اسب به پایین افتاد. امام حسین (علیه السلام) خود را به بالین عباس (علیه السلام) رساند و او در آغوش برادر به دیدار محبوب شتافت و امام را با کوله‌باری از غم و اندوه در کربلا تنها گذاشت. عباس (علیه السلام) در موقع شهادت ۳۵ سال داشت.

امام سجاد (علیه السلام) درباره عمویش عباس چنین می‌فرماید: خداوند، عمویم عباس (علیه السلام) را رحمت کند که در راه برادرش ایثار و فداکاری کرد و از جان خود گذشت. چنان فداکاری کرد که دو دستش قطع شد.

خداوند نیز به او همانند جعفر بن ابیطالب (علیه السلام)، در مقابل آن دو دست قطع شده، دو بال عطا کرد که با آنها در بهشت با فرشتگان پرواز کند. عباس (علیه السلام) نزد خدا، مقام و منزلتی دارد پس بزرگ که همه شهیدان در قیامت به مقام والای او غبطه می‌خورند و رشک می‌برند.

شایان ذکر است در حاشیه این مراسم معنوی که از اول تا هشتم محرم الحرام در کتابخانه مرکزی پارک شهر برگزار شد، مخاطبان شاهد طراحی فضای نگارگر برای نمایش فضاهای مذهبی به ویژه صحنه‌هایی از عاشورا، نمایشگاه کتاب و محصولات فرهنگی، ایستگاه صلواتی و... بودند.

در مجلس هشتم که عباس خوانی بود، رشادت‌ها و دل‌ورمردی‌ها و نحوه شهادت حضرت عباس (علیه السلام) بیان شد.

در این مجلس فراهایی از کتاب قرائت شد که مستمع را بر سر ذوق آورد. به دنبال آن اشک‌ها بود که از چشم‌ها جاری و بر گونه‌ها غلتان می‌شد. آنجا بود که می‌شد فهمید در دل هر یک از حاضران چه غوغایی به پا شده و آرزو می‌کردند ای کاش روز عاشورا در کربلا بودند و امام و اصحاب با وفای آن حضرت را یاری می‌کردند.

عباس در همه دوران زندگی‌اش، همراه برادرش امام حسین (علیه السلام) بود. او جوانی خود را صرف خدمت به امام حسین (علیه السلام) کرد. وی در میان جوانان بنی هاشم شکوه و احترام خاصی داشت و آنان مانند پروانه‌هایی بر گرد شمع عباس حلقه‌ای از عشق و وفا به وجود آورده بودند. آنان حدود سی نفر بودند و در رکاب امام حسن و حسین (علیه السلام) همواره آماده شهادت و حماسه بودند.

زهیر از فرماندهان سپاه امام حسین (علیه السلام) بود که او را در روز عاشورا به فرماندهی میمنه (سمت راست) سپاه خویش گمارد. او چندین بار سپاه دشمن را نصیحت کرد و آنان را از رودرویی با امام بیم داد. زهیر همراه با سعید بن عبدالله حنفی هنگام نماز ظهر در برابر امام حسین (علیه السلام) ایستاد و خود را هدف تیر و نیزه‌ها قرار داد تا حسین (علیه السلام) به همراه اصحاب، نماز خویش را خوانند. پس از نماز، زهیر برای بار دوم عازم میدان جنگ شد و به دست کثیر بن عبدالله شعبی و مهاجر بن اوس تیممی شهید شد. زهیر در دو باری که به میدان رفت جمع کثیری از یزیدیان را کشت.

او از یاران بزرگ و با وفای امام حسین (علیه السلام) و مردی شایسته و شریف بود، رزمنده‌ای دلیر و جنگجویی توانا شمرده می‌شد و در میان قبیله خود که در کوفه سکونت داشتند، می‌زیست. از ویژگی‌های زهیر بن قین، شجاعت، سخنوری و عشق به امام زمانش حسین بن علی (علیه السلام) است.





فرصت‌های فراتر درهمبستگی بابراذر

محسن دریاییگی

خیابا

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳

بمانند و مانده‌اند؛ اما اختلاف برسر جانشینی پیامبر ﷺ به هیچ وجه این‌گونه نیست؛ بنابراین از یک سو نمی‌توان این اختلاف را نادیده انگاشت و از دیگر سو نمی‌توان تفاوت‌ها و تباینات را به مذهبی واحد یا اندیشه‌ای منفرد فرو کاهیده پنداشت.

اختلاف بر سر جانشینی پیامبر ﷺ اگر چه بلافاصله پس از رحلت ایشان رخ نمود؛ اما با مدیریت درست علی علیه السلام به عنوان مؤثرترین چهره در این واقعه، کارد به استخوان نرسید.

رفتار علی علیه السلام در این میانه نگذاشت کار به فروپاشی اسلام بینجامد؛ اما به هر حال اختلاف تا به امروز ادامه یافت. سال‌های فراوانی گذشت و عداوت و دشمنی میان دو فرقه‌ای که در پس این حادثه ایجاد شده بود، کرد آنچه نباید می‌کرد. درگیری‌ها به میدان‌های جنگ ختم نمی‌شد و درگیری‌های نظری و کلامی،

تاریخ اسلام است که جدای غم‌آفرینی‌اش برای امت اسلام از آن لحاظ که مقدمه‌ای شد برای اختلافاتی که هنوز در جریان است، بسیار اهمیت دارد. اولین و عمیق‌ترین اختلاف و شاید به عقیده برخی شکاف میان مسلمانان بر سر جانشینی پیامبر ﷺ و اداره امور مسلمانان در نبود ایشان رخ نمود. این اختلاف یا شکاف تا اندازه‌ای عمیق و فراگیر است که هیچ مسلمانی در این میانه نمی‌تواند بی‌طرف باقی بماند. هر مسلمان در هر کجا و با هر مذهبی در نهایت باید تکلیف خود را با طرفین دعوا روشن کند؛ در حالی که اختلافات فراوان دیگری وجود دارد که به هر حال دامن همه مسلمانان را نمی‌گیرد؛ مثلاً اختلاف اشاعره و معتزله اگر چه بسیار مشهور و البته جدی است؛ اما به هیچ وجه دامن همه را نمی‌گیرد و مسلمانان فراوانی وجود دارند که در این اختلاف می‌توانند بی‌طرف باقی

هر نهضتی در آغاز با روح همبستگی نضج می‌یابد و به پیش می‌رود؛ اما بلافاصله پس از رسیدن به هدف و از میان رفتن موانع، این اختلافات است که رخ می‌نماید و چنانچه خشت اول کج نهاده شود گاهی دیوار تا ثریا نیز کج می‌رود. به نظر می‌رسد که در سوی مقابل اگر این اختلافات که بروز آن به گواهی تاریخ ناگزیر است، درست مدیریت شود، می‌توان جلوی فروپاشی نهضت را گرفت و اگر نه تبدیل نهضت به نظام و در نتیجه، فروپاشی نهضت محتوم است.

اسلام نیز در آغاز به عنوان نهضتی رو به فراگیر شدن با ندای پیامبر ﷺ همبستگی را تجربه کرد و از آن بالاتر یکی شدن امت را در پس اعتقاد به خدای واحد و در فداکاری در نتیجه و راه آن، به چشم خود دید. رحلت پیامبر ﷺ شاید غم‌انگیزترین اتفاق

سال‌های سال دامن‌گیر اجتماع مسلمین بود تا آنجا که در قرن گذشته دارالتقريب با هدف همبستگی مذاهب اسلامی در مصر فعالیت آغاز کرد.

فعالیت اندیشه‌تقريب یا همبستگی مذاهب اسلامی که بیش از هفتاد سال از آغاز طرح و فعالیت آن می‌گذرد نیز در حوالی همین اختلاف است در حالی که علمای شیعه و سنی فعال در این عرصه، همگی متفق‌القول‌اند که نباید هدف تقرب را با شیعه ساختن سنی یا سنی ساختن شیعه اشتباه گرفت؛ اما هدف از تقرب چیست و راه‌های رسیدن به این هدف را باید در کجا جست‌وجو کرد؟

نکته‌باریک‌تر از مواینجاست که همواره برای حل هر اختلافی در اجتماع، دوره متفاوت طی می‌شود. یک راه به دنبال آن می‌رود که طرفین دعوا را راضی به کوتاه آمدن در برابر یکدیگر کند؛ بدین معنی که هر کس تا حدودی اشتباهات خود و محق بودن طرف مقابل را بپذیرد. بدین ترتیب به مرور، اختلافات مرتفع می‌شوند و دعوا به پایان می‌رسد.

راه دیگر اما بی‌اهمیت جلوه دادن یا لاقیل کم‌اهمیت جلوه دادن موضوع مورد مناقشه است. برخی برای رفع درگیری، سعی بر آن دارند تا موضوع مورد نظر را در پیش چشم طرفین درگیر کم‌اهمیت جلوه دهند و از آنجا که صلح و اتحاد، ارزشی والا دارد، تلاش کنند تا طرفین را متقاعد کنند که برای رسیدن به ارزشی والا تر (صلح و اتحاد) منطقی‌ترین رویکرد، رها کردن مناقشه و بها ندادن به آن است.

برخی از محققان تقریبی معتقدند که «این اختلافات، ارتباطی به اصول دین و عقایدی



خیالما

شماره: ۱۱۰ / آذر ۹۳



رحلت پیامبر ﷺ شاید غم‌انگیزترین اتفاق تاریخ اسلام است که جدای غم‌آفرینی‌اش برای امت اسلام از آن لحاظ که مقدمه‌ای شد برای اختلافاتی که هنوز در جریان است، بسیار اهمیت دارد. این اختلاف یا شکاف تا اندازه‌ای عمیق و فراگیر است که هیچ مسلمانی در این میانه نمی‌تواند بی‌طرف باقی بماند

که مرز مسلمان است، ندارد و ضرری به اسلام آنها نمی‌رساند.» [جمعی از نویسندگان، ۱۳۵۰، ص ۳۰] و همچنین می‌گویند: «... در این عصر دایره‌خردها گسترش یافته و دانش بشر افزون شده است و مسلمانان زیان این تفرقه‌ها و جدایی‌ها را احساس کرده و دریافته‌اند که این اختلافات را ندانسته به اصل دین نسبت داده‌اند و با اشتغال به این اختلافات، خود را از پیشرفت زمان عقب انداخته و بهانه‌ای به دست دشمنان داده‌اند و...» [همان، ص ۱۰۳ و ۱۰۴]

برخی اختلاف دو فرقه را تا حد اختلاف مجتهدان در هر فرقه فرو کاسته‌اند و می‌گویند: «شارع مقدس، خطای مجتهدین را در احکام شرعی بخشیده و حتی برای اجتهادشان پاداش مقرر فرموده است و تنها فرقی که با مجتهد مصیب (به واقع رسیده) دارند این است که از پاداش دیگری که خداوند برای رسیدن به واقع قرار داده است، محروم‌اند.» [همان، ص ۱۲۶] در حقیقت ایشان بر این باورند که اختلاف این دو فرقه نیز از این دست است و اینکه کدام به حقیقت رسیده و کدام نرسیده در نهایت در روز داوری توسط داور روشن خواهد شد؛ وقتی سخن به اینجا برسد به درستی ادعا می‌شود که حتی فرقه به حقیقت نرسیده نیز به دلیل جد و جهدش مأجور است. همه این موارد در پی ارزشی که اسلام برای اجتماع مسلمین و دوری جستن ایشان از تفرقه قایل است، مطرح می‌شود.

ایشان معتقدند از آنجا که ارزش جماعت مسلمین بسیار والا است؛ پس معقول می‌نماید که برای رسیدن به اجماع و حفظ جماعت می‌شود و باید اختلافات فرقه‌ای را نادیده انگاشت. ارزش جماعت مسلمین تا جایی است که از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند: «اسلام احتیاجش به جماعت بیشتر از احتیاج جماعت به اسلام است» یا «کسی که از جماعت مسلمانان یک وجب دوریگزیند و بمیرد همچون مردار دوران جاهلیت است» یا «دست خدا همراه با جماعت است» همچنین است اصلاح میان برادران مؤمن همچنان که می‌فرماید: «اصلاح میان برادران از یک سال نماز و روزه بهتر است» و... .

البته تلاش علمای تقریبی به همین جا ختم نمی‌شود. برخی از ایشان در پی آن‌اند تا نشان دهند که شدت یافتن اختلافات بیشتر ناشی از بی‌دانشی و بی‌اطلاعی از یکدیگر است. آنان معتقدند که برای حل این مسئله باید طرفین از عقاید یکدیگر شناخت درستی پیدا کنند و از این طریق بسیاری از سوء تفاهم‌ها برطرف خواهد شد؛ مثلاً برخی از اهل سنت بر این

باورند که شیعیان حج را قبول ندارند و زیارت قبور امامان‌شان را جایگزین حج ساخته‌اند تا مکه و حج، تحت الشعاع قبور امامان شیعه قرار گیرد؛ همچنین برخی از اهل سنت بر این باورند که شیعه جبرئیل را خائن می‌داند؛ چرا که باید به علی علیه السلام وحی می‌کرده اما به پیامبر ﷺ وحی کرده است.

در مقابل بسیاری از شیعیان از ارادت اهل سنت نسبت به امامان شیعه بی‌اطلاع‌اند و بر این باورند که ایشان امامان شیعه را دشمن می‌دارند در حالی که چنین نیست و فرق مختلف اهل سنت برای امامان شیعه احترام قایل‌اند. پر واضح است؛ چنانچه دانش ما از یکدیگر به حد کافی برسد بسیاری بدبینی‌ها و بد فهمی‌ها رخت از میان بر خواهد بست.

آنچه نگارنده بر آن تأکید بیشتری دارد ظرفیت اسلام برای پذیرش سایر ادیان و اعتقاد به نجات بخشی دیگر آیین‌هاست که در آن صورت اختلاف فرقه‌ای به طریق اولی از میان جماعت مسلمین بر خواهد کشید. در حقیقت نگاه اسلام یا به بیان مشخص‌تر در زبان قرآن حتی متدینین دیگر ادیان نیز با شریاطی اهل نجات و سعادت‌اند تا چه رسد به مسلمانان فرق دیگر. به بیان دیگر در قرآن ادیان دیگر انکار نمی‌شوند و همگی به رسمیت شناخته می‌شوند و در عین به رسمیت شناخته شدن و اختلافی که با دین پیامبر خاتم ﷺ دارند برای اهالی خود نجات بخش خواهند بود. اثبات این نظریه نیازمند توضیحاتی است که در ادامه می‌آید.

مجموعه آیات مرتبط با این سخن را می‌توان در دو بخش گرد آورد؛

۱. مجموعه آیاتی که به تأیید و تصدیق پیامبران و کتب و صحائف آنان تأکید دارد.
 ۲. مجموعه آیاتی که صراحتاً به رسمیت شناختن سایر ادیان را توصیه و تبلیغ می‌کند.
- در مجموعه آیات بخش اول قرآن کریم لاقیل در ۱۰ آیه به صراحت ذکر می‌کند که کتابی که پیش‌روی ماست (قرآن) مؤید و مصدق کتب انبیاء پیشین است؛ همچنین از این موضوع به عنوان روال کلی یاد می‌کند و در آیاتی می‌فرماید که عیسی بن مریم سلام الله علیه نیز پس از بعثت، چنین کرده است و تصدیق عهد عتیق را فرو نگذاشته است (آیه ۳۰، سوره احقاف و همچنین آیه ۶، سوره صف). این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که در عصر نزول قرآن، همه تحریفاتی که منتسب به کتاب مقدس است در آن صورت گرفته بود و این کتاب با مجموع تحریفاتش مورد تأیید و تصدیق خدا و کتاب خداست؛ اگر چه این تأیید تحریفات نیست و به نظر می‌رسد بیشتر تأیید شریعت

مورد نظر باشد به آن صورتی که باقی و بر جای مانده است. از طرفی شریعت خاتم نیز گرچه می‌تواند از پس اثبات عدم تحریف کتاب خویش سربلند بیرون آید؛ اما تحریفات در سنت و تاریخ دینی خویش را که خود بخش مهمی از دین به شمار می‌آید نمی‌تواند انکار کند و در همان حال، تأثیر عصر نزول را در فرهنگ دینی خود نمی‌تواند نادیده انگارد. به بیان دیگر زدودن گرد و غبار تحریف، مسلمان و مسیحی نمی‌شناسد. معتقدان به هر سنت دینی، نیازمند پاکسازی و غبارروبی کتاب و مکتب خویش‌اند. شاید در این میانه سنتی دینی زحمتی کمتر داشته باشد و سنتی دیگر نیازمند تلاش بیشتر باشد. تنها چیزی که نباید از نظر دور داشت این است که این سرنوشت محتوم همگان است.

در ارتباط با آیات بخش دوم می‌توان به آیه ۶۲ سوره بقره اشاره کرد که می‌فرماید: «ان الذین امنوا و الذین هادوا و النصری و الصبیئین من امن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون»؛ «در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کسانی که یهودی شده‌اند و ترسایان و صابثان، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد؛ پس اجرشان را نزد پروردگارشان خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد.» [ترجمه محمد مهدی فولادوند]

با توجه به جمله «و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» که در قرآن کریم همه جا در ارتباط با نجات‌یافتگان و سعادتمندان به کار می‌رود به نظر می‌رسد کسانی که در این آیه از آنان یاد شده است اهل نجات و سعادت‌اند؛ یعنی مؤمنان به شریعت خاتم و یهودیان و مسیحیان و صابثان با احراز سه شرط، فارغ از اینکه به شریعت عیسی علیه السلام عامل‌اند یا موسی و مکتب پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را برگزیده‌اند یا صابثی‌اند، می‌توانند اهل نجات باشند. شاید بهتر باشد که بگوییم معیار نجات در قرآن، همین سه شرطی است که در اینجا ذکر شده است؛ یعنی ایمان به خدا و روز جزا و در نهایت انجام عمل صالح مرضی خدا. علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان ذیل آیه ۶۲ سوره بقره می‌نویسد: «... حاصل معنی آیه شریفه چنین می‌شود: نام‌ها و اسمائی مانند مؤمن، یهودی، نصرانی، صابثی بر خود گذاردن موجب اجر و امن از عذاب الهی نخواهد بود و کلماتی مانند سخنان یهود و نصاری «لا یدخل الجنة الا من کان هودا او نصاری»؛ «جز یهودی و نصرانی داخل در بهشت نمی‌شوند» ارزشی ندارد؛ بلکه ملاک سعادت، حقیقت ایمان به خدا و روز جزا و عمل صالح است...» [ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱، ص ۲۵۶]

صاحب المیزان با اشاره به بخشی از آیه ۱۱۱

سوره مبارکه بقره که در نقل قول کوتاه از ایشان آمده است آیات دیگری را نیز چون آیه ۲۹ سوره فتح (خداوند به کسانی از آنها که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده آمرزش و اجر عظیم داده است) در اثبات همان سخن ارائه کرده است؛ بنابراین این انگاره‌ها و انگارها که ما چون منصوب به آیین برتریم؛ پس ناجی از ماست و نجات‌یافته ماییم به راستی در کلام وحی نه تنها هیچ مؤیدی ندارد که به وضوح انکار و نفی می‌شود. نه سعادتمندان عالم به سبب وابستگی و نسبت به آیینی، اهل نجات و رشدند و نه شقاوت‌مندان بنی آدم به سبب اتصاف به صفت دینی، اهل ضلال و غی. پر واضح است که وقتی در رابطه با دین، چنین رویکردی موجه می‌نماید، اختلافاتی درون ادیان حتماً قدر و قیمتی پایین‌تر دارد.

در مقابل تفسیر نمونه ذیل، آیه ۶۲ سوره بقره اگر چه گونه‌ای سخن علامه طباطبایی را مبنی بر عدم تأثیر نام مسلمان، یهودی، مسیحی و صابثی در نجات یافتن انسان تکرار و تأیید می‌کند و با نام «قانون کلی نجات» می‌گوید: «در اینجا قرآن به یک اصل کلی و عمومی اشاره کرده می‌گوید: آنچه ارزش دارد، واقعیت و حقیقت است، نه تظاهر و ظاهرسازی، در پیشگاه خداوند بزرگ، ایمان خالص و عمل صالح پذیرفته می‌شود.» اما در ادامه، ذیل عنوان «یک سؤال مهم» می‌گوید: «بعضی از بهانه‌جویان، آیات فوق را دستاویزی برای افکار نادرستی از قبیل صلح کل و اینکه پیروان هر مذهبی باید به مذهب خود عمل کنند قرار داده‌اند، آنها می‌گویند؛ بنابراین لازم نیست یهود و نصارا و پیروان ادیان دیگر، اسلام را بپذیرا شوند، همین قدر که به خدا و آخرت ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهند کافی است.» وی برای اثبات سخن خود آیه ۸۵ سوره مبارکه آل عمران را شاهد می‌آورد. حجت الاسلام قرائتی نیز در تفسیر نور با توضیحاتی مشابه، همین آیه را شاهد می‌آورد و مفهوم آیه را این‌گونه بیان می‌کند که: «قرآن اهل کتاب را تهدید می‌کند که اگر آگاهانه سراغ دینی غیر از اسلام بروند مورد قبول نیست.» در این آیه خداوند می‌فرماید: «و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخره من الخاسرین»؛ «هر کس جز اسلام، دینی جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و در آخرت از زیان‌کاران خواهد بود.» در رابطه با این سخنان باید گفت که اولاً اینکه گفته می‌شود: «اگر آگاهانه سراغ دین دیگری بروند، پذیرفته نیست.» اساساً هیچ‌گونه مستند قرآنی ندارد و به نظر می‌رسد تنها از اعتقاد نویسنده ناشی شده باشد. لاف در کلام گوینده نه استنادی به قرآن و نه شاهی برای مدعا ذکر شده است. ثانیاً به نظر می‌رسد که کسانی که اندک

شناختی از قرآن و مختصر انسی با آن دارند شک ندارند که دین همه پیامبران الهی، اسلام بوده و محتوای آن تسلیم پروردگار بودن است. این معنا از مجموع بیش از ۷۰ نمونه از آیاتی که ریشه «س-ل-م» در آن به کار رفته استخراج می‌شود. فقط در دو نمونه از این دسته آیات (آیه ۳۵ سوره انعام، آیه ۳۸ سوره طه) واژه سلم به معنای نردبان به کار رفته است. در مابقی آیات تسلیم حق بودن و گردن نهادن به آن، معنای اصلی این ریشه است که حتی با عبور از معنای لغوی و فرو غلتیدن در دامان اصطلاح نیز قول قوی همان است که دین همه ادیان الهی از آدم تا خاتم همگی اسلام بوده و اساساً در ادبیات دینی، دین جمع بسته نمی‌شود که یکی است و آن اسلام است و دیگر مکاتب دین قلمداد نمی‌شوند که بشود این واژه را به شکل جمع بسته شده (ادیان) به کار برد. در ضمن باید اضافه کرد که صاحب نمونه، خود نیز ذیل آیه ۱۹ سوره آل عمران که می‌فرماید: «ان الدین عند الله الاسلام...» می‌گوید: «دین در نزد خدا همان اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است.» در ادامه می‌نویسد: «واژه اسلام به معنی تسلیم است؛ بنابراین معنی آیه فوق‌الذکر این است که آیین حقیقی در پیشگاه خدا همان تسلیم در برابر فرمان اوست و در واقع روح دین در هر عصر و زمان، چیزی جز تسلیم در برابر حق نبوده و نخواهد بود... و اگر نه از یک نظر همه ادیان الهی اسلام است و همان‌گونه که سابقاً نیز اشاره شد اصول ادیان الهی نیز یکی است...» علی علیه السلام نیز در کلمات قصار (۱۲۰) نهج البلاغه می‌فرماید: «الاسلام هو التسلیم...».

کسانی که این سخنان را قبول ندارند، معتقدند که ذکر این چنین آیات (۶۲ بقره) در قرآن ناظر به گذشته است و به قبل از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بازمی‌گردد؛ یعنی برای نجات

خیابان

شماره ۱۱۰/آذر ۹۳



علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان ذیل

آیه ۶۲ سوره بقره می‌نویسد: «... حاصل

معنی آیه شریفه چنین می‌شود: نام‌ها و

اسمائی مانند مؤمن، یهودی، نصرانی،

صابثی بر خود گذاردن موجب اجر و امن

از عذاب الهی نخواهد بود و کلماتی مانند

سخنان یهود و نصاری «لا یدخل الجنة

الا من کان هودا او نصاری» (جز یهودی و

نصرانی داخل در بهشت نمی‌شوند) ارزشی

ندارد؛ بلکه ملاک سعادت، حقیقت ایمان به

خدا و روز جزا و عمل صالح است.»



در زمان موسی کلیم الله باید یهودی بود و در زمان عیسی روح الله، مسیحی و به همین ترتیب در عصر خاتم نیز پیرو شریعت خاتم. همچنین در تفسیر، عمل صالح شرط تأیید عمل توسط شریعت همان زمانه را وارد می‌کنند و می‌گویند که شریعت هر زمان مشخص می‌کند که عمل صالح چیست و چگونه باید آن را انجام داد. آنان در اثبات سخن خویش می‌گویند که ایمان به خدا و روز جزا که روشن است که چیست و چگونه است؛ ولی برای یافتن مبنا و مبدأ برای تعیین و تعریف اینکه چه عملی عمل صالح و مرضی خداست، ناچار به رجوع به شریعت زمان خویشیم؛ پس در واقع با توصیه به انجام عمل صالح، باز هم همان شریعت خاتم تنها راه نجات می‌ماند. نتیجه‌ای که از این سخنان به دست می‌آید، این است که خداوند در این آیه می‌فرماید که کسانی که ایمان آورده و یهودی و مسیحی و صابئی شدند؛ اگر به خدا و روز قیامت ایمان بیاورند و به دستورات شریعت خاتم عامل باشند؛ پس اجرشان نزد پروردگارشان است و ترس و غمی ندارند یا به عبارت ساده‌تر یهودیان و مسیحیان و صابیانی اهل نجات‌اند که به شریعت خاتم عامل باشند. نقض غرض آشکار صورت گرفته در این سخنان ما را از توضیح بیشتر بی‌نیاز می‌کند. فقط به ذکر چند جمله‌ای در این زمینه اکتفا می‌کنیم. به نظر می‌رسد خداوند از ذکر دقیق یهود و نصارا و صابئی قصد و غرضی داشته است که صد البته این ترجمان ناموجه، آن را ناقض است؛ اگر این آیه در این مقام بود که همه شرایع پیشین را به شریعت خاتم بخواند چه دلیلی داشت که نام آنها را ذکر کند مگر دیگر شرایع چه حق و چه باطل به شریعت خاتم خوانده نمی‌شوند؛ پس حکمت این جداسازی چه می‌تواند، باشد؟ آیا ممکن است که خداوند بگوید



خدا

شماره: ۱۱ / آذر ۹۳

در حقیقت مسیحیت توانسته است با نوادگان قاتلان پیامبرشان که از نظر آنان قوم یهود است، به سادگی تعامل کند؛ در حالی که ما مسلمانان با اختلافاتی ده‌ها مرتبه کوچک‌تر اندر خم یک کوچه ایم. به راستی مسلمانان چه از ایشان کمتر دارند که پس از سال‌ها هنوز نتوانسته‌اند آن‌گونه که باید با یکدیگر همراه شوند؛ در حالی که در دین، قبله، کتاب و پیامبر ﷺ با یکدیگر مشترک‌اند؟

مسیحیان و یهودیان و صابیانی نیز می‌توانند اهل نجات باشند؛ اگر شریعت خاتم را بپذیرند، در صورتی که می‌توانست، بگوید هر که شریعت خاتم را بپذیرد اهل سعادت است. این همه طول و تفصیل برای چیست؟ عیسویانی که پیروی از شریعت خاتم کنند که دیگر مسیحی نیستند و همین‌گونه یهودیان و صابیانی. در صورتی که این آیه پیروان محمد ﷺ را در کنار رهروان عیسی ﷺ و از پی روندگان موسی ﷺ و صابیانی قرار داده و فریاد برمی‌آورد که به این القاب و اسما دل خوش نداشته که این‌گونه برچسب‌ها نه راه سعادت است و نه تضمین نجات. بلکه امان و امنیت را در پرتو حقیقت ایمان و ایمان حقیقی و فلاح و صلاح را فقط در سایه عمل صالح می‌توان جست و جوید.

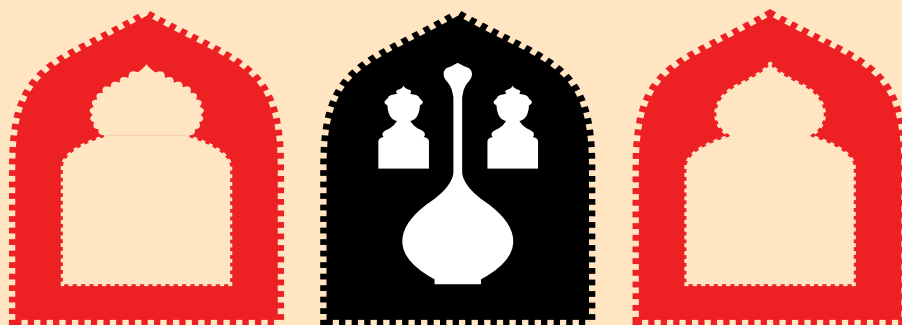
دیگر سخن آنکه اساساً معنای عمل صالح نیز چون ایمان به خدا و روز جزا معنای روشنی دارد و با توجه به آیه مورد بحث نمی‌توان چنان معنایی از عمل صالح دریافت. این معنا نیز تنها زمانی می‌تواند مورد عنایت قرار گیرد و حتی پذیرفته شود که استنادات آن ارائه شود. در ضمن ذکر آیه در قرآن و نزول آن بر پیامبر خاتم ﷺ این پیام را دارد که برای معاصران نزول و پیروان محمد رسول الله ﷺ سخن می‌گوید و حواله به گذشته دادن جز تعطیل معنا و پاک کردن صورت مسئله ثمر دیگری ندارد؛ اگر قرار باشد که آیه‌های اینچنین را در قرآن مربوط به گذشته بدانیم و توصیه آن را در حال و آینده بی‌ثمر انگاریم که باید بخش اعظمی از قرآن را بی‌ثمر اعلام داریم.

خداوند در قرآن، آیات دیگری را نیز در این ارتباط آورده است. آیه ۶۹ سوره مائده با اندک اختلافی همان سخنی را که در آیه ۶۲ سوره بقره ذکر کرده است، تکرار می‌کند که به تفصیل در این باب سخن رفت. در این میان شاید از هر دوی این آیات مهم‌تر آیه ۴۸ سوره مبارکه مائده باشد. در این آیه خداوند می‌فرماید: «و انزلنا الیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه من الکتاب و مهیمنا علیه فاحکم بینهم بما انزل الله و لا تتبع بما اهوئهم عما جاءک من الحق لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجا و لو شاء الله لجعلکم امه واحده ولکن لیلوکم فی ما اتاکم فاستبقوا الخیرات الی الله مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کنتم فیہ تخیفون»؛ «و ما این کتاب را به حق به سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین و حاکم بر آنهاست. پس میان آنها بروی آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از هواهای شان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده پیروی نکن. برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم و اگر خدا [می‌خواست] شما را یک امت قرار می‌داد؛ ولی خواست شما

را در آنچه به شما داده است، بیازماید؛ پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید. بازگشت همه شما به سوی خداست. آنگاه درباره آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاه‌تان خواهد کرد.» [ترجمه محمد مهدی فولادوند]

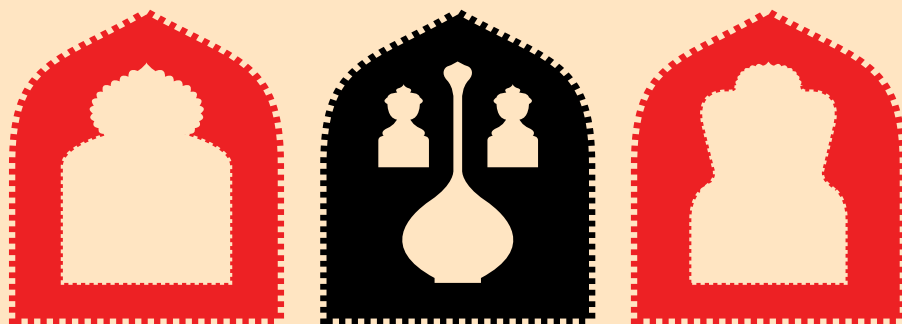
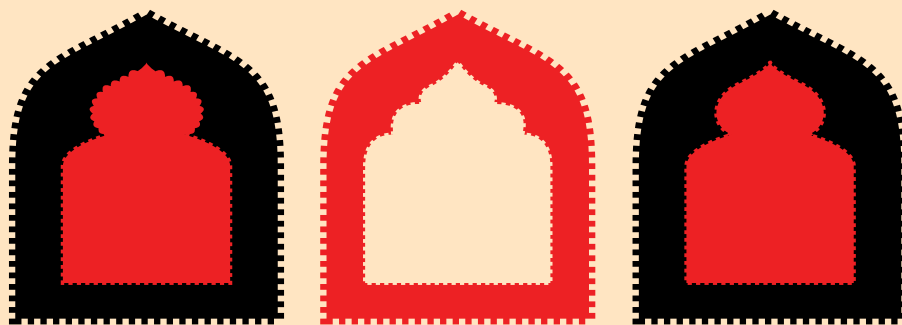
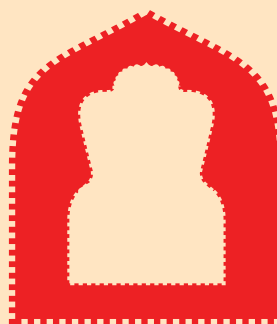
در این آیه علاوه بر تصدیق کتب پیشین، خداوند می‌فرماید که برای هر یک از شما امت‌ها شریعت و راه روشنی قرار دادیم و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد؛ ولی خواست شما را در آنچه به شما داده است، بیازماید؛ یعنی خداست که در اقوام مختلف، شرایع مختلف آورده است که اگر او می‌خواست، می‌توانست شما را شرعاً شرعاً نکند و یک امت بیافریند؛ ولی به سبب آنکه می‌خواست شما را بیازماید چنین کرد.

حال که منطق قرآن در برابر سایر ادیان چنین است فرق مختلف چگونه می‌تواند در دایره شریعت خاتم تا این اندازه از یکدیگر فاصله داشته باشند. قرآنی که ظاهراً در پی تقریب همه خداپاواران عالم در برابر خداپاواران است، صد البته از چند دستگی در شریعت خاتم جانب‌داری نخواهد کرد و کوشش تقریب، قبلاً کوششی در راه به فعلیت رساندن اهداف قرآنی و حیانی است. با وجود این همه شبهه را اقوی گرفته فرض را بر آن بنا می‌نهیم که اساساً اختلاف فرق در شریعت خاتم تا اندازه‌ای ریشه‌ای و این گره به حدی کور و ناگسستگی است که فرض از میان برداشتن این اختلاف یا گسستن این گره نیز فرضی محال است. در آن صورت نیز باید گفت که برای همبستگی نباید الزاماً اختلافات را کم رنگ و کم اهمیت جلوه داد. می‌توان در عین داشتن اختلافات ریشه‌ای با هم و در کنار هم بود تا لاقول در برابر دشمن خارجی یک دل و همراه باشیم. این سخن از سر آرزو و رسیدن به این مرحله نیز محال نیست؛ چرا که ادیانی هستند که با اختلافاتی بسیاری اساسی‌تر با یکدیگر با صلح و مسالمت زندگی می‌کنند. از آن جمله فرقه ایوانجلسم به عنوان فرقه‌ای پروتستان با یهودیان ارتباطی نزدیک برقرار کرده است. مسیحیتی که معتقد است؛ عیسی ﷺ را یهودیان آن دوران باور نکردند و مسیح موعود نشناختند و پس از شکنجه فراوان او را به صلیب کشیدند. در حقیقت مسیحیت توانسته است با نوادگان قاتلان پیامبرشان که از نظر آنان قوم یهود است، به سادگی تعامل کند؛ در حالی که ما مسلمانان با اختلافاتی ده‌ها مرتبه کوچک‌تر اندر خم یک کوچه ایم. به راستی مسلمانان چه از ایشان کمتر دارند که پس از سال‌ها هنوز نتوانسته‌اند، آن‌گونه که باید با یکدیگر همراه شوند در حالی که در دین، قبله، کتاب و پیامبر ﷺ با یکدیگر مشترک‌اند؟



هنر و ادبیات آیینی

سیر تحول و تطور در شعر هیئت به قلم دکتر محمد رضا سنگری و گفت و گوبا
سید محمد جواد شرافت درباره عقلانیت و معرفت در شعر هیئت از مطالب
این بخش است. دکتر جابر عناصری در این شماره یاد «حاج کربلایی علی
اکبر عابدپور» از شبیه خوانان برجسته استان مازندران را گرامی می دارد و در
گفت وگو با حسین پارسایی، نیم نگاهی داریم به اجتماع آیینی اصحاب
فرهنگ و هنر که در مراسمی به نام «سوک چامه ها» با استقبال بسیار خوب
مخاطبان همراه بوده است





سیر تحول و تطور در شعر هیئت

مقدمه

تعیین دقیق و مستند شعر هیئت - بنا بر تعریف امروزی هیئت - بسیار دشوار است، سوگواری‌های جمعی که بعد از وقوع عاشورا در کوفه و شام و به‌ویژه در مدینه برگزار شد، نخستین تصویر از هیئت را به ذهن متبادر می‌کند، در این مجالس، محور اصلی، سوگواری بوده است؛ اما نمی‌توان این محافل و مجالس را «هیئت» و اشعارش که آن روزگاران - به زبان عربی - بر جای مانده «شعر هیئت» نامید.

همان‌گونه که پیش‌تر در تعریف شعر هیئت آمده بود، شعری است که «در نوعی تشکل مذهبی بر محور عزاداری بر سیدالشهدا (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام) در محلی معین عرضه می‌شود»^۱ بنا بر قرائن تاریخی، نخستین گروهی که در ایران برای حادثه کربلا، تجمع و اعتراض و سوگواری برپا کردند مردم سیستان بودند در تاریخ سیستان آمده است: «چون این خبر [حادثه کربلا] به سیستان آمد مردمان سیستان گفتند: نه نیکو طریقتی برگرفت یزید که با فرزندان رسول چنین کردند، پاره‌ای شورش اندر گرفتند.»^۲

اندکی پس از این، در ری اعتراض‌ها و سوگواری‌ها آغاز شد که طبری در تاریخ خود و ابن اثیر در کامل‌البدان اشاره کرده‌اند.^۳ نمی‌توان تصور کرد که این سوگواری‌ها بی‌بهره از «شعر» باشد به‌ویژه آنکه «شعر» در گذشته رسانه غالب و حاکم بر جامعه‌ها و مرسوم‌ترین «هنر» و شاخص‌ترین تکیه‌گاه طرح اندیشه‌ها، عواطف و احساسات و آرمان‌ها بوده است.

بارزترین دوره‌ای که در آن حرکت در شکل امروزی «هیئت‌ها» اتفاق افتاده است در سال ۳۵۲ قمری یعنی میانه قرن چهارم است که آل بویه پس از آشنایی با مراسم عزاداری در سرزمین دیلم^۴ دستور دادند در همه سرزمین‌هایی که در قلمرو حکومت آنها بود مراسم سوگواری برپا کنند. در کتاب الکامل فی التاریخ ابی اثیر آمده است: «در دهم محرم سال جاری [سال ۳۵۲ هجری] مفرالدوله به مردم دستور داد که دکان‌ها و اماکن کسب را ببندند و تعطیل کنند و سوگواری کنند و قبا‌های سیاه مخصوص عزا بپوشند و زنان نیز موی خود را پریشان و گونه‌ها را سیاه کنند و جامه‌ها را چاک بزنند و در شهر بگردند و بگریند و بر سر و رو و سینه بزنند و ندبه حسین بن علی رضی الله عنهما را بخوانند. مردم همه، آن کار را کردند و سنیان ممانعت نکردند؛ زیرا یارای منع نداشتند که عده شیعیان فزون‌تر و سلطان هم همراه آنها بود.»^۵ در این دوره و دوره سلجوقیان بنا به گزارش الکامل فی التاریخ ابن اثیر، تاریخ طبری، احسن القصص ابن کثیر، طبقات کبیره ابن سعد و دیگر منابع که به تصریح و تلویح به سوگواری عاشورا در میان مردم پرداخته‌اند معلوم می‌شود «شعر» نیز در این محافل و مجالس و حرکت‌ها که بسیار شبیه هیئت‌های امروزی بوده رواج داشته است.

در قرن پنجم و ششم، مقتل‌نگاری و مقتل‌خوانی برای طرح مصائب عاشورا باب می‌شود هر چند مقتل‌نگاری، سنتی دیرینه در تاریخ اسلام است؛ اما مقاتل نگارش یافته در ایران، عمدتاً از این ویژگی برخوردارند که جز گرایش به سوگ و بیان تأثیربرانگیز حوادث از

عنصر شعر نیز بهره‌گیری کنند. مقتل الحسین ابوالمؤید موفق بن احمد خوارزمی (م ۵۶۸ ق.) از مقاتل شاخص قرن ششم است که در روزگار خود تحت تأثیر استاد خوارزمی یعنی زمحشری نگاشته شد. خوارزمی کتاب دیگری نیز با نام نورالائمه داشته. احتمال اینکه همان مقتل خوارزمی باشد هست. که کمال‌الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (م ۹۱۰) در کتاب مشهورش، روض الشهدا، بارها اشاره کرده که از آن استفاده کرده است. «شاید این کتاب خوارزمی مقتلی به زبان فارسی بوده است که واعظ کاشفی از آن بهره گرفته است.»^۶ در قرون بعد، مقتل‌های منظوم - منثور و سپس مقتل‌های منظوم فراوان نگاشته می‌شود که در مجالس خوانده می‌شده است.

به نظر می‌رسد در قرن چهارم، محافل و مجالسی که در آنها «مقتل» خوانده می‌شده

خیابا

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳

بارزترین دوره‌ای که در آن حرکت در شکل امروزی هیئت‌ها اتفاق افتاده است در سال ۳۵۲ قمری یعنی میانه قرن چهارم است که آل بویه پس از آشنایی با مراسم عزاداری در سرزمین دیلم دستور دادند در همه سرزمین‌هایی که در قلمرو حکومت آنها بود مراسم سوگواری برپا کنند



و «شعر» برای سوگواری و مرثیه عاشورا و کربلا عرضه می‌شده رایج بوده است این نکات را با درنگی در شعر مشهور کسایی مروزی (م ۳۹۴)، شاعر قرن چهارم می‌توان یافت.

در این سروده چند دلیل زیر گواه رایج بودن «شعریّت» بوده است.

۱. شاعر خود می‌گوید که از مدح و غزل دست شسته و «مقتل» تقاضا می‌کند.

۲. وزن و زبان روان و ساده شعر، گویای مناسب مجلس و محفل است.

۳. ساخت و بافت مرثیه‌ای شعر حاکی از کاربرد آن در مجلس و محفل است.

پس با قرائن تاریخی، برگزاری محافل و مجالس و به قرائن متنی، این سروده را می‌توان از نخستین نمونه‌های شعر هیئت دانست.

متن سروده چنین است:

باد صبا درآمد، فردوس گشت صحرا

آراست بوستان را نیشان به فرش دیا

بی‌زارم از پیاله وز ارغوان و لاله

ما و خروش و ناله گنجی گرفته مأوا

دست از جهان بشویم عزّ و شرفت نجوم

مدح و غزل نگویم مقتل کنم تقاضا

میراث مصطفی را، فرزند مرتضی را

مقتول کربلا را تازه کنم تولا

آن میر سر بریده، در خاک و خون تپیده

از آب ناچشیده، گشته امیر غوغا^۷

اما سروده‌ای که گواه برگزاری مراسم عزاداری در

قرون پنجم و ششم و هفتم آن هم در سرزمین

حلت یعنی قلمرو حکومتی گذشته بنی‌امیه

دارد، داستانی است که مولانا جلال‌الدین

در دفتر ششم مثنوی ذکر می‌کند. در این

داستان می‌گوید؛ کسی وارد حلب شد و

اتفاقاً ایام، ایام محرم و روز عاشورا بود و شهر

حلب را این‌گونه دید:

روز عاشورا همه اهل حلب

باب‌انطاکیه اندر تا به شب

گرد آید مرد و زن جمعی عظیم

ماتم آن خاندان دارد مقیم

ناله و نوحه کنند اندر بکا

شیعه، عاشورا برای کربلا

خیابا

شماره: ۱۱۰ / آذر ۹۳



سروده‌ای که گواه برگزاری مراسم عزاداری در قرون پنجم و ششم و هفتم آن هم در سرزمین حلت یعنی قلمرو حکومتی گذشته بنی‌امیه دارد، داستانی است که مولانا جلال‌الدین در دفتر ششم مثنوی ذکر می‌کند

بشمرند آن ظلم‌ها و امتحان
کز یزید و شمر دید آن خاندان
نعره‌هاشان می‌رود در ویل و وشت
پرهمی گردد همه صحرا و دشت^۸

از این سروده می‌شود فهمید که در قرن ششم و هفتم در روز عاشورا

۱. از صبح تا شب مراسم سوگواری و مرثیه‌خوانی بوده است.

۲. گرد هم آیی و تجمع برای ماتم و مرثیه دایر بوده است.

۳. مردم نوحه می‌خواندند و هم‌زمان گریه می‌کردند.

۴. در این جمع آمدن و محافل و مجالس ذکر مصائب و مظلومیت و رنج‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) مطرح می‌شده است.

۵. شیعیان این تجمع‌ها و مرثیه‌خوانی را دایر می‌کردند.

۶. از ناله و فریاد و شیون مردم همه جا پر می‌شد.

۷. جنایات یزید و شمر را برمی‌شمرند و ناله می‌کردند.

همه این ویژگی‌ها، موقعیت و فضایی شبیه «هیئت» بوده است و نمی‌توان تصور کرد در این مراسم، شعر ویژه مناسب حال مرثیه و نوحه خوانده نشده باشد.

با این مقدمات سابقه شعر هیئت به قرون چهارم تا پنجم هجری می‌رسد.

بررسی سیر تحول شعر هیئت از منظر درون‌مایه بر مبنای آنچه گفته شد؛ اگر سروده‌های شاعرانی چون کسایی مروزی در قرن چهارم و سیف فرغانی شاعر قرن هفتم و هشتم را نمونه نخستین سروده‌های هیئت بدانیم. با اندکی تسامح، شعر هیئت از منظر درون‌مایه از آن روزگار به امروز چنین سیر و تحول و تطوری داشته است.

الف) سوگ و مرثیه؛ مظلوم‌ستانی و ظالم‌ستیزی

این‌گونه مرثیه‌ها که از نظرگاه ارزش شعری و استحکام و انسجام جزو سروده‌های برجسته تاریخ ادبی محسوب می‌شوند چند ویژگی دارند:

۱. زبان نرم، ساده و روان و قابل فهم برای همگان:

بر خلاف شعر اشرافی درباری که مغلق و پیچیده و غامض است.

ای قوم در این عزای بگریید
برکشته کربلا بگریید^۹

۲. طرح مصائب و رنج‌ها و ستم رفته بر

اهل بیت (علیهم‌السلام)

۳. دعوت به گریه و اشک و سرشک باری

۴. لعن و نفرین بر ظالمان و ابرار برائت از آنان

۵. دعوت جمعی به سوگواری

آنچه از این سروده برمی‌آید، وجود مجالسی است که در آنها یکی نوحه می‌خواند و دیگران دم می‌گرفتند و با او هم‌دم می‌شدند. از سروده سیف فرغانی تا حدی می‌توان این نکته را استنباط کرد.

در گریه سخن نگویند

من می‌گویم، شما بگریید

در گریه به صد زبان بنالید

در پرده به صد نوا بگریید^{۱۰}

سروده‌ها عمدتاً در قالب قصیده و بر خلاف قصاید متداول فارسی کوتاه هستند. این مراثنی تا حدود قرن نهم و دهم با همان سبک و شیوه تداوم می‌یابد. گاه نیز قالب‌هایی چون مثنوی به کار گرفته می‌شود؛ اما به سبب اینکه قصیده قالب و ظرف توصیف و مدح و مرثیه است، همچنان غلبه با این قالب است.

در قرن دهم هجری به سبب رواج مذهب تشیع و حکومت سلسله صفوی، مدیحه‌ها و مرثیه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) رونق و رواج می‌یابد و عنصر بسیار مهم تقابل با دولت قدرتمند عثمانی این انگیزه را تقویت و گسترش می‌بخشد و مرثیه‌سرایی را وارد مرحله جدیدی می‌کند.

ب) سوگ و مرثیه، ساختارهای نو، تحریف و اسطوره

شعر دوره صفوی در حوزه سوگ و نیز مدیحه، چند ویژگی می‌یابد که آن را با دوره‌های گذشته متفاوت می‌کند.

۱. وفور و فراوانی شاعران شعر مذهبی:

نه تنها شاعران برجسته این دوره مانند محتشم کاشانی، وحشی بافقی، فضولی بغدادی، اهلی شیرازی، بابا فغانی شیرازی، فیاض لاهیجی، نظیری نیشابوری، واعظ قزوینی که صدها شاعر در پایتخت و دیگر مناطق کشور به مرثیه‌سرایی و مدیحه‌گویی اهل بیت (علیهم‌السلام) اهتمام می‌ورزند. مجالس وعظ و روضه‌خوانی که در آنها ذکر مصائب اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌شود نیاز به «شعر» می‌یابند و به همین سبب اشعار ویژه مراثنی و مدیحه فراوان در دسترس قرار می‌گیرد.

۲. وفور جعل، تحریف و اغراق و مبالغه:

در این دوره در منظومه‌ها در قصاید و در آثار منثور، طرح کرامات و خوارق عادات باب می‌شود. کتب مقتل که در دوره صفویه نگاشته شده‌اند آنقدر دچار غلو و تحریف شده‌اند که صاحب‌نظران و تاریخ‌نگاران و پژوهشگران به



۵. حضور قالب‌های دیگر شعری به‌ویژه ترکیب‌بند:

اگر در دوره‌های پیشین قصیده، محل طرح مرثیه و سوگ بود در این دوره قالب ترکیب‌بند رواج می‌یابد که ترکیب‌بند مشهور و شکوهمند و مانای محتشم کاشانی پرچمی است که برپام این قالب هماره در اهتزاز است. بعدها ده‌ها ترکیب‌بند زیبایی دیگر طلوع و ظهور کرد که ترکیب‌بند صباحی بیدگلی را از بهترین آنها باید دانست.

کاملاً معلوم است که این ترکیب‌بندها در هیئت آن روزگار خوانده می‌شد و همان‌گونه که می‌دانیم حتی در شکل کتیبه‌ها زینت مجالس و محافل شد که هنوز این سنت ساری و جاری است. شگفت آن است که وزن ترکیب‌بندها وقتی سروده‌های بعد عمدتاً به همان وزن ترکیب‌بند محتشم شد و گویی همین موسیقی

«کتاب تاریخی نیست؛ بلکه اثری ادبی و رمان تاریخی است.»^{۱۲}

روضه الشهداء تأثیری ژرف در ادبیات منشور و منظوم عاشورایی به‌ویژه مجالس و محافل مذهبی داشته است و چند قرن متن مکتوبی بوده که خوانده می‌شده و صدها نویسنده را به اقتضا و تقلید کشانده به گونه‌ای که در زبان‌های ترکی، اردو، هندی و عربی به تقلید از آن برخاسته‌اند. صدها مقتل در زبان فارسی به تقلید و اقتضای آن نگاشته شد و هنوز که می‌توان تأثیر ژرف آن را پیدا و پنهان در امروز نیز دنبال کرد.

ترجمه رجزهای کربلا به فارسی در این اثر، نه تنها در هیئت‌های مذهبی تأثیر گذاشت که به فضای تغزیه‌ها نیز راه یافت و آنها را متأثر کرد. آمیختگی شعرو نثر و تأثیر اشعار روضه الشهداء مقوله‌ای است که نیازمند پژوهش مستقل است.

۴. ساختارهای روایی:

در دوره صفوی، سروده‌های سوگ و مرثیه‌های عاشورایی به زبان روایی نزدیک می‌شوند وقایع گاه در شکل مثنوی و گاه قصیده به طور کامل مطرح می‌شوند و چون روایت وقایع با جزئیات، نیازمند بسط و توصیف بود گاه شعر دراز دامن می‌شد. نمی‌توان از تأثیر تعزیه و مجالس سوگ در این گسترش شکل روایی گذشت. در دوره‌های بعد نیز این ویژگی امتداد و استمرار می‌یابد.

عمده مطالب این دوره با دید تردید می‌نگرند. نمونه بارز این آثار روضه الشهداء کمال‌الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (م ۹۱۰ هجری است).

۳. در آمیختن شعرو نثر:

شعر هیئت در این دوره معنای خویش را می‌یابد؛ اما شعر هیئت در ضمن متنی متجلی می‌شود که در مجالس خوانده می‌شود. برای تبیین دقیق‌تر این نکته باید به اثر تأثیرگذار این دوره یعنی همان روضه الشهداء اشاره شود که بعدها نام روضه از همین کتاب بر محافل ویژه ذکر مناقب و مصائب اهل بیت (علیهم‌السلام)، به‌ویژه ابا عبدالله الحسین (علیه‌السلام) اطلاق شد.

کتاب روضه الشهداء، مصائب و بلاهای انبیا را از آدم تا خاتم و پس از آن ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بیان می‌کند. چهار باب این کتاب (از باب هفتم تا دهم) درباره حادثه عاشورا، امام حسین (علیه‌السلام) و خانواده و اصحاب اوست. این کتاب در سال ۹۰۷ قمری نگاشته شده است. اشعار در ضمن بیان حوادث، فراوان دارد. این دو بیت مشهور از این کتاب است که برخی به غلط انگاشته‌اند که از حافظ است:

آنکه در این بزم مقرب تراست
جام بلا بیشترش می‌دهند
و آنکه ز دلبر نظر خاص یافت
داغ عنا بر جگرش می‌نهند^{۱۳}

این کتاب، سرشار از روایات غیر مشهور، داستان‌های مجعول و مسائل نامعتبر است و به قول یکی از پژوهشگران و مورخان معاصر

خیابا

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



در شعر هیئت و در شکل گسترده‌تر، شعر عاشورایی دوره صفویه و قاجار و حتی تا سال‌های قبل از انقلاب، عناوینی چون شاه، شاهزاده، سلطان، امیر، شهنشاه، خسرو و ... در شعر و نوحه کاربرد فراوان دارد

و وزن ذهن و روح شاعران این دوره را مسخر کرده و به محافل راه یافته است.

برای نمونه سروده‌های زیر از شاعران هم‌دوره یا کمی پس از محتشم این ویژگی را نشان می‌دهد. فیاض لاهیجی حدود چهل سال پس از محتشم این سروده را عرضه می‌کند که در محافل خوانده می‌شود.

عالم تمام نوحه‌کنان از برای کیست؟
دوران سیاه‌پوش چنین در عزای کیست؟
نیلی چراست خیمه نه نئی آسمان؟
جیب افق دریده ز دست جفای کیست؟

سرتاسر سپهر پراز دود و ماتم است
آخر خبر کنید که اینها برای کیست؟
گویا مصیبت همه دل‌های مبتلاست
یعنی عزای شاه شهیدان کربلاست^{۱۳}

با اندکی درنگ می‌بینیم پرش‌های آغازین شعرو نوعی تجاهل‌العارف واژگان چئن نیلی، جیب افق، گویا (تجاهل‌العارف بعدی)، دود ماتم همه و همه تحت تأثیر ترکیب‌بند محتشم کاشانی‌اند.

به درستی معلوم نیست این ترکیب‌بند وحشی بافقی (م ۹۹۱) که پنج سال زودتر از محتشم درگذشته است، آیا تحت تأثیر محتشم بوده است یا نه؟ اما فضا، واژگان، وزن و به‌ویژه قالب ترکیب‌بند بودن این اخذ و الهام را به ذهن متبادر می‌کند.

روزی است این حادثه کوس بلازده است
کوس بلا به معرکه کربلازده است

روزی است این که دست ستم، تیشه جفا
بر پای گلبن چمن مصطفای زده است
روزی است اینکه کشته بیداد کربلا
زانوی داد در حرم کبریا زده است
روزی است اینکه خشک شد از تاب تشنگی
این چشمه‌ای که خنده به آب بقا زده است
امروز آن عزا است که چرخ کبود پوش
بر نیل جامه خاصه پی این عزا زده است
امروز ماتمی است که زهرآلود گشاده موی

خیابان

شماره ۱۱/ آذر ۹۳



نوحه، مویه و مرثیه و سوگ است با شعری
که با قالب‌های سنتی و کلاسیک پیوند دارد؛
اما آزادی عمل و حتی عدم تساوی مصراع‌ها
در آن فراوان است

بر سر زده ز حسرت و واحسرتا زده است
یعنی محرم آمد و روز ندامت است

روز ندامت چه، که روز قیامت است^{۱۴}
ده‌ها شاعر دیگر در این روزگار مانند نظیری
نیشابوری، فضولی بغدادی، واعظ قزوینی و
اندکی بعد صائب تبریزی با همین سبک و
سیاق سروده‌هایی عرضه می‌کنند که مورد
استفاده در مجالس و هیئت‌های آن روزگار
است.

۶. طرح اسطوره به جای اسوه:

شعر عاشورایی این دوره، پیش از تلاشی برای
معرفی عاشورا و شهدای کربلا به عنوان اسوه و
سرمدش، چهره‌های اسطوره‌ای و حادثه‌هایی
اسطوره‌گونه را رقم می‌زند. غلو و مبالغه و
تحریف، فضای سروده‌ها و محافل و مجالس
را پر می‌کند.

گریاندن به هر قیمتی و به هر شکل ممکن این
مسائل را تشدید می‌کند. یکی از ابزار گریاندن
به قول مؤلف قصص‌العلماء «تعبیه» است.
وی به نقل از نویسنده کتاب مجالس‌المتقین
می‌نویسد: «تعبیه از مخترعات صفویه است و
مذهب تشیع در ممالک ایران از ضرب شمشیر
سلاطین صفویه شد و ذاکرین را مأمور به انشای
مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام کردند. مردم
چندان گریه نمی‌کردند؛ زیرا هنوز در مذهب
راسخ‌الاعتقاد نبودند؛ پس تعبیه را اختراع
کردند که شاید مردم از مشاهده مصائب
حضرت سیدالشهدا علیه السلام متألم و موجب رقت
قلب شود.»^{۱۵}

تعبیه، چاشنی‌های نمایشی، صحنه‌سازی‌ها
و توسل به ابزار و فضا‌سازی‌ها برای گریاندن
بودن است. بعدها همراهی و «هم‌دمی» مردم
نیز جزئی از برنامه‌ها می‌شود. گزارش‌هایی که
از دوره صفویه در دست است نشان می‌دهد
که شعر «مرثیه» در این روزگار در هیئت‌ها
و دسته‌های سوگوار با تکرار جملاتی همراه
بوده است. ویلیام فرانکلین، افسر انگلیسی
که در قرن دوازدهم و دوره زندیه در ایران بوده
است، می‌نویسد: «از روز اول محرم آخوندها
و پیش‌نمازها به منبر می‌روند و به ذکر «واقعه»
می‌پردازند و به شرح زندگی و اعمال حضرت

علی علیه السلام و پسرانش حسن علیه السلام و حسین علیه السلام
پرداخته و مصیبت وارده بر امام حسین علیه السلام
را بازگو می‌کنند. عزاداری با صدای مقرر و
آرام و محزونی شروع می‌شود و حقیقتاً روی
انسان تأثیر عمیقی می‌گذارد و این زبان
شیرین و رسای فارسی است که می‌تواند
از عهده انجام چنین کاری بر بیاید. بین
دو نوحه‌خوانی، مردم با دست‌های خود
محکم به سینه‌هاشان می‌کوبند و در عین حال
گریه می‌کنند و جملاتی نظیر «وای حسین» و

«حیف از حسین» را ادا می‌کنند. قسمت‌هایی
از واقعه نیز به «شعر» است که با آهنگ محزونی
خوانده می‌شود.^{۱۶} این گزارش و گزارش‌های
دیگری که از تبریز، اردبیل و اصفهان در عصر
صفویه و زندیه داده شده است گواه آن است
که در هیئت‌های آن عصر، چه در دسته‌هایی
که حرکت می‌کردند و چه در مجالسی که برگزار
می‌شد «شعر» به شکل «واقعه‌گویی» و «مرثیه»
همراه با دم دادن و همراهی شرکت‌کنندگان
بوده است. در این اشعار، اغراق و غلو درباره
تعداد سپاه دشمن، تعداد کشته‌شدگان به
دست امام حسین علیه السلام و ابوالفضل‌العباس علیه السلام
و دیگر یاران امام حسین علیه السلام، ذکر غرابت و
عجائب و کرامات و وقایع باور نکردنی غیر
عقلانی، رواج می‌یابد که اوج این غلو و اغراق
و تحریفات را در دوره قاجاریه می‌توان یافت.

هیئت‌های عزاداری، جز اشعار غلوآمیز و پراز
تحریف، حرکات و رفتارهای دیگری را نیز در
سوگواری وارد می‌کنند که سنگ زدن و قمه زدن
و شمایل‌گردانی از آن جمله است.

در این سروده‌ها، چهره اباعبدالله علیه السلام و یارانش
در هیئت «اسوه» مطرح نمی‌شود؛ بلکه در
هاله‌ای از اسطوره و افسانه و داستان‌های
خیالی و ساختگی گم می‌شود. ده‌ها داستان
جعلی که با اندکی درنگ ساختگی بودن آنها
روشن می‌شود در سروده‌های این دوره دیده
می‌شود که عروسی حضرت قاسم علیه السلام در کربلا،
شیری که فضا می‌آورد و داستان پرنده‌ای که
از کربلا به مدینه می‌رود از آن جمله است. در
کتاب حماسه حسینی شهید مطهری و پیش از
آن لؤلؤ و مرجان نوری و کبریت احمر بیرجندی
و قصص‌العلماء تنکابنی به بخشی از این
اسطوره‌سازی‌ها و تحریف‌ها اشاره شده است.
گاه چنان اسطوره‌سازی و غلو صورت می‌گیرد
که سازندگان، محکوم به دلایل و توجیهات
عجیب و غریبی می‌شوند؛ مثلاً وقتی میزان
کشته‌شدگان به دست امام حسین علیه السلام در یک
روز باورنایذیر می‌شود، می‌گویند آن روز خداوند
خورشید را در وسط آسمان نگه داشت و روز
عاشورا ۷۲ ساعت شد!!

۷. اتهام دهر و تخطئه روزگار:

از دوره صفویه و پس از آن در دوره‌های بعد
به‌ویژه عصر صفویه در سروده‌ها، نوعی نگاه
«جبری» دیده می‌شود و حواله به قضا و قدر و
دهر و روزگار در موضوعات و مضامین شعری
به‌ویژه عاشورایی باب می‌شود.

در ترکیب‌بند محتشم کاشانی آمده است:

ای چرخ غافلی که چه بیداد کرده‌ای
وز کین چه‌ها در این ستم‌آباد کرده‌ای
بر طعنت این بس است که با عترت رسول
بیداد کرده خصم و توامداد کرده‌ای

کام یزید داده‌ای از کشتن حسین
بنگر که را به قتل دل شاد کرده‌ای
بهر خسی که بار درخت شقاوت است
در باغ دین چه با گل و شمشاد کرده‌ای
با دشمنان دین نتوان کرد آنچه تو
با مصطفی و حیدر و اولاد کرده‌ای
تا چرخ سفله بود خطایی چنین نکرد
بر هیچ آفریده جفایی چنین نکرد^{۱۷}

می‌بینیم که «چرخ» بیدادگرو سفله و امدادگرو
شریک جرم یزید و متهم در قتل عام و دل شاد
کردن یزید و بیدادگران بوده است.
فتحعلی شاه قاجار نیز در سروده‌های خود که
به شکل نوحه و مرثیه خوانده می‌شده می‌گوید:
خاکم به سرکه از ستم روزگار گشت
غلطان به خاک معرکه کربلا حسین^{۱۸}

و در این سروده صائب که «آسمان» مسبب
عاشورا است و «چرخ ستم‌شمار» حادثه عاشورا
را رقم زده است.

چون آسمان کند کمر کینه استوار
کشتی نوح بشکند از موج بحر
لعل حسین را کند از مهر خشک لب
تیغ یزید را کند از کینه آبدار ...
روزی که پا به دایره کربلا نهاد
بشنو چه‌ها کشید ز چرخ ستم‌شمار^{۱۹}

۸. سروده‌های شاهان:

توجه شاهان به مراسم سوگواری و حضور
در مجالس و محافل که از عصر صفویه
آغاز می‌شود و در دوره زندیه و قاجار به اوج
می‌رسد، باعث می‌شود که شاهانی که اندک
ذوقی دارند، اشعاری بسرایند و اشعار آنان در
هیئت‌ها و مجالس و محافل خوانده شود.
بعضی سلاطین از جمله فتحعلی شاه قاجار در
شب‌های جمعه ماه مبارک رمضان و محرم و
صفر روضه‌خوانی داشت و خود در مجلس به
شدت می‌گریست.

یکی از اشعار فتحعلی شاه سروده و سخت
تحت تأثیر محتشم کاشانی بوده این سروده
است که در محافل آن روزگار خوانده می‌شد.

بفشرد پای در ره صبر و رضا حسین
با حق نموده وعده خود را وفا حسین
بادا فدای خاک رهش صد هزار جان
چون کرد جان به امت عاصی فدا حسین

در روزگار زینت آغوش مصطفی
در روز حشر پیش رو اوصیا حسین
خاکم به سرکه از ستم روزگار گشت
غلطان به خاک معرکه کربلا حسین
فریاد از آن دمی که به صحرای کربلا
شد بر بلای دشمن دین مبتلا حسین
آه از دمی که شکوه کند پیش دادگر

در روز رستخیز سراز تن جدا حسین
نزد شفیع روز جزا از جفای شمر
آمد به شکوه هم‌ره خیرالنسا حسین
«خاقان» در این معامله خاکم به سر شود
چون دادخواه روز جزا دادگر شود^{۲۰}

و ناصرالدین شاه قاجار پس از سفر به کربلا و
زیارت مزار حسین (علیه السلام) این شعر را سرود:
خرم دلی که منبع انهار کوتر است
کوثر کجا ز دیده پراشک بهتر است
نام حسین و کربلا هر دو دلرباست
نام علی اکبر از آن دلربا تر است
رفتم به کربلا به سر قبر هر شهید
دیدم که تربت شهدا مشک و عنبر است
رفتم ز کربلا به سرتربت علی
دیدم که بارگاه علی عرش، اکبر است
«ناصر» چو بر نجف رسید با گریه گفت
هر صبح و شام چشم آمیدم بدین در است^{۲۱}

۹. وفور و اگان سلطنتی و شاهانه:

در شعر هیئت . و در شکل گسترده‌تر، شعر
عاشورایی . دوره صفویه و قاجار و حتی تا
سال‌های قبل از انقلاب، عناوینی چون شاه،
شاهزاده، سلطان، امیر، شهنشاه، خسرو و ...
در شعر و نوحه کاربرد فراوان دارد. در دوره قاجار
منظومه‌های عاشورایی چون آتشکده نیر از میرزا
محمد تقی تبریزی مشهور به حجت الاسلام و
متخلص به نیر، گنجینه اسرار عمان سامانی
زبد الاسرار صفی علی شاه، عنوان شاه و
شاهزاده را فراوان در خویش دارند.

محتشم کاشانی در مثنوی عاشورایی خود
می‌گوید:

عزای شاه مظلومان حسین است
که ذاتش عین نور و نور عین است^{۲۲}

و صفی علی شاه اصفهانی (م ۱۳۱۶ ق.) در
زبد الاسرار که به زبان و بیان صوفیانه و عارفانه
به کربلا پرداخته می‌گوید:

چون که بحر لایزالی کرد موج
کار عشق لایبالی یافت اوج
شاه عشق آن مالک الملک فقط
کرد در میدان قیام اندر وسط^{۲۳}

و عمان سامانی در گنجینه اسرار، هنگام وداع
امام حسین (علیه السلام) با حضرت زینب (علیه السلام) برای
رفتن به میدان می‌گوید:

گفت زینب در جوان آن شاه را
کای فروزان کرده مهر و ماه را
تا کنیم این را مستانه طی
هر دو از یک جام خوردستیم می^{۲۴}

۱۰. شعر و نوحه شاعران اهل تسنن:

در این روزگار در مناطق سنی نشین نیز مراسم
سوگواری و عزاداری دایر و رایج می‌شود و
حتی شاعران اهل تسنن نه تنها در این مراسم
شرکت می‌کنند که به گفتن نوحه و شعرویه
مراسم می‌پردازند که شاعرانی چون عبدالله
سنندجی، جوهری سنندجی، ملا پریشان
و شیخ رضا طباطبایی از آن جمله‌اند. این
شاعران هم به فارسی و هم کردی، مرثیه‌های
قابل توجهی دارند. شیخ رضا طباطبائی
(متولد ۱۲۵۲ هجری) می‌گوید:

در ماتم آل علی، خون همچو دریا می‌رود
تیغ است و بر سر می‌زند، دست است و بالا
می‌رود
از عشق آل بوالحسن، آن تیغ زن، وان سینه زن
داد و فغان مرد و زن تا عرش اعلا می‌رود
پیراهن شمع خدا، یعنی حسین و مجتبی
جان‌ها همی گردد فدا، سرها به یغما می‌رود
کوتاه کن انکار را، بدعت مگو این کار را
این سوگ آل حیدر است، این خون نه بی‌جا
می‌رود

روی زمین پر همه‌مه، در دست جان‌بازان
قمه

خون از بردوش همه، از فرق تا پا می‌رود
من چون مثالم این زمان، زار و ضعیف و
ناتوان

کاین برق آه عاشقان، از سنگ خارا می‌رود
از ابن سعد بی‌وفا، شاهی شوم پر جفا
بر آل بیت مصطفی، چندین تعدی می‌رود
بغداد گردد لاله‌گون، در روز عاشورا به خون
از کاظمین آن سیل خون، تاطاق کسرا می‌رود
وز طاق کسرا سرنگون، ریزد به پای بیستون
وز بیستون آید برون، سوی بخارا می‌رود
خون سیاوش شد هبا، در ماتم آل عبا
تا دامن روز جزا تا جیب عقبا می‌رود
من سنی ام نامم رضا، کلب امام مرتضی
درویش عبدالقادر، راهم به مولا می‌رود^{۲۵}

خیابا

شماره ۱۱ / آذر ۹۳



نخستین شاعری که بخشی از دیوانش
به نوحه اختصاص یافته، یغمایی جندقی
(۱۲۷۶-۱۱۹۶ ق.) است. نوحه‌های
یغما در قالب‌ها شبیه مستزاد، ترکیب‌بند
و آمیزه‌ای از مستزاد و ترجیع‌بند سروده
شده‌اند

۱۱. اشعار و نوحه‌های بلند:

در محافل و مجالس و هیئت‌های عصر صفویه و قاجار، خواندن سرودهای بلند و طولانی از افتخارات و توانایی‌های مداح و ذاکر حکایت داشت. مقتل خوانی، گاه خود را در قالب شعر نشان می‌داد و گاه بخشی از مقتل تبدیل به قصیده یا مثنوی یا بحر طویل می‌شد که خواندن آن بیش از یک ساعت به طول می‌انجامید و روضه‌خوان با هنرنمایی تمام آن را اجرا می‌کرد.

برای نمونه در کتاب روضه الشهدا، داستانی درباره کینگی شیرین‌نام که با شهربانو همسر امام حسین (ع) بود و بعدها به همسری امام حسین (ع) درآمده و در سفرا سارت به شام او را همراهی کرده نقل شده است این داستان و «افسانه را موبه مو ملامحمد فضولی شاعر پرآوازه آذربایجان در سده دهم هجری به ترکی ترجمه کرده که بارها چاپ و منتشر و در چندین مجموعه شعر هم دیده شده است که این افسانه را با شاخ و برگ‌های بسیاری که به آن بسته‌اند به نظم کشیده‌اند که در میان نوحه‌خوانان متداول و مرسوم است تا آنجا که خواندن آن، یک ساعت و نیم طول می‌کشد که برخی از نوحه‌خوانان آن را خوانده‌اند و در یک نوار یک ساعت و نیمی توزیع شده است.»^{۲۶}

مراثی دوره‌های قاجار به سبب دو تأثیر ویژه بلند و طولانی‌اند:

۱. سنت قصیده‌سرایی که جولانگاه قدرت‌نمایی شاعر و بسط و گسترش به سبب توصیفات پیوسته است.
 ۲. تأثیرپذیری از کتب مقتل و بیان و روایات حوادث که به طور طبیعی، قصیده را بلند و مطول می‌کند.
- قالب‌های دیگر مانند مثنوی، مستزاد و بحر طویل از این ویژگی مستثنی نیستند.

۱۲. گسترش نوحه‌سرایی و نوحه‌خوانی:

نوحه، مویه و مرثیه و سوگ است با شعری که با قالب‌های سنتی و کلاسیک پیوند دارد؛ اما آزادی عمل و حتی عدم تساوی مصراع‌ها در آن فراوان است.

«خاستگاه یا دست‌کم گسترش نوحه و نوحه‌خوانی را باید در دوره صفویه (۱۱۴۸ - ۹۰۷ ق.) دانست؛ اما تا پیش از دوره قاجاریه (۱۳۴۴ - ۱۱۹۲ ق.) دیوان اشعاری که شامل نوحه‌های جدی هم باشد، یافت نمی‌شود؛ البته در حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی (۵۳۵ ق.) بیتی در هجو شاعری به نام حکیم طالعی آمده که نشان می‌دهد نوحه‌سرایی دست‌کم در سده ششم هجری رواج داشته

است.

شده سروی نصیب از ازلش
نوحه بسیار خوش‌تراز غزلش

با این همه، از آنجا که در دیوان صباحی بیدگلی (۱۲۱۸ ق.) قصیده شبیه نوحه وجود دارد برخی آن را نخستین نوحه فارسی دانسته‌اند با این مطلع:
امروز، عزای شاه دین است
از ناله، سپهر چون زمین است

نخستین شاعری که بخشی از دیوانش به نوحه اختصاص یافته، یغمایی جندقی (۱۲۷۶ - ۱۱۹۶ ق.) است. نوحه‌های یغما در قالب‌ها شبیه مستزاد، ترکیب‌بند و آمیزه‌ای از مستزاد و ترجیع‌بند سروده شده‌اند؛ پس از یغما باید سروش اصفهانی (۱۲۸۵ - ۱۲۲۸ ق.) یاد کرد که دو اثر ماندگار در این زمینه دارد. شصت‌بند که به یاد شهیدان کربلا سروده شده است با این مطلع:
ای دیده خون‌بیار که ماه محرم است
نزد خدای دیده‌گریان مکرم است^{۲۷}

محتشم کاشانی، جودی خراسانی، فدایی مازندرانی و بسیار شاعران دیگر از دوره صفویه و قاجاریه را می‌توان نام برد که به نوحه‌سرایی می‌پردازند. در دوره قاجار نوحه به سبب نیاز هیئت‌ها و دسته‌های سوگوار، رواج فراوان یافت. در برخی مناطق ایران نوحه‌ها به زبان فارسی منطقه هر دو دیده می‌شود. در مناطق آذربایجان، به ترکی، در مناطق کردستان به زبان کردی و در دیگر مناطق کشور گویش‌های گوناگون، نوحه‌های ویژه خود را می‌یابند. در کشورهای پاکستان و هند و افغانستان نیز به اردو، هندی و دیگر زبان‌ها نیز نوحه‌های فراوانی سروده می‌شود.

این ویژگی به مدیحه‌ها و مولودی‌ها نیز تسری می‌یابد و به تدریج در جشن‌ها و مولودی‌ها شعر به زبان و گویش محلی سروده می‌شود که در روزگار ما نیز امتداد و استمرار یافته است.

منابع و پی‌نوشت‌ها:

۱. شعر هیئت، تعریف، ویژگی‌ها، ابعاد و قالب‌ها: محمد رضا سنگری، بنیاد دعبیل، اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۵.
۲. تاریخ سیستان (مؤلف نامعلوم): به کوشش ملک الشعرای بهار، به همت محمد رمضانی، مؤسسه خاور، ۱۳۱۴ ش، ص ۱۰۰.
۳. تاریخ طبری: محمد بن جریر طبری، به کوشش ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر تهران، ۱۳۵۲، ج ۷، ص ۳۰۹۱ و الکامل فی التاریخ: ابن اثیر، دارالبیروت ۱۹۶۰ م، ج ۵، ص ۲۱۹.
۴. آل بویه به ویژه معزالدوله در سرزمین دیلم سرزمین گیلان و مازندران. با مراسم سوگواری آشنا شد. قیام علویان در خراسان، گرگان، مازندران تاری دامن گسترده بود و معلوم می‌شود از قرن دوم

تا چهارم در این سرزمین‌ها سوگواری برای امام حسین (ع)، زید بن علی و فرزندش یحیی برگزار می‌شده است. در دوران حکومت آل بویه تا پایان حکومت عضدالدوله (۳۷۲ ق.) مراسم سوگواری با جدیت به رغم مشکلات و گاه رخدادهای خونین توسط شیعیان برگزار می‌شد.

۵. ایرانیان و عزاداری عاشورا: اصغر فروغی ابری، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶، ص ۳۸.
۶. سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا، محسن رنجبر، معاونت امور فرهنگی، مدیریت آموزش حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۹۱، تهران، ص ۲۶.
۷. گزیده اشعار کسایی: به انتخاب و شرح جعفر شعار، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۰، ص ۴۸.
۸. مثنوی معنوی: مولانا جلال‌الدین بلخی، دفتر ششم، چاپخانه سپهر تهران، بی‌تا، ص ۱۰۸ - ۱۰۸۲.
۹. دیوان سیف فرغانی: تصحیح دکتر ذبیح‌الله صفا: تهران، ۱۲۴۱ ش، ص ۱۷۶.
۱۰. همان: ص ۱۷۶.
۱۱. روضه الشهدا: حسین بن علی واعظ کاشفی، تصحیح عقیقی بخشایشی، قم، نشر نوید اسلام، ۱۳۸۱ و تهران، اسلامیه، ۱۳۴۱، ص ۱۹.
۱۲. ملا حسین واعظ کاشفی و روضه الشهدا: رسول جعفریان (مقالات تاریخی، ج ۱، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۵)، ص ۳۵۴.
۱۳. دیوان فیاض لاهیجی: تصحیح و تحشیه دکتر جلیل عسگرزاد، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۲، ص ۵۱۹.
۱۴. دیوان وحشی بافقی: به سعی و اهتمام پروین قائمی، تهران، نشر پیمان، ۱۳۸۱، ص ۲۱۲.
۱۵. قصص العلماء: میرزا محمد تنکابنی، انتشارات علمیه اسلامیه، بی‌تا، ص ۳۳.
۱۶. مشاهدات سفر از بنگال به ایران: ویلیام فرانکلین، ترجمه محسن جاویدان، بنیاد فرهنگ و هنر ایرانیان، تهران، ۱۳۵۸، ص ۷۲.
۱۷. دیوان محتشم کاشانی: به تصحیح اکبر بهادادوند، چاپ دوم، نشر نگاه، تهران، ۱۳۸۲، ص ۵۷۳.
۱۸. حسین بن علی در آیین شعر فارسی، سید علی رضا حجازی، فارس الحجاز، قم، ۱۳۸۲، ص ۲۵۳ - ۲۵۲.
۱۹. دانشنامه شعر عاشورایی: مرضیه محمدزاده، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۸۶.
۲۰. حسین بن علی در آیین شعر فارسی، ص ۲۵۳ - ۲۵۲.
۲۱. شیعه در تاریخ ایران: رضانیازمند، حکایت قلم زرین، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۹۷ - ۲۹۸.
۲۲. دیوان محتشم کاشانی: ص ۵۰۹.
۲۳. زید الاسرار: میرزا حسن صفی‌علی شاه، انتشارات صفی‌علی شاه، تهران، ۱۳۷۹، ص ۶۸.
۲۴. گنجینه اسرار: عمان سامانی، به کوشش محمد علی مجاهدی، انتشارات لاهوت، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳.
۲۵. پارسی‌گویان کرد: صدیق صفی‌زاده، نشر عطایی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۷۶.
۲۶. عاشورا پژوهی: محمد صحتی سردودی، انتشارات خادم‌الرضا، قم، ۱۳۸۴، ص ۶۹.
۲۷. فرهنگ‌نامه ادبی فارسی (۲): حسن انوشه، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۳۸۵.

ارتقای شعر هیئت در گروهی نزدیک آن به محافل ادبی است

عَقْلَانِیت و مَعْرِفَت در شعر هیئت

گفت‌وگو با سید محمد جواد شرافت

طاهر تسلیمی

سید محمد جواد شرافت متولد سال ۱۳۶۰ ش. است و به قول خودش به غیر از شعر، هنر دیگری ندارد؛ البته اگر شعر را جزو هنر به شمار آورند! هر چند در میان سروده‌های او می‌توان سراغی از اشعار عاشقانه نیز یافت؛ اما حوزه اصلی شعری شرافت، عمدتاً هیئت است که موضوعات مختلف از مرثیه تا مدح را در بر می‌گیرد. او در حال حاضر یکی از شاعران جوان استان قم است که با وجود سن و سال کمش توانسته است در میان شاعران هیئت، نام خود را تثبیت کند.

پیش‌تر مجموعه‌ای از سروده‌های ولایی از او در کتابی با نام «خاک باران خورده» منتشر شده بود و اخیراً نیز مجموعه‌ای منتخب از سروده‌های موفق شعر هیئت با مضمون عاشورا در اثری با نام «همواره حسین (علیه السلام)» به چاپ رسیده است. مهم‌ترین ویژگی شعری شرافت، تلاش شاعر برای پابندی به وجوه مختلف واقعه عاشورا و فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) است؛ از مرثیه و ذکر مصیبت گرفته تا وجوه حماسی، معرفتی و اخلاقی و عرفانی این واقعه. همزمان با ایام عزای حسینی با وی به عنوان یکی از شاعران موفق در حوزه شعر هیئت به گفت‌وگویی با محوریت این گونه شعر و چند و چون آن پرداخته ایم.

شعر هیئت چه نسبتی با شعر آیینی دارد و نکات افتراق آن با دیگر گونه‌های آیینی کدام است؟

مقدمتاً باید عرض کنم که گرچه آسیب‌شناسی هیئت حق هر مخاطبی است؛ اما ایام محرم، زمان بررسی آسیب‌ها و آفات هیئت و شعر هیئت نیست و بحث درباره این موضوع را باید به کارشناسان امر در طول سال سپرد. هر چند متأسفانه برخی از رسانه‌ها با پرداختن به چنین مسائلی در ایام محرم، کام مردم را تلخ می‌کنند و این چندان جالب نیست.

اما درباره شعر هیئت و افتراق آن با دیگر گونه‌های شعر آیینی باید گفت هر کسی که حتی یک بار در عمر خود، تجربه حضور در هیئات مذهبی را داشته باشد، متوجه

نداریم. فقط می‌دانیم که این نوع اشعار یکی از زیرمجموعه‌های شعر آیینی است. شعر آیینی شاخه‌های مختلف دارد. یکی از شاخه‌های شعری این حوزه در کنار پندیات، مقاومت و ایثار، مضامین توحیدی و ... شاخه‌ای است با نام «شعر ولایی» که اشعار مربوط به حضرات معصومین (علیهم السلام) را شامل می‌شود. از سوی دیگر، هیئات نیز در مدح و مرثیه آل الله (علیهم السلام) شکل می‌گیرند و از این رو، شعری که در این مجالس خوانده می‌شود، زیرمجموعه گونه شعر ولایی و آیینی قرار می‌گیرد؛ اما دایره شعر هیئت، تنگ‌تر از شعر آیینی است و هر شعری را نمی‌توان در آن گنجانید؛ چون مخاطب این نوع سروده‌ها، مخاطب تخصصی شعر نیست، در نتیجه سروده‌ای باید قرائت شود که محتاج

می‌شود که یکی از استوانه‌های خیمه عزای امام حسین (علیه السلام) . که برپا مانده و ان شاء الله پایدار هم خواهد ماند . شعر است. این شعر است که بیان بسیاری از مضامین احساسی و عمیق اندیشه‌ای هیئت را بر دوش می‌کشد. این رویه از گذشته بوده و تا امروز هم ادامه دارد؛ چه اینکه حضرات معصومین (علیهم السلام) هم توجه ویژه‌ای به شعر داشته‌اند و تأییدات و تأکیدات ایشان در باب بایسته‌های لفظ و معنا در این موضوع، خود مؤید این رویه است.

مراد از «شعر هیئت» شعری است که قابل استفاده در هیئات مذهبی باشد و بیشتر توسط ماحان اهل بیت (علیهم السلام) و مستمعان این جلسات مورد استفاده قرار بگیرد. در حال حاضر، تعریف علمی و دقیقی از این نوع سروده

شرح و تفسیر نباشد. در مجموع، می‌توان گفت شعر هیئت شعری است که سهل الوصول است و در کنار اشارات تاریخی ملموس و محسوس، بار عاطفی خوبی دارد.

از سوی دیگر، شعر هیئت هم می‌تواند متعالی باشد و هم نازل؛ بنابراین هر شعری که به نام هیئت و برای مجلس ائمه اطهار (علیهم‌السلام) گفته می‌شود، مورد تأیید نیست؛ چه اینکه گاه برخی از شاعران آیینی از بحث زبان غافل شده و بیشتر به محتوا می‌پردازند.

مهم‌ترین ویژگی‌ها و اختصاصات شعر هیئت چیست؟

برای مشخص تر شدن حد و مرز این گونه شعری با گونه‌های دیگر، لطفاً به چند نمونه موفق از شاعران اشاره کنید.

در سال‌های اخیر، شاهد حضور و فعالیت دو فضای شعری در کشور هستیم؛ شعر هیئات مذهبی و شعر محافل ادبی. برای امثال من که دو فضا را تجربه کرده‌اند، همیشه نقطه ایده‌آل این بود که بتوانیم شعری بگوییم که هم در محافل ادبی تأیید شود و هم در هیئات مذهبی مورد استقبال قرار گیرد؛ به عبارت دیگر، هم خاص‌پسند باشد و اساتید به آن نمره قابل قبولی دهند و هم عام‌فهم باشد و مردم با آن ارتباط برقرار کنند. این کار سختی هم نیست. شعر «سعدی» نیز همین ویژگی را دارد که در عین بهره‌مندی از مقبولیت عام در اوج و قلّه شعر فارسی هم قرار دارد.

ما در این سال‌ها تلاش کرده‌ایم تا فضای این دو حوزه شعری را به هم نزدیک کنیم و حاصل، آن شده که در هر دو فضا، شاهد تغییراتی بوده‌ایم. شعر هیئت، عموماً مخاطب بسیاری دارد در حالی که محافل ادبی در دوره‌ای با بحران مخاطب مواجه بودند. از سوی دیگر شعر



خیابان

شماره: ۱۱/ آذر ۹۳



امروز، شیعیان یک طرف ماجرا هستند و وهابیت سوی دیگر؛ اهل تسنن هم در این میانه قرار دارند. اهل سنت به اهل بیت (علیهم‌السلام) علاقه دارند و ما می‌توانیم با فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام)، آنان را در همین هیئت نگه داریم؛ اما متأسفانه گاه با برخی از رفتارهای نامعقول که به اشتباه «غیرت» خوانده می‌شود، آب به آسیاب وهابیت می‌ریزیم

محافل ادبی به لحاظ ادبی پیش‌رونده است؛ اما شعر هیئت از این منظر تا حدودی ایستا شده بود. با نزدیک شدن این دو فضا به هم، می‌توان امید داشت که سطح شعر هیئت ارتقا بیابد. در سال‌های اخیر، شعر هیئت شاهد حضور شعرای موفق پیشکسوت و جوان بوده است از اساتیدی چون استاد مجاهدی، استاد حسان، استاد مؤید، استاد شفق و حاج علی انسانی گرفته تا شاعران جوان‌تری که طی این سال‌ها رشد کرده و معرفی شده‌اند و انصافاً همگی هم موفق بوده‌اند.

نقطه ایده‌آل برای یک شاعر هیئتی چیست؟ و سر موفقیت و دلیل عدم موفقیت برخی از شاعران در سرودن شعر هیئت چیست؟

بسیاری از دوستان آیینی سرا دوست دارند که شعرشان در محافل مذهبی خوانده شود. خیلی زیباست که شعری خوانده شود و چند نفر با آن ارتباط برقرار کنند با آن لبخند بزنند و با آن اشک بریزند. نقطه ایده‌آل برای هر شاعری این است که شعرش به چنین سرنوشتی برسد. دوستان آیینی سرایی سراغ دارم که دوست دارند برای هیئت شعر بگویند؛ اما موفق نیستند و دلایلش را باید در ناآشنایی شاعر با فضای هیئت جست‌وجو کرد؛ به عبارت دیگر وقتی می‌گوییم این شاعر، هیئتی است؛ یعنی در هیئت بزرگ شده، روانشناسی مخاطب را می‌داند با بزرگه‌های یک مداح آشنا و به فراز و فرود جلسه آگاه است. شاعری که هدفش ارتقای شعر هیئت است از همین فرصت‌ها و ذائقه مخاطب استفاده می‌کند تا شعرش مقبولیت هیئت را بیابد؛ کما اینکه ما مصادیق موفقیتی هم در سال‌های اخیر در این زمینه داشته‌ایم.

عاشورا منظومه عقل و عشق و حماسه است و بسیاری از بزرگان تأکید دارند که اشعاری که در وصف آن گفته می‌شود نیز باید همدوشی «شور و شعور» و «عقل و عاطفه» را مد نظر قرار دهند. شعر هیئت به عنوان شعری که برای عامه مردم در مجالس خوانده می‌شود، تا چه حد قابلیت و ظرفیت برای این دو عنصر (به ویژه عقلانیت و معرفت) دارد؟

هنرمند کسی است که بتواند پیچیده‌ترین مضامین فلسفی، عقلی و عرفانی را در بیانی ساده بازگو کند، نه اینکه مضامین پیش‌پا افتاده را معماگونه به خورد مردم بدهد. بسیاری از اشعار بزرگان مانند حافظ و سعدی دارای این دو بُعد است؛ یعنی عاطفه در آنها موج می‌زند و از اندیشه هم بی‌بهره نیستند. عاشورا را - با تعریفی که من از استاد ژرفا شنیدم

می‌توان در چهار وجه تعریف کرد: حماسه، مرثیه، عرفان و آرمان که همان پیام این روز است. هرگاه این چهار بُعد را با هم تصویر کردیم به تعبیر استاد، می‌توانیم شاعر موفق باشییم در غیر این صورت عاشورا را شهید کرده‌ایم؛ البته این سخن به این معنا نیست که در یک سروده، حتماً همه این مضامین را در نظر داشته باشیم؛ بلکه می‌توان در یک مجموعه شعری که به چاپ می‌رسد در کنار کارهای مرثیه، آثاری از جنس عرفان، اخلاق و حماسه هم گنجاند یا اگر مرثیه می‌گوییم در ابیات پایانی به اخلاق هم توجه کنیم. برای خود من سؤال بود که آیا می‌توان در مرثیه به موضوعات اخلاقی هم پرداخت یا نه؟ تا اینکه در سروده‌ای از شیخ رضا جعفری از شاعران خوب و موفق استان تهران، مرثیه‌ای خواندم با این بیت:

«جایی برای کوثر و زمزم درست کن
فضه برای فاطمه مرهم درست کن»
شاعر در ابیات پایانی پس از مرثیه و اندوه می‌گوید:

«مثل شروع زندگی مرتضی و من
بی‌زررق و برق و ساده و محکم درست کن»
شاعر در دل این مرثیه، سبک زندگی را بیان می‌کند. به نظر من ظرفیت در شعر هیئت وجود دارد به شرط اینکه خود شاعر هم این دغدغه را داشته باشد تا استمرار حرکت و حضور تأثیرگذار ائمه (علیهم‌السلام) را در زندگی بیشتر ببیند.

یکی از انتقاداتی که به ویژه در سال‌های اخیر به اغلب اشعار هیئتی وارد می‌کنند، این است که این اشعار بیشتر به وجه احساسی، عاطفی و شورمندانه قیام حسینی توجه می‌کنند و بسیار کمتر به مباحث عقلی و معرفتی می‌پردازند. این موضوع به ویژه مورد اعتراض و انتقاد کسانی قرار گرفته که به شیوه‌های سنتی عزاداری و هیئت داری تعلق خاطر دارند. آیا شما این اعتراض را قبول دارید؟

به شکل رایج بله، اما استثناهایی هم دارد؛ مثلاً هیئات مذهبی در قم با حضور پررنگ ترطالاب برگزار می‌شود. مادحین هم درس‌آموخته علوم دینی هستند و با بیوت علما و محافل مذهبی ارتباط دارند، از این نظر در هیئات این چنینی این جنبه را کمتر می‌توان دید؛ اما اگر بخواهیم غالب جلسات را بررسی کنیم، می‌توانیم این مشکل را بیشتر ببینیم؛ البته وجود این رویه، دلیلی برای حذف مرثیه از هیئت نیست. به قول استاد مجاهدی:

«تو مرگ را به سُخره گرفتی کجا رواست
تا نام تو خلاصه شود در عزا فقط
خون بود و داغ بود و عطش بود و آه بود
اما نبود این همه ماجرا فقط...»

باید به جنبه‌های مختلف قیام عاشورا در شعر هیئت پرداخت؛ البته این بستگی به هنرمندی شاعر، مداح و خطیب دارد که مثلاً کجای جلسه، مباحث اخلاقی را مطرح کند که مستمع به این فکر نکند که دارد نصیحت می‌شنود.

غلبه شور و عاطفه بر جنبه محتوایی در هیئت از کجاشی می‌شود؟ این موضوع صرفاً به انتخاب و سلیقه مداح برمی‌گردد یا ذائقه و پسند مخاطب؟

بخشی از این روند در دست من شاعر یا مداح نیست؛ البته نمی‌دانم این حرف تا چه میزان صحیح است؛ اما در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) بر عاطفه و مرثیه تأکید شده است؛ حتی این تأکید در سخنان تعدادی از علما هم دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه شهید مطهری معتقدند: عاشورا را عاطفه جلو برد، نه اندیشه. این سراسیمه‌اشک است که مراسم عزاداری را تا به حال نگاه داشته است. عاطفه و شور انسان‌ساز از فطرت برمی‌خیزد و از شعور خالی نیست. این عاطفه و فطرت است که باید کم‌کم انسان را به اندیشه برساند؛ اگر عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) را محدود به اندیشه می‌کردیم و با یک کنفرانس علمی آن را گرمی می‌داشتیم، مطمئن باشید که پنج قرن بیشتر دوام نمی‌آورد.

تأکید بوجه شورمندانه و عاطفی تا آنجاست که حتی برخی از مداحان در

مداحی، ریتم را اصل و شعر را فرع بر آن می‌دانند. غفلت از یکی از این دو وجه

شوری و شعوری نهضت حسینی در اشعار هیئتی، چه عواقب و پیامدهایی برای شاعر و مخاطب اهل هیئت در پی دارد؟

بررسی این موضوع را باید به کارشناسان جامعه‌شناس و ... واگذار کرد؛ اما از حیث شعر باید بگویم که به قول اساتید، ما می‌توانیم شعر «عاشورا» بگوییم؛ یعنی صرفاً عاشورا را توصیف کنیم؛ می‌توانیم مداح عاشورا باشیم؛ یعنی برای مخاطب، این واقعه را تصویر کنیم؛ اما می‌توانیم شعر «عاشورایی» هم بگوییم. این وجه با دیگر وجوه متفاوت است. شعر عاشورایی در کنار توصیف، تحلیل هم دارد. بحث جدی این است که موضوع شعر باید عاشورایی باشد یا موضع شعر. اگر موضع شعر عاشورا باشد به این معناست که شاعر از منظر عاشورا به دنیا می‌نگرد. شعر، ثمره الهامات روحی شاعر است و با جهان‌بینی او در ارتباط است؛ بنابراین ما نمی‌توانیم شعر متعهد خلق کنیم؛ اما می‌توانیم شاعر متعهد داشته باشیم یا یک برنامه‌ریزی خوب، بعد از مدتی

شاعرانی خواهیم داشت که بدون زر و زور، متعهد و پایبند به نگاه و موضع عاشورایی و به مسائل دیگر اعم از سیاسی، اجتماعی، آیینی و ... هستند.

یکی از موضوعات مطرح در شعر

هیئت، میزان و چگونگی ورود شاعر به

مسائل سیاسی روز است؛ نظر شما در این باره

چیست و آیا شاعر باید پرداختن به مسائل

سیاسی به نوعی برای شعر خود تاریخ انقضا

نمی‌گذارد؟

سیاست با سیاست بازی فرق می‌کند. شاعر و مداح باید هنرمند باشد و بداند که در چه زمانی، چه بگوید؛ مثلاً در شعر هیئت با فضاهای مختلف شور، نوحه، زمزمه، روضه و ... مواجه‌ایم، شاعر هیئت باید بداند که چه زمانی باید از سیاست بگوید؛ البته منظور از مباحث سیاسی، ماجراهای روز و رویدادهای روزمره و پیش پا افتاده سیاسی نیست؛ بلکه باید به خطوط قرمز و اصل و اساس‌ها پرداخت. زمانی که خطوط قرمزها رعایت نمی‌شوند، شاعر باید سخن بگوید. ممکن است برخی ایراد بگیرند که این موضوع شعارزدگی به همراه دارد؛ اشکالی ندارد، مهم این است که پس از انتخاب موضع، زمان گفتن را مشخص کنید. متأسفانه در برخی از مواقع، هیئت به میتینگ سیاسی مبدل می‌شود و البته گاهی هم برخی شاعران و مادحان با زمان‌شناسی و ابن‌الوقت بودن، موضوعی را مطرح می‌کنند که بردل مستمع هم می‌نشیند.

یکی از مباحث مهمی که همواره مورد

توجه علمای بزرگ بوده، بحث تقرب

مذاهب و توجه به وحدت جامعه اسلامی و

مصالح جهان اسلام بوده است و این موضوع

به ویژه در وضعیت کنونی منطقه و جهان

اسلام، بیش از پیش ضروری است. حدود

برائت از دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام) در شعر هیئت

چگونه باید باشد تا این خط وحدت آسیب

نبیند؟

شاعر رسالتی دارد و خطیب و مداح هم وظیفه‌ای. گاه گفتن برخی از موضوعات، وظیفه شاعر نیست که اگر غیر از این شود، شعر بوی تصنعی بودن به خود می‌گیرد. شاعر برای این آمده که حرف‌های دشوار را با ابزارهای هنری مانند استعاره و ... بیان کند. موضوع وحدت و تقرب، یکی از موضوعات ضروری این روزهای جامعه است. امروز، شیعیان یک طرف ماجرا هستند و وهابیت سوی دیگر؛ اهل تسنن هم در این میانه قرار دارند. اهل سنت به اهل بیت (علیهم‌السلام) علاقه دارند

و ما می‌توانیم با فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام)، آنان را در همین هیئت نگه داریم؛ اما متأسفانه گاه با برخی از رفتارهای نامعقول که به اشتباه «غیرت» خوانده می‌شود، آب به آسیاب وهابیت می‌ریزیم.

بزرگان ادب و معرفت به کرات در باب

نقش الهامات در آفرینش یک اثر ادبی، سخن

گفته‌اند. این موضوع را بسیاری در ساحت

شعر آیینی نیز مطرح کرده و برخی معتقدند؛

شعر آیینی بیشتر جوششی است تا کوششی.

اگر معتقد باشیم شعر آیینی «جوششی»

است، چطور می‌توان در باب قوی یا ضعیف

بودن آن داور کرد؟

ما در شعر هیئت به دنبال شعر جوششی هستیم نه کوششی؛ شعری که ناخودآگاه بر زبان شاعر جاری می‌شود؛ اما چه می‌شود که جوشش برخی از این سروده‌ها زلال‌تر است؟ این به کوشش شاعر پیش از شعر بازمی‌گردد؛ اگر حافظ، بازنگری و تصحیح دوباره اشعارش را نداشت به این درجه شعری نمی‌رسید. در کنار این جوشش که اصل است، باید کوشش و جد و جهدی فوق‌العاده داشت، شعر اهل بیت (علیهم‌السلام) را نمی‌توان به جوشش و عنایت رها کرد؛ گرچه اصل، عنایت است و حتی کوشش ما هم عنایت است: «تا که از جانب معشوق نباشد کششی

کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد»

شاعر هیئت باید دغدغه‌مند باشد و نباید خود را کسی بداند. او باید حتی هنگامی که در اوج است، برای بهتر شدن تلاش کند؛ یعنی حتی پس از این جوشش هم، شاعر باید برای تصحیح و نقد شعر خود بکوشد تا بتواند بهترین‌ها را برای بهترین خلائق یعنی حضرات معصومین (علیهم‌السلام) بگوید.

خیابان

شماره: ۱۱ / آذر ۹۳

شاعر هیئت باید دغدغه‌مند باشد و نباید

خود را کسی بداند. او باید حتی هنگامی که

در اوج است، برای بهتر شدن تلاش کند؛

یعنی حتی پس از این جوشش هم، شاعر

باید برای تصحیح و نقد شعر خود بکوشد تا

بتواند بهترین‌ها را برای بهترین خلائق یعنی

حضرات معصومین (علیهم‌السلام) بگوید



خوانش و نقدی بر غزلی عاشورایی از «آرش شفاعی»*

باطعمر گریه

حمیدرضا شکارسری

خیابان

شماره: ۱۱۰ / آذر ۹۳



۳۰

برای مخاطب باورپذیر باشد. اتفاقاً همین نکته به وجه احساسی و عاطفی رقیق شعر می‌افزاید. درد دل و واگویی‌های ساده و صمیمانه کودکی ستم‌دیده و رنج کشیده که تعداد کثیری از اقوام نزدیک، چون پدر و عمو و برادرانش را پیش چشم‌اش به شهادت رسانده‌اند و سپس زنان و کودکان بازمانده را مورد تعرض و بی‌حرمتی قرار داده‌اند. او بی‌اختیار خاطرات شیرین گذشته‌اش را به یاد می‌آورد و می‌گوید:

علی اکبر پس از این شانه بر مویم نخواهد زد
علی اصغر سرانگشت مرا دندان نمی‌گیرد

شاید به دلیل نوع راوی باشد که تخیل در این غزل از حد ساختن چند ترکیب ساده وصفی و اضافی فراتر نمی‌رود و شاعر خود را در بیانی ساده از ماجرای عظیم از دیدگاه کودکی معصوم، محصور می‌کند. بیانی ساده در فضایی منظوم که می‌تواند تأثیر سریعی بر مخاطب بگذارد. به عبارت دیگر این بیان معنا در یک قالب شعری چون غزل است که فضایی شاعرانه ایجاد می‌کند و نه تخیل شاعرانه که در واقعیت‌های جهان دست می‌برد و با بازآفرینی آن به خلق واقعیتی جدید می‌پردازد. در مجالس عزاداری منعقد در تکایا و هیئات

با این مقدمه، غزل «آرش شفاعی» را می‌توان شعری در گروه اول اشعار دینی دانست. شعری که به وقایعی در تاریخ مذهب شیعه می‌پردازد. ادعای تئوریزه کردن دین و مبانی دینی را ندارد؛ اما از طریق تحت تأثیر قرار دادن احساسات آنی و عواطف سطحی مخاطب، سعی در جذب سریع او دارد. در این راه او نیازی به بیان پیچیده ندارد؛ پس سراسر به سراغ روایت اصلی می‌رود و به اصطلاح به قلب ماجرا می‌زند. در حقیقت تمامیت شعر، گریزی سریع به صحرای کربلاست! این، یکی از رایج‌ترین شکل‌های اشعار هیئتی است؛

پدر! آخر چرا دنیا به ما آسان نمی‌گیرد؟
غروب غربت ما از چه رو پایان نمی‌گیرد؟

روایت از دهان یکی از کودکان حرم حضرت اباعبدالله (ع) پس از واقعه عاشورا در شام گریبان کربلا شنیده می‌شود؛

پدر! حالا که تودر آسمان هستی، بپرس از ابر
که من از تشنگی پرپر زدم، باران نمی‌گیرد؟

نکته مهم در این شعر این است که همه ابیات باید از دیدگاه کودکانه راوی برخاسته و از این نظر

شاعر دینی یا مستقیماً از خدا، دین و شعائر و مناسک و آیین‌های دینی، شخصیت‌ها و رویدادهای دینی می‌گوید یا به طور غیرمستقیم از منظری دینی و با بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی به تحلیل و تفسیر جهان و رویدادهای آن می‌پردازد.

بر خلاف آنچه در ابتدا ممکن است به نظر برسد؛ گونه دوم شعر دینی به برخورداری از یک دستگاه فکری منسجم و یک ژرف‌اندیشی ویژه، نیاز بیشتری دارد. آگاهی‌هایی حتی نه‌چندان عمیق و وسیع از شریعت، حد و مرزهای دین و وقایع تاریخی آن می‌تواند برای سرایش شعر دینی از نوع اول کافی باشد؛ چرا که به نظر می‌رسد وجه احساسی و عاطفی و آگاهی‌رسانی این شعر در جهت فراخوان مخاطبان به دین و دین‌مداری، وجه برجسته آن باشد؛ البته بی‌تردید دامنه وسیع تر اطلاعات شاعر در افزایش تأثیر و تعمیق شعر او مؤثر واقع خواهد شد.

در شعر دینی نوع دوم، اما گاه حتی کلیدواژه‌های آشنای متون دینی هم در اثر یافت نمی‌شوند و فقط مخاطب تأویل‌گر می‌تواند حضور ژانر دینی را تشخیص دهد یا حتی بیافریند. در این وضعیت، شعر در ساحت‌هایی چون عرفان خوانش می‌شود.



بخشی از يك كتاب

چهره‌های درخشانی که با خلوص نیت در روز عاشورا جان در طبق اخلاص نهادند و مردانه به صفوف دشمن زدند و با تمام وجود به این دنیای پرزرق و برق پشت کردند، در برخی از کتب مقاتل و در بعضی از اشعار و مراثی به موجودات زبونی تبدیل شدند که از دشمن با ذلت و خواری تقاضای جرعه‌ای آب می‌کردند. تشبیهات و توجیهات نامعقول، ستم مضاعفی در حق این شهیدان روا داشت و این جسارت تا بدان حد رسید که از زبان سالار شهیدان علیه السلام، مداحان و روضه‌خوانان سرودند ... و بسیاری مطالب سخیف دیگر که موجب وهن شهیدای کربلاست.

مقتل الحسین علیه السلام، ابو مخنف لوط بن یحیی ازدی، ترجمه حجت‌الله جودکی، انتشارات خیمه

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



غریبان و ذوالجناح شناخت دارد؛

نگاه عمه طعم اشک دارد، امشب تلخی است
دل دریایی اوبی دلیل این سان نمی‌گیرد
نمی‌دانم چرا این ذوالجناح مهربان امشب
تمرد می‌کند، از هیچ کس فرمان نمی‌گیرد؟

شاید بهتر بود این غزل با زبان محاوره‌ای نوشته می‌شد تا صمیمیت بیان راوی کودک سال متن بیشتر حس می‌شد و از سوی دیگر کلماتی که تا حدی برای این راوی ثقیل به نظر می‌رسد با کلماتی روان‌تر جایگزین می‌گردید؛

پدر! می‌ترسم، این تشویش را پایان نخواهی داد؟

دلم آرام جز با چند خط قرآن نمی‌گیرد

غزل عاشورایی «آرش شفاعی» در حوزه شعر هیئتی اثر موفق‌تری است؛ چرا که به نیت‌های این نوع شعری عمل کرده است؛ اما آیا می‌تواند همین موفقیت را در دیگر حوزه‌های شعری این روزگار تکرار کند؟

پی‌نوشت:

* تهران شبیه هر شب دیگر سیاه بود، آرش شفاعی، سوره مهر، صفحه ۴۱

و در حضور مخاطبانی که برخوردی حرفه‌ای با شعر ندارند و رویارویی‌شان با شعر فقط در حد تفنن و تصادف اتفاق می‌افتد، چنین شعری کاربرد می‌یابد. این اما نافی حضور شعرهایی با درجات بالاتری از تخیل و تکنیک و قوت تاثیر آنها حتی بر مخاطبان حرفه‌ای شعر امروز، در زمره اشعار هیئتی نیست.

«شفاعی» از دهان راوی کودک سال شعرش، روایت را ادامه می‌دهد؛

به بازی باز هم خود را به مردن زد عمو جانم
ولی با بوسه‌هایم چون همیشه جان نمی‌گیرد

ملاحظه می‌شود که برخورد شاعر با کلمات، خلاف روال غالب شعری، برخوردی نشانه‌شناسانه نیست؛ بلکه برخوردی کاملاً معناشناسانه است. در این وضعیت، کلمات همانند که مخاطب می‌شناسد و بر آن اشراف دارد و وجهی نشانه‌ای مثلاً در حد استعاره یا نماد ندارند؛ پس معنا برای مخاطبان خاصی قابل دستیابی است و برای مخاطبان دیگری ممکن است، اصلاً قابل درک نباشد حال آنکه استعاره و نماد با وجه نشانه‌ای خود متن را از حالت معناشناسانه صرف نجات می‌بخشند و دایره مخاطبان را وسعت می‌بخشد. از این نظر شعر هیئتی شعری محفلی‌ست. محفلی که در آن حضرت زینب علیه السلام را به عنوان خواهر حضرت اباعبدالله علیه السلام می‌شناسد و از شام



قصیده‌ای از صائب تبریزی

در مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام

جواد هاشمی

بخشی از یک کتاب

گونه دیگر از شعر مذهبی، مدیحه‌هایی است که مربوط به اولیا و انبیا می‌باشد. در این قبیل مدح‌ها نه صله مطرح است و نه شاعر قصد خوشامدگویی دارد؛ بلکه شعر شاعر از احساس او می‌تراود، خالص و پاک است و به هیچ غرضی آلوده نیست، برآمده از اعتقاد است. از مرز مادیات فراتر رفته است و البته در این قبیل مدایح چشم شاعران به عنایت خداوندی است و آنها در جست‌وجوی اجری معنوی هستند. مدح شامل برشمردن صفات و ویژگی‌های اخلاقی اولیای دین است. روزگار صفویه و قاجار به مداحان اهل بیت، «مناقب‌خوان» یا مناقبی می‌گفتند و این موضوع در کتاب «التقص» هم تصریح شده است. در ادبیات فارسی بیشترین مدایح، اول در وصف حضرت پیامبر محمد مصطفی ﷺ است و سپس در نعت امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

میراث عشق: جامع شعر عاشورا با مقدمه مفصل پیرامون هنر در شعر دینی، امیر اسماعیل آذر، انتشارات پیک علوم

خیاما

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



گرفته است. ایشان متنی یک صفحه‌ای با عنوان «مقدمه ناشر» می‌نگارد و پس از مقدمه مبسوط مصحح می‌آورد و چنین اذعان می‌دارد:

اکنون که چاپ دوم «کلیات صائب تبریزی» را به دوستان ادب و شعر تقدیم می‌کنیم، لازم است خوانندگان عزیز را از مزیتی که این چاپ نسبت به چاپ قبلی دارد، آگاه کنیم.

در سال قبل که برای پاره‌ای از امور شخصی به تبریز رفته بودم به ملاقات جناب آقای حاج حسین آقای نخجوانی که از مشوقین و دوستان ادب و یکی از شخصیت‌های برجسته این کشور هستند، رفتم و چون صحبت «صائب» و انتشار کلیات آن به میان آمد، ایشان متذکر شدند که در کتابخانه شخصی خود نسخه‌ای از قصاید «صائب» را دارند که در هیچ جا دیده نشده و خود ایشان پیشنهاد کردند که در صورتی که اقدام به چاپ دوم «کلیات صائب» شود، این قصاید هم در آخر کتاب ضمیمه شود و بالاخره بعد از شش ماه، تصمیم به چاپ دوم گرفته شد و ما به وسیله نامه، کتاب مزبور را از ایشان خواستیم و ایشان بدون مضایقه و با کمال سرعت، نسخه نفیس خود را که تاریخ تحریر آن به طور تقریب همزمان خود «صائب» بوده است در دسترس ما گذاردند و ما با استفاده از این کتاب توانستیم قصاید کتاب را کامل کنیم.

در اینجا از بذل محبت ایشان سپاس‌گذاری کرده، موفقیت ایشان را در امور فرهنگی خواستاریم.

«محمدعلی ترقی»

میرزا محمدعلی «صائب تبریزی»، شاعر شهیر شیعی از نام‌آوران عرصه سخن و از برترین غزل‌پردازان ایران است. در این مجال مقال، بنای پرداختن به زوایای زندگی این شاعر قرن یازدهم را نداریم و فقط اشاره می‌کنیم که از جمله شاعرانی است که لقب «ملک الشعراء» داشته است.

دیوان اشعار این شاعر کثیر الشعر با تصحیح‌های گوناگون و در سال‌های مختلف در یک جلد، دو جلد یا سه جلد به بازار نشر راه یافته است؛ ولی کامل‌ترین دیوان صائب تبریزی تا به امروز همان است که در شش مجلد و به همت صائب‌شناس ماهر و قهرمان سخن معاصر، استاد محمد قهرمان منتشر شده است.^۱

محمد قهرمان در مقدمه خویش در جلد اول، ۲۲ نسخه از «صائب» را برای تصحیح خویش برمی‌شمرد که آخرین چاپ خیام به تصحیح استاد امیری فیروزکوهی به سال ۱۳۳۳ است. در اینجا باید به نکته مهمی پیرامون انتشار تصحیح استاد امیری فیروزکوهی اشاره کنم. برتارک این اثر، «کلیات صائب تبریزی» نقش بسته و ذیل عنوانش عبارت «از روی نسخه خطی که خود شاعر تصحیح کرده است» می‌درخشد. انتشارات خیام در سال‌های ۱۳۳۳، ۱۳۳۶ و ۱۳۷۳ این اثر را راهی بازار نشر کرد؛ اما مطلب مغفول مانده در اینجاست که در چاپ دوم یعنی ۱۳۳۶ قصایدی وجود دارد که در چاپ اول و حتی سوم هم نیست. افزودن این قصاید، توسط محمدعلی ترقی^۲ و از نسخه‌ای متعلق به حسین نخجوانی انجام



نظربه متن فوق متذکر می‌شوم که اولاً متأسفانه فاقد اطلاعات جزئی و دقیق از آن نسخه خطی مزبور است. ثانیاً معلوم نمی‌کند که افزوده‌ها با نظارت مصحح یعنی جناب امیری فیروزکوهی انجام شده یا نه. ثالثاً این سؤال به قوت خود باقی می‌ماند که چرا چاپ سوم از همین نشر، فاقد این افزوده‌هاست؟

بد نیست بیفزایم که تعداد قصاید در چاپ مذکور، ۳۹ و در دوره شش جلدی (با احتساب قصاید ناقص)، ۴۷ است؛ ولی در هر دو، قصایدی یا ابیاتی از قصیده‌های هست که در دیگری نیست. توضیحات جزئی‌تر پیرامون این می‌بحث را در تألیفی که با نام «مجموعه اشعار ولایی و آیینی صائب تبریزی» در آستانه انتشار است، آورده‌ام.

به هر حال به سادگی می‌توان دریافت که استاد قهرمان، قریب به یقین و متأسفانه چاپ ۱۳۳۶ را ملاحظه نکرده و طبیعتاً مانند اکثر محققان، گمان نمی‌کردند که این چاپ، تفاوت فاحشی با چاپ قبلش داشته باشد؛ پس طبیعی است که قصاید افزوده شده‌ای که به چاپ دوم خیام یعنی سال ۱۳۳۶ راه یافته‌اند در تصحیح شش جلدی دیده نمی‌شوند.

از جناب صائب تبریزی تا به امروز، دو قصیده در مدح و مصیبت مولی‌الکونین حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در دسترس است؛ یکی از آن دو در مجموعه شش جلدی آمده است و ۵۷ بیت دارد (ج ۶، ص ۳۵۸۸ - ۳۵۹۰) و دیگری در مجموعه شش جلدی نیامده و همین قصیده‌ای است که انگیزه نگارش این مقاله را به عهده گرفت و اینک توسلاً و تبرکاً به معرفی اجمالی آن می‌پردازد و متن کامل آن را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد؛ اما پیش از نقل قصیده، فرصت اشاره بر چند نکته را باید مغتنم شمرد:

۱. سند شعر عبارت است از «کلیات صائب تبریزی» به تصحیح استاد امیری فیروزکوهی (چاپ خیام، ۱۳۳۶)، ص ۸۱۱. ۸۱۴.

۲. تعداد درست ابیات این قصیده ۸۷ بیت است؛ البته در شمارش با ۸۸ بیت مواجه هستیم که يك بیت به اشتباه و به تکرار در دو جا آمده که پس از حذف در پاورقی‌ها متذکر شده‌ام.

۳. آشنایان شعر و کتاب به خوبی مستحضرنند که ابیاتی از این قصیده (۱۹ - ۱۸ بیت) را استاد «علی انسانی» به نقل از محقق و شاعر همروزگارمان، استاد «حسین آهی» در دو کتاب «چراغ صاعقه» (قبل از انتشار شش جلدی قهرمان) و «یک عمر» (بعد از انتشار شش جلدی قهرمان) آورده‌اند که در تطابق واژگان از این دو اثر هم بهره برده‌ام.

۴. محتمل است «صائب» این قصیده را به

استقبال از جناب «محتشم» که قریب صد سال پیش از او می‌زیسته سروده باشد؛ چرا که با بند هفتم از ترکیب‌بند فاخر عاشورایی او هموزن و هم‌قافیه است.^۲ به شواهد و قرائن زیر و عبارات یکسان‌شان بنگرید:

«صائب»:

نثوان سپهر را به سرانگشت برگرفت
چون نیزه برگرفت سر آن بزرگوار؟

«محتشم»:

روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار
خورشید، سربرهنه برآمد ز کوهسار

«صائب»:

«صائب»! از این نوای جگرسوز، لب ببند
کز استماع آن، جگر سنگ شد فگار

«محتشم»:

خاموش «محتشم»! که دل سنگ آب شد

«صائب»:

دارد دریغ از جگر تشنه حسین
آبی که مرغ و ماهی از او هست کامکار

«محتشم»:

مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد

و اما متن قصیده:

چون آسمان کند کمر کینه، استوار
کشتی نوح بشکند از موج^۳ بهار^۴
لعل حسین را کند از مهر، خشک لب
تبغ یزید را کند از کینه، آبدار^۵
گیرد به کف چو ساغر ز زین آفتاب
اول ز خون بی‌گناهان بشکند خمار
بیهوده سر مخار که مار سپهر را
جز مغز سر، طعام دگر نیست سازگار
گرمغز عقل در سرت، ای هوشمند! هست
یک جوز کهکشانشان، طمع مردمی مدار
چون برگ کاه در نظر عقل شد سبک
هر کس که پشت داد به دیوار روزگار
از ناخن هلال، گشایش مدار چشم
تا چهره‌ات ز اشک نگرده شفق نگر
آن را که مار ارقم^۶ لیل و نهار زد
روید به جای سبزه ز خاکش زبان مار
خون شفق ز پنجه خورشید می‌چکد
از بس گلوی تشنه لبان را دهد فشار
پیدا است پایه‌داری نقش بر آب چیست
چشم وفا مدار از این آبگون حصار
جور سپهر را نتواند شمار کرد
صرصر اگر زریگ کند شب^۷ شمار
کام نهنگ را صدف انبیا کند

آید به چارموجه^۸ چو این بحر بی‌کنار
سنگ فسانش^۹ از جگر انبیا بود
دندان کین چو تیز کند گرگ روزگار
در چاه، سرنگون فکند ماه مصر را
یعقوب را سفید کند چشم انتظار
بهر مسیح، دار سیاست کند بلند
دجال را پیام برآرد مسیح وار
ایوب را به بستر بیماری افکند
چندان که جوش گرم برآرد از او دمار
در کام منجنیق گذارد خلیل را
دامن زند برآتش نمرود نابه‌کار
با اژه^{۱۰} دو سر زکریای پیر را
سازد دونیم و شرم ندارد ز روزگار
از تن جدا کند سربحی چو گوسفند
گرگ فلک چو باز کند پنجه شکار
انگشتی ز دست سلیمان برون کند
بر مسند فرشته دهد دیورا قرار
در جنگ زرگری^{۱۱} فکند عرش و فرش را
گوساله را به حرف درآرد کلیم وار
چون ماه، شق کند سر شیر خدای را
در حالت نماز به شمشیر آبدار
انگشت زهردار به کام حسن کشد
ریزد ز پاره جگرش رنگ لاله زار
نقد^{۱۲} ابوتراب، جگر گوشه رسول
طفلی که بود گیسوی پیغمبرش، مهار
روزی که پا به دایره کربلا نهاد
بشنو چها کشید ز چرخ ستیزکار^{۱۳}
آن سر که جای بر سر زانوی عرش داشت
چون نقش پا به خاک فکندند خوار و زار
حلقی که بوسه‌گاه رسول خدای بود
شد جوی خون ز بوسه شمشیر آبدار
گیسوی او که جبل متین شفاعت است
از دستبرد تبغ ستم گشت تار و مار
از زخم تیر بردن نازنین او
صد روزن از بهشت برین گشت آشکار
لعل لبی که بوسه‌گاه جبرئیل بود
بی‌آب شد ز سنگدلی‌های روزگار
رویی که بود فاطمه آینه‌دار او
صاحب کلف^{۱۴} چو ماه شد از گرد کارزار





بخشی از يك كتاب

فؤاد کرمانی از شعرای نادر سده چهاردهم است که علاوه بر ملکات اخلاقی و فضایل علمی، در مسیر سلوک و محبت آل الله سیر می کرده و با دو بال علم و عمل به پروازی نایل آمده که مورد غبطه هم عصران خود بوده است. مسمطات او در بیان عظمت وجودی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از ممتازترین آثار منظوم آیینی است و از جهت محتوایی بی نظیر. فؤاد در مراثی عاشورایی خود به قرائت ارزشی از مکتب عاشورا عنایت تام و تمام داشته و همانند شاعران همزمان خود به جنبه های عاطفی و ماتمی کربلا بسنده نکرده است. این شاعر بلند آوازه آیینی در طنزپردازی نیز ید طولایی داشته و چهره زشت فقر زمانه خود را ضمن نکوهش ستمگران مال اندوز در این گونه آثار خود به تصویر کشیده و با مخالفان نهضت مشروطه نیز میانه خوشی نداشته است.

کاروان شعر عاشورا، محمد علی مجاهدی، انتشارات زمزم هدایت

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



آن کاکلی که بود یدالله شانه اش
پرچم شد از سیاه دلی های روزگار
جسمی که کوه آهن صبر و قرار بود
شد چون زره ز کاوش پیکان ابدار
رنگین به خون^{۱۴} شده است ز بیرویی سپهر
رویی که می گذاشت بر او مصطفی، عذار^{۱۵}
طفلی که ناقه الله او بود مصطفی
خصم سیاه دل شده بر سینه اش سوار
بی خانمان شدند همه طایران قدس
در خاک و خون فتاد چو آن نخل پایدار
عیسی در آسمان چهارم گرفت گوش
پیچید بس که نوحه در این^{۱۶} نیل گون حصار
روح الامین ز صدمه این ماتم بزرگ
گردید همچو مرغ ثقیل^{۱۷} خورده بقرار
نزدیک بود شعله بی طاقتی کشد
آن روز آتش غضب آفریدگار
آن روز می گسیخت تزلزل، رگ زمین
لنگر نمی فکند اگر حلم کردگار^{۱۸}
گردون عیار سنگ دلی های خود گرفت
روزی که این مصیبت عظمی شد آشکار
آن روز چار طاق عناصر شکسته بود
دستش گرفت قائمه عرش کردگار
روزی که اهل بیت گشودند موی خویش
چون اطلس سپهر نگر دیده تار و مار؟
نثوان سپهر را به سرانگشت برگرفت
چون نیزه برگرفت سر آن بزرگوار؟
تا امتحان واقعه کربلا نکرد
ظاهر نشد به خلق جهان، حلم کردگار
روزی که خاک، جسم تورا در بغل گرفت
چون چرخ سخت روی نیفتاد از مدار؟
تا آفتاب او به لب بام بوسه زد
خون شفق ز دیده گردون شد آشکار
گردون به هردو دست، سرخویش را گرفت
افتاد چون سر توبه میدان کارزار
خون تورا به حشر چه حاجت به شاهد است؟
بس نیست شاهد تو دود گیسوی خون نگار؟!
بر سینه حسین دهد جای، شمرا
در پیش طاق کعبه، صنم را دهد قرار
در ماتم تو چرخ به سر، گاه^{۱۹} ریخته است
این نیست کهکشان که ز گردون شد آشکار
از بس که طایران هوا^{۲۰} خون گریستند
از ماتم تو، روی زمین گشت لاله زار
در ماتم تو کعبه اگر سنگ داغ نیست
بهر چه کرده است سیه پوشی اختیار؟
آب خضر، پلاس^{۲۱} سیه بر گلو فکند
دست از حیات شست چو آن در شاهوار
داغ مصیبت تو بود بر جبین او
هر لاله ای که سرزند از تیغ کوهسار
خورشید می کشد نفس سرد هر سحر
تا سایه برگرفتی از این نیل گون حصار
گر سنگ را به گریه نیارد عزای تو
این چشمه ها چگونه روان شد ز کوهسار؟

خضر و مسیح را به نفس، زنده می کنند
آنها که در رکاب تو کردند جان، نثار
چون برگ لاله، پرده گوش بهشتیان
تا گشت از این نوای جگرسوز، داغدار
از گیسوی بریده حوران، فضای خلد
شد مشک آن چنان که نیابد نسیم، بار
گل نیست این که از نفس سرد این خبر
گردیده است پرده گوش چمن، فکار
هر قطره اش محرک دریای رحمت است
چشمی که در مصیبت او گردد اشکبار
بگری^{۲۲} که اشک ماتمیان حسین را
عرش، التماس می کند از بهر گوشوار
دل سرد شد ز پرورش مهر، آسمان
تا قیام مبارک او گشت آشکار
چون خاک کربلا نشود سجده گاه عرش؟
خونی که ریخته است در آن خاکِ مُشکبار^{۲۳}
از تنگ گیری لحد تنگ، ایمن است
آن را که جوش اهل زیارت دهد فشار
جنت بغل گشاده درآید به مرقدش
آن را که خواب مرگ بگیرد در این دیار^{۲۴}
روزی که بر میان، کمر کینه تو بست
منسوب شد به بدگهری تیغ ابدار
چون نیزه همچو مار نیچد به خویشتن؟
انگشت بسته است به خون که در نگار؟
خون حسین تشنه جگر را سبیل^{۲۵} کرد
چون در زمین فرو نرود آب خوش گوار؟
در حشر، بی حساب به فردوس می رود
دستی که کرد سبحة آن خاک را شمار
خاک گران بهای تو اکسیر^{۲۶} صحت است
عیسی گرفته است سر خود^{۲۷} از این دیار
انگشت زینهار^{۲۸} بر آورده است شمع
از بس که می خورد ز هجوم ملک^{۲۹}، فشار
بر تیغ همچو سبزه نوخته می دوی
شوق لقای حق ز تو پرده است اختیار
هفتاد تن ز لشکر سلطان کربلا
در خون ببیند و نشود چشمش اشکبار
دارد دریغ از جگر تشنه حسین
آبی که مرغ و ماهی از او هست کامکار^{۳۰}
دایم میان خلق، دلت با خدای بود
بیرون نفت از حرم کعبه این شکار
شیر خدای، دست به پشت کشیده است
چون با تو خصم، پنجه زند روز کارزار؟
از صلب ذوالفقار شجاعت چکیده ای
نشکافد از تو چون جگر خصم چون انار؟
گرد عقیق، مریم آبستن صدف
گریاد تیغ او گذرد در دل بحار
قندیل کعبه را به صنم خانه داده است
هر کس که جز ولای تو کرده است اختیار
حاشا که این مصیبت عظمی که شرح رفت
گنجد به ظرف حوصله آفریدگار
«صائب»! از این نوای جگرسوز، لب ببند
کز استماع آن، جگر سنگ شد فکار^{۳۱}

اکنون که پایتخت اجابت مقام توس
از روی اعتقاد دو دست دعا برآر
تا آفتاب، انجمن افروز مشرق است
تا برج^{۳۲} این بلند حصار است هشت و چار^{۳۳}
روی موافقان تو روشن چو صبح عید!
روز مخالفان چو شب کور باد تار!
آن کس که آب بر جگر تشنه تو بست
یارب! به لعنت ابدی باد سنگسار!

منابع:

۱. چراغ صاعقه: به گزینش علی انسانی، تهران، انتشارات جمهوری، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۲. چراغ صاعقه: به گزینش علی انسانی، تهران، انتشارات جمهوری، چاپ هشتم، ۱۳۹۰.
۳. چراغ صاعقه: به گزینش علی انسانی، تهران، انتشارات فتحی، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۴. دیوان صائب تبریزی: با مقدمه سیروس شمیسا، تهران، انتشارات های مستوفی و بهزاد، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۵. دیوان صائب تبریزی (ج ۲): به اهتمام جهانگیر منصور، با دو پیش‌گفتار از شبلی نعمانی و پرویز ناتل خانلری، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
۶. دیوان صائب تبریزی (ج ۶): محمد قهرمان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۰.
۷. راه‌نمای دیوان صائب تبریزی (جلد هفتم دوره شش جلدی): به اهتمام کبری عزیزیان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۸. فرهنگ اشعار صائب (ج ۲): تألیف احمد گلچین معانی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۹. کلیات صائب تبریزی: مقدمه و شرح حال به قلم امیری فیروزکوهی، تهران، انتشارات خیام، چاپ اول، ۱۳۳۳.
۱۰. کلیات صائب تبریزی: مقدمه و شرح حال به قلم امیری فیروزکوهی، تهران، انتشارات خیام، چاپ دوم، ۱۳۳۶.
۱۱. کلیات صائب تبریزی: مقدمه و شرح حال به قلم امیری فیروزکوهی، تهران، انتشارات خیام، چاپ دوم (البته به اعتباری چاپ سوم این نشر است)، ۱۳۷۳.
۱۲. کلیات محتشم کاشانی (ج ۲): به تصحیح و حواشی مصطفی فیضی کاشانی، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۳. یک عمر گزیده غزل‌های یک‌دست مذهبی، عرفانی صائب و استقبال‌های صائب از حافظ: به کوشش و گزینش علی انسانی، تهران، انتشارات سنایی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۴. یک عمر گزیده غزل‌های یک‌دست مذهبی، عرفانی صائب و استقبال‌های صائب از حافظ: به کوشش و گزینش علی انسانی، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

پی‌نوشت‌ها:

۱. البته این مجموعه، جلد هفتمی هم با عنوان «راه‌نمای دیوان صائب تبریزی» دارد که به کوشش کبری عزیزیان منتشر شده است.
۲. ایشان مؤسس انتشارات خیام و از جمله ناشران مشهور عصر خویش بود. فرزندش بیژن ترقی (۱۳۰۸-۱۳۸۸)، شاعر و ترانه‌سرای معاصر پس از پدر، مدیر انتشارات شد.

۳. این احتمال برای قصیده عاشورایی دیگرش نیز وجود دارد.
۴. ج بحر، دریاها.
۵. یعنی تیغ یزید را به آب کینه تیزی می‌کند.
۶. مار سیاه و سفید.
۷. تسبیح.
۸. غرقاب، توفان، گرداب.
۹. سنگی که با آن، کارد یا شمشیر تیز کنند.
۱۰. جنگ ساختگی و دروغی.
۱۱. چراغ صاعقه: پور.
۱۲. چراغ صاعقه: ستم‌شعار.
۱۳. لکه، لکه‌هایی که در ماه و خورشید دیده می‌شود.
۱۴. چراغ صاعقه: ز خون.
۱۵. رخسار، چهره.
۱۶. چراغ صاعقه: در آن.
۱۷. چوبی باشد میان تپه به درازی نیزه که گلوله‌ای از گل ساخته در آن نهند و پف کنند تا به زور نفس، آن بیرون آید و جانور کوچک مانند گنجشک به آن زند.
۱۸. در نسخه خیام ۱۳۳۶، این بیت غیر از اینجا به اشتباه و به تکرار در ابیات جلوتر هم دیده می‌شود که از آنجا حذف شد و در پاورقی صفحات بعد مجدداً متذکر شده‌ام.
۱۹. یک عمر: خاک.
۲۰. یک عمر: حرم.
۲۱. زیر انداز، جامه پشمی خشن.
۲۲. فعل امر گرییدن، گریه کن.
۲۳. چراغ صاعقه: خون حسین ریخت بر آن خاک مُشک‌بار.
۲۴. در نسخه خیام ۱۳۳۶، بعد از این بیت، بیت زیر آورده که قبل‌تر در همین قصیده آمده و تکراری است:
آن روز می‌گسیخت تزلزل، رگ زمین
لنگر نمی‌کند اگر حلم کردگار.
۲۵. مباح ساختن، رایگان ساختن بر همه.
۲۶. ماده‌ای که ماهیت اجسام را تغییر دهد و با ارزش تر سازد مثلاً مس را طلا سازد: هر چیز مفید و کم یاب.
۲۷. سرخود گرفتن: از پی کار خود رفتن، راه خویش در پی گرفتن؛ «صائب» در جای دیگر نیز گوید:
گفتی سرخود گیر و از این کوی برون رو
این راه به کسی گوی که پا داشته باشد
دیوان صائب تبریزی، ج ۴، ص ۲۱۱.
۲۸. زنه‌ار، پناه، امان، مهلت، شبه جمله که برای تنبیه و تحذیر گویند و به معنای دور باش و حذر کن است.
۲۹. در چاپ خیام ۱۳۳۶، «فلک» ثبت شده که تصحیح شد؛ «صائب» در جای دیگر نیز گوید:
هر شب از جوش ملک در روضه پُرنور او
شمع‌ها انگشت بردارند بهرزینهار.
دیوان صائب تبریزی، ج ۴، ص ۳۵۴.
۳۰. یادآور سخن «محتشم» است، آن جا که گوید: مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد.
۳۱. مضمون «لب ببند» و عبارت «جگر سنگ شد فگار»، این مصراع از «محتشم کاشانی» را در گوش زمزمه می‌کند که: خاموش «محتشم»! که دل سنگ آب شد؛ این نیز به نوبه خود می‌تواند نظری که راجع به استقبال «صائب» از «محتشم» داشتیم را قوت ببخشد.
۳۲. ماه (ماه قمری).
۳۳. اشاره به دوازده ماه قمری است.



بخشی از يك كتاب

حادثه شگرف عاشورا از آن جهت که دارای ابعاد مختلف ارزشی است از بدو وقوع تا کنون با قرائت‌های متنوع و گاه متضادی روبه‌رو بوده است که در عرصه تقابل با یکدیگر موجبات تجزیه و تحلیل‌های منطقی‌تری را فراهم آورده‌اند و شعرای آیینی با تأثیرپذیری از قرائت‌های مختلف و انتخاب قرائتی که با خط فکری آنان همسویی بیشتری داشته، به آفرینش آثاری در حوزه شعر عاشورا نایل آمده‌اند که امروز در معرض داوری ما قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین این قرائت‌ها بدون در نظر گرفتن اولویت زمانی عبارتند از:
یک. قرائت اساطیری و اسطوره‌سازی
دو. قرائت عاطفی و احساسی
سه. قرائت عرفانی
چهار. قرائت براندازی برای به دست گرفتن حکومت
پنج. قرائت ارزشی و مکتبی
بدیهی است که در هر قرائتی، شاخصه‌ای وجود دارد که در حد گنجایی این بخش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، محمدعلی مجاهدی، انتشارات پیک جلال

خیاما

شماره: ۱۱/ آذر ۹۳



سوگ یاد

شبیه خوان برجسته استان مازندران

زنده نام حاج کربلایی علی اکبر عابدپور

جابر عناصری *

جزلم که با علم سیاه بردوش از شهادت شاه شهیدان - حسین علیه السلام . به اهل مدینه خبر می داد با لحن مغموم، آهسته گفت: «... آقای عناصری، با تأثر و تأسف به شما تسلیت می گویم. پدر ما، استاد ما، میرزا و شبیه گردان شهره و بی ریا مازندران، آخرین الوداع خوانی خود را بازخواند و پیکر خاکی را از این جهان فانی رهاوند و چشم از این دنیا فرو بست ...»

در گوشه ای از اتاق . در تهران . زنان را به جنبه دو دست گرفتم. قطره اشکی از چشمان

ساعت از نیمه شب گذشته بود. صدای مه آلود و لرزانی که از گلولی بغض گرفته مردمی برمی خاست از پشت تلفن به گوش رسید. سوگ نامه شاگرد و همراه شبیه گردان نامی خطه مازندران . حاج علی اکبر عابدپور . امام خوان . بود. غماواز آقای «علی باقری» که با مویه و شیون اهل بیت مرحوم عابدپور، درهم آمیخته بود.

علی باقری، مردی که بر تار و پود غم پرده دل نقش خون می زد، بلا تشبیه . همچون بشیر بن

رستاخیز شکوفه های هلی تتی (= گوجه سبز) هماغوش:

الوداع شبیه خوان و میرزا و ذاکر درگاه:

سبط نبی صلی الله علیه و آله، حضرت سیدالشهدا علیه السلام (زنده یاد: حاج کربلایی اکبر عابدپور)

بوره سوته دلون گردهم آییم
سخن واهم کریم، غم ها گشاییم
ترازو آوریم، غم ها به سنجیم
هر آن سوته تریم سنگین تراییم





خواب گرفته‌ام به روی چهره زعفرانیم چکید و در بُن ریش سفیدم، ره گم کرد. شوری خونابه چشمان را در دهانم احساس کردم. آری وتدی از اوتاد (= ستون خیمه) خیمه هنر قدسی ایران، آیین شبیه‌خوانی و تعزیه - فرو ریخته بود. آرام و بی‌دغدغه ... اما آشکارا به الوداع او غبطه خوردم که وقتی دو دیده از این جهان بی‌اعتبار فرو بسته بود، مولای مان حسین (علیه السلام) که بارها و بارها رخصت عنایت فرموده بود تا کربلایی علی‌اکبر عابدپور، امام خوان و شبیه‌خوان و ذاکر درگاه ابی‌عبدالله باشد، بر سر جنازه او حاضر شده بود و امام خوان درگاه سیدالشهدا (علیه السلام) به ادب تمام که ذاتی او بود و قرین وجودش در تمام عمر، عرض کرده بود:

یا حسین (علیه السلام)، ای خسرو خوبان عشق یکه‌تاز عرصه میدان عشق

دارم از جان بر تو. ای فرخ امام

هم درود و هم تحیت، هم سلام

صبا هنگام با تعزیه‌خوان مخلص حضرت حسین بن علی (علیه السلام) که سال‌ها و سال‌هاست با او همدمی دارم و از طریق این مرد دلسوخته خاندان طهارت. یعنی آقای عبدالعلی خلیلی. با نام و رفتار و کردار و گفتار مرحوم استاد حاج علی‌اکبر عابدپور آشنا شده و سپس در مجلس النبی در ساری اذن از بزرگان برگرفته و در وصف زیبایی‌های هنر شبیه‌خوانی و تعزیه. آن هم در محضر حاج علی‌اکبر امام خوان. سخن گفته بودم. تلفن می‌زنم آقای عبدالعلی خلیلی بی‌مقدمه می‌گوید:

«... می‌دانید که استاد و پدر خود را از دست دادیم ...»

می‌گویم: آقای خلیلی، می‌دانم و عزادارم. خوب می‌دانم که قلمرو «تعزیه در ایران» یکی از فرزندان غیور در حیطه شبیه‌خوانی را از دست داد. آقای خلیلی، آخر چند نفر همو. گزیده مردی بی‌ریا و خیرخواه و احسان‌بخش و بی‌اعتنا به قاذورات دنیوی و بیزار از قرطاس بازی‌های مادی و بی‌خبر از بدل و بخشش‌های بیهوده‌ای که صرف مفت‌خواری تعزیه‌فروشان می‌شود. در خطه زرنشان تعزیه سراغ داریم؟

هر دو گریه می‌کنیم. هم من و هم آقای خلیلی و من یاد دردانه‌های اشک حاج علی‌اکبر مرحوم در آن شب سخنرانی در ساری می‌افتم که وقتی زبان حال حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) هنگام عزم رحیل شهزاده علی‌اکبر به میدان رزم بیان فرموده بودند. را. می‌خواندم، حاج علی‌اکبر امام خوان، دستمال سیاه بزرگی در مقابل چشمانش گرفته و سخت گریسته بود. اینک زبان حال حضرت امام حسین (علیه السلام) را بازگو می‌کنم و به تذکار به محضر خوانندگان تقدیم می‌دارم:

زره کنم به پیکرت، نهم عمامه بر سرت

به دست، تیغ حیدری، جوان، گل‌عذار من
بیا سوار شو علی، هژبروار شو علی
به کارزار شو علی، جوان گل‌عذار من
اما علی‌اکبر من:

برگرد بابا، یکبارت ببینم

عزیز پدر. گلی از گلشن رویت به جبینم

فردا و فردای الوداع حاج علی‌اکبر مرحوم، تماس تلفنی جوانان دلسپار تعزیه که چند هفته قبل از آن در سوگواره‌ای در آمل با آنان ملاقات داشته و بین‌مان رشته الفت برقرار شده بود. دایر بود و همه از من قول می‌گرفتند که در مجلس پرسه و ختم این عاشق و رهرو طریق حق، حاضر باشم و همه سوگندان گران یاد می‌کردند و قول می‌دادند که رد پای تعزیه‌فروشان نقش‌پوش سیاه‌بازی را در اینجا نخواهید دید ...

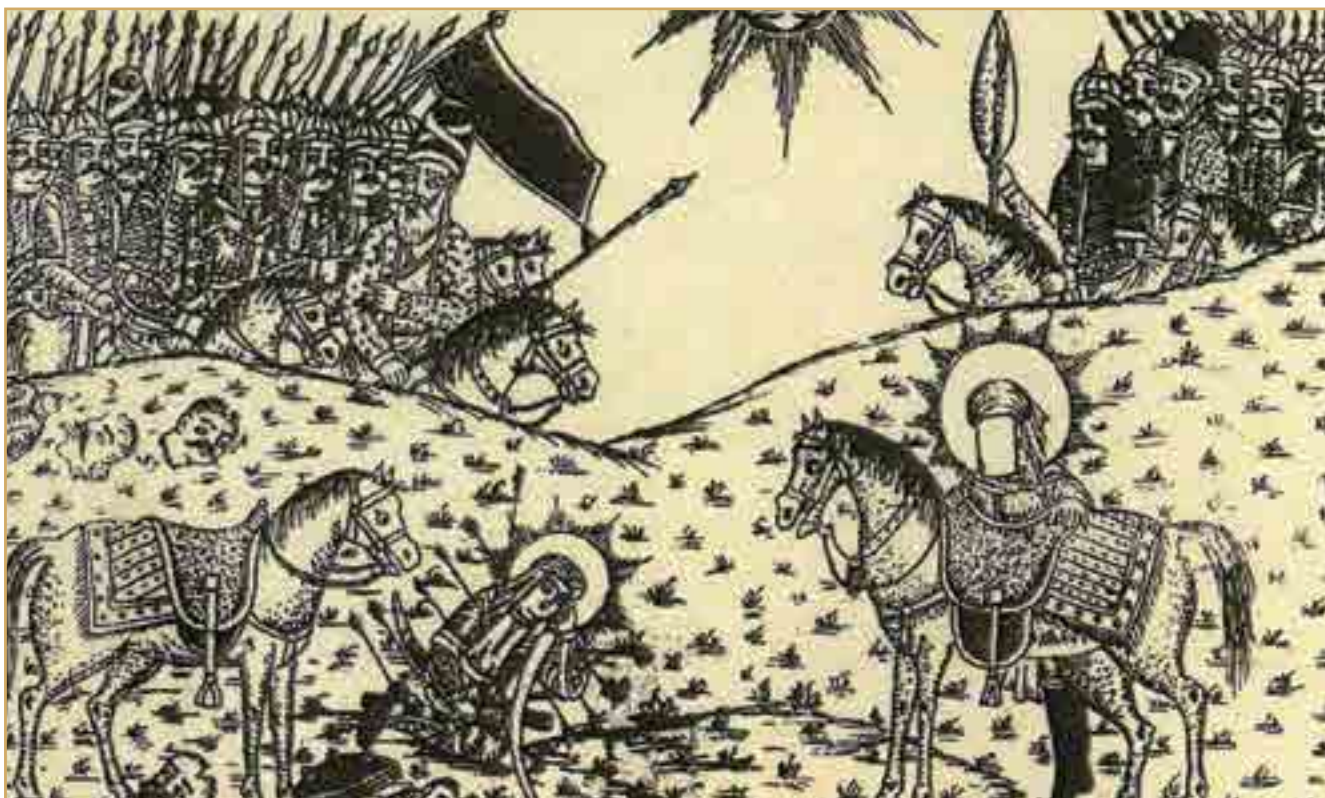
هنوز سپیده سرنزده بود که با ماشین سواری از پایانه شرق تهران، عازم امیرکلا در همسایگی بابل و محل برقراری مجلس ختم به مناسبت «هفتمین» روز الوداع زنده‌یاد حاج علی‌اکبر بودم. در تمام طول راه فکر کردم و به درگاه خدا استغاثه و التجا نمودم که بار پروردگار. ای کریم بنده نواز. هر چند ولادت و مرگ ما، هر دو به اذن حضرت توسست ... اما ای غفار بزرگ، ای بخشنده بی‌ظنیر، عنایتی بفرما و عمر ما را کوتاه کن و به عمر مردان خبره‌ای بیفزای که بی‌ریا سپاسدار تو هستند. ای رحمان و ای رحیم.

در مسیر راه، کوه ریش کرده بود و جاده، امن نبود. از آن سو، ستاره‌های هشت پر ریز برف

در گدوک فیروزکوه، اطراف جاده را سپیدپوش کرده بود ... اما گویی این برف غم بردل من می‌بارید و آوار حزن در سوگیاد مردی از تبار دوستداران حسین (علیه السلام) بر سرم می‌ریخت. از دست دادن بزرگوار مردی و استاد بزرگی از تعزیه‌خوانان مازندران کم دردی نبود. زخم ناسوری بود بر قلب من که از درد بی‌هم‌صدایی و بی‌هم‌ری در زمینه هنر مقدس شبیه‌خوانی، بارها گریسته‌ام و به تعزیه‌فروشان مطرب و به اصطلاح نقش‌پوشان و نقش‌نویسان بی‌خبر از الفبای تعزیه، نفرین کرده‌ام. گمباد و کمباد نام کسانی که دست به سرقت نسخه‌های مردم می‌زنند و به نحوی کلاه شرعی بر سر تعزیه‌خوانان می‌گذارند. نسخه‌های آنان را به لطایف الحیل از کفشان می‌ربایند و صدها برگ رونویسی تعزیه‌ها را در دفاتر بی‌اعتبار و خنده ستان درج می‌کنند. هم می‌چایند و هم می‌چاپند.

به کنار پلی در آغاز جاده شهر بابل می‌رسم. تابلویی مزین به خط جلی نشان از جاده «امیرکلا» می‌دهد که اینک خاک این آبادی، پیکر حاج علی‌اکبر را در آغوش گرفته بود.

راننده وقتی می‌فهمد به چه مقصودی از تهران به بابل آمده‌ام، محبت می‌کند. با وسیله دیگری عازم امیرکلا می‌شوم. راننده محترم تا اسم مسجد النبی - پرسه‌گاه و مجلس ترحیم حاج اکبر امام خوان. را می‌آورم با تأسف از فوت آن مرحوم یاد می‌کند و می‌گوید: همین بیست



دقیقه پیش بود که برای فاتحه خوانی به این مسجد آمدم. آن گاه با لهجه شیرین مازنی، بیتی نغز در فراق آن گزیده مرد را زمزمه می‌کند:

غلام درگاه شاه شهیدان

برفت و بر حسین علیه السلام گردید مهمان
کنار مسجد النبی از ماشین پیاده می‌شوم. یک لحظه قیافه همسان حاج علی اکبر اما جوان اشک بر مردمک چشمانم می‌نشانند: چهره درهم شکسته در فراق (آقای محمد عابدپور را می‌گویم که از پدر نشانه‌ای از جمال دارد و در فراق و هجران پدر، چهار پاره استخوانش در هم ریخته است).

می‌گویم: آقای عابدپور، سرت سلامت. قطرات اشک در چشمان من و او حلقه می‌زند ... یاد گفته‌های آقایان علی باقری، عبدالعلی خلیلی و مداح و ذاکر درگاه ابی عبدالله الحسین علیه السلام «آقای حاج رحمن هدایتی. (که از آمل برای شرکت در مجلس ختم آمده است) می‌افتم. همه گفته بودند:

حاج علی اکبر، صدیق بود، صادق بود، صابر بود. خوب زندگی کرد، خوب از این جهان رفت. نوکر بی‌ریای حسین علیه السلام بود. دل کسی را نمی‌شکست. از کسی چشم توقع نداشت ... نیم‌نگاهی شتاب‌آلود به متن آگهی تسلیت از سوی مجمع ذاکران و تعزیه‌خوانان شهرستان آمل می‌اندازم. نوشته‌ای مصداق زندگی حاج علی اکبر:

من ز دربار حسین بن علی علیه السلام ماهانه دارم
کی دگر چشم طمع از مردم بیگانه دارم

تا گرفتم دستخط نوکری از مادراو
بر در درگاه آن شه، منصب شاهانه دارم
در مسجد النبی و صحن و سرای این مسجد
به سوگ نشسته‌ایم. حاج رحمن هدایتی از همه می‌خواهد اشعاری را که به صوت جلی می‌خواند، همه با هم واگویی کنند:

نوبی، نوبی ...

به دنبال محمل چنان زار [و] گریم
که از گریه‌ام ناچه در گل نشیند
آقای حاج سقا شبیه‌خوان میرز آملی هم در آن مجلس به سوگ نشسته است متفکرو حزین.
بعد از ظهر بر سر مزار امام‌خوان امیر کلایی زنده‌نام حاج کربلایی علی اکبر عابدپور هستیم. در کنار خوابگاه ابدی آن مرحوم در تکیه چهارده معصوم امیرکلا.

این بار من در فراق مردی بزرگ سخن می‌گویم
و گروه شبیه‌خوانان به پاسداشت آن بزرگوار و مقام استادیش در تعزیه، گوشه‌ای از مجلس شهادت امام حسین علیه السلام را می‌خوانند.

حاج سقا به حزن و اندوه و غمباد بر گلو، امام‌خوانی می‌کند. کسی از حاضران در گوشم زمزمه می‌کند که: حاج سقا خیلی خیلی بهتر از این هم می‌خواند و من می‌گویم:
شهادت نشان می‌دهد و از اینکه به جای امام‌خوان پیشکسوت الوداع‌خوانی می‌کند، گرفته حال است.

مردم مهربان امیرکلا از من می‌خواهند که حتماً در مراسم چهلم درگذشت آن استاد عزیز شرکت کنم. با ادب، قول می‌دهم و از امیرکلا

به بابل می‌روم تا در غروب حزن‌انگیزی بابل را به سوی تهران ترک نمایم. به یکبار یاد بیتی شعر بی‌مثال که عمری ورد زبان شبیه‌گردان بی‌نظیر شهر اردبیل، زنده‌یاد استاد کربلایی علی عناصری، استاد و مراد و پدرم در قلمرو تعزیه‌شناسی و شبیه‌خوانی می‌افتم:

از گیسو داروز قیامت مرا چه باک؟

خود را فکنده‌ام به کمند تو یا حسین علیه السلام
شکوفه‌های هلی تتی (= گوجه سبز) در مسیر راه بر شاخه‌های درختان نوحاسته از خواب زمستانی، چشم‌نواز می‌نمایند. با خودم زمزمه می‌کنم: شکفتن غنچه‌ها و الوداع جاودانی حاج علی اکبر. جملاتی از یک اعلامیه‌ای را که فردی نیک نفس، همان روز، به همراه خود به مسجد النبی آورده بود، کلمه به کلمه در ذهنم مرور می‌کنم:

«... غم از دست دادن عزیز، سخت است و طاقت‌فرسا ولی صبوری و صبر، گنجی است ارزشمند و دست نیافتنی.»

اینک مردم قدرشناس مازندران، اهالی امیرکلا، شاگردان وفادار مرحوم حاج کربلایی علی اکبر عابدپور، دردانه‌های عمر او و اهل بیت دلسوخته آن عزیز، به شما سرسلامتی می‌گویم و به جایگاه آن استاد بزرگوار در درگاه ملک پاسبان ابی عبدالله الحسین غبطه می‌خورم. روحش شاد باد.

*استاد ممتاز کرسی تعزیه‌شناسی و شبیه‌خوانی در دانشگاه‌های هنری



صحبت‌م را با کلامی زیبا از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره قوانین کلی خوشنویسی و مرکب آن آغاز می‌کنم.

حضرت به نویسندگی و منشی خود، عبدالله بن ابی رافع در طرز استفاده از بیت‌المال، روش نویسندگی و خط و خطاطی دستوراتی می‌دهند که امروزه در همه محافل هنری و خط‌نویسی و حتی در صنعت چاپ، ماشین‌های تایپ و کامپیوتر پذیرفته و اعمال می‌شود. ایشان فرمودند: «أَلْقِ دَوَاتَكَ، وَ أَطْلُ جِلْفَةَ قَلَمِكَ، وَ فَرِّجْ بَيْنَ الشُّطُورِ، وَ قَرِّمِظْ بَيْنَ الْحُرُوفِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَجْدَرُ بِصَبَاحَةِ الْخَطِّ»؛ «در مرکب دوات لایقه بگذار [که نیزد و حرام نشود] و نوک قلم را طولانی نما [تا بتوانی ریز بنویسی] و بین سطرها فاصله بگذار [که تو

با این همه، آنچه نمود و نماد بیرونی دارد، بیان و کلام است. زبان و کلام، تجلی خرد و اندیشه آدمی و ترکیبی از اصوات و آهنگ‌های مفهوم‌دار است که با ترسیم و نقش بستن بر روی صفحه از وجه و صورت برخوردار می‌شود؛ به دیگر معنا، خط، تجسم و تعین هویتی زبان است؛ بنابراین خط، زبان را صورت می‌بندد؛ پس می‌توان خط را جلوه و هویت زبان دانست و از این منظر، خط را تجلی ماهیت آدمی به حساب آورد. انسان دارای دو قوه و استعداد است:

تا بدان جاست که گفته شده است: «الخط نصف العلم».

خط به موازات حفظ افکار و آرا، در طول زمان، دگرگونی و تحول یافته تا دو هدف را تأمین کند:

۱. ساده‌نویسی و آسان‌خوانی

۲. زیبانگاری و چشم‌نوازی

در عرصه هدف دوم، خط با هنر پیوند می‌خورد و از اینجاست که ذوق، قوه عاطفه و احساس را برمی‌انگیزد و علاوه بر کارکرد ابزاری، جنبه هنری و زیباشناختی نیز پیدا می‌کند؛ از همین جاست که خوشنویسی، بروز و ظهور پیدا

می‌کند؛ مرز تاریخ و علم و عقل را درمی‌نوردد و از ماده به ماورا سیر می‌کند و صورتی عرفانی به خود می‌گیرد؛ زیرا از مظاهر هنر، زیبایی،

بحثی در مورد

نگاه هنرمندانه به مکتب عاشورا

در تو و در هم ننویسی] و فاصله بین حروف را کم کن [تا حداکثر استفاده از کاغذ بشود] و از درازنویسی یا کشیدن برخی از حروف خودداری کن [تا به جلوه و زیبایی خط بیافزاید].»

حال در مورد نقش هنر و هنرمند در مکتب عاشورا مطالبی بیان می‌دارم.

زبان به عنوان مجموعه‌ای از آواهای معنادار، وسیله ارتباط با دیگران و جهان بیرون از وجود آدمی است که اگر آدمی آن را نداشت کامل نمی‌شد. از این‌روست که گزاره «انسان، حیوان ناطق است»، یکی از معروف‌ترین تعاریف منتسب به ارسطو درباره انسان است؛ البته مفهوم نطق، دارای دو وجه است:

۱. «نطق خارجی» به معنای تلفظ، بیان سخن

۲. «نطق داخلی» به معنای فهم، شعور، عقل

سعید عفیفی *

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳

۱. قوه نطق (زبان و گفتار)

۲. قوه مبادله افکار و ادراک (خط، نگارش و نوشتار)

انسان به مدد نگارش که می‌توان آن را «زبان مدون» نامید از طریق نظم، پیوستگی، ترتیب و تدوین، توانایی انتقال فکر و اندیشه یافته و از این مسیر به شکوفایی عقلانی و رشد و توسعه رسیده است؛ در این راستا، سخن جاحظ، فیلسوف معروف عرب، رساست که: «الخط لسان الید و سفیر الضمیر و مستودع الاسرار و مستنبط الاخبار و حافظ الآثار». اهمیت خط

هنر و فرهنگ عاشورا، هنر احیای است؛

حیات جاوید است و برای انتقال مفاهیم

و شأن و منزلت اهل بیت (علیهم السلام) از جمله

شیوه‌های پر بار، با ظرفیتی مناسب و

اثربخش در سنت و تفکر احیاگرانه حقیقتی

بزرگ نهفته است. هنر عاشورا، حقیقت

و جلوه‌های تعالی خواه را مقابل چشمان

مخاطب قرار می‌دهد





جلال و عظمت و شرافت بخشیدن به ماده است.

رویکرد هنری خط که خوشنویسی نام گرفته و زیبانگاری را پیشه ساخته است، پیوندی عمیق با دیگر مظاهر هنریه و ویژه شعر و موسیقی یافته است.

«خوشنویسی نه تنها به عنوان یک هنر و شغل، بلکه به عنوان ابزاری برای تجلیل و عبادت به کار رفت و از همان قرون اولیه اسلام، نگاشتن کلام خداوند و قرآن کریم به بهترین و عالی ترین وجه ممکن از راه خط و خوشنویسی معمول عالم اسلام شد».

عطار نیشابوری هم سروده است:
این الف اول یکی باشد ز اصل
بعد از آن پیدا کند اعداد وصل
چون شود کژدال گردد در حساب
دال هم چون راست گردد در حجاب
چون خمی بر خویشتن آرد دگر
را شود این جایگاه ای بی خبر
چون الف از راست خم گردد چونی
هر دو سر کژ گردد آنکه هست بی

از این روی، سلطان علی مشهدی گفته است:
هر که از مکرو حیل و تلبیس
پاک گردید، گشت پاک نویس
داند آن کس که آشنای دل است
که صفای خط از صفای دل است

هنر و فرهنگ عاشورا، هنر احیایگری است؛ حیات جاوید است و برای انتقال مفاهیم و شأن و منزلت اهل بیت (علیهم السلام) از جمله شیوه‌های پربار، با ظرفیتی مناسب و اثربخش در سنت و تفکر احیایگرا نه حقیقتی بزرگ نهفته است. هنر عاشورا، حقیقت و جلوه‌های تعالی خواه را مقابل چشمان مخاطب قرار می‌دهد. بهره‌مندی از شیوه‌های اصیل هنر خط و نقاشی از اهمیت و قوت بالاتری در جذب مخاطب با هدف تبیین و تشریح

نهضت عاشورای امام حسین (علیه السلام) برای نسل حاضر و آینده ایران اسلامی دارد. هنگامی که حضرت زینب (علیها السلام) وارد کاخ یزید شدند، یزید ملعون با تمسخر و خنده به ایشان گفت؛ عاشورا را چگونه دیدی که حضرت زینب (علیها السلام) در جواب فرمودند: جز زیبایی چیزی ندیدم. زیبایی پدیده‌ای ذاتی و اکتسابی است و تا جوهره آن در انسان وجود نداشته باشد تعلیم، تربیت و آموزش نمی‌تواند هنر او را شکوفا کند. امروزه جامعه هنرمندان باید مهم‌ترین ایدئولوژی اسلام را به زبان هنر درآورند و با همین زبان، آن را به نسل آینده انتقال دهند و این خود، کار کوچکی نیست. آثار هنری آن وقت ماندگارتر خواهد شد که با فرهنگ عاشورا توأم باشد. هنر، زبانی جهانی است که مسلمان و غیرمسلمان آن را می‌فهمد، متأسفانه ما مسلمانان هنوز از هنر، اعم از هنرهای تجسمی و غیرتجسمی در این راه استفاده نکرده‌ایم. امام حسین (علیه السلام) تنها متعلق به مسلمانان نیست؛ بلکه شخصیتی جهانی است که راه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را ادامه داد.

یا حسین! همه بر سر زبان‌اند و تودر میان جانی عاشورا، قبل از قیام مقدس حسینی (علیه السلام)، نام یک روز بود؛ اما امروز دیگر عاشورا نام یک مقطع زمانی نیست، نام یک فرهنگ است. عاشورا امروز دیگر یک حادثه نیست، یک مکتب فکری و یک نظام سیاسی و یک مجموعه فکری، هنری، فرهنگی، اخلاقی، سیاسی و جهادی است و هنر، تصویری از قیام امام حسین (علیه السلام) برای هر بیننده‌ای با زبان ساده و گویا، نقش آفرینی می‌کند.

اگر دل و دیده را بشکافم در حد و درک ناچیز خودم فقط می‌توانم، بگویم بالاترین هنر، شجاعت، از خودگذشتگی و زنده نگه داشتن یک اثر جاودانه و تاریخی است که بزرگ‌مرد آن امام حسین (علیه السلام) و یاران با وفایش هستند. به کلام امام خمینی (ره) توجه فرمایید: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است».

در خاتمه عرایض باید بگویم؛ در دنیای کنونی که شاهد سرعت و قدرت زیاد تغییرات در حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی هستیم، وظیفه سترگ و خدمت بزرگ هنرمندان و متولیان عرصه هنر خوشنویسی سنتی، آن است که با پاسداشت شاکله قویم این هنر معرفتی به انعطاف‌پذیری و بالندگی آن در مسیر تحولات فرهنگی، اهتمام تمام ورزند و سعی در ترویج و انتشار این هنر به همه دنیا باشند؛ چون؛ هنر نزد ایرانیان است و بس.

* دانشجوی دوره ممتاز انجمن خوشنویسان ایران



اجرای متفاوت از برنامه‌ها و مراسم عاشورایی باز خورد خوبی در میان مردم داشت. به نظر شما نوآوری در این مورد چقدر لازم است؟

اتفاق قابل توجه در برنامه «سوک چامه‌ها»، نگاه پژوهش‌محور و مستندسازی آن بود. بخش مرثیه‌خوانی و مقتل خوانی به شدت مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت؛ زیرا در این حوزه، هنرمندان صاحب‌نام و صاحب‌سبک در حوزه‌های شعر، ترانه و مقتل در اجتماعی آیینی حضور داشتند و با خواندن اشعار آیینی و قطعات آوازی و مقتل که ویرایش آن را میلاد اکبرنژاد برعهده داشت، توجه همگان را برانگیختند؛ همچنین برش‌هایی از تعزیه در کنار برخی آیین‌های کهن عاشورایی که در اقصی نقاط کشور و به دعوت این برنامه بازآفرینی شده بودند، هر شب به دفعات اجرا می‌شد و بینندگان در زمان چهار ساعته اجرای مراسم، هر ساعتی که وارد مجموعه می‌شدند، می‌توانستند از برنامه‌های آن استفاده کنند.

در واقع، یک تنوع و نوآوری در همه بخش‌ها وجود داشت که برای مردم جالب بود؛ به عنوان مثال یک ویدئوآرت طراحی شده بود که در آن تصاویر و مفاهیم عاشورایی به شکل گرافیکی در چند نقطه در فضای باز توجه مردم را به خود جلب می‌کرد، آنها می‌ایستادند و برداشت خود را از آن تصاویر داشتند.

همچنین آیین‌هایی برای اجرا در این مراسم دعوت شده بودند که سال‌ها بود فراموش شده یا دیگر با آن کیفیت اجرا نمی‌شدند؛ آیین‌هایی که به لحاظ اجرا، تنوع اقوام و به لحاظ موضوعی، میزان تأثیرگذاری متفاوتی نسبت به سایر آیین‌ها در مناسبت‌های دیگر داشتند. طراحی آنها نیز به گونه‌ای بود که بر اساس تم هر شب، آیین‌ها و موضوعات تغییر پیدا می‌کرد. این آیین‌ها اگرچه کهن‌الگوها و آیین‌های نمایی است؛ ولی شکل و شمایل اجرا متفاوت شده بنابراین وقتی مخاطبان به طور زنده شاهد هنرنمایی هنرمندان می‌شوند، تأثیرگذاری آن متفاوت خواهد بود.

به نظر شما چقدر حوزه‌های مختلف هنری در حوزه عاشورایی، ظرفیت نوآوری دارند؟

در طول برگزاری مراسم «سوک چامه‌ها» هر شب مفاهیم و گروه‌های نمایی تغییر می‌کردند. در حوزه‌های تجسمی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای و نقاشی پشت شیشه‌ای به طور زنده کشیده می‌شد و اگر مردم چند شب در آنجا حضور داشتند، متوجه تکمیل این نقاشی‌ها می‌شدند؛ همچنین شعری حاضر

حسین پارسایی در گفت‌وگو با خیمه

تجربه‌ای نو و تازه

در ارائه مفاهیم عاشورایی

هانیه خاکپور



حسین پارسایی، نماینده نویسنده، کارگردان و مدیر تئاتری کشور در دهه سوم محرم، هدایت و کارگردانی مراسمی به نام «سوگ چامه‌ها» را بر عهده داشت که اجتماع آیینی اصحاب فرهنگ و هنر بود. با وی درباره این برنامه که به رغم برگزاری در برج میلاد و دسترسی سخت مردم به آن با استقبال بسیار خوب مخاطبان مواجه شد، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

خیمه

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳

این اجتماع آیینی در واقع درباره هنر عاشورایی بود که در گرایش‌های شعر، تعزیه، آیین‌های عاشورایی و ویدئوآرت در مدت ۱۰ شب در ۱۰ خیمه بزرگ و کوچک در دهه سوم محرم در برج میلاد برگزار شد و به دلیل مشارکت قاطبه هنرمندان در تولید آثار یا بازآفرینی بخشی از آثار با مفاهیم عاشورایی، جلوه‌ای متفاوت از آنچه در تصور مخاطبان در عرصه فرهنگ و هنر داشت، به وجود آورد

ویژه برنامه «سوگ چامه‌ها» در ادامه تجربیاتی همچون برگزاری «آیین‌های عاشورایی» و «خیمه‌ها و نجواها» در سال ۹۰ در مجموعه‌هایی مانند تئاتر شهر و تالار وحدت، اجرا شد. آنجا نیز به نوعی اجتماع آیینی اصحاب فرهنگ و هنر تلقی می‌شد با این تفاوت که ویژه برنامه «سوگ چامه‌ها» متنوع‌تر و جامع‌تر از برنامه‌های پیشین بود. این اجتماع آیینی در واقع درباره هنر عاشورایی بود که در گرایش‌های شعر، تعزیه، آیین‌های عاشورایی و ویدئوآرت در مدت ۱۰ شب در ۱۰ خیمه بزرگ و کوچک در دهه سوم محرم در برج میلاد برگزار شد و به دلیل مشارکت قاطبه هنرمندان در تولید آثار یا بازآفرینی بخشی از آثار با مفاهیم عاشورایی، جلوه‌ای متفاوت از آنچه در تصور مخاطبان در عرصه فرهنگ و هنر داشت، به وجود آورد. بیش از ۴۰۰ هنرمند از سراسر کشور، برنامه‌های متنوعی ثبت و ضبط کردند و در معرض دید عموم قرار دادند که تجربه‌ای نو و تازه در ارائه مفاهیم عاشورایی بود؛ مفاهیمی که به عنوان دستاوردهای فرهنگی و ذوقی هنرمندان در عرصه‌های مختلف تلقی می‌شود. هر شب برنامه‌های متنوعی تدارک دیده شده بود و برنامه‌ها تغییر پیدا می‌کرد. خیمه‌ها نیز بر اساس یک چیدمان محیطی و طراحی هنری بر اساس برنامه هر شب، طراحی شده بود.

با توجه به استقبال مخاطبان، آیا این برنامه در سال‌های آتی هم ادامه خواهد داشت؟

تهیه‌کننده و مجری طرح، برج میلاد است. امسال توفیق حاصل شد تا این همکاری میان مجموعه من و همکارانم با برج میلاد شکل

در برنامه‌ها از مؤلفان کشور و صاحب‌قلمان انتخاب شده بودند که اشعار آیینی منحصر به فردی در کارنامه دارند. با آنکه در بخش نمایش نیز چهره‌هایی مانند پسبانی، تیرانداز، ایوب آقاخانی، آرش دادگر، یاسر خاسب، برزو ارجمند که از شناخته‌شده‌های هنر نمایش هستند و تجربیات بین‌المللی در این عرصه دارند، مشارکت داشتند.

برای مردم، مشارکت هنرمندان جذاب بود؛ زیرا می‌دیدند باورهای مشترک‌شان به نمایش درآمده و مقتل‌ها توسط هنرمندان محبوب‌شان خوانده می‌شد؛ بنابراین آن عده از هنرمندان که ممکن است چنین باورهایی را برای خودشان به صورت شخصی، محفوظ نگه دارند؛ وقتی می‌پذیرند در اجتماع آیینی حضور پیدا کنند و احساس، باور دینی و اعتقادات خودشان و پاسداشت و بزرگداشت این ایام را با مردم تقسیم کنند، همین امر یک نمایش عظیم و درخشان است که می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد و از قضا همین بخش‌ها و نوآوری‌ها جذاب‌تر و تأثیرگذارتر بود.

مردم در خیمه‌ها از نزدیک با فرآیند ساخت و ساز محصولات عاشورایی مانند ساخت خود، زره، کتیبه، علم، کتل و امثالهم آشنا می‌شدند. مردم وقتی از نزدیک در یک مجموعه بزرگ فرهنگی با ساختار متفاوت و مدرن و قابلیت پوشش همه سلیقه‌ها حضور پیدا می‌کنند، می‌توانند از نمایش‌های سنتی تا پرفورمنس‌های عاشورایی در بخش‌های دیداری و شنیداری، برای خودشان خوراک فرهنگی پیدا کنند.

این برنامه سابقه اجرا در ابعاد کوچک‌تر را داشت؟



از اصیل ترین و کهن ترین تا مدرن ترین

رسول نجفیان

باشد. رؤیایپردازی صور خیال عشقی که به خاندان ائمه اطهار علیهم السلام وجود دارد در تعزیه مورد توجه قرار گرفته و در عرصه هنرهای تجسمی و نقاشی نیز این گونه است. شگفت زده می شوید؛ وقتی بدانید پرویز تناولی هر چه دارد از هنر سقاخانه ای و خاستگاه اصیل و مردمی این هنر است؛ بنابراین باید هویت های خود را حفظ کرد. مثلاً سباستین باخ که به موسیقی کلاسیسی ورود و همه آهنگ ها و ترانه های مردم روستاها در مصائب حضرت مسیح علیه السلام را جمع آوری کرد، درک درستی از این موضوع داشت. بنابراین هنرمند باید به این حوزه ها ورود و جلوه گری کند و با این جلوه گری در دنیا بدرخشد. اصلاً زمانی می توانیم جهانی شویم که بر هویت و هنر بومی مان تکیه داشته باشیم. چطور هنر و هنرمند می توانند در مورد عاشورا که حادثه تلخی در آن شکل گرفته، بی تفاوت باشند و آن را دست یک عده جاهل که تصور می کنند آیین عاشورایی فقط قمه زنی و زنجیرهای خاردار است، بسپارند. خوشبختانه به رسم هایی تکیه می کنیم که خاستگاه مردمی دارد و پر است از معنویت، روحانیت، عشق و مهربانی.

۳. متأسفانه عده ای مخالفت های پیدا و پنهانی در مورد حضور هنرمندان در چنین برنامه هایی نشان دادند که می توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد: عده ای که تفکرات بسیار ارجاعی و پرتی دارند و می گویند هیچ هنرمندی حق ورود به این حوزه را ندارد؛ اینها عزاداری را قمه زدن و عربده کشیدن می دانند و تکلیف شان معلوم است. گروه دیگر هم شکم سیرهایی هستند که از روی بخل و بی سوادی و بی معرفتی صحبت می کنند. شما هر کاری کنید، این گروه حرفی در می آورند.

مگر پیتربروک ارتجاعی بود که به ایران آمد و از دیدن تعزیه و هنر فاصله گذاری در این عرصه نمایشی شگفت زده شد.

۱. «سوک چامه ها» چیزی نبود جز اینکه اصیل ترین و شیواترین و درست ترین رسم ها و آیین های عاشورایی را به اجرا بگذارد؛ اگر وارد یک روستای اصیل شوید که از آسیب و گزند شهرنشینی بری بوده باشد، خواهید دید هر رسم و آیینی، حساب و کتابی و جذابیت های بصری خاصی دارد؛ مانند جشن مهرگان، جشن نوروز و مراسم ماه رمضان.

در حقیقت کار حسین پارسایی در «سوک چامه ها» ارزشمند بود؛ زیرا هنرمندانی از روستاهای دوردست مانند اطراف بوشهر، آذربایجان و امثالهم را دعوت کرد که از گذشته های دور این رسم ها و آیین ها را به اجرا گذاشتند؛ البته چند کارگردان با کارهای مدرن هم حضور داشتند که ترکیب این دو بسیار با ارزش بود؛ زیرا در کارهای مدرن نیز، هنرمندان هویت اصیل را گرفته و طرح ها و شیوه های مدرن زیبایی شناسانه به آن داده بودند.

در نتیجه از مدرن ترین روش در بازتاب رسم ها و آیین های عاشورایی تا اصیل ترین و کهن ترین آن وجود داشت؛ از خوانش خانم بحرانی از روستای دورافتاده ای در رثای مصائب کربلا تا مقتل خوانی هنرمندان نامی.

۲. هنرمند، نمی تواند جدا از آیین ها و رسم های خود باشد. همه جوامع اصیل و کهن در سوگ و سو و شادی، غم ها، رسم ها و آیین هایی دارند؛ جامعه ما هم از این قاعده مستثنی نیست. هنرمند هم باید به این موارد پر و بال دهد؛ زیبایی شناسی داشته باشد و خاستگاه مردمی آن را به مردم نشان دهد؛ وقتی هنرمند به این عرصه ها ورود می کند، تماشاگران چند برابر می شوند و تفکر می کنند؛ حتی آنها که از این مسائل ابا دارند و فکر می کنند کار غلط و واپس گرایانه ای است، خواهند دید که می توان این مفاهیم را به شکل نو و مدرن نیز مطرح کرد. هنرمند باید به موارد ریشه ای و مردمی خود متصل

بگیرد. قطعاً برج میلاد در تقویم سالیانه خود برنامه های متنوعی دارد و حتماً برای سال آینده نیز تدارکاتی خواهد داشت؛ ولی اگر قرار باشد برنامه سوگ چامه ها ادامه پیدا کند، حتماً یک طرح جدید و با ابتکارات بیشتر نسبت به امسال خواهد داشت.

آبادسترسی سخت به برج میلاد در میزان مخاطبان این برنامه نیز تأثیری داشت؟

با توجه به سردی هوا و دسترسی سخت به مجموعه برج میلاد، استقبال قابل توجهی از این برنامه صورت گرفت و حتی آخرین روز برنامه هم که هوا بارانی بود، استقبال خوبی شد؛ به طوری که اصلاً انتظار آن را نداشتیم. من حتی بعضاً با چهره هایی مواجه می شدم که شب های قبل آنها را دیده بودم. در مجموع به نظر می رسید مردم برنامه ها را با این شکل متفاوت دوست دارند.

با این حال پیشنهادی به مدیریت مجموعه برج میلاد داشتم و آن، اختصاص ایستگاه هایی در نقاط کلیدی و پرتدد شهر به مجموعه برج میلاد است تا دسترسی راحت تری پیدا شود. این موضوع نه فقط برای یک مناسبت خاص، بلکه در طول سال لازم است؛ زیرا برج میلاد یک یادمان ملی است که ظرفیت های قابل توجهی دارد؛ بنابراین بسیار مورد توجه مردم است و آنها دوست دارند از برنامه ها و ظرفیت ها و قابلیت های برج میلاد استفاده کنند.

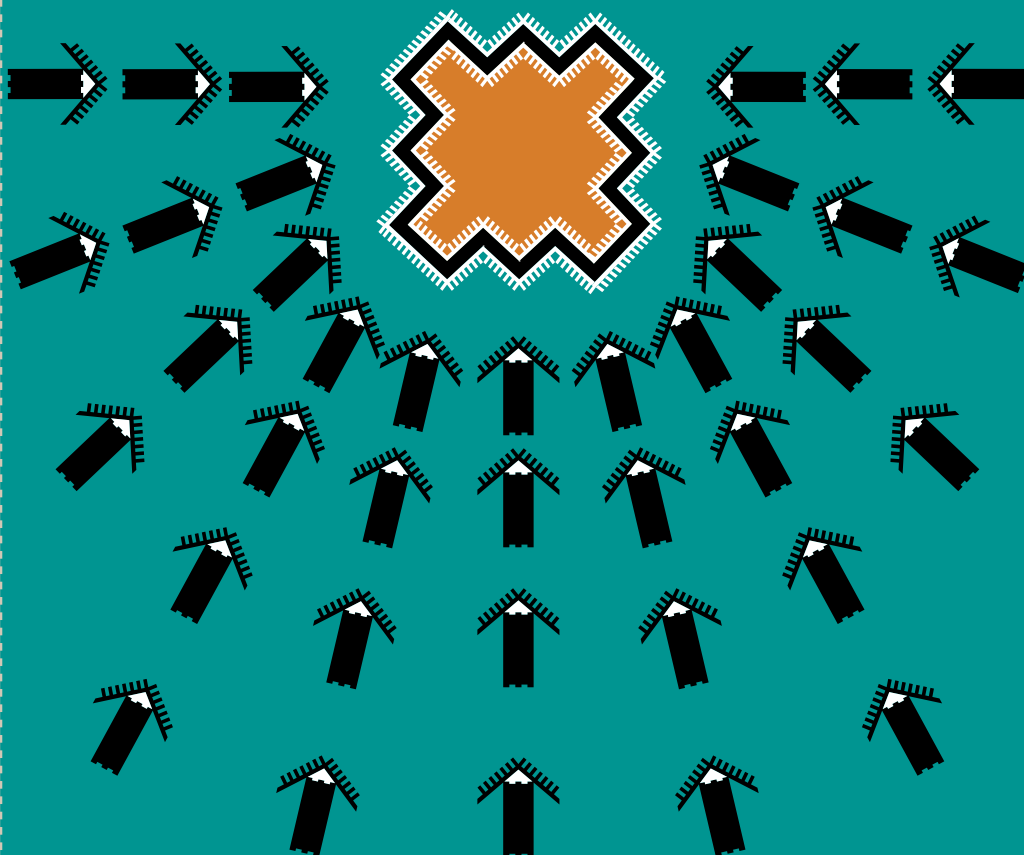
رویکرد هنرمندان به این برنامه چطور بود؟

وقتی می گویم اجتماع آیینی، یعنی در سوگ یا سو، شکل سنتی آیین ها که مطابق ذوق و سلیقه بخشی از جامعه است و جزو آیین ها و باورهاست با شکوه و عظمت اجرا شود. برخی از سلیقه ها نیز تمایل دارند این باورها و آیین ها را در سطوح دیگری ببینند. شکل خلاقانه و هنرمندانه ای که می تواند به عنوان دستاوردهای فرهنگی و هنری واقعه کربلا و مفاهیم عاشورا به وجود آید، نسخه ای است که فقط به دست هنرمندان نوشته می شود.

همه هنرمندان به دنبال فرصت هایی هستند تا بتوانند ادای دین کنند و به پاس ارادت به صاحب این مجلس و پاسداشت و بزرگداشت واقعه عاشورا و امام حسین علیه السلام و یارانش در همه بخش ها، عاشقانه و خالصانه و متواضعانه مشارکت داشتند. این امر خوشبختانه نشان داد، کربلا و عاشورا و مفاهیم و تعاریف دیدنی چه ظرفیت عظیم و بی بدیلی است و چقدر می توان از آن به عنوان اندیشه و فکر و سوژه در تولید آثار هنری استفاده کرد.

در این شماره، در بخش جامعه، پرونده ویژه‌ای داریم دربارهٔ زیارت اربعین که در آن مسائل مختلف پیاده‌روی زائران اربعین را از حیث امنیتی، رفاهی، فرهنگی، فقهی و ... از نظرگاه‌های گوناگون بررسی کرده‌ایم.

جامعه





زیارت اربعین جلوه‌ای نمادین از هویت شیعه

نسیم کاهیرده

خیابا

شماره ۱۱/ آذر ۹۳

مقدمه

قدر هم که از لحاظ هنرهای عاطفی‌اش غنی باشد نخواهد توانست چیزی بر شور حیاتی طبیعی‌مان بیفزاید؛ زیرا همه قدرت‌اش در این خواهد بود که فقط همان نیروهای عاطفی موجود در ما را به حرکت در بیاورد، نه اینکه نیروهایی تازه بیافریند یا چیزی بر نیروهای موجود بیفزاید از اینکه ما چیزی را شایسته دوست داشتن و مطلوب برای خودمان تصور می‌کنیم نتیجه نمی‌شود که ما به صرف این تصور، خود را نیرومندتر حس کنیم؛ برای این کار لازم است که از این چیز نیروهایی برتر از آنهایی که در خود ما وجود دارند ساطع شود و از این بالاتر، ما نیز وسایلی داشته باشیم که آن نیروهای ساطع‌شده را به درون خود ببریم و با حیات درونی‌مان بیامیزیم و معلوم است که برای رسیدن به این مقصود فقط اندیشیدن به این نیروها کافی نیست؛ بلکه ضرورت حتمی

نقش دین عبارت است از واداشتن ما به عمل و کمک کردن به ما برای زیستن. مؤمنی که با خدای خویش هم‌ذات شده فقط بشری که به حقایق تازه‌ای دست یافته که نامؤمن از آنها بی‌خبر است، نیست؛ این مؤمن انسانی است که بیش از نامؤمن توانای عمل است. او در درون خود نیروی بیشتری احساس می‌کند، خواه در تحمل دشواری‌های زندگی، خواه از لحاظ غلبه بر آنها. نخستین مادهٔ هر ایمانی باور به رستگاری از راه ایمان است و سؤال این است که (با منحصركردن پدیدهٔ دین به فکر و باورها) معلوم نیست چگونه یک فکرت ساده می‌تواند چنین نتیجهٔ کارآمدی به بار آورد. فکر در واقع چیزی جز عنصری از خود ما نیست؛ پس چنین عنصری چگونه می‌تواند قدرتی به ما بدهد که برتر از قدرت‌هایی باشد که ریشهٔ آنها در طبیعت ماست؟ چنین فکری هر

افراد به زیارت چهره‌های علمی و معنوی می‌روند یا زائر اماکن مشرف می‌شوند تا از اعتبار، قدسیت، فضیلت، معنا و روحانیتی که به نظر آنها در شخصی یا مکان مزبور وجود دارد، بهره‌مند شوند



دارد که خود را در سپهر عمل آنها قرار دهیم و در جهتی بچرخیم که در آن جهت تأثیر آنها را بهتر می‌توانیم حس کنیم در یک کلام لازم است که عمل کنیم. از این نظر، پیداست که مجموعه اعمال منظم تکرار شده‌ای که در کیش عبادی از آنها تشکیل می‌شود تا چه حد اهمیت دارد. در واقع کسی که به واقع به آداب دینی عمل کرده است، می‌داند که همه این تأثیرات، برانگیزاننده آرامش درونی، صفای باطن و شوق که از نظر مؤمن دلیل بر صحت تجربی باورهای وی هستند از آثار و برکات عمل به کیش عبادی‌اند. کیش عبادی فقط دستگاهی متشکل از علایمی که ایمان از راه آنها ترجمان بیرونی پیدا می‌کند، نیست؛ بلکه مجموعه وسایلی است که ایمان و احساس دینی از راه آنها ایجاد و دوره به دوره تکرار می‌شود. در واقع جامعه فقط می‌تواند تأثیر خود را بر افراد محسوس گرداند که آن تأثیر در قالب اعمال باشد و تأثیر اجتماعی، هنگامی به قالب عمل درمی‌آید که افراد جامعه گرد آیند و با هم عمل کنند. جامعه از راه کنش، مشترک است

که می‌تواند از خود، آگاهی بیابد و وجود خود را تثبیت کند؛ جامعه قبل از هر چیز، نوعی تعاون یا همکاری فعال است؛ حتی افکار و احساسات جمعی، امکان‌پذیر نیستند مگر در پرتو حرکات بیرونی که نمایانگر آنها باشند؛ پس عمل یا کنش است که بر زندگانی حاکم است و یگانه دلیل آن نیز این واقعیت است که ریشه این اعمال در جامعه است.^۱

اسلام مانند بسیاری از ادیان دیگر، دارای مناسکی است که ماهیت جمعی دارند؛ حج، نماز جماعت، نماز جمعه و دعا‌های دسته‌جمعی و نیز زیارت از جمله مهم‌ترین این مناسک‌اند.

«زیارت» اگرچه در اصل به معنای قصد کردن و ملاقات نمودن است؛ ولی در معنای اصطلاحی متداول آن، هرگونه دیدار و ملاقاتی، زیارت اطلاق نمی‌شود. زیارت، ملاقات با اشخاص و دیدار از اماکنی است که از نظر زیارت‌کنندگان دارای احترام، شرافت و برتری خارق‌العاده‌ای هستند. همین مفهوم را نیز می‌توان در متون دینی مشاهده کرد؛ مثلاً در متون دینی به ما تأکید می‌شود که به زیارت عالمان دین برویم^۲ یا خانه خدا و قبر شریف پیغمبر ﷺ و قبور شریف امامان شیعه را زیارت کنیم.^۳ بدین روی افراد به زیارت چهره‌های علمی و معنوی می‌روند یا زائر اماکن مشرف می‌شوند تا از اعتبار، قدسیت، فضیلت، معنا و روحانیتی که به نظر آنها در شخصی یا مکان مزبور وجود دارد، بهره‌مند شوند.^۴

مطالعه درباره زیارت، نیازمند ترکیبی از رویکردهای گوناگونی از امور روان‌شناختی، عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. در جایی که تعامل میان سفر، خانه و زیارتگاه به واقعیتی اجتماعی تبدیل می‌شود. منطق دینی یک مکان ویژه و معنای دینی و فرهنگی‌ای که این مکان برای مؤمنان داراست باید در کنار هم مورد توجه قرار گیرند. زیارت، سفری است که یک شخص در جست‌وجوی حالتی انجام می‌دهد که معتقد است دربردارنده آرمانی ارزشی است. در مرسوم‌ترین حالت، زیارت، زیارتگاهی است که در نقطه جغرافیایی ثابتی قرار گرفته است. این مکان شهرتی به دست آورده است که زائران را به خود جذب می‌کند. کسی که به نقطه‌ای سفر می‌کند که فقط به خاطر خودش حائز اهمیت است، نزدیک یک زائر است. زیارت، این قدرت را دارد که بخش بسیاری از مردم را در دنیا به حرکت درآورد، اقتصاد کشورها را تغییر دهد و پیام‌های سیاسی و دینی را در سراسر جهان منتشر کند. زیارت کعبه به عنوان حج از شناخته‌شده‌ترین و پرکشش‌ترین زیارت‌های

جهان است که هر سال حدود دو میلیون بازدیدکننده را به خود جلب می‌کند. به نظر «ترنر»، زیارت، مردم را از جامعه معمول بیرون می‌برد و اشخاص را در کنار یکدیگر قرار داده و با هدفی مشترک پیوندشان می‌دهد. این امر در تخالف با جامعه بهنجار است؛ یعنی جامعه‌ای حاوی سلسله مراتب و هنجارها و مفاهیم نهادینه شده. این حالت ضد ساختار، خالق و دگرگون‌شونده است.^۵

و اما زیارت به عنوان پدیده‌ای اجتماعی از منظر جامعه‌شناختی نیز قابل بررسی است؛ مثلاً در مقاله‌ای از داوری با عنوان «جامعه‌شناسی زیارت» آمده است که مقصود ما از جامعه‌شناسی زیارت، عبارت از مطالعه رفتارهای گروهی و جمعی جامعه‌ای که عرفاً به عنوان عمل «زیارتی» نامیده می‌شود به عبارت دیگر هنگامی که پدیده زیارت را چه در قالب زیارت یک گروه کوچک یا در قالب یک جمع بسیار بزرگ با راه‌ها و روش‌های جامعه‌شناسانه مورد تحقیق قرار می‌دهیم در واقع به جامعه‌شناسی زیارت مبادرت ورزیده‌ایم.

بنابراین اگر «راهپیمایی زیارتی اربعین» را که موضوع بحث حاضر است به عنوان پدیده‌ای اجتماعی بنگریم با اتکا به روش‌ها و دلالت‌های جامعه‌شناختی می‌توانیم تا حدی از چرایی و چگونگی ظهور و بروز آن و نیز پیامدهای اجتماعی که به دنبال خواهد داشت آگاهی یابیم.

«آن‌گونه که آثاری چون «تراژدی کربلا» از ابراهیم حیدری^۶ به ما گزارش می‌دهند، مناسک اربعین حسینی با آداب و رسوم و زندگی شیعیان عراق و در نگاهی گسترده‌تر با بخش

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



زیارت، سفری است که یک شخص در

جست‌وجوی حالتی انجام می‌دهد که

معتقد است در بردارنده آرمانی ارزشی است



شناخته‌شده‌ترین و پرکشش‌ترین زیارت‌های

قابل توجهی از مردم آن سرزمین گره خورده است. اربعین در عراق، فقط مناسکی مذهبی و دینی نیست. اربعین با فرهنگ عراق گره خورده است و ریشه‌های عمیق در فرهنگ این جامعه دارد.

اما در ایران، همسایه دیوار به دیوار شیعه عراق، شرایط اندکی متفاوت به نظر می‌رسد تا همین یک دهه قبل، مناسک اربعین چه به لحاظ وسعت و عمومیت آیین و چه از منظر تعیین‌یافتگی اعمال جمعی همبسته با این نقطه از تقویم شیعی در جامعه ایران برجسته و متمایز نبود؛ اما در سال‌های اخیر، آمارها از وقوع تغییری ملموس خبر می‌دهند؛ به عنوان مثال در اربعین امسال، حدود بیست میلیون نفر زائر شرکت داشتند. رسانه‌های ایران سهم زائران ایرانی در این راهپیمایی گسترده را بیش از چهار صد هزار نفر تخمین زده‌اند.^۸

از آنجا که زندگی اجتماعی، دارای تغییر و تناوب و نوسان است، این تغییر و نوسان هم به حیطه امر لاهوتی و قدسی نیز سرایت پیدا می‌کند. به عبارت دیگر ادیان و امور مقدس و لاهوتی به زیر و بم‌های حیات اجتماعی وابسته هستند؛ بنابراین شاید بتوان این استقبال چشمگیر از زیارت اربعین را به نوعی پدیده‌ای نوظهور در میان شیعیان ایران تلقی کرد که تحت تأثیر شرایط اجتماعی جدید شکل گرفته است؛ «چرا که مناسک، عملاً همیشه به نوعی با تغییرات همبسته‌اند، چون آهنگ حیات اجتماعی، آهنگی متغیر است و مناسک از یک سو مانع از تغییرات بی‌رویه به واسطه قدرت‌شان در بازتولید نظم مستقر هستند و از سوی دیگر امکان تغییرات لازمه و مورد نیاز و مشروعیت بخشی به آنها را دارند».^۹

زیارت اربعین در حال تبدیل شدن به نماد هویتی شیعه

خیابا

شماره: ۱۱/ آذر ۹۳



اسلام مانند بسیاری از ادیان دیگر دارای مناسکی است که ماهیت جمعی دارند؛ حج، نماز جماعت، نماز جمعه و دعاهای دسته جمعی و نیز زیارت از جمله مهم‌ترین این مناسک‌اند

راهپیمایی اربعین اگر چه از جمله مناسک دینی است که به لحاظ ریشه‌های تاریخی به شیعیان عراق تعلق دارد؛ ولی اکنون بعد از گذشت سال‌ها با افزایش معنادار تعداد مشارکت‌کنندگان ملیت‌های مختلف در آن در حال تبدیل شدن به نمادی از هویت مذهبی شیعه هستند. نمادی که سهم به سزایی در ایجاد خودآگاهی در میان شیعیان دارد و به حفظ و تداوم احساسات مذهبی و ایجاد همبستگی و وحدت در میان آنها کمک خواهد کرد و بیشترین اهمیت آن از آنجاست که بالقوه، وجه نمادین پرنگی دارد؛ چرا که اگر رمزا و نمادها نباشند، احساسات اجتماعی، فقط وجودی گذرا خواهند داشت. مادام که آدمیان با هم‌اند و وجودشان بر هم تأثیر متقابل می‌گذارد، این احساسات جمعی، بسیار نیرومند خواهند بود؛ اگر حرکت‌هایی که قالب بیان احساسات‌اند بر روی چیزهایی که پایدار هستند حک شوند در این صورت آن احساسات جمعی و حرکات بیانگر آنها نیز پایدار خواهند شد. وجود آن چیز، دائم یادآور آن احساسات بر اذهان است و همواره آنها را بیدار نگاه می‌دارد؛ باری، علامت‌گذاری‌های نمادین که برای خودآگاهی یافتن جامعه ضرورت دارد از نظر پیوستگی و ارائه این خودآگاهی نیز هم‌چنان ضروری است (همان، ۳۱۸). این نماد هویتی جدید علاوه بر اینکه بیانگر و بازتابنده احساس مشترک جمعی و موج غالبی از باورهای دینی تعداد بسیاری از مردم است از سویی هم به نوعی به برساخته شدن دوباره این باورها کمک می‌کند؛ چرا که «نمادها علاوه بر آنکه بازنمای حیات اجتماعی‌اند در ساختن آن نیز مشارکت دارند».

از طرفی، پابندی گروهی از افراد یک جامعه به یک شیوه عمل جمعی، مانند برگزاری آیینی مشخص و همگانی، ناخواسته پیوندها و ارتباطات میان اعضا را تقویت می‌کند و در نتیجه ارتباط میان اعضا، همبستگی و انسجام اجتماعی هم تقویت و اسباب ثبات، استمرار و پایداری جامعه فراهم می‌شود. به ویژه وقتی عاملی کمکی، مانند باور دینی به انجام آن آیین جمعی معنا بخشیده و اهتمام به آن را با وعده ثواب جذاب تر کرده باشد. (همان، ۵۲۳) از این رو برگزاری نظم و گسترده مناسک اربعین نقش مهمی در ایجاد الفت، وحدت و همبستگی هر چه بیشتر میان شیعیان دارد. در چنین بستر مهیای معنوی که از اجتماع پر شور مذهبی به وجود آمده است امکان از میان بردن اختلافات فرهنگی و کم اثر کردن شکاف‌های موجود میان ملت‌های منطقه میسرتر به نظر می‌رسد.



تحمّل رنج، تطهیر نفس و احساس رضایت اخلاقی «مناسک، محل تلاقی رفتارها و باورها هستند؛ یعنی جایی که یکسری باورهای مذهبی به رفتارهای عملی پیوند می‌خورند. به عبارت دیگر مناسک عرصه پراکسیس هستند». در فضای مناسک اربعین هم به خوبی می‌توان شاهد پراکسیس و تلاقی و پیوند میان باور و رفتار بود. باوری که فرد را در مسیر حرکت عینی قرار می‌دهد، مسیری پر از رنج و سختی. در واقع مسیر زیارت و سختی‌های آن هم، جزئی از عمل مؤمنانه است و زیارت از همان نقطه شروع حرکت زائر آغاز شده است و از آنجا که «هر مناسکی نوعی فرآیند تطهیر محسوب می‌شود» از این رو فرد در این پراکسیس خاص و با تحمل سختی‌های مسیر به نوعی به دنبال تطهیر نفس و رهایی از آلودگی‌ها و خالص شدن است؛ البته در مسیر زیارت اربعینی برای تحمل رنج‌ها و سختی‌ها علاوه بر نیاز فرد به تطهیر، دلالتی دیگر هم وجود دارد و آن تلاش زائر امام حسین (علیه السلام) در دستیابی به نوعی همذات‌پنداری با امام و خانواده و یاران ایشان است؛ یعنی مرور و تکرار تجربه جدیدی از آنچه قرن‌ها پیش اتفاق افتاده است و از امام حسین (علیه السلام) و یارانش برای ابد، تصویری زنده و مقدس در اذهان حک کرده است.

مهم‌ترین مکانیسم اثرگذاری مناسک بر مؤمنان نه در استدلال، بلکه در ایجاد نوعی «احساس رضایت اخلاقی حاصل از به جا آوردن منظم مناسک» است (همان، ۴۹۵)؛ بنابراین از دلایلی که می‌تواند برای زائران اربعین ایجاد انگیزه قوی کند نوعی احساس رضایت اخلاقی است که به دنبال طی طریق و رسیدن به پایان مسیر برای‌شان محقق می‌شود. احساس رضایتی که در طی مسیر نیز از دیدن زائران دیگر و همراهی با آنان تجربه کرده‌اند؛ «چرا که افراد با حضور در یک مناسک به یکدیگر شهادت می‌دهند که همگی از اعضای یک جماعت با نظام اخلاقی مشترک‌اند و به پیوندهای خویشاوندی که آنان را به هم متصل می‌کند، آگاهی می‌یابند». (همان) این احساس رضایت، خود تقویت‌کننده روحیه و موجب پیوند با جامعه است؛ بنابراین فرد در بازگشت با روحیه‌ای مضاعف در تعامل روزمره با دیگران قرار می‌گیرد، روحیه‌ای که محصول زیارت است.

برانگیختگی و گسترش باورهای مؤمنان

اگر زندگانی جمعی در مواقعی که به درجه معینی از شدت می‌رسد، زمینه را برای بیداری اندیشه دینی فراهم می‌کند برای آن است که از این زندگانی جمعی حالتی از جوش و خروش

برمی‌خیزد که شرایط فعالیت روحی را تغییر می‌دهد. در این حالت، توان‌های حیاتی بیش از حد معمول برانگیخته‌اند، سوداهای درونی تندتر و حادث‌تر هستند و احساس‌ها نیرومندتر؛ حتی احساس‌هایی داریم که فقط در چنین مواقعی در بشر پیدا می‌شوند. بشر در این حالت خود را باز نمی‌شناسد؛ احساس می‌کند وجودش دگرگون شده و در نتیجه، محیطی را که خود در آن است، تغییر می‌دهد. بشر برای درک تأثیرات بسیار خاصی که در این حالت احساس می‌کند به چیزهایی که با آنها بیش از همه رابطه‌ای مستقیم دارد، خواصی نسبت می‌دهد که در آنها نیست، قدرت‌های استثنایی، هنرهایی که اشیای موجود در پیرامونش عملاً فاقد آنها هستند به این اشیای نسبت می‌دهد. در یک کلام بر جهانی که زندگانی ناسوتی‌اش در آن می‌گذرد، جهان دیگری می‌افزیند که به یک معنا جز در اندیشه خود او وجود ندارد؛ ولی خود او برای این جهان دوم، نسبت به جهان اول، نوعی حیثیت و منزلت بالاتری قائل است. (همان، ۵۸۴)

اربعین، فرصت و بستر مناسب شکل‌گیری چنین جمعی از مؤمنین است؛ یعنی فضایی که در آن برانگیختگی باورهای دینی اتفاق می‌افتد و همزمان با احساسات و عواطف مشترک زائران به هم می‌پیوندند و تأیید و تشدید می‌شوند. عواطفی که این قدرت را دارند افراد را برای روزهای متوالی از روزمرگی حیات اجتماعی و نظم مألوف زندگی‌شان بیرون کشانده و در موقعیتی ناب از شور و هیجان مذهبی قرار دهد. موقعیتی که در آن دستیابی به همه آمال و آرزوها در پرتو عشق و ارادت‌ورزی به امام، به عنوان یک وجود مقدس و الهی، میسر و قابل تحقق است.

زائر اربعین، نیرو و قدرتی در درونش حس می‌کند که در عین حال حمایتش می‌کند و او را به فراسوی خود می‌خواند با تکیه بر همین نیروست که به نظرش می‌رسد، می‌تواند بهتر با ابتلائات و مشکلات زندگی مواجه شود و حتی می‌تواند طبیعت را در برابر خواست خود به زانو درآورد. این احساس مذهبی در جامعه بشری عمومی‌تر و مداوم‌تر از آن بوده است که بتواند توهم باشد. توهم قرن‌ها به این ترتیب تداوم نخواهد یافت؛ پس نیرویی که انسان احساس می‌کند به سویی می‌آید، باید واقعاً موجود باشد. در این مراسم است که ایمان مشترک کاملاً به طور طبیعی در قلب این گروه تشکیل شده و دوباره تقویت می‌شود؛ این ایمان دوباره متولد می‌شود، چون خود را در شرایط واقعی که ابتدا قرار داشت مشاهده خواهد کرد. بعد از آنکه پدید آمد بر همه تردیدهای شخصی که در اذهان فردی ظاهر می‌شوند غلبه خواهد کرد.

افراد مطمئن‌تر هستند به دلیل اینکه احساس می‌کنند قوی‌تر هستند و واقعاً قوی‌ترند؛ زیرا نیروهایی که از توان افتاده بودند دوباره در آگاهی‌ها زنده می‌شوند. (همان، ۴۸۲)

در واقع در اربعین هر زائر اگرچه به معنای حقیقی کلمه، ایمان و یقین دارد؛ ولی در جمع زائران دیگر قرار می‌گیرد تا باور و احساس خود را به آنها نیز منتقل کند. این نیازی غلبه‌ناپذیر در درون او برای گستراندن احساسش است؛ او برای این کار از حالت فردیت و تنهایی خویش فاصله می‌گیرد و به سیل زائران اربعینی می‌پیوندد و این شور اعتقادی برانگیخته از کوشش اوست که درونش را تسلا می‌بخشد.

هم‌ذات شدن در باور اتصال به وجود قدسی امام

امید به شفاعت و نجات از طریق اتصال به موجودی قدسی و الهی یکی از دلالت‌های محکم و قطعی ایجاد انگیزه و شوق به زیارت است. «امر لاهوتی تسری‌پذیری بسیار بالایی دارد. «خصلت لاهوتی تقدس، خصلتی به حد اعلا سرایت‌کننده است.» (همان، ۳۰۵)؛ بنابراین هر آنچه در دسترس این امور مقدس باشد در برمی‌گیرند و حیطة مکانی و زمانی و عناصر مادی و انسانی وابسته به خود را به طور دائم یا به طور مقطعی و در طی زمان انجام مناسک، خصلتی قدسی و لاهوتی می‌بخشند.» افراد در این مسیر تجربه‌ای عمیقاً درونی و بلاواسطه با امر قدسی دارند که برای هر کدام‌شان معانی خاص خود را دارد. در طی مسیر، زائر در حال معنا بخشیدن به خود است و غایت چنین صیوریتی یگانگی با مطلوب است.

«احساس لاهوتی در مواقع جمع بودن افراد، بالاخص در مناسک به شدت افزایش می‌یابد. اجتماع افراد در مناسک سبب می‌شود این احساس «به حد اعلا شدة» خود برسد؛ چرا که همه افراد در قالب یک فکر یا یک احساس واحد هم‌ذات می‌شوند» (همان) و از این‌روست که غالباً افراد، دسته‌جمعی زیارت را تجربه می‌کنند جمعی که با آنها باورها و احساسات مشترک دارند.

در اربعین، شاهد نمونه بارزی از این هم‌ذات شدن در احساس و باور دینی هستیم. افراد از اقوام و ملیت‌های مختلف با انگیزه مشترک اتصال به وجود قدسی امام‌شان در یک جمع بی‌نظیر گردهم می‌آیند و عشق و ارادت‌شان را به نمایش می‌گذارند. در این جمع، روابط معمول و نظم اجتماعی به هم می‌خورد و نیرویی معنوی، افراد را در تعامل با یکدیگر قرار می‌دهد. همه چیز صیغه‌ای معنوی و الهی دارد و حتی حقوق و وظایف هم در راستای یک

هدف مقدس، تعریفی دگرگون می‌یابند. در واقع هر قدر هم مناسک مذهبی اهمیت کمی داشته باشند، می‌توانند جمع را به تحرک وادارند؛ گروه‌ها برای برپایی آنها تجمع می‌کنند از این‌رو نخستین اثرشان مرتبط کردن افراد، افزایش تماس میان آنها و صمیمیت بخشیدن میان آنها با این واقعیت است که محتوی اشتغالات سودجویانه و فردی هستند که توجه بیشتر افراد را جلب می‌کنند. (همان، ۴۸۶)

پی‌نوشت‌ها:

۱. دورکیم، امیل، صوربنیانی حیات دینی ۱۳۸۳، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز، ص ۵۷۳
۲. رک به: راغب اصفهانی، المفردات ماده «زور»، المصباح المنیر
۳. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۳۹
۴. وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۸، ص ۱۵، بیروت
۵. تقی‌زاده داوری، محمود، نگاهی به جامعه‌شناسی زیارت، ادیان و عرفان، معرفت، شهریور ۱۳۸۰، شماره ۴۵، ص ۶۱ تا ۵۹
۶. دین از منظر انسان‌شناسی (بررسی و نقد کتاب)، الله‌کرم کرمی‌پور، کتاب ماه، شماره ۱۹۹، اردیبهشت ۱۳۹۳، ص ۵۰
۷. حیدری، ابراهیم (۱۳۸۱)، تراژدی کربلا: مطالعه جامعه‌شناختی گفتمان شیعه، مترجمان: علی معموری و محمد جواد معموری، چاپ اول، قم: دارالکتاب الاسلامی
۸. به عنوان مثال نگاه کنید به پایگاه خبری سازمان حج و زیارت، «اعزام ۴۳۰ هزار ایرانی به کربلا»، اول دی ماه ۱۳۹۲، قابل دسترسی در: <http://www.hajnews.ir/Default.aspx?ID=۸۹&tabid=۱۵۲۱>
۹. دورکیم، امیل، صوربنیانی حیات دینی ۱۳۸۳، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز، ص ۵۳۹

خیابان

شماره ۱۱/ آذر ۹۳



در اربعین، شاهد نمونه بارزی از این هم‌ذات شدن در احساس و باور دینی هستیم.
افراد از اقوام و ملیت‌های مختلف با انگیزه مشترک اتصال به وجود قدسی امام‌شان در یک جمع بی‌نظیر گردهم می‌آیند و عشق و ارادت‌شان را به نمایش می‌گذارند



اربعین

یادمان نخستین زیارت امام حسین علیہ السلام



چکیده:

آیین بزرگداشت اربعین حسینی از طریق سوگواری و زیارت مزار سیدالشهدا (ع) از باشکوه‌ترین یادمان‌های حادثه عاشورا است. در این میان شبهاتی درباره مستند نبودن این آیین به معارف دینی طرح شده است. در این نوشتار، نویسنده نخست به دو کاربرد عمده عدد چهل در روایات اشاره می‌کند؛ یعنی بکارگیری آن به عنوان عددی که گویای یک ارزش است و دقیقاً خود چهل مراد است؛ مانند راز و نیاز خالصانه چهل روزه و عبادت چهل ساله و سوگواری چهل روزه زمین بر مرگ مؤمن و گریه چهل روزه زمین و آسمان بر امام حسین (ع) و نیز بکارگیری آن به قصد بیان حداقل کثرت. در ادامه ضمن بررسی گزارش‌های تاریخی مربوط به حضور جابر و اهل بیت (ع) در نخستین اربعین بر سر مزار سید الشهدا (ع)، نقل مربوط به حضور جابر را قابل پذیرش می‌داند و سرانجام بر این نکته تأکید دارد که این دست، متون روایی و تاریخی در کنار دو روایت مربوط به زیارت اربعین، بر نگاه شیعیان به اربعین، تأثیرگذار بوده‌اند و شیعیان با تأثیرپذیری از این گزاره‌های دینی و روحیه اهتمام به یادمان حوادث مربوط به حادثه عاشورا که آن نیز الهام گرفته از روایات است، یادمان نخستین زیارت امام حسین (ع) را گرامی می‌دارند.

کلیدواژه‌ها:

اربعین، زیارت، امام حسین (ع)، کربلا، جابر

مقدمه:

یکی از آیین‌های رایج در میان شیعیان، بزرگداشت اربعین حسینی است که در بیستم صفر هر سال با شکوه خاصی برگزار می‌شود. مشهور است که این آیین در سالگرد نخستین زیارت مزار حسینی توسط صحابی جلیل‌القدر جابر بن عبدالله انصاری صورت می‌گیرد. برخی نیز گفته‌اند در این روز خاندان امام حسین (ع) در بازگشت از اسارت شام به کربلا رسیدند و مزار امام را در چهلمین روز شهادتش زیارت کردند. در این میان گروهی نیز با توجه به طولانی بودن زمان سفر در آن روزگار، ورود کاروان اسیران به کربلا پس از چهل روز را ناممکن می‌دانند برخی نیز با استناد به این حقیقت که راه میانبری از شام به طرف کوفه وجود داشته آن را ممکن می‌دانند. اختلاف یاد شده در میان محققان، تردیدها و شبهه‌هایی را در پی داشته است. در واکنش بدین شبهه‌ها برخی تلاش کرده‌اند برای اربعین، اعتباری حقیقی فارق از قبول یا رد گزارش‌های تاریخی یاد شده، اثبات کنند. مستند این گروه، تکیه دسته‌ای از متون دینی بر عدد چهل است. در این نوشتار،

محمدحسین صالح آبادی *

نویسنده بر آن است تا با نگاهی به متون روایی یاد شده و بررسی این دست از متون و نگاه تحلیلی به گزارش‌های تاریخی ماجرایی اربعین به یک جمع‌بندی و تحلیل مناسب دست یابد. از این رو ابتدا با بررسی کاربردهای عدد چهل در متون دینی، جایگاه عدد چهل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و سپس تحلیل گزارش‌های تاریخی اربعین، خواهد آمد.

بخش اول: جایگاه عدد چهل در متون دینی

تکیه بر عدد چهل در برخی متون دینی، بحث‌هایی را پیرامون جایگاه این عدد و اهمیت و نقش آن دامن زده است. برخی با استفاده از این متون، این عدد را دارای رمز و راز و جایگاهی در نظام خلقت می‌دانند و برخی آن را عددی معمولی می‌دانند. با تأمل در این متون، می‌توان گفت؛ کاربرد عدد چهل با مقاصد مختلفی بوده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. برای بیان دوره کمال یک امر که بر اساس قوانین و سنن آفرینش در قالب چهل روز یا چهل سال یا چهل ... صورت می‌گیرد. عدد چهل در این‌گونه موارد، موضوعیت دارد و برای آن جایگاهی در نظر گرفته شده است. کاربردهای عدد چهل در این مورد کم نیستند و آنچه در ذیل آمده برخی از موارد آن است که در ذیل دسته‌بندی شده‌اند.

۱-۱. چهل روز

در دسته‌ای از روایات بر «چهل روز» به عنوان دوره کمال برخی امور، تأکید شده است. برخی از این مورد در ذیل مورد توجه قرار گرفته‌اند؛

۱-۱-۱. آغاز زندگی جنین با سه مرحله چهل‌روزه

بر اساس برخی متون روایی، نطفه انسان پس از انعقاد، یک دوره چهل روزه را طی می‌کند تا اینکه در مرحله دوم با طی یک دوره چهل روزه دیگر به صورت علقه و سپس با طی دوره چهل روزه سوم به صورت مضغه درمی‌آید. پس از این سه دوره، جنین به سن چهار ماهگی می‌رسد و استعداد دمیده شدن روح را به دست می‌آورد؛ «الإمام الباقر علیه السلام: إِذَا وَقَعَتِ النَّطْفَةُ فِي الرَّحْمِ اسْتَقَرَّتْ فِيهَا أَرْبَعِينَ يَوْمًا، وَتَكُونُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، وَتَكُونُ مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَلَكَ يَخْلُقُ فَيْقَالُ لَهَا: اخْلُقِي كَمَا يُرِيدُ اللَّهُ...»؛ «از دوران چهل روزه در داستان عالم ذر و در مورد خلقت بنی آدم نیز سخن به میان آمده است. بدین مضمون

که در خلقت بنی آدم ابتدا خاک با آب شیرین و گوارا مخلوط و چهل روز به حال خود رها شد و سپس آب شور بر آن ریخته شده و دوباره تا چهل روز به حال خود رها شده و...»^۲

روایات دیگری نیز نقش چهل روزه‌های یادشده را تأیید می‌کنند یا مستقیماً از این دوران جنینی سخن گفته‌اند یا به تناسب بدان گوشزد کرده‌اند؛ مانند دو روایت ذیل:

روایت اول: حسین بن خالد می‌گوید؛ به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: از پیامبر صلی الله علیه و آل و سلم برای من روایت شده که فرموده است: «هر کس شراب بخورد، تا چهل روز، نماز وی برایش حساب نمی‌شود». امام علیه السلام فرمود: «درست گفته‌اند». گفتم: چرا فقط چهل روز، نه کمتر و نه بیشتر؟ فرمود: «خداوند عز و جل، خلقت انسان را تقدیر کرد. [در این تقدیر] چهل روز او را در حالت نطفه گذاشت؛ سپس او را از این حالت، نقل داد و چهل روز علقه گردانید؛ سپس دیگر بار او را به حالی دیگر نقل داد و چهل روز مضغه گذاشت. از این رو اگر انسان شراب بخورد، این شراب، چهل روز، یعنی به اندازه روزه‌های نقل خلقت وی [از مرحله‌ای به مرحله دیگر] در نمره استخوان‌های وی می‌ماند». امام علیه السلام سپس فرمود: «و همه آنچه می‌خورد نیز چنین است: خوراک و نوشاب او به مدت چهل روز در نمره استخوان‌هایش می‌ماند.»^۳

چنان که از محتوای این روایت برمی‌آید نقش عدد چهل در دوره‌های کمالی جنینی تا پایان عمر در جسم و جان فرد می‌ماند.

روایت دوم: حسین بن خالد می‌گوید؛ به امام رضا علیه السلام عرض کردم؛ مردم می‌گویند: هر کس سه روز گوشت نخورد، بد اخلاق می‌شود. فرمود: «دروغ می‌گویند؛ بلکه هر کس چهل روز گوشت نخورد، اخلاق و بدنش تغییر می‌کند. دلیلش هم این است که نطفه در چهل روز، تبدیل می‌شود.»^۴

این روایت نیز ناظر بر محتوای حدیث قبلی است که نخوردن گوشت در طول چهل روز، باعث تغییر در جسم و روان شخص می‌شود. شاید از آن رو که اثر گوشت مانند هر نوشیدنی و خوردنی تا چهل روز در بدن، به ویژه در مغز استخوان، می‌ماند و هنگامی که تا چهل روز مصرف نشود مواد مورد نیازی که از گوشت تأمین می‌شود به بدن نمی‌رسد و دچار مشکل می‌شود؛ بدین ترتیب، این حدیث نیز بر نقش دوره‌های کمالی دوران جنین تا پایان عمر تأکید دارد. جالب آنکه در مورد تکرار مصرف گوشت در بازه زمانی چهل روز، نیز هشدار داده شده و تأکید شده که خوردن متوالی گوشت در چهل روز، باعث قساوت قلب می‌شود.^۵



۱-۲. دورهٔ چهل‌روزهٔ التفات و توجه خالصانه به خداوند

دورهٔ چهل‌روزهٔ التفات و توجه خالصانه به خداوند که برخی از موارد آن عبارت‌اند از:

● مناجات چهل‌روزهٔ موسی در طور

آیهٔ ۱۴۲ سورهٔ اعراف تصریح دارد که وعده و قرار اولیهٔ خداوند با موسی در طور، برای مناجات، سی شب بوده که با افزودن ده شب دیگر وعدهٔ خداوند با او تکمیل و اتمام یافته است؛ «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» آنچه از این آیه فهمیده می‌شود موضوعیت داشتن تکرار عمل مناجات در چهل شب است؛ چرا که با افزودن عدد ده به سی بر روی عدد چهل تأکید کرده است؛ چنان که در آیهٔ ۵۱ سورهٔ بقره بدون ذکر این جزئیات، مستقیماً به عدد چهل پرداخته و فرموده است وعدهٔ ما با موسی، چهل شب بوده است؛ «وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»؛ بنابراین براساس دلالت صریح این آیه، مقطع زمانی چهل شب، جایگاه و نقش مهمی داشته و از این رو بدان توجه خاص صورت گرفته است. چهل روز هم می‌تواند دورهٔ کمال مناجات و عبادت خالصانه و به دور از مشغله‌های روزانه و مدیریتی باشد و هم می‌تواند دوران کمال آزمون جامعه‌ای باشد که در شرایط جدیدی قرار گرفته و گمان می‌رود همگی به آموزه‌های موسی ایمان دارند و پایبند هستند. از این رو

می‌توان گفت؛ چهل روز، زمان کافی برای محک خوردن توان و ظرفیت بنی اسرائیل بود و این جامعه رسته از یوغ فرعون، میزان معرفت و دلبستگی خود به آموزه‌های موسی را نشان داد و بر خود آنان و رهبرشان موسی روشن شد در چه حدی هستند.

- توبه و گریهٔ چهل‌روزهٔ حضرت آدم ابوالبشر به دلیل خوردن از شجرهٔ ممنوعه^۶
- گریه و انابهٔ چهل‌روزهٔ حضرت داود^۷
- گریه و انابهٔ چهل‌روزهٔ حضرت سلیمان^۸

● چهل روز رفتار خالصانه برای خداوند

در برخی از روایات تأکید شده که چنانچه کسی تا چهل روز کارهای خود را برای خدا انجام دهد و اغراض غیر الهی در اعمال او نباشد چشمه‌های حکمت از قلبش به طرف زبانش جاری می‌شود.^۹ این دست روایات، اشاره به وجود ظرفیتی در انسان دارند که براساس آن با تکرار یک عمل یا حالت در چهل روز، روانش از آن عمل، رنگ و جان دیگری می‌گیرد و شخصیت‌اش با آن همسو می‌شود.

● چهل روز خوردن غذای حلال

در برخی متون روایی گوشزد شده که پاک نگه داشتن جسم از غذای حرام به مدت چهل روز و خوردن غذای حلال، اثری چون نورانیت

دل و جاری شدن حکمت از آن، دارد.^{۱۰} این روایت نیز در بیان اثر غذای حلال در جسم باز به یک دورهٔ چهل روزه اشاره کرده است که گویای نقش‌آفرینی این بازهٔ زمانی در جسم و جان انسان است.

● خواندن چهل‌روزهٔ دعای عهد در صبحگاهان از امام صادق (ع) نقل شده که هر کس چهل روز دعای عهد را بخواند از یاران قائم ما (عج) به شمار می‌آید و چنانچه قبل از ظهورش بمیرد به دنیا بازگردانده می‌شود تا ایشان را یاری کند.^{۱۱} در اینجا نیز خواندن چهل‌روزهٔ یک دعا به معنای تأثیرگذاری آن در روان آدمی و همسو شدن با عمل، دانسته شده است.

گفتنی است در فرهنگ دینی همسو شدن شخصیت اشخاص با اعمالی که انجام می‌دهند، امر پذیرفته شده و معلومی است؛ چنان که در داستان غرق شدن پسر نوح، خداوند به نوح می‌فرماید او از اهل توبه بود؛ چرا که او عمل غیر صالح بود کنایه از آنکه شخصیت پسر به دلیل اعمال بدش با عملش هم جهت و همسو شده و از این رو نمی‌توان او را در زمرهٔ گروه نوح که شخصیت آنها با اعمال صالح گره خورده و همسو شده، به شمار آورد. در عبارت «سلمان منا اهل البیت» که از پیامبر (ص) نقل شده، باز اشاره بدین حقیقت است که شخصیت اشخاص با عمل گره خورده، از آن رنگ گرفته و با آن همسو شده است.

۱-۳. سلام چهل روزه پیامبر ﷺ با عنوان سلام بر شما اهل بیت ﷺ در مقابل خانه علی ﷺ

در برخی متون روایی^{۱۲} نقل شده که پیامبر ﷺ پس از نزول آیه تطهیر؛ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» تا چهل روز جلوی در خانه علی ﷺ و فاطمه ﷺ می ایستاد و خطاب به آنان می فرمود؛ «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» این رفتار پیامبر ﷺ نیز می تواند بدین معنا باشد که تکرار یک رفتار در بازه زمانی چهل روز برای ترویج و تثبیت یک آموزه، تأثیرگذار است.

۱-۴. آثار و برکات چهل روزه برخی خوراکی ها

در منابع روایی برای برخی خوراکی ها، اثرات خوبی نقل شده و تأکید شده که تا چهل روز ادامه دارد؛ مانند اثر نورانیت دل و دور شدن شیطان از شخص به دلیل خوردن انار^{۱۳} یا روغن زیتون^{۱۴} و نیز گفته شده خوردن هلیم تا چهل روز نشاط عبادت می آورد.^{۱۵} گفتنی است متون دیگری هستند که برای استعمالاتی غیر از خوراک، مثل «سرمه کشیدن» اثری، چهل روزه، نقل کرده اند^{۱۶} که می توان آنها را نیز از حیث تأکید بر اثر چهل روزه امور بر جسم آدمی از این دسته روایات به شمار آورد.

۱-۵. آثار چهل روزه امور ناخوشایند بر روحیه بندگی مؤمنان

در بین متون دینی، دسته ای از روایات تأکید دارند که مؤمن در هر چهل روز، دست کم یک امر ناخوشایند (مانند بیماری، ناراحتی و نگرانی) را تجربه می کند و خداوند حتماً برای او امر ناخوشایندی پیش می آورد؛ حتی اگر اندک و جزئی باشد. در این گونه روایات تعبیر «تزکیه» و پاک شدن مؤمن در اثر تحمل امور ناخوشایند به کار رفته که ناظر بر اثر سختی تا چهل روز در روحیه مؤمن است.^{۱۷} شاید از آن رو که سختی مؤمن را متوجه بنده بودن خود و تحت اراده مقتدری بالاتر از خودش می کند؛^{۱۸} یا اینکه خداوند با ابتلای مؤمن با سختی و امر ناخوشایند گناهان او را پاک می کند و نمی گذارد آلودگی گناه در دوره چهل روزه بوجود او سایه بیفکند و در جان و روانش اثر بگذارد.^{۱۹}

۱-۶. آثار چهل روزه برخی گناهان

● پذیرفته نشدن نماز فرد شراب خوار تا چهل روز چنان که گذشت روایات بسیاری تأکید کرده اند نماز شراب خوار تا چهل روز پذیرفته نمی شود.^{۲۰} جالب آنکه در برخی روایات، گوشزد شده چنانچه شراب خوار توبه نکرده باشد و در این چهل روز بمیرد به مرگ جاهلی مرده است.

این دست روایات بر حقیقت تأثیرگذاری غذای مسموم برای جان و روان آدمی دارند که تا چهل روز دوام می آورد و به دلیل بقای اثر این خوراکی در جسم شخص تا چهل روز در درگاه الهی حرمتی ندارد و راز و نیاز او مورد توجه خداوند قرار نمی گیرد.

● پذیرفته نشدن عمل حرام خوار تا چهل روز در مورد لقمه حرام برخی روایات تأکید دارند عمل و دعای حرام خوار تا چهل روز پذیرفته نمی شود.^{۲۱}

● پذیرفته نشدن روزه و نماز غیبت کننده تا چهل روز

در برخی روایات تصریح شده تا وقتی رضایت و گذشت شخص غیبت شونده حاصل نشده، نماز و روزه فرد غیبت کننده تا چهل روز پذیرفته نمی شود.^{۲۲}

۱-۷. آثار تداوم چهل روزه برخی گناهان

برخی روایات هشدار داده اند که احتکار چهل روزه کالا به ویژه آذوقه عموم مردم به قصد افزایش یافتن قیمت آن، بدتر از سرقت^{۲۳} و از گناهان بزرگ است و اثر آن بیزاری خداوند از محتکر و محرومیت وی از بهشت است.^{۲۴} در مورد نگه داشتن ابزار لهو و لعب و گناه، مثل ابزار موسیقی نیز روایاتی وارد شده که نگهداری آنها در مدت چهل روز را باعث دوری از رحمت خدا و وارد شدن در دایره سخط خدا، می دانند.^{۲۵}

۱-۸. اعمالی که باید در هر چهل روز، دستکم، یک بار تکرار شوند و نباید در ظرف مدت چهل روز ترک شوند

برخی متون روایی تأکید دارند مصرف گوشت برای بدن انسان ضروری است و از این رو نباید مصرف آن ترک شود و اگر به مدت چهل روز گوشت مصرف نشود اثرات مخربی بر جسم و روان آدمی می گذارد.^{۲۶} جالب آنکه از سوی دیگر گوشزد شده نباید در بازه زمانی چهل روز مصرف گوشت هر روز تکرار شود؛ زیرا مصرف متوالی گوشت در مدت زمان چهل روز نیز باعث قساوت قلب می شود؛

گفتنی است از این دست روایات، در مورد بهداشت شخصی نیز دیده می شود؛ مانند بر حذر داشتن اشخاص از نگه داشتن موهای عانه بیش از چهل روز و توصیه به زدودن این موها در کمترین چهل روز.^{۲۷}

۱-۹. دوران چهل روزه سوگواری بر مرگ مؤمن

در حدیثی نبوی ﷺ نقل شده که در مرگ

مؤمن، زمین تا چهل روز می گرید؛ «إِنَّ الْأَرْضَ لَتَبْكِي عَلَى الْمُؤْمِنِ إِذَا مَاتَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»^{۲۸} در مورد امام حسین ﷺ نیز برخی روایات تأکید دارند که آسمان تا چهل روز بر ایشان گریسته است؛ «كامل الزیارات عن عبد الله بن هلال عن أبي عبد الله [الصادق] ﷺ، قال: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَيَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَلَمْ تَبْكْ عَلَى أَحَدٍ غَيْرِهِمَا. قُلْتُ: وَمَا بَكَؤُهَا؟ قَالَ: مَكَثُوا أَرْبَعِينَ يَوْمًا تَطْلُعُ الشَّمْسُ بِحُمْرَةٍ، وَتَغْرُبُ بِحُمْرَةٍ، قُلْتُ: فَذَاكَ بَكَؤُهَا؟ قَالَ: نَعَمْ.»^{۲۹} در روایتی نیز از امام رضا ﷺ نقل شده که ایشان به یکی از یاران شان دستور داده اند بر روی قبر یکی از اصحاب تا چهل روز آب بپاشند.^{۳۰}

در این دست متون نیز بر دوره کمال یک چیز اشاره شده است. بر اساس این احادیث، دوره سوگواری کامل بر متوفی، چهل روز است و پایان این دوره، روز چهلم. به نظر می رسد خاستگاه سنت «چهلم گرفتن» برای اموات، صدور این گونه احادیث باشد.

۲-۲. چهل سال

۲-۱. چهل سالگی دوره کمالی انسان از نظر سنی

قرآن کریم در آیه ۱۵ سوره احقاف می فرماید: «وإنسان را [نسبت] به پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج، به او باردار شد و با تحمل رنج، او را به دنیا آورد و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است. تا آن گاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد، می گوید: پروردگارا! بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای، سپاس بگویم و کار شایسته ای انجام دهم که آن را خوش داری و فرزندانم را برایم شایسته گردان. در حقیقت، من به درگاه توبه آوردم و من از فرمان پذیرانم». در این آیه مجموع سن جنینی و شیرخوارگی انسان به طور مشخص، سی ماه ذکر شده و آنگاه با کلید واژه «أشد» به سن رشد اشاره کرده و سپس به سن

خیابان

شماره: ۱۱/ آذر ۹۳



بوده‌اند که چهل سال دوره کامل بندگی است و پس از آن نوبت نتیجه گرفتن از این تلاش چهل ساله است. جالب آنکه نقل شده: «داود نبی، شبی پس از خواندن زبور از عبادت خود، خوشش آمد در این لحظه یکی از حیوانات پیرامون او به سخن درآمد و گفت من چهل سال است که زبانم از ذکر خداوند عز و جل باز نایستاده است!»^{۳۷} در این ماجرا نیز که به بنی اسرائیل مربوط است باز سخن از ذکر و عبادت چهل ساله به میان آمده است. بدین ترتیب این دست از متون نیز بر دوره کمالی عبادت و بندگی در طول چهل سال دلالت دارند و کاربرد عدد چهل برای بیان دوره کمالی یک امر است.

۴-۲-۱. مهلت چهل ساله به خطاکاران و طاغیان

در برخی متون روایی گوشزد شده که خداوند پس از اعلام اجابت دعای موسی و هارون درباره عذاب فرعون که در آیه ۸۸ سوره یونس بدان اشاره کرده به فرعون، چهل سال مهلت داد؛ ولی او دست از طغیان برنداشت. «الامام الصادق علیه السلام: كَانَ بَيْنَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «قَدْ اجِيبْتُ دَعْوَتُكُمَا» وَ بَيْنَ اخْذِ فِرْعَوْنَ اَرْبَعِينَ عَامًا»^{۳۸}

۵-۲-۱. مجازات چهل ساله جامعه فاسق

قرآن کریم در نقل داستان فرار بنی اسرائیل از

ایشان وحی کرد و ...^{۳۳} سن چهل سالگی به دلیل رسیدن انسان به سن رشد و کمال، سن مناسبی برای رهبری امت است و از این رو گفته شده سن مناسب بعثت انبیاست با این حال تأکید شده خداوند می‌تواند در سنین پایین‌تر و حتی کودکی نیز، نبوت را به کسی ارزانی کند؛ چنانکه در مورد یحیی علیه السلام چنین شد.^{۳۴} گفتنی است تناسب سن چهل سال برای دریافت رسالت در انبیا در راستای همان کمال سنی است که در بخش قبل بدان پرداخته شد.

۱-۲-۳. عبادت چهل ساله عابدان

عبادت چهل ساله، دست کم در نزد بنی اسرائیل، دارای ارزش و جایگاه خاصی بوده است. در روایتی از امام معصوم علیه السلام نقل شده که عابدی از بنی اسرائیل چهل سال عبادت کرد و سپس قربانی کرد؛ اما قربانی او پذیرفته نشد و او خود را مذمت کرد که حتماً گناهی کرده‌ام. از جانب خداوند بدو خطاب شد ارزش این مذمت نفس از عبادت چهل ساله بیشتر است.^{۳۵} در روایت دیگری پیامبر ﷺ درباره یکی از نمازها، خطاب به گروهی از یهود می‌فرماید: ارزش یک رکعت این نماز از عبادت چهل ساله نزد خداوند بیشتر است.^{۳۶} به نظر می‌رسد دوره عبادت چهل ساله، دوره‌ای برای اثبات بندگی بوده چنانکه در پایان چهل سال با قربانی کردن منتظر می‌ماندند. گویا براین باور

چهل پرداخته «حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ اَرْبَعِينَ سَنَةً» که به نظر می‌رسد این سن در نوع انسانی، به معنای نهایت رشد و بالندگی است. چنان که در روایتی منظور از «أشد» سی و سه سالگی و منظور از اربعین نهایت سن رشد و کمال نوع انسان دانسته شده است و تصریح شده که آدمی پس از اتمال چهل سال رو به نقصان و ضعف پیری دارد و در سراسیمگی قرار می‌گیرد؛ امام صادق علیه السلام: «هرگاه آدمی به سی و سه سالگی برسد به برومندی رسیده است و هرگاه چهل ساله شود به اوج عمر خود رسیده است و چون قدم در چهل و یک سالگی بگذارد رو به کاهش نهد.»^{۳۱} در متون روایی دیگر نیز به سن چهل سالگی به عنوان سن کمالی انسان، اشاره شده است.^{۳۲}

بدین ترتیب باز عدد «چهل» نشان‌گر یک دوره کامل است این بار نسبت به سن آدمی و رشد او. گذشت که دوره‌های چهل روزه در دوران جنینی نیز نقش آفرین بودند.

۱-۲-۲. چهل سالگی زمان مناسب برای ابلاغ رسالت به انبیا

چنانکه که می‌دانیم پیامبر اکرم ﷺ در سن چهل سالگی به پیامبری مبعوث شدند. از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده که خداوند حضرت محمد ﷺ را به عنوان بنده آفرید و تربیتش کرد تا آنکه چون به سن چهل سالگی رسید به

مصر و خودداری آنان از جهاد با کفار، تأکید دارد که به آنان گوشزد شد تا چهل سال از ورود به سرزمین مقدس، محروم و در بیابان‌ها سرگردان خواهند ماند؛ «قَالَ فَإِنَّهَا مُخَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيَهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»^{۳۹} تعبیر «فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» در آخرین آیه دلالت بر این حقیقت دارد که محرومیت آنان از ورود به این شهر، ناشی از فسق‌شان است که باعث شده از فرمان خداوند بر جهاد سرپیچی کنند؛ بنابراین تا چهل سال شایستگی استفاده از نعمت تمکن و اسکان در یک محیط مناسب را ندارند و اثر این گناه جامعه تا چهل سال دوام می‌آورد. شاید از آن‌رو که در مدت چهل سال اکثر اشخاص حاضر در این جامعه که طغیان کردند از دنیا می‌روند و آنان که زنده می‌مانند به دلیل کهولت سن، توان نقش‌آفرینی ندارند ضمن آنکه اکثریت جمعیتی را نیز از دست می‌دهند. این‌گونه بود که پس از چهل سال فرزندان آنها و نسل بعدی به دلیل پذیرش جهاد، توانستند وارد آن سرزمین مقدس شوند.^{۴۰} این چند مورد، نمونه‌هایی بودند از کاربرد «چهل سال» به عنوان دوره کمالی یک امر.

۲. کاربرد عدد چهل برای بیان نخستین درجه کثرت

یکی از موارد کاربرد عدد چهل در عربی، بیان کثرت در مورد اشخاص یا اشیاء است؛ اما کثرت نیز چون جمع حداقلی دارد؛ اگر گفته می‌شود حداقل باید دو تا باشد تا جمع اطلاق شود در کثرت نیز حداقل باید چهل تا باشد تا کثرت اطلاق شود. صاحب بن عباد (م ۳۸۵ ق) تصریح دارد که کلید واژه امت بر چهل نفر تا صد نفر اطلاق می‌شود؛ یعنی واژه «امت» را وقتی می‌توان به کار برد که یک جمعی، حداقل چهل نفر باشند.^{۴۱} ابن اثیر جزیری نیز در شرح لغت «أمة» بیان می‌دارد که اسم‌های جمع؛ نفر، عصبه و امت هر کدام بر شماری اطلاق می‌شوند. نفر بر سه تا ده؛ عصبه بر ده تا چهل و امت بر چهل تا صد، اطلاق می‌شوند.^{۴۲} از به‌کارگیری عدد چهل در شمارش اشخاص یا امور در موارد مختلف نیز چنین برمی‌آید که منظور شمار دقیق چهل نفر نیست؛ بلکه مراد گوینده کثرت اشخاص و البته به میزان حداقلی آن است.

به نظر می‌رسد بکار رفتن عدد چهل در بسیاری از موارد به قصد بیان کثرت است و نه شمار دقیق چهل. نمونه‌های این نوع کاربرد فراوان است که برخی از آنها در ذیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛

۱-۲. بخشیده شدن چهل گناه جاهل و بخشیده نشدن حتی یک گناه عالم^{۴۳}

در این‌گونه متون، معصوم علیه السلام در راستای تأکید بر عدم غفران گناهان عالم از چنین تعبیری استفاده کرده است و در حقیقت در این صدد بوده که کثرت بخشش گناهان جاهل و عدم اغماض نسبت به عالم را بیان کند. اینکه در برخی روایات گفته شده؛ «هفتاد گناه جاهل بخشیده می‌شود و از عالم حتی یکی نیز بخشیده نمی‌شود»^{۴۴} قرینه درستی این ادعاست؛ زیرا در زبان عربی اعداد «چهل» و «هفتاد» برای بیان کثرت استفاده می‌شوند و در این مورد هر دو تعبیر به کار رفته است.

۲-۲. تا چهل خانه از هر طرف همسایه به شمار می‌آیند^{۴۵}

این‌گونه روایات نیز درصدد بیان کثرت‌اند و جالب آنکه از عدد چهل استفاده کرده‌اند تا بر این حقیقت تأکید کنند که همسایگان بسیاری بر انسان، حق همسایگی دارند و دست کم تا چهل خانه، عنوان همسایگی صدق می‌کند و بیان عدد چهل صرفاً برای بیان حداقل کثرت است؛ یعنی خیلی‌ها همسایه‌اند و دست کم این تعداد زیاد، چهل خانه است.

۲-۳. در گزارش‌های تاریخی زیادی نیز عدد چهل بر حداقل کثرت اطلاق شده است

مانند؛ گزارش حضور چهل نفر از خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع یوم الانذار.^{۴۶} دلیل برای ادعا که منظور شمار دقیق چهل نفر نیست گزارش علل الشرایع از ماجرای یوم‌الانذار است که پس از اشاره به عدد چهل نفر تأکید می‌کند در همین حدود کمی بیش‌تر یا کمتر^{۴۷} و مانند گزارش حمله اصحاب جمل به بصره و اشغال آن، که اشاره به قتل چهل نفر از نگهبانان دارالاماره شده است به نظر می‌رسد باز عدد چهل بیانگر حداقل کثرت است^{۴۸} و مانند اشاره منابع به ارسال عایشه با همراهی چهل زن به مدینه به تدبیر امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ جمل^{۴۹} جالب آنکه مروج الذهب در گزارش این ماجرا تصریح دارد تعداد این زنان بیست نفر به همراه سی مرد بوده است^{۵۰} که می‌تواند قرینه‌ای باشد بر اینکه منظور از چهل نفر، کثرت حداقلی زنان همراه عایشه‌اند، نه شمار دقیق چهل نفر. مثال دیگر، گزارش بسته شدن در قلعه خیبر با نیروی جسمی چهل مرد است. بدیهی است نمی‌توان باور کرد که برای باز یا بسته کردن در قلعه، واقعاً تعداد دقیق چهل نفر، حاضر می‌شدند و بلکه منظور گزارشگران، بزرگی و سنگینی دراست که چند نفر محدود نمی‌توانستند آن را حرکت دهند و باید اشخاص بسیاری، حاضر می‌شدند.

بنابراین کاربرد چهل همیشه به معنای موضوعیت داشتن آن نیست و فقط در برخی امور به‌خاطر آن است.

بخش دوم: تحلیل متون مربوط به اربعین حسینی

این متون نیز که از آنها، اهمیت اربعین حسینی استفاده شده بر دو دسته‌اند؛ گروه نخست، گزارش‌هایی هستند که بر زیارت مزار سید الشهداء علیه السلام در چهلمین روز شهادتش یعنی بیستم صفر سال ۶۱ هجری، دلالت دارند. گروه دوم روایات مربوط به زیارت اربعین هستند؛

الف) متون مربوط به زیارت مزار امام علیه السلام در چهلمین روز شهادتش که خود بر چند دسته‌اند

● متونی که از زیارت مزار امام حسین علیه السلام در این روز، توسط صحابی جلیل‌القدر جابر بن عبدالله به عنوان نخستین زائر حسینی یاد کرده‌اند.^{۵۱}

● متونی که به ورود کاروان اسیران اهل بیت علیهم السلام به کربلا در این روز اشاره کرده‌اند.^{۵۲}

● برخی نیز بین تصریح دارند در این روز جابر و اهل بیت علیهم السلام با هم وارد کربلا شدند و بر سر مزار همدیگر ملاقات کرده‌اند.^{۵۳}

محققان و اندیشمندان در پذیرش این متون هم نظر نیستند. آنچه در این میان باعث اختلاف شده قرائن تاریخی و عقلی است که بازگشت اهل بیت علیهم السلام به کربلا در اربعین را غیر ممکن می‌کند. برخی گزارش‌ها حاکی است ابن زیاد اسیران اهل بیت علیهم السلام را در کوفه نگه داشت تا از جانب یزید کسب تکلیف کند که این کار حدود بیست روز وقت لازم داشت تا نامه یزید از شام برسد و اسیران روانه شام شوند. برخی گزارش‌ها نیز حاکی است یزید لعنه الله علیه ایشان را به مدت یک ماه در شام نگاه داشت.^{۵۴}

افزون بر این، مسیر بازگشت اهل بیت علیهم السلام از شام به مدینه بود و راه مدینه در آن روزگار از راه کوفه و عراق جدا بود؛ بنابراین اگر کاروان می‌خواست روانه کربلا شود باید مسیر خود را تغییر می‌داد و این کار نیازمند اجازه یزید بود و مأمورانی که اهل بیت علیهم السلام را به مدینه می‌بردند اجازه این کار را نداشتند. با توجه به این حقایق و طولانی بودن زمان سفر در گذشته، حضور اهل بیت علیهم السلام بر سر مزار در روز اربعین امکان عقلی نداشته است.

بنابراین متون حاکی از حضور اهل بیت علیهم السلام در اربعین، قابل اعتماد نیستند این در حالی است که متون مربوط به زیارت جابر در این روز، چنین مشکلی ندارند و بیشتر قابل اعتمادند. هر چند برخی نسبت به امکان حضور جابر در کربلا در مدت چهل روز اظهار



ایام دیگر مثل نیمه شعبان، نیازمند توصیه و ترویج بوده است.

تعبیر صفوان در روایت نخست که «امام در مورد زیارت اربعین به من فرمودند این گونه زیارت کن» بدین معناست که این زیارت از عرف شیعیان، نشأت گرفته است. امام صادق (ع) پس از مشاهده رواج این زیارت، نحوه زیارت را بیان کرده‌اند و بدین وسیله، نیازمندی آنان در مورد ادب زیارت این روز را برطرف ساختند.

گفتنی است؛ شیخ مفید (م ۴۱۳) در کتاب المزار خود بابی دارد با نام «فضل زیارة الاربعین» که بیانگر شناخته شده بودن این زیارت در عرف مردم آن دوران است. چنان‌که بیرونی در الآثار الباقیة تصریح دارد زمان زیارت اربعین، بیستم صفر است. این بدان معناست که در سده چهار و پنج زیارت اربعین، زیارتی رایج و شناخته شده بود.

● به دلیل رواج فرهنگ زیارت در این روز و شناخته شده بودنش، این زیارت از نشانه‌های شیعیان به شمار می‌آمده است. از این رو در روایت نقل شده از امام عسکری (ع) به عنوان نشانه مؤمن دانسته شده است و توضیح و توصیه‌ای نسبت بدان نشده است و اگر در میان نشانه‌های مؤمن بیان شده، بدین دلیل بوده که یکی از شاخصه‌های رفتاری و ظاهری شیعیان به شمار می‌آمده است. امام

در مورد زیارت اربعین فرمود: «امام حسین (ع) را در این روز به هنگام بالا آمدن روز، زیارت می‌کنی و این عبارات را می‌گویی ...»

روایت دوم: در این روایت مرسل که از امام عسکری (ع) نقل شده، نشانه‌های مؤمن، پنج چیز دانسته شده است؛ «پنجاه و یک رکعت نماز گزاردن در شبانه‌روز، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم»^{۵۸}

تعبیر وارد شده در این دو متن، تعبیری مطلق و بدون توضیح نسبت به «زیارت اربعین» است. در روایت نخست، راوی می‌گوید: «امام صادق (ع) در مورد زیارت اربعین به من فرمود ...» و در کلام امام (ع) سخنی از اربعین نیست. در روایت دوم نیز تعبیر «یکی از نشانه‌های مؤمن، زیارت اربعین است» بکار رفته است. این تعبیر در مقایسه با تعبیری که نسبت به زیارت در روزهای عاشورا و نیمه شعبان، به کار رفته و صراحتاً به زیارت این روزها توصیه شده، تعبیری مطلق است و مشخص نیست؛ چرا توصیه مستقیمی در این باره وارد نشده است. مطالب ذیل می‌تواند دلیل این امر باشد؛

● شیعیان به تاسی از جابر و برای یادمان زیارت او، به طور خودجوش، در روز اربعین به زیارت مزار امام حسین (ع) می‌رفتند و از این رو نیازی به توصیه نبوده است؛ اما زیارت

تردید کرده‌اند؛ اما حقیقت آن است که وقتی سر امام حسین (ع) نزد ابن زیاد برده شد او، پیکی روانه مدینه کرد تا این خبر را به حاکم مدینه رساند و او نیز این خبر را به طور عمومی در مدینه اعلام کرد.^{۵۹} بنابراین، رسیدن خبر شهادت امام حسین (ع) به مدینه در طول ده روز امکان داشته و از این رو جابر یک ماه وقت داشت تا مسیر مدینه به کربلا را طی کند؛ ضمن آنکه ممکن است وی سفر خود به عراق را پیش از رسیدن خبر شهادت امام (ع) آغاز کرده باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت گزارش زیارت جابر در روز اربعین پذیرفتنی است.

ب) روایات مربوط به زیارت اربعین

در بین روایات مربوط به زیارت امام حسین (ع) که بر زیارت مزار سالار شهیدان در هر فرصتی تأکید دارند، توصیه‌های ویژه‌ای نیز نسبت به زیارت مزار ایشان در مناسبت‌های خاص مانند شب‌های جمعه، نیمه شعبان، اول و نیمه ماه رجب، روز عرفه، اعیاد فطر و قربان و روز عاشورا وجود دارد.^{۶۰} در این میان در مورد اربعین توصیه مستقیم به زیارت امام (ع) در این روز وجود ندارد. فقط دو روایت به زیارت اربعین اشاره کرده‌اند که در ذیل به آنها می‌پردازیم؛

روایت اول: در این روایت که از صفوان نقل شده^{۶۱}، وی می‌گوید امام صادق (ع) به من





امام حسین علیه السلام سخن رفته است. چنان که از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده که دستور داده اند تا چهل روز بر قبر یکی از اصحابش آب بپاشند. بدین ترتیب روشن می شود در منظومه معارفی ایجاد شده توسط روایات، دوره کامل سوگواری بر مؤمن، چهل روز است. سنت چهل گرفتن برای درگذشتگان در میان شیعیان، ریشه در این برداشت و باور دارد.

دریافت و باور پدید آمده در پی صدور این گونه احادیث، نقش بسیار مهمی در پی ریزی آیین بزرگداشت اربعین حسینی، داشته است چرا که این باور در کنار پابندی شیعه به یادکرد حوادث مرتبط با قیام عاشورا، باعث شد تا وقتی شیعیان از زیارت جابر در روز اربعین آگاه شوند با تأثیر پذیری از این انگاره ها، سالروز نخستین زیارت امام حسین علیه السلام را گرامی بدارند و تلاش کنند در چنین روزی خود را بر سر مزار آن امام شهید برسانند. بزرگداشت اربعین حسینی از طریق زیارت مزار و سوگواری، حرکتی است برای یادمان نخستین زیارت مزار و پایان دوره سوگواری حسینی. بر اساس روایت صفوان، حرکت زائران برای زیارت حرم حسینی در اربعین هر سال، سنتی بوده که در دوره امام صادق علیه السلام نیز رواج داشته به گونه ای که ایشان شیوه زیارت در این روز را به صفوان تعلیم می دهند. روایت نقل شده از امام عسکری علیه السلام که زیارت اربعین را از نشانه های مؤمن می داند نیز بدین معناست که این زیارت به حدی رواج داشته که در دوره آن امام (نیمه قرن سوم) از نشانه های شیعیان به شمار می آمده است. چنان که شیخ مفید (ره) عالم قرن چهار و پنج هجری در کتاب المزار خود فصلی را با نام «فضل زیارة الاربعین» آورده است و در قرن پنجم نیز ابوریحان بیرون در الآثار الباقیه گزارش کرده که در چنین روزی، زیارت اربعین رواج دارد. باید توجه داشت که بیرونی مورخ نیست و فقط امور معروف در عصر خود را گزارش کرده است و سخن وی پیش از آنکه ارزش تاریخی داشته باشد از لحاظ مردم شناسی و جامعه شناسی تاریخی مهم و برای شناخت باورها و انگاره های مردمان آن دوران مفید است.

بنابراین بزرگداشت اربعین به ویژه زیارت مزار در این روز، ریشه در فرهنگ یادمانی شیعه دارد که از امور ذیل تأثیر پذیرفته است:

۱. روایات مربوط به ارزشمندی عدد چهل و اینکه دوره کامل خیلی از امور تربیتی و معنوی به صورت چهل روز یا چهل سال است.
۲. روایاتی که دوره کامل سوگواری بر مؤمن را، چهل روز می دانند.

آن است که در نزد آنان، روز چهلیم نهایت و اتمام اندوه و عزاست.^{۶۲} این مطلب به روشنی بوجود این ذهنیت در بخش هایی از جوامع اسلامی و شکل گیری سنت سوگواری چهل روزه با الهام گیری از روایات یاد شده، دلالت دارد.

جمع بندی و نتیجه گیری:

از مجموع کاربردهای اربعین در روایات و گزارش های تاریخی چنین بر می آید که به کارگیری این کلید واژه به دو هدف عمده صورت می گیرد؛

نخست به این قصد که این عدد، دارای جایگاهی است و ارزش خاصی دارد و از این رو تکیه و تأکید بر این عدد، به دلیل آن است که عدد چهل موضوعیت دارد و منظور از اربعین در این موارد، دقیقاً چهل است نه کم و نه زیاد.

دومین کاربرد نیز برای بیان نخستین درجه از کثرت است. در نوع دوم عدد چهل موضوعیت ندارد و به کار برنده آن فقط می خواهد شمارگان زیاد را بیان کند. در این گونه موارد وقتی گفته می شود چهل مرد جنگی فلانی را همراهی کردند منظور تعداد چهل نفر دقیق نیست؛ بلکه منظور آن است که همراهان کم نبودند؛ بلکه زیاد بودند.

کاربرد اول که برای این عدد ارزش و جایگاهی قائل است در اذهان مسلمانان اثرگذار بوده و در فرهنگ اسلامی، نوعی نگاه ارزشی بدان را پدید آورده است به ویژه روایاتی که بر چهل به عنوان یک دوره تکاملی در امور مقدس اشاره داشتند؛ مثل راز و نیاز خالصانه چهل روزه انبیا و اولیا یا عبادت های چهل ساله عابدان یا بعثت برخی انبیا در سن چهل سالگی. این دست متون دینی باعث شدند تا مخاطب به چهل به عنوان یک دوره تکاملی توأم با تقدس، نگاه کند.

بدیهی است در چنین بستر فرهنگی پدید آمده، چنانچه مخاطبان با روایت نبوی «سوگواری زمین بر مرگ مؤمن تا چهل روز» روبه رو شوند. بدین نتیجه می رسند که دوره کامل سوگواری بر مؤمن، چهل روز است و تا روز چهلیم شایسته سوگواری است.

بنابراین حضور جابر بر سر مزار امام حسین علیه السلام در چهلمین روز شهادتش، می تواند ناشی از این ذهنیت باشد که تا روز چهلیم، برای سوگواری فرصت دارد و از این رو، تلاش کرده تا روز چهلیم، خود را بر سر مزار برساند. سوگواری چهل روزه تنها به حدیث نبوی یاد شده منحصر نماند؛ بلکه در روایات فراوان دیگری که از ائمه علیهم السلام رسیده به صراحت از گریه چهل روزه زمین و آسمان برای شهادت

عسکری علیه السلام با بیان این حدیث، گویا درصدد تأیید و ترویج آن بودند. با توجه به اینکه متوکل عباسی (م ۲۴۷) در دهه چهل سده سوم هجری، مزار امام حسین علیه السلام و خانه های اطراف را تخریب و زائران را از سفر به کربلا منع کرد.^{۵۹} چنین برداشتی درست به نظر می رسد؛ زیرا با سخت گیری های متوکل، روند زیارت به ویژه زیارت اربعین دچار کنندی و فترت شده بود و امام با این بیان، تلاش کردند به مخاطبان گوشزد کنند که این زیارت نشانه شیعه است و باید دوباره احیا شود و رونق گذشته خود را باز یابد؛ همچنین می توان گفت، پنج نشانه یاد شده در روایت، چند امر شکلی و ظاهری بودند که شیعه به دلیل پابندی به آنها از دیگر نحله ها، تشخیص داده می شد و بدان ها، هویت و تشخیص می یافت. از این رو امام عسکری علیه السلام برای حفظ انسجام هویتی شیعیان آنها را از نشانه های مؤمن شمردند تا آنان در مقابل فشارهای فرهنگی، مقاومت کنند و بر آنها پایدار بمانند و این گونه بود که شیعیان درصدد بودند تا سنت زیارت اربعین را حفظ کنند.

نکته:

برخی روایات تأکید دارند که پس از شهادت امام حسین علیه السلام تا چهل روز، زمین و آسمان برای شان گریسته اند؛ مانند روایت عبدالله بن هلال از امام صادق علیه السلام که در آن تصریح شده، گریه آسمان، سرخ شدن آن به هنگام طلوع و غروب، بوده است.^{۶۰} در برخی روایات نیز بر گریه زمین بر مرگ مؤمن تا چهل روز اشاره شده است.^{۶۱} این گونه روایات تداوم سوگ بر مرگ مؤمن تا چهل روز را تأیید می کند و روز چهلیم را پایان دوره سوگواری، می دانند.

به نظر می رسد صدور این گونه روایات، این ذهنیت را در بین بخشی از جامعه اسلامی ایجاد کرده بود که پایان دوره سوگواری بر متوفی، روز چهلیم است. این امر می تواند عامل عزم جابر برای سفر به کربلا باشد. گویا وی تلاش کرده تا قبل از روز چهلیم، خود را به مزار امام حسین علیه السلام برساند و در آخرین فرصت یعنی روز چهلیم به چنین توفیقی دست یافته و فرصت سوگواری و زیارت در آخرین روز سوگواری را درک کرده است. گفتنی است با فرض قبول سفر اهل بیت علیهم السلام به کربلا در این روز و بازگشت آنان از شام از مسیر بادیه، این عامل می تواند توجیه کننده عجله آنان برای سفر به کربلا تا روز چهلیم باشد.

جالب آنکه ابن بطوطه جهانگرد مغربی (م ۷۷۹) در گزارش مراسم سوگواری فرزند اتابک فارس و پوشیدن لباس عزاء، می نویسد: اینان تا چهل روز لباس عزاء به تن دارند و این به دلیل



۳. روایاتی که بریادکرد و یادمان حادثه عاشورا در فرصت‌های مختلف دلالت دارند.

۴. رسیدن جابر در روز اربعین بر سر مزار امام به عنوان نخستین زائر سرشناس که به قصد زیارت آمده بود.

۵. دو روایت ویژه از امام صادق (ع) و امام عسکری (ع) که در مورد زیارت اربعین نقل شده‌اند.

۶. فرهنگ یادمانی شیعه که برای حوادث مهم مرتبط با حادثه عاشورا، شأن و منزلتی قائل است و از این رو با الهام‌گیری از توصیه‌های ائمه (ع) بر یادمان حادثه عاشورا در فرصت‌های مختلف، سالروز نخستین زیارت مزار امام حسین (ع) را گرامی می‌دارد و گروهی تلاش دارند تا همانند جابر خود را بر سر مزار برسانند.

نتیجه آنکه، سنت بزرگداشت اربعین با توجه به عوامل یاد شده شکل گرفت و به مرور بر شکوه آن افزوده شد.

* پژوهشگر علوم حدیث

فهرست منابع و مأخذ:

الآثار الباقية عن القرون الخالية، محمد بن احمد البيروني (ابوریحان) (ت ۴۴۰ ق)، تحقیق: پرویز ادکابی، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳ ش.

إحياء علوم الدين، أبو حامد محمد بن محمد الغزالي (ت ۵۰۵ هـ)، دارالهادي، بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۲ هـ.

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ۴۱۳ هـ)، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت. قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ.

اسد الغاية في معرفة الصحابة، أبو الحسن عزالدین علی بن ابي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيباني المعروف بابن الأثير الجزري (ت ۶۳۰ هـ)، تحقیق: علی محمد مؤوض و عادل أحمد عبد الموجود، دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۵ هـ.

الاصول الستة عشر، عده من الرواة، تحقیق ابوالفضل المحمودي، قم: دارالحدیث: ۱۴۲۵ هـ.

الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مؤ في السنة، علی بن موسى الحلبي (السيد ابن طاووس) (ت ۶۶۴ ق)، تحقیق: السيد جواد القيتومي، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۱۴ ق، اول.

الأمالي للطوسي، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ۴۶۰ هـ)، تحقیق: مؤسسة البعثة، دار الثقافة، قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ.

الأمالي، محمد بن علی ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (ت ۳۸۱ ق)، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۰۷ ق، اول. الإمامة والسياسة (تاريخ الخلفاء)، عبد الله بن مسلم الدينوري (ابن قتيبة) (ت ۲۷۶ ق)، تحقیق: علی شیری، قم: مكتبة الشريف الرضي، ۱۴۱۳ ق، اول.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (العلامة المجلسي) (ت ۱۱۱۱ م)

ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق، دوم.

بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، أبو جعفر محمد بن محمد بن علي الطبري (ت ۵۲۵ هـ)، المطبعة الحيدرية، النجف الأشرف، الطبعة الثانية ۱۳۸۳ هـ.

بصائر الدرجات، محمد بن الحسن الصفار القمي (ابن فروخ) (ت ۲۹۰ ق)، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۴ ق، اول.

البدایة والنهایة، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي (ت ۷۷۴ هـ)، تحقیق و نشر: مكتبة المعارف، بيروت.

تاريخ بغداد أو مدينة السلام، أبو بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي (ت ۴۶۳ هـ)، المكتبة السلفية، المدينة المنورة.

تاريخ دمشق، أبو القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي (ت ۵۷۱ هـ)، تحقیق: علی الشیری، دار الفكر، بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۵ هـ.

تاريخ الطبري (تاريخ الامم والملوك)، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري (ت ۳۱۰ هـ)، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار المعارف، مصر.

تفسير العياشي، أبو النضر محمد بن مسعود السلمي السمرقندي المعروف بالعياشي (ت ۳۲۰ هـ)، تحقیق: السيد هاشم الرسولي المحلاتي، المكتبة العلمية، طهران، الطبعة الأولى ۱۳۸۰ هـ.

تفسير القمي، أبو الحسن علي بن إبراهيم بن هاشم القمي (ت ۳۰۷ هـ)، إعداد: السيد الطيب الموسوي الجزائري، مطبعة النجف الأشرف.

تفسير مجمع البيان، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ۵۴۸ هـ)، تحقیق: السيد هاشم الرسولي المحلاتي والسيد فضل الله اليزدي الطباطبائي، دارالمعرفة، بيروت، الطبعة الثانية ۱۴۰۸ هـ. التمهيد، أبو علي محمد بن همام الاسكافی (ت ۳۳۶ هـ)، تحقیق و نشر: مدرسة الإمام المهدي (عج) قم.

تهذيب الأحكام في شرح المقنعة، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ۴۶۰ هـ)، تحقیق: سيد حسن الموسوي الخراساني، دارالتعارف، بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۰۱ هـ.

تيسير المطالب في أمالي أبي طالب، يحيى بن الحسين الزبدي اليماني (الإمام أبو طالب) (ت ۳۸۴ ق)، گردآوری: أحمد بن سعد الدين الجشوري (ت ۵ ق)، بيروت: مؤسسة الأعلمی ۱۳۹۵ ق، اول.

جامع الأخبار أو معارج اليقين في اصول الدين، محمد بن محمد الشعيري السبزواري (القرن السابع)، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت، قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ.

جامع الأحاديث، أبو محمد جعفر بن أحمد بن علي القمي المعروف بابن الرازي (القرن الرابع)، تحقیق: السيد محمد الحسيني النيسابوري، مؤسسة الطبع والنشر التابعة للحضرة الرضوية المقدسة، مشهد، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ.

الجمال والنصرة لسيد العترة في حرب البصرة، محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (ت ۴۱۳ ق)، تحقیق: السيد علي مير شريفی، قم: المؤتمر العالمي لأئمة الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ ق، اول.

الحقائق الوردية في مناقب أئمة الزيدية، حميد الشهيد بن أحمد بن محمد المحلي (ت ۶۵۲ هـ)، تحقیق: المرتضى المحطوري، صنعاء: مكتبة بدر، ۱۴۲۳ هـ.

الخرائج والجرائع، لأبي الحسين سعيد بن عبد الله الراوندي المعروف بقطب الدين الراوندي (ت ۵۷۳ هـ)، تحقیق و نشر: مؤسسة الإمام المهدي (عج) قم، الطبعة الأولى ۱۴۰۹ هـ.

الخصال، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي

المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ)، مؤسسة النشر الاسلامي. قم، الطبعة الرابعة ۱۴۱۴ هـ.

دانش نامه امام حسين (ع) بر پایه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، ترجمه عبد الهادی مسعودی و دیگران، قم: دارالحدیث، ۱۴۳۰ ق = ۱۳۸۸ ش.

تحفة النظارفی غرائب الامصار و عجائب الاسفار (رحلة ابن بطوطة)، شمس الدين ابي عبد الله محمد بن عبد الله اللواتي الطنجي (م ۷۷۹)، الرباط: اكاديمية المملكة المغربية، ۱۴۱۷ ق. روضة الواعظين، محمد بن الحسن بن علي الفثال النيسابوري (ت ۵۰۸ هـ)، تحقیق: حسين الأعلمی، مؤسسة الأعلمی، بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۰۶ هـ.

سنن الترمذی (الجامع الصحيح)، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سورة الترمذی (ت ۲۹۷ هـ)، تحقیق: أحمد محمد شاكر، دار إحياء التراث، بيروت.

طب الأئمة برواية عبد الله والحسين ابني بسطام بن سابور الزيات النيسابوريين (ت قرن ۴ هـ)، شرح و تعليق: محسن عقيل، منشورات الرضى، قم.

طب النبي. لمحمود بن محمد الجعفي، چاپ سنگی. عده الداعي ونجاح الساعي، أبو العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلبي الأسدي (ت ۸۴۱ هـ)، تحقیق: أحمد الموحدي، مكتبة وجداني، طهران.

علل الشرائع، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ)، دار إحياء التراث، بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ.

عيون أخبار الرضا، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ)، تحقیق: السيد مهدي الحسيني اللاجوردی، منشورات جهان، طهران.

قرب الإسناد، أبو العباس عبد الله بن جعفر الجعفي القمي (ت بعد ۳۰۴ هـ)، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت، قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ. الكافي، أبو جعفر ثقة الإسلام محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي (ت ۳۲۹ هـ)، تحقیق: علی أكبر الغفاري، دار صعب و دارالتعارف، بيروت، الطبعة الرابعة ۱۴۰۱ هـ.

كامل الزيارات، جعفر بن محمد القمي (ابن قولويه) (ت ۳۶۷ ق)، تحقیق: السيد جواد القيتومي، قم: الفقه، ۱۴۱۷ ق، اول. الكامل في التاريخ، علی بن محمد الشيباني الموصلي (ابن الأثير) (ت ۶۳۰ ق)، تحقیق: علی شیری، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۸ ق، اول.

كتاب من لا يحضره الفقيه، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ)، تحقیق: علی أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، الطبعة الثانية.

كنز الفوائد، الشيخ أبو الفتح محمد بن علي بن عثمان الكراچكي الطرابلسي (ت ۴۴۹ هـ)، إعداد: عبد الله نعمة، دار الذخائر، قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ.

المحاسن، أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي (ت ۲۸۰ هـ)، تحقیق: السيد مهدي الرجائي، المجمع العالمي لأهل البيت، قم، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ.

المحيط في اللغة، أبو القاسم إسماعيل بن عباد الطالقاني (ت ۳۸۵ هـ)، تحقیق: محمد حسن آل ياسين، عالم الكتب، بيروت.

مروج الذهب ومعادن الجوهر، علی بن الحسين المسعودی (م ۳۴۶ ق)، تحقیق: محمد محيي الدين عبد الحميد، القاهرة: مطبعة السعادة، ۱۳۸۴ ق، چهارم.

المزار، محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ

(المفيد) (م ٤١٣ ق)، تحقيق: السيد محمد باقر الأبطحي، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ ق، أول

المزار الكبير، محمد بن جعفر المشهدى (ق ٦ ق)، تحقيق: السيد جواد القتيوبى الإصفهاني، قم: قويم، ١٤١٩ ق، أول.

المستدرک على الصحيحين، محمد بن عبد الله الحاكم النيسابورى (م ٤٠٥ ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١١ ق، أول.

مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ميرزا حسين النورى الطبرسى (م ١٣٢٠ ق)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٧ ق، أول.

منار الشيعه فى مختصر تواريخ الشيعه، محمد بن محمد بن نعمان العكبىرى (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق)، تحقيق: مهدي نجف، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ ق.

مسند الإمام زيد (المنسوب إلى زيد بن علي بن الحسين ع) (١٢٢ هـ)، منشورات دار مكتبة الحياة، بيروت، الطبعة الأولى ١٩٦٦ م. مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار، أبو الفضل على الطبرسى (القرن السابع)، تحقيق: مهدي هوشمند، دار الحديث، قم، الطبعة الأولى ١٤١٨ هـ.

مصباح الزائر، على بن موسى الحلبي (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤١٧ ق، أول.

مصباح المتهجد وسلاح المتعبد، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: على أصغر مراريد، بيروت: مؤسسه فقه الشيعه، ١٤١١ ق، أول.

المعجم الأوسط، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ)، تحقيق: طارق بن عوض الله وعبد الحسن بن إبراهيم الحسيني، دار الحرمين - القاهرة، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ.

المغنى عن حمل الأسفار، أبو الفضل زين الدين عبد الرحيم بن الحسين العراقي، تحقيق: أبو محمد اشرف بن عبد المقصود، رياض: مكتبة دار طبرية، ١٤١٥، أول.

مقتل الحسين ع، موفق بن أحمد المكي الخوارزمي (٥٦٨ ق)، تحقيق: محمد السماوي، قم: مكتبة المفيد.

مكارم الأخلاق، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ)، تحقيق: علاء آل جعفر، مؤسسه النشر الإسلامى، قم، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ.

منافى آل أبى طالب، أبو جعفر رشيد الدين محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني (ت ٥٨٨ هـ)، المطبعة العلمية، قم.

ميزان الحكمة، محمد محمدى رى شهرى، ترجمه: حميد رضا شيخى، قم: دار الحديث، ١٤٢٧ ق = ١٣٨٥ ش.

وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن الحزّ العاملى (م ١١٠٤ ق)، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٩ ق، أول.

پی نوشت ها:

١. الكافي، ج ٦، ص ١٦، ح ٧ وص ١٣، ح ٤، بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٣٢٤، ح ٣١
٢. الكافي، ج ٢، ص ٧، ح ٢
٣. الكافي، ج ٦، ص ٤٠٢، ح ١٢
٤. الكافي، ج ٦، ص ٣٠٩، ح ٢، المحاسن، ج ٢، ص ٢٥٧، ح ١٨١٠، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٦٧، ح ٤٦
٥. طبت النسم ﷺ، ص ٥، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٩٤

یہی نوشتہا:

١. الكافي: ج٦، ص١٦، ح٧ و١٣، ج٤، بحار الأنوار: ج٦، ص٣١٤، ج٣٢٤
٢. الكافي: ج٢، ص٧: ح٢
٣. الكافي: ج٦، ص: ٤٠٢، ح١٢
٤. الكافي: ج٦، ص: ٣٠٩، ح٢، المحاسن: ج٢، ص٢٥٧، ح١٨١٠، بحار الأنوار: ج٦٦، ص٦٧، ح٤٦
٥. طب النسي: ج١، ص٥، بحار الأنوار: ج٦٢، ص٢٩٤

٦. علل الشرائع، ج ٢، ص ٤٢٦، ح ٦.
٧. الكافي، ج ٥، ص ٧٤، ح ٥.
٨. بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٩٥، ح ٣.
٩. عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٦٩، ح ٣٢١ به نقل از
پيامبر ﷺ والكافي، ج ٢، ص ١٦، ح ٦ به نقل از امام باقر ﷺ و
مسند زيد، ص ٣٨٤ به نقل از امام علي ﷺ
١٠. إحياء علوم الدين، ج ٢، ص ١٣٤، المغنى عن حمل الأسفار، ج
١، ص ٤٣٥، ح ١٦٥٢، عذة الداعي، ص ١٤٠.
١١. المزار الكبير، ص ٦٦٣، مصباح الزائر، ص ٤٥٥، بحار الأنوار، ج
٥٣، ص ٩٥، ح ١١١.
١٢. الأمانى للطوسى، ص: ٢٥١، ح ٤٤٧.
١٣. المحاسن، ج ٢، ص ٣٥٩، ح ٢٢٤٩، والخصال، ص ٦٣٦، ح
١٠ والكافي، ج ٦، ص ٣٥٣، ح ٨ و عيون أخبار الرضا ﷺ، ج ٢،
ص ٣٥، ح ٨٠.
١٤. عيون أخبار الرضا، ج ٢، ص ٤٢، ح ١٤١.
١٥. الكافي، ج ٦، ص ٣١٩، ح ١، المحاسن، ج ٢، ص ١٦٩، ح
١٤٧١.
١٦. مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٠٩، ح ٢٣٩، طب الأئمة لابنى
بسطام، ص ٨٣.
١٧. الكافي، ج ٢، ص ٢٥٨، ح ٢٦.
١٨. مشكاة الأنوار، ص ٢٩٣.
١٩. كنز الفوائد، ج ١، ص ١٤٩، التمهيص، ص ٣١، ح ٧، بحار
الأنوار، ج ٧٦، ص ٣٥٤، ح ٢١.
٢٠. الكافي، ج ٦، ص ٤٠١، أحاديث ١-١٢ والخصال، ص ٦٣٢، ح
١٠ والمستدرک علی الصحیحین، ج ٤، ص ١٦٣، ح ٧٢٣٦، سنن
الترمذی، ج ٤، ص ٢٩٠، ح ١٨٦٢ والمعجم الأوسط، ج ١، ص
١١٧، ح ٣٦٣.
٢١. المعجم الأوسط، ج ٦، ص ٣١١، ح ٤٩٥ و مكارم الأخلاق، ج
٢، ص ٢٠، ح ٢٠٤، بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٣٥٨، ح ١٦.
٢٢. جامع الأخبار، ج ١٢، ح ١١٤١، بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٥٨،
ح ٥٣.
٢٣. كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ١٥٨، ح ٣٥٨٢.
٢٤. طب النبى ﷺ، ص ٢٢.
٢٥. كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٥٩، ح ٥٩٣.
٢٦. الكافي، ج ١/٣٠٩/٦، المحاسن، ج ٢، ص ٢٥٦، ح ١٨٠٧؛
الاصول الستة عشر، ص ١٢، طب الأئمة عليهم السلام، ج ١٣٩؛ جامع
الأحاديث للمقننى، ص ٩٩.
٢٧. الأصول الستة عشر، ص ١٦٩.
٢٨. الأمالى للطوسى، ص ٥٣٥؛ مكارم الأخلاق، ص ٤٦٦، ص
٦٠، المناقب لابن شهر آشوب، ج ٢، ص ٣٤٦.
٢٩. كامل الزيارات، ص ١٨٥، ج ٦٠، بحار الأنوار، ج ٤٥، ص
٢١٠، ح ١٨.
٣٠. وسائل الشيعة، ج ٣، ص ١٩٧، ح ٣٣٩٣-٦.
٣١. الخصال، ج ٢، ص ٥٤٥، ح ٢٣، بحار الأنوار، ج ٦، ص ١٢٠.
٣٢. رجوع كنيد به: ميزان الحكمة، محمدى رى شهرى، ج ٨، ص
١٣١ عنوان «عمر»
٣٣. بصائر الدرجات، ج ١، ص ٣٧٨، ح ١.
٣٤. الكافي، ج ١، ص ٣٨٤، ح ٧، مجمع البيان، ج ٦، ص ٧٨١،
بحار الأنوار، ج ١٤، ص ١٧٦، ح ١٣.
٣٥. الكافي، ج ٢، ص ٧٣، ح ٣، قرب الإسناد، ص ٣٩٢، ح ١٣٧١.
٣٦. الخصال، ص ٣٥٥، ح ٣٦، الأمالى للصديق، ص ٢٦١، ح
٢٧٠، بحار الأنوار، ج ٩، ص ٣٠٠.

۳۷. مستدرک الوسائل: ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۲۰۹
۳۸. الکافی: ج ۲، ص ۴۸۹، ح ۵ والخصال ص ۵۳۹، ح ۱۱
۳۹. المائدة: ۲۶
۴۰. تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۷۲، بحار الأنوار: ج ۱۳، ص ۱۸۱، ح ۱۴
۴۱. كُلُّ جَيْلٍ مِنَ النَّاسِ أَفْعَىٰ عَلَىٰ جَدِّهِ. وهی من الجَمَاعَات: ما بَيَّنَّ الأُرْبَعِينَ إِلَى المائَةِ (المحیط فی اللغة: ج ۱، ص ۴۶۰)
۴۲. الأُمَةُ أَرْبَعُونَ إِلَى المائَةِ، والعصبة عشرة إلى الأربعين، والنفر ثَلَاثَةٌ إِلَى العشرة. (أسد الغابة، ج ۲، ص ۲۸۷، شماره ۲۱۹۸)
۴۳. تاریخ بغداد: ج ۱، ص ۲۳۸
۴۴. الکافی: ج ۱، ص ۴۷، ح ۱، تفسیر القمّی: ج ۲، ص ۱۴۶
۴۵. الخصال: ص ۵۴۴، ح ۲۰، بشاره المصطفی: ص ۱۹۱، روضه الواعظین: ص ۱۴۲، الخرائج والجرائح: ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۲، المناقب لابن شهر آشوب: ج ۲، ص ۲۳۹، بحار الأنوار: ج ۴۰، ص ۳۱۸، ح ۲
۴۶. تاریخ الطبری: ج ۲، ص ۳۲۱۳، تاریخ دمشق: ج ۴۲، ص ۴۸، ح ۸۳۱، الکامل فی التاریخ: ج ۱، ص ۴۸۷
۴۷. دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَنَى عَبْدَ الْمُطَّلِبِ وَهُمْ إِذْ ذَٰلِكَ أَرْبَعُونَ رَجُلًا، يَزِيدُونَ رَجُلًا وَرَجُلًا وَيَنْقُصُونَ رَجُلًا. (علل الشرائع: ص ۱۷۰، ح ۲)
۴۸. الإمامة والسياسة: ج ۱، ص ۸۸
۴۹. الجمل: ص ۴۱۵: الإمامة والسياسة: ج ۱، ص ۹۸، تاریخ الطبری: ج ۴، ص ۵۴۴، الکامل فی التاریخ: ج ۲، ص ۳۴۷، البداية والنهاية: ج ۷، ص ۲۴۶
۵۰. بعث معها علياً أخاها عبد الرحمن بن أبي بكر وثلاثين رجلاً وعشرين امرأة... (مروج الذهب: ج ۲، ص ۳۷۹)
۵۱. مصباح الزائر: ص ۲۸۶، بحار الأنوار: ج ۱۰۱، ص ۳۲۹، ح ۱ و بشاره المصطفی: ص ۷۴، الحقائق الوردية: ج ۱، ص ۱۲۹، تيسير المطالب: ص ۹۳، بحار الأنوار: ج ۶۸، ص ۱۳۰، ح ۶۲، مقتل الحسين ﷺ للخوارزمي: ج ۲، ص ۱۶۷
۵۲. فی العشرين رَدَّ رَأْسَ الْحُسَيْنِ ﷺ إِلَى مَجْتَمِعِهِ حَتَّى دُفِنَ مَعَ جَسَدِهِ، وَفِيهِ زِيَارَةُ الْأُرْبَعِينَ. (الآثار الباقية: ص ۴۲۲)
۵۳. مساز الشيعة: ص ۴۶، مصباح المتهجد: ص ۷۸۷، بحار الأنوار: ج ۹۸، ص ۱۹۵
۵۴. الإقبال: ج ۳، ص ۱۰۰
۵۵. الإرشاد: ج ۲، ص ۱۲۳، تاریخ الطبری: ج ۵، ص ۴۶۵، الکامل فی التاریخ: ج ۲، ص ۵۷۹
۵۶. تهذيب الأحكام: ج ۶، ص ۵۲-۴۲، باب فضل زيارته ﷺ
۵۷. تهذيب الأحكام: ج ۶، ص ۱۱۳، ح ۲۰۱
۵۸. تهذيب الأحكام: ج ۶، ص ۵۲، ح ۱۲۲، المزار للمفيد: ص ۵۳، مصباح المتهجد: ص ۷۸۸، الإقبال: ج ۳، ص ۱۰۰، بحار الأنوار: ج ۱۰۱، ص ۱۰۶، ح ۱۷
۵۹. تاریخ الطبری: ج ۹، ص ۱۸۵
۶۰. مجموعه ابن دست روايات، دردانش نامه امام حسين ﷺ، تأليف محمدی ری شهری، ج ۷، ص ۳۵۰، گردآوری شده است. برای اطلاع بیشتر به این کتاب مراجعه کنید.
۶۱. الأدب الی اللطوسی، ص ۵۳۵
۶۲. هكذا يكون فعلهم إلى تمام أربعين يوماً، وهی نهاية الحزن عندهم. (رحلة ابن بطوطة = تحفة النظائر فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار: ج ۲، ص ۲۷)



آنچه باید قبل از زیارت کربلا در اربعین بدانیم

سازمان حج سفر زائران اربعین را تسهیل می‌کند

گزارش نشست ستاد دائمی اربعین در سازمان حج و زیارت

خیابان

شماره ۹۳ / آذر ۹۳



امین یگانه

گفت؛ دیگر روابط ناخوشایندی میان اعراب و ایرانیان نیست؛ اما در مورد عتبات، این نگرانی شما تقریباً به جاست؛ چرا که ایران هشت سال با عراق جنگ کرده و مسلماً پیش‌زمینه‌های ذهنی‌ای نسبت به هم دارند؛ اما باید توجه کنیم که عراق امروز با عراق یک سال و دو سال پیش بسیار متفاوت است. از طرفی مردم ما هم، ذهنیت شدیدی نسبت به مردم عراق ندارند.» در ادامه سعید اوحدی رئیس سازمان حج و زیارت افزود: «در سفری که چندی پیش به عراق داشتم، متوجه شدم که فضا بسیار فرق کرده است. به ویژه بعد از اتفاقاتی که در این چند ماه در عراق رخ داده است، شهروندان عراقی نسبت به ایرانیان احترام فوق‌العاده‌ای می‌گذارند؛ البته امیدوارم با کار مداوم ستادی که تشکیل دادیم این وضع بهتر از این هم بشود. باید یک خبر خوش هم به شما بدهم. موبک‌هایی که قرار است زائران در آن ساکن شوند، هم اکنون در اختیار جنگ‌زده‌های عراقی است. قرار شده هلال احمر پشت موبک‌ها برای جنگ‌زده‌ها به مدت دو الی سه روز چادر بزنند تا زائران در آن سکونت کنند. از طرفی قرار شده که این موبک‌ها از طرف سازمان حج و زیارت مرمت و بازسازی شوند. ساکنین جنگ‌زده موبک‌ها هم که سنی و شیعه هستند، قول داده‌اند به زائرانی که در موبک‌ها اقامت می‌کنند خدمات‌رسانی کنند.»

برنامه‌های فرهنگی ویژه شهرهای مرزی

حجت‌الاسلام حمید احمدی در ادامه به برنامه‌های فرهنگی اشاره کرده و گفت: «هیئت‌ها و مؤسسه‌هایی که علاقه داشتند در

امنیت را پایین آورده‌اند. هر چند همه می‌دانند که این مشکلات راه عاشق را سد نمی‌کند. در این میان برای تسهیل سفر عاشقان کربلا، سازمان حج و زیارت، ستاد دائمی و ویژه‌ای را تشکیل داده است. در گزارش پیش‌رو جزئیات امکاناتی که برای زائران از طرف این ستاد فراهم آمده است را بخوانید:

اتفاقات سیاسی اخیر عراق و افزایش احترام به مردم ایران

سازمان حج و زیارت، ستادی را متشکل از نمایندگان نیروی انتظامی، هلال احمر، استانداردهای شهرهای مرزی کشور و حتی نمایندگان از کشور عراق را سامان داده است. در این ستاد که به گفته سعید اوحدی، رئیس سازمان حج و زیارت، قرار است به طور دائمی فعالیت کند و جلسات مرتب داشته باشد، نفراتی هم هستند که برای زائران به‌رغم فراهم کردن امکانات سفر، برنامه‌های فرهنگی هم تدارک می‌بینند. حجت‌الاسلام حمید احمدی، مدیرکل آموزش فرهنگی بعثه مقام معظم رهبری، مسئولیت سنگین برنامه‌های فرهنگی زائران اربعین را بر عهده دارد. او در پاسخ به سؤال خبرنگار خیمه مبنی بر اینکه چه اقداماتی صورت گرفته که ذهنیت‌های ایرانی‌ها از عراقی‌ها و همین‌طور بالعکس موجب بروز اتفاقات ناخوشایند نشود و تجربه سفرهای حج دوباره تکرار نشود، گفت: «البته در سفرهای حج، شکر خدا مشکلات این‌چنینی بسیار به‌ندرت اتفاق می‌افتد. تا جایی که می‌شود،

اجرسال‌ها هجران است؛ امروز که برای رسیدن به حرم ارباب زانوهای مان از شوق نمی‌ایستند، مچ‌های مان می‌لرزند؛ وقتی فقط و فقط یک بار تجربه پیاده‌روی در جاده‌ای مختوم به بهشت را در خاطرات خود ثبت کرده باشند. آن قبه زربین حسین (علیه السلام)، گلدسته‌های زیبای ابوالفضل (علیه السلام). بعد از اینکه کربلا از بند رها شد. دست دژخیمان از آن گلدسته‌ها بریده شد، نوبت عاشقان بود که با سر بدون به سویش. سر از پا نشناسند. فوج فوج! گروه گروه! هیئت هیئت کمر همت ببندند و از دم در خانه تا دولت منزل ارباب پیاده گزینند. برسند به همان مسیری که درست و غلط می‌گویند؛ زینب (علیه السلام) آنجا قدم زده است. طوری که امروز دیگر، دوربین‌های حساس بین‌المللی وقتی ماه محرم، نفس‌های آخرش را فرو می‌بلعد و روزها به چهل‌م آقا نزدیک می‌شود، می‌چرخند به سمت کربلا. آنجا که تا هجده میلیون زائر را در روز اربعین پذیرا می‌شود. جا می‌دهد. نان می‌دهد. از همه بالاتر و از هر امکاناتی بهتر، صفای دل می‌دهد. امسال هم اندک‌اندک کاروان‌ها راه می‌افتند. قرار است بروند سمت جزابه، شلمچه و مهران. از آنجا ویزا بگیرند و راه بیفتند به سمت کربلا. اتفاقی که در سال‌های اول آن قدر بکریک‌بار بود که هیچ سازمان و ارگانی حداقل در کشور ما پیش‌بینی‌اش را نمی‌کرد؛ وقتی هم با آن سیل جمعیت عاشق روبه‌رو شد، ندانست چه کند؛ برای همین هم عشاقان حسین (علیه السلام) در راه و مرزها با مشکلاتی روبه‌رو شدند و سختی طبیعی سفرشان با ناهماهنگی‌هایی که در مرزها رخ داد، بیشتر شد. از طرفی هم، داعشیان هم حالا یک در‌دسر دیگر آفریده‌اند.



امکانات درمانی

شهرهای مرزی کشور زیرساخت‌های لازم و کافی برای پذیرایی از ده‌ها هزار نفر زائر را ندارند. از این‌رو اوج‌دی برای ایجاد نظم از همه زائران خواست که حتی‌المقدور به تنهایی به این زیارت مشرف نشوند؛ البته این سازمان امکاناتی در عراق برای زائران تدارک دیده است: «سازمان حج و زیارت با همکاری شهرداری تهران تاکنون ۱۵۰ دستگاه اتوبوس و قرارگاه کربلا نیز ۱۵۰ اتوبوس برای انتقال مسافران تدارک دیده است. این در حالی است که امکانات درمانی خاصی را هلال احمر کشور تهیه کرده است. برای مثال ۲۵ دستگاه آمبولانس پیش‌بینی کرده که در مسیر ۸۰ کیلومتری نجف تا کربلا مستقر شوند. به این ترتیب به فاصله هریست و پنج کیلومتری قرارگاه امدادی خواهیم داشت. در خطوط مرزی کشور نیز سه فرود بال‌گرد، گشت خواهند زد که اگر مشکلی پیش آمد اقدامات لازم را انجام دهند. هر چند اگر مجوز پرواز در آسمان عراق هم صادر شود این بال‌گردها فراتر از مرزهای کشورمان نیز عملیات امدادرسانی را انجام خواهند داد.» یکی دیگر از مشکلات شهرهای مرزی کشور این است که سرویس‌های بهداشتی به حد کافی در دسترس عموم وجود ندارد. از این‌رو اوج‌دی درباره این موضوع گفت: «امسال در چزابه، ۱۰۰ سرویس بهداشتی و در طرف دیگر مرزهای شلمچه، مهران و چزابه هر کدام بیست چشمه سرویس بهداشتی ایجاد شده است.»

اخطار، ورود بدون اخذ روادید حرام است

در سال‌های پیش به دلیل شلوغی که در مرزها رخ داده بود برخی از افراد بدون اخذ روادید وارد کربلا شدند که پلیس عراق آن‌ها را دستگیر کرد. رئیس سازمان حج در این مورد تصریح کرد: «به هیچ وجه نباید زائران بدون اخذ روادید وارد عراق شوند. ما یک ماه و نیم بعد از اربعین سال گذشته درگیر آزاد کردن این افراد از زندان عراق بودیم. این در حالی است که ورود بدون اخذ روادید به کشور عراق طبق قوانین این کشور شش ماه حبس دارد.» در همین خصوص سردار رضایی‌نژاد بیان کرد: «به هیچ وجه کسی بدون ویزا وارد عراق نشود. چرا که این کار موجبات درگیری خودشان را فراهم خواهد کرد.» حجت‌الاسلام حمید احمدی نیز درباره حکم فقهی این مسئله به خبرنگار خیمه گفت: «این حرکت از طرف حاکم شرع حرام اعلام شده و همه مراجع نیز نظرشان همین است. هیچ کس حق ورود بدون اخذ روادید به کشور بیگانه‌ای را ندارد.»

به همت مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) به زبان عربی و انگلیسی خبر داد و گفت: «در این نمایشگاه‌ها، کتاب‌های منتشر شده در ایران که به ائمه اطهار (علیهم‌السلام) اختصاص دارند به زائران سایر کشورها عرضه خواهد شد. همین‌طور نرم‌افزارهایی شامل ۴۰ بسته از معارف و قرائت قرآن نیز آماده شده که از طریق بلوتوس و فلش مموری در اختیار موبک‌ها قرار گرفته و توزیع خواهند شد. همین‌طور بسته‌هایی شامل زیارت‌نامه‌های مورد نیاز، قرآن و سجاده به زائران اهدا خواهد شد.»

امکانات رفاهی زائران اربعین

سعید اوج‌دی در ادامه به برنامه‌های دیگری که سازمان حج و زیارت برای تسهیل سفر زائران تدارک دیده، اشاره کرد و گفت: «به دلیل حجم بالای زائران، همواره در مرزها دچار مشکل می‌شدیم. زائران از راهروهایی بسیار تنگ عبور می‌کردند که به هیچ‌وجه هنگام طراحی آنها به چنین جمعیتی اندیشیده نشده بود. از این‌رو با هماهنگی‌هایی که نیروی انتظامی انجام داده است قرار شد تا اخذ روادید به شهرهای مرزی منتقل شود. از طرفی ۱۸۰۰ دفتر گردشگری در کشور، مجهز به سامانه ثبت‌نام شده‌اند که از این طریق مشکلات زائران به حداقل می‌رسد.» وی در ادامه گفت: «تاکنون هفتصد و پنجاه هزار نفر در این سامانه نام‌نویسی کرده‌اند که امیدواریم زائرانی که قصد دارند اربعین را در کربلا باشند و با سفری راحت‌تر خود را به حرم امام حسین (علیهم‌السلام) برسانند از این راه اقدام کنند.» رئیس سازمان حج و زیارت درباره هزینه نام‌نویسی در سامانه گفت: «این سامانه هزینه خاصی از داوطلبان به جز هزینه قانونی اخذ ویزا دریافت نخواهد کرد و هزینه‌هایی را که در مسیر از افراد اخذ می‌شد با کمک استانداری‌های شهرهای مرزی رایگان اعلام کردیم. همین‌طور با همکاری نیروهای سپاه پاسداران قرار بر این شد تا اردوگاه‌ها در شهرهای مرزی، پذیرایی زائران باشند. اردوگاه‌هایی که هیچ هزینه‌ای از مسافران نخواهند گرفت؛ حتی در همان اردوگاه‌ها ویزای افراد صادر خواهد شد که سفر زیارت هر چه راحت‌تر و دل‌پذیرتر انجام شود.» رئیس سازمان حج و زیارت تأکید کرد: «زائران به پیامک‌هایی که در شهرهای مرزی ارسال می‌شوند، توجهی نکنند و پیش از اربعین برای اخذ روادید اقدام کنند. هزینه اخذ روادید در داخل کشور ۴۰ دلار و در نقاط مرزی ۸۵ دلار است؛ البته توصیه می‌شود اخذ روادید را به دقایق آخر موکول نکنند؛ چون معمولاً در شلوغی‌هایی که به وجود می‌آید مردم سردرگم می‌شوند و گذرنامه‌های گم شده و در دسترساز می‌شود.»

این برهه زمانی، کارهای فرهنگی انجام دهند، تجهیز و حمایت شده‌اند. به‌ویژه هیئت‌های مذهبی شهرهای مرزی قرار شده است که برای زائرانی که برای اخذ ویزا در آن شهر اقامت دارند برنامه‌های ویژه‌ای تدارک ببینند. هم اکنون ۱۴ هیئت شهرهای خرمشهر و اهواز در مرز شلمچه خدمات ارائه می‌دهند. در سوسنگرد نیز همه هیئت‌ها آمادگی خود را اعلام کرده‌اند. هیئت‌های آبادان هم قرار شده در حسینه‌ها در خدمت زائران حسینی باشند.» وی در ادامه با اشاره به زائرانی که با پای پیاده به سمت کربلا راه افتاده‌اند، یادآور شد: «هیئت‌هایی نیز پذیرایی از همه مردمی که مسیر رام‌هرمز، ماه‌شهر و اهواز به سمت آبادان را طی می‌کنند، خواهند بود. علاوه بر این هیئت‌هایی از شهرهای بزرگ و مؤسسات مردمی برنامه‌های فرهنگی را در مرز ایران و همین‌طور در داخل کشور عراق به راه انداخته‌اند.»

شعار اربعین اقتباسی از جمله معروف حضرت زینب (علیها‌السلام)؛ به خدا سوگند نام ما محو نخواهد شد

مسلمانان سیل عظیم مردم به سمت کربلا یکی از بهترین فرصت‌هاست تا برنامه‌هایی تدارک دیده شود که به معرفت‌افزایی زائران بینجامد. در همین راستا مدیر کل آموزش معاونت فرهنگی بعثه مقام معظم رهبری از توزیع پنج میلیون بروشور و اقلام فرهنگی به کمک مؤسسات ایرانی و عراقی به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی خبر داد و گفت: «این اقلام، تهیه شده و در اختیار موبک‌ها قرار می‌گیرد. همین‌طور با کمک شیعیان ایرانی و عراقی، شعاری برای مراسم اربعین انتخاب شده است که با جمله معروف حضرت زینب (علیها‌السلام) مبنی بر «فوالله لا تمحوا ذکرا»؛ «به خدا سوگند که هرگز نخواهند توانست نام ما را محو کنند» مطابقت دارد. قرار بر این شده که همه بلیبوردها و بنرها به این شعار آراسته شوند.» وی در ادامه گفت: «در ایران پیشانی‌بند و شال و بند تهیه شده است و در حال انتقال به نوار مرزی هستیم. بقاع متبرکه‌ای که در مسیر زائران اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار دارد شامل چهار بقعه در مسیر مهران و دو بقعه در مسیر خوزستان به عنوان پایگاه انتخاب شده که به زائران خدمات‌رسانی خواهند کرد.»

برنامه‌های فرهنگی برای غیر ایرانیان

از هجده میلیون نفری که در روز اربعین به کربلا می‌روند، فقط هفتصد و پنجاه هزار نفر آنها ایرانی هستند. از این‌رو در برنامه‌های فرهنگی باید به دیگر افراد هم توجه کرد تا با فرهنگ شیعیان ایرانی بیشتر آشنا شوند. حجت‌الاسلام حمید احمدی از برپایی نمایشگاه‌های کتاب

گفت و گو با حجت الاسلام حمید احمدی *

قصد داریم راهپیمایی اربعین را جریان سازی کنیم



را تشکیل دهد.

آیا این ستاد، کارگروه‌هایی هم دارد؟

بله، کارگروه‌های مختلفی از جمله آموزش، پژوهش، ارتباطات، فضای مجازی و سایبری و کارگروه‌های متعددی با موضوع فرهنگی اربعین دارد که در حدود یک ماه شکل گرفته است.

گستره فعالیت‌های شما تا کجاست؟

فعالیت این ستاد به قبل از اعزام یا فقط بعد از اعزام ختم می‌شود. به زائران در مدت زمان اقامت خود پشت مرزها به مدت ۲۴ الی ۴۸ ساعت، سرویس فرهنگی از جمله برگزاری نماز جماعت، برنامه‌های روایت‌گری‌های خیابانی، برپایی نمایشگاه‌های مختلف فرهنگی مانند نمایشگاه‌های حجمی، سمعی، بصری، محتوایی و مفهومی ارائه می‌کنیم.

این نمایشگاه‌ها در مسیر زائران از استان‌های مختلف تا مرزهای ارتباطی با کشور عراق و حتی بعد از مرز نیز برگزار می‌شوند. بسته‌های فرهنگی اعم از قرائت دعای عهد به صورت همزمان در همهٔ موکب‌های بین راهی از مسیر پیادهٔ نجف تا کربلا ادامه خواهد داشت.

در مورد اهمیت انجام کار فرهنگی برای اربعین توضیحی بفرمایید؟

قصد داریم راهپیمایی اربعین را جریان سازی کنیم که در واقع جریان سازی آن نیز بر عهدهٔ رسانه‌هاست؛ همچنین به شیعیان نشان دهیم که زیارت اربعین با همهٔ سختی‌ها و کم و کاستی‌هایش بسیار ویژه است و اگر زائری ساعاتی را پشت مرزها سپری کند این ساعات نیز جزو زیارت او به شمار خواهند رفت.

مشارکت خیرین در حمایت و شرکت از این طرح فرهنگی و معنوی چگونه است؟

از سنت‌های حسنه‌ای که در سال‌های اخیر از سوی عاشقان و دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) مورد توجه قرار گرفته پیاده‌روی اربعین است به همین مناسبت گفت و گویی با حجت الاسلام حمید احمدی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

در مورد اهمیت تشکیل ستاد فرهنگی در بعثهٔ مقام معظم رهبری توضیح دهید؟

سال گذشته، ستاد اجرایی اربعین تشکیل و واحدهای اسکان و حمل و نقل زائران در دو طرف مرز برپا شد؛ اما برنامه‌های فرهنگی مورد غفلت واقع شدند؛ بنابراین امسال با تدبیر حجت الاسلام قاضی‌عسگر، نمایندهٔ مقام معظم رهبری در امور حج و زیارت، ستاد فرهنگی تشکیل شد. ستاد فرهنگی در کنار ستاد اجرایی، فضا را برای زائران، تلطیف و معنوی می‌کند و خدمات مختلف فرهنگی برای زائران اربعین چه ایرانی و چه غیر ایرانی مشرف شده به کربلا ارائه می‌دهد.

برنامه‌های گوناگون با چند زبان و موضوعات مختلف برای این ستاد در نظر گرفته شده است. این ستاد با ارائهٔ بروشور و کتاب خدمات فرهنگی ارائه می‌کند و در واقع اقلام فرهنگی، مخصوص کشور ایران نیست؛ بلکه می‌توانیم به زائران غیرایرانی نیز بسته‌های فرهنگی ارائه کنیم.

چه ضرورتی برای تشکیل ستاد اربعین وجود داشت؟

با توجه به اهمیت موضوع زیارت اربعین و انسجام بخش فرهنگی. محتوایی و همچنین اجرایی. فرهنگی، بعثهٔ مقام معظم رهبری در نظر گرفت تا ستاد اربعین و مناسبت‌های ویژه

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



ما آماده هستیم تا از ظرفیت و پتانسیل خیرین بزرگوار که تعداد آنها هم کم نیست برای استقرار و پوشش موکب‌ها در قبل و بعد از مرز و در مسیر پیاده‌روی اربعین در حد فاصل نجف تا کربلا استفاده کنیم. ما نمایندگان مان را در استان‌های مختلف به خیرین بزرگوار معرفی خواهیم کرد تا بتوانند با یکدیگر در ارتباط باشند تا با توجه به وضعیت جدید کشور عراق و اتفاقاتی که به واسطهٔ تکفیری‌ها و داعشی‌های منحوس افتاده است، بتوانیم گامی در این مورد برداشته و با این حرکت عظیم نشان دهیم که شیعه همچنان زنده است.

ستاد فرهنگی از چه کمیته‌هایی تشکیل شده است؟

کمیته‌هایی مانند کمیتهٔ ارتباطات و اطلاع‌رسانی، کمیتهٔ آموزش که در حقیقت حوزهٔ تولید محتوا و بسته‌های آموزشی زائران را تهیه می‌کند، کمیتهٔ فضای مجازی، کمیتهٔ هنری و تبلیغات که پوشش جلوه‌های سمعی بصری مسیر پیاده‌روی را بر عهده دارد.

صحبت پایانی؟

امیدوارم شخصیت‌های حقیقی و حقوقی بتوانند از اتفاقی که در کشور افتاده است مبنی بر «تشکیل ستاد فرهنگی اربعین» نهایت بهره را ببرند؛ بنابراین ما دست یاری خویش را به سمت آنها دراز می‌کنیم و هر کسی که فکر می‌کند در این مورد می‌تواند کمکی انجام دهد با دبیرخانهٔ ستاد تماس بگیرد و پیشنهادات خود را بیان کند یا دانش فنی خود را در اختیارمان قرار دهد تا بتوانیم بهره‌برداری محتوایی کنیم و اربعین امسال یک سفر ویژه و به یاد ماندنی برای همهٔ زائران به ویژه زائران ایرانی شود.

* مدیر آموزش بعثهٔ مقام معظم رهبری



بسا سوار که آنجا پیاده خواهد شد

دوروز و سه شب در شهر عجایب

محسن حسام مظاهری

پیاده روی را با هیچ مستند و تصویر و عکس و فیلم و گزارشی نمی شود، درک کرد. باید رفت و دید. این از آن اتفاقاتی است که هر کس باید خودش تجربه کند و بی جهت نیست که فرموده اند یکی از نشانه های مؤمن زیارت اربعین سیدالشهدا علیه السلام است.

پوشیده اند و بعضی هم دشداشه های آبی و کرم و طوسی. آن هم یک دست و ساده و بی نقش و نگار.

بعد از نماز و در راه بازگشت به هتل به حرف پیرمرد فکر می کنم. دلم می خواهد هم رنگ «جماعت» شوم. فردایش دشداشه ای سفید می خرم و روزهای بعد با آن می روم زیارت. حتی گاهی هنگام پرسه زنی در شهر هم با دشداشه می روم. رفتار دیگران به طور ملموسی متفاوت شده است. راحت تر وارد گفت و گوی می شوند. در نگاه شان چیزی که قبلاً بود نیست. از خودشان شده ام. عضوی از جماعت.

بعضی تجربه ها گاه چیزهایی را محسوس می کنند که قبل از آن فقط می دانیم شان؛ اما حس شان نکرده ایم و من آخرین روز ماه رجب سال ۸۳، وقتی از شدت فشار جمعیت طواف کنندگان، بین رکن و مقام، قفسه سینه ام فشرده می شد، وقتی راه رفتنم دیگر به اختیار خودم نبود و موج خروشان جمعیت این سو و آن سو می کشاندم، برای اولین بار حس کردم که یک مسلمانم و عضوی از جامعه مسلمین. همچنان که چند سال بعد در روزهای میانی صفر سال ۹۱، وقتی چون قطره ای در رودی خروشان از نجف تا کربلا رهسپار بودم در آن اتفاق عظیم در آن شکوه باور نکردنی برای اولین بار حس کردم یک شیعه ام.

تجربه زیارت اربعین به ویژه در قالب آیین

صف های نماز کم کم کامل می شوند. به ساعت نگاه می کنم. هنوز نیم ساعتی تا اذان ظهر مانده است. از آنجا که نشسته ام روضه مطهریه خوبی پیدا است. چند متری بیشتر با سکوی اصحاب صفا فاصله ندارم. حال خوشی دارد نفس بودن در آنجا. قرآنم را می بندم و می نشینم به تماشای آمد و شد زائران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. زائرانی از هر رنگ و نژاد و ملیت. در حال خودم هستم که ناگهان از پشت سر کسی بر شانه ام می کوبد؛ چند بار و خیلی محکم. برمی گردم طرفش. پیرمرد عرب عجیب عصبانی است! رسماً فریاد می کشد سرم. «حرام! حرام!» و سرش را به نشانه تأسف تکان می دهد. چند نفری برگشته اند و به من نگاه می کنند. گیج شده ام. با تعجب می پرسم چه شده؟ به نقش های روی پیراهنم اشاره می کند و می گوید: «لباست تصویر دارد و نقش بر لباس حرام است». تازه دو ریالی ام می افتد که مشکل کجاست. منظورش آن چهار تا گوزن سرخ و زرد و آبی اساطیری است. صبح که این پیراهن را از چمدانم بیرون می کشیدم که در اولین زیارتیم بپوشم به تنها چیزی که فکر نکرده بودم همین بود. آن پیراهن را به دلیل شاد بودن و هم خنک بودنش انتخاب کرده بودم. کمی که می گذرد عصبانیت پیرمرد فروکش می کند. بعد با دست به جمعیت اشاره می کند و می گوید: «ببین! اینجا همه یک دست اند؛ همه شبیه هم اند؛ الا تو!» همراه حرکت دستش به جمعیت نگاه می کنم. از هر طرف تا چشم کار می کند صفوف نماز گسترده شده. حق با اوست. اغلب، لباس های سفید بلند

سه روز به اربعین مانده است. نماز ظهر را در یکی از مساجد نجف می خوانیم. بلافاصله بعدش خودمان را می رسانیم اول جاده کربلا و به جمعیت پیاده رویندگان ملحق می شویم. جمعیتی که هر کدام از جایی به جاده پیوسته و این تازه یکی از مسیرهای پیاده روی اربعین است. این روزها از هر گوشه عراق و از هر شهر و دیاری، میلیون ها نفر زن و مرد و پیر و جوان به دل جاده زده اند تا پای پیاده خود را به امام شان برسانند. آنها که از بغداد راهی شده اند ۹۰ کیلومتر، آنها که از کاظمین ۱۱۵ کیلومتر، آنها که از بصره ۵۲۰ کیلومتر و آنها که مثل ما از نجف، حدود ۸۰ کیلومتر مسیرشان است. ما طبق برنامه معمول قرار است در عرض سه روز و دو شب پیاده روی خودمان را شب اربعین برسانیم کربلا. از اول تا آخر جاده آسفالت نجف تا کربلا. که مسیر پیاده روی حاشیه خاکی آن است. به فاصله هر ۵۰ متر میله ای نصب شده؛ جمعاً ۱۴۲۵ میله می شود تا دم حرم. همه میله ها هم شماره گذاری شده اند و برای همین بهترین نشانه برای مکان یابی زائران و قرار گذاشتن های گروهی محسوب می شوند.



اول راه، چهار نفریم؛ من و مصطفی و سینا و نادر. اما در آن جمعیت کار آسانی نیست گروهی حرکت کردن. چند دقیقه‌ای که می‌گذرد نادر و سینا یک گروه می‌شوند و من و مصطفی هم یک گروه.

ساعتی به غروب مانده می‌رسیم به حسینیه «الزهر» که ظاهراً متعلق به بیت آیت‌الله حکیم است. ساختمان نوساز و تمیزی است. مهم‌تر از هر چیز مسقف است و مجبور نیستیم سرمای شب را در چادرها بگذرانیم. شش هفت ساعت پیاده‌روی پیوسته حسابی خسته‌مان کرده است. می‌رویم داخل. جایی کنار محراب پیدا می‌کنیم و کوله‌های مان را می‌گذاریم آنجا. چند دقیقه بعد هیچ جای خالی در حسینیه نیست. روی زمین با پتوهای وقتی که هر کدام یک نقش و رنگ و جنس دارند مفروش شده. سهم هر کس از حسینیه به اندازه یک پتو است. دور تا دور حسینیه تصاویر علمای عراق و خاندان حکیم نصب شده. نماز جماعت را به امامت سید جوانی می‌خوانیم. بلافاصله بعد از نماز، سفره می‌اندازند. کاسه‌های آش دست به دست به همه می‌رسند. قرص‌های نان هم. چاشنی غذا پرتقال است. پرتقال‌های کوچک و شیرین و آبدار محلی. شام که تمام می‌شود بلافاصله همه مهابی خواب می‌شوند. پتوهای مجاور را چند پسر نوجوان اشغال کرده‌اند. مشغول مرتب کردن وسایلم هستم که یکی‌شان می‌آید جلو و یک پرتقال تعارف می‌کند. می‌گیرم از دستش. می‌خندد. می‌نشیند مقابلم. می‌پرسم اسمت چیست؟ می‌گوید سجاد. آن پسرهای دیگر را صدا می‌زند. می‌آیند و حلقه می‌زنند دورمان. سجاد یکی یکی معرفی‌شان می‌کند: «برادرهایم امین، منیر و بشیر. او هم که آنجاست جاسم است؛ پدرمان». پیرمردی با دشداشه‌ای تیره و عگالی سیاه. جاسم همان‌طور که دراز کشیده، دست تکان می‌دهد برایم. از پسرهای درباره ایران می‌پرسم. بشیر می‌خندد و می‌گوید «علی دایی». پشت‌بندش منیر می‌گوید «کریمی». سجاد هم می‌گوید که گاهی «آی فیلم» را می‌بیند و این آخری‌ها هم «مختار» را دیده. اینها اولین چیزهایی است که از ایران به ذهن‌شان می‌آید. هیچ کدام‌شان تا به حال نیامده‌اند ایران. فقط شنیده‌اند اصفهان شهرقشنگی است و دوست دارند بروند مشهد زیارت امام رضا علیه السلام. اسم امام رضا علیه السلام که می‌آید جاسم نیم‌خیز می‌شود و می‌گوید قرار است پنج ماه دیگر بیایند ایران زیارت. گپ و گفت‌مان طولانی می‌شود. آنها می‌خواهند از ایران بشنوند و من هم از آنها و زندگی‌شان. از بصره آمده‌اند. (بیش از ده روز است که در راه‌اند). بعد نیم‌ساعت حسابی با هم رفیق شده‌ایم. موبایل‌هاشان را می‌آورند و

با هم چند عکس یادگاری می‌گیریم. بعد هم شماره‌های موبایل مان را مبادله می‌کنیم. آنقدر همه خسته‌اند که یکی دو ساعتی از غروب نگذشته حسینیه خاموش است و همه به خواب رفته‌اند.

سحر با صدای نماز خواندن بشیر بیدار می‌شویم. بعد نماز، مهابی رفتن می‌شویم. پتوها و بالش را همان‌طور سر جای مان مرتب می‌کنیم. آنها را از کسی تحویل نگرفته بودیم که حالا بخواهیم تحویلش بدهیم. اصلاً کسی هم نیست که یک تشکر خشک و خالی کنیم ازش. همه چیز به شکل اتوماتیک انجام می‌شود. در وقت خود. بدون نگاهان و ناظر. هر کس کار خودش را می‌کند.

برای ماها که عادت کرده‌ایم به پاییدن، عادت کرده‌ایم به دوربین مدار بسته، عادت کرده‌ایم به سایه ناظم، سخت است قبول امکان چنین زندگی‌ای (چه رسد به تحقیق!). اینکه روزها در مسیری بروی بدون آنکه لازم باشد حتی یک بار دست به جیب شوی و چیزی بگیری. روزها در مسیری بروی بدون آنکه لازم باشد جایی خودت را معرفی کنی و کارت شناسایی نشان دهی. اینجا زائر حسین علیه السلام بودن یک کارت اعتباری با شارژ بی‌نهایت است که تو را از همه مواهب برخوردار می‌کند. حتی لازم نیست تقاضا کنی. میزبانان و خادمان خود با اصرار می‌آیند سراغت. با اصرار از تو می‌خواهند از غذایی که مهیا کرده‌اند بخوری. با اصرار دستت را می‌گیرند می‌برند داخل خانه‌شان تا استراحت کنی و در این فاصله لباس‌هایت را بشویند. با اصرار دولا می‌شوند تا پاهایت را رنجور سفردن را بشویند. با اصرار موبایل‌شان را می‌دهند دستت که به هر کجا می‌خواهی تماس بگیری. هر چه بخواهی فراهم است. هر کس، هر خانواده، هر گروه، هر عشیره آنچه از دستش برمی‌آمده را عرضه می‌کند. بی‌دریغ. بی‌منت. بی‌مزد. اگر چرخ کالسکه فرزندان خراب شده باشد، اگر دسته کیفیت پاره شده باشد؛ حتی اگر گوشه‌ات شارژ تمام کرده باشد، هستند کسانی که مصرانه از تو می‌خواهند منت سرشان بگذاری و اجازه دهی این نیازهایت را برطرف کنند. کاناپه‌ها و مبل‌های خانه‌شان را، صندلی ماشین‌شان را آورده‌اند گذاشته‌اند کنار جاده که هر وقت خسته شدی، روی آنها بشینی. لازم نیست از کسی اجازه بگیری یا حتی تشکر کنی. انگار همه این چیزها مال خودت است. هیچ انتظاماتی، هیچ پلیسی، هیچ کارمند دولتی‌ای، هیچ نهاد و سازمان و بنیادی در کار نیست. همه چیز در دست خود مردم است. اینجا شهر عجایب است. چیزی شبیه همان آرمانشهری که فیلسوفان در خیال ساخته‌اند. چیزی شبیه همان دیاری که عرفا

سودای رسیدن به آن را دارند. جایی که هر غریبه را نانش می‌دهند و از نامش نمی‌پرسند. جایی که هیچ غریبه‌ای غریب نیست.

*

با مصطفی قرار می‌گذارم که به تلافی عقب ماندن روز اول، تمام روز دوم را پیاده‌روی کنیم؛ یک نفس به جز وقفه‌ای برای ناهار و چند توقف کوتاه برای رفع خستگی روی کاناپه‌های حاشیه جاده. طولانی‌ترین توقف مان در چادر «سیدفرح» است. سیدفرح هیکل تنومند و پرو پیمانی دارد. بیرون چادری ایستاده است و ما که نزدیکش می‌رسیم می‌آید جلو و اصرار می‌کند برویم داخل چادرش تا ماساژمان بدهد و خستگی را بگیرد از تن مان. بیشتر از سر کنجکاو دعوتش را می‌پذیریم. کوله را می‌گذارم کناری و دراز می‌کشم کف چادر. تصورم از ماساژ چیزی است در حد همین ماساژهای داخل استخر و سونای خودمان. اما سیدفرح با همان اولین تکانی که به بدنم می‌دهد، همه تصوراتم را به هم می‌ریزد. انگشتان دو پام را گرفته و چنان با یک تکان از زمین بلند می‌کند که انگار دارد قالی می‌تکاند. بعد هم مثل دلاک‌های حمام عمومی شروع می‌کند به مشت و مال دادن. آن هم با چه قدرتی! نفسم بند می‌آید؛ اما آخرش حس خوبی دارم. انگار خستگی یک سال از تنم بیرون رفته باشد. سیدفرح دست می‌برد به جیب دشداشه‌اش و یک پاکت ونستون لایت بیرون می‌کشد: «بفرما!» ظاهراً این هم جزو مناسک ماساژ است. بعد به گوشه چادر اشاره می‌کند که جایی است برای چرت بعد از ماساژ و سیگار.

ماساژ حسابی رمق‌مان را گرفته و نیاز به تجدید قوا داریم. دو سه موکب که از سیدفرح دور می‌شویم فلافل عربی در انتظارمان است. بعدش هم به ترتیب موکب به موکب کباب ترکی و قیمة نجفی و شنیسل ماهی و ... به جای یک نوبت چند نوبت ناهار می‌خوریم. همین‌طور اگر پیش برویم فردای اربعین هم به شهر نخواهیم رسید. از مسیر خاکی موکب‌ها جدا می‌شویم و می‌رویم به جاده آسفالت.

کمی جلوتر صدای بازی و خنده چند پسر و دختر نظرم را جلب می‌کند. یک بره هم هم‌بازی‌شان است. آن سوتر مرد و زنی نشسته‌اند به تماشای بچه‌ها. شاد و سرخوش‌اند همه‌شان. انگار آمده باشند پیک‌نیک. به این فکر می‌کنم که در این دو روز که به جاده آمده‌ایم اثری از حزن و گریه ندیده‌ام. از دعوا و دست به یقه شدن هم. از ناسزا گفتن و شنیدن هم. اصلاً پیاده‌روی اربعین، سفرشادی است. پراست از بهجت. پراست از سبکی. پراست از بی‌وزنی و رهایی. لااقل برای من که



در نبود ما ترکیب ساکنان آن شب موکب تغییر کرده. چند نفری رفته و جای شان چند جوان لبنانی آمده اند. وسایل ما طبق انتظار دست نخورده سر جای شان است. صاحب موکب می آید و با حالت شرمندگی بابت مجهز نبودن موکبش، اطمینان می دهد در را که ببندیم دیگر سوز سرمای شب اذیت مان نخواهد کرد. چاره ای نداریم که حرفش را قبول کنیم. هر چه لباس داریم تن مان می کنیم و می خواهیم. فردا روز سختی در انتظار مان است. باید هر جور شده خود مان را تا قبل از شب برسانیم شهر. می دانیم که کار آسانی نیست. با توجه به اینکه هر چه به شهر نزدیک تر می شویم جمعیت فشرده تر می شوند و سرعت پیاده روی لاجرم کمتر. قبل از خواب به این فکر می کنم که این مردم که همیشه مورد ظلم و ستم بوده اند و هروقت پیچ رادیو را باز می کنی اخبار دارد از انفجار و انتحار در شهرهاشان می گوید و اسم کشورشان را که در گوگل سرچ کنی اغلب تصویر خشونت و کشتار می آید، این مردم همیشه در رنج و قربانی جنگ، قربانی جهل، قربانی قدرت طلبی، کی و کجا و از که این قدر ادب آموخته اند؟ این اندازه حلم و صبوری، این اندازه گذشت و تواضع، این اندازه گشاده دستی و کرامت از کجا آمده است؟ آن هم نسبت به کسانی که نمی شناسندشان. فقط می دانند که به زیارت می روند. زیارت کسی که نامش سرپوشی می شود برای همه شکاف های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی. برای نادیده گرفتن همه مرزهای ملی و قومی و مذهبی. کسی که همه ما به اعتبار او. لااقل در این چند روز. با هم پیوند می خوریم و یک خانواده می شویم؛ یک جماعت.

حالا دو سالی از آن سفر و از آن شب می گذرد و من انگار تکه ای از وجودم را در آن مسیر در جاده خاکی نجف تا کربلا، بین آن موکب ها، بین آن آدم های عاشق، بین آن چهره های آفتاب سوخته، بین آن خانواده میلیونی ام جا گذاشته ام. هر بار که گوینده اخبار از انفجار بمبی در بصره می گوید، هر بار که گوینده از عملیات انتحاری در حوالی نجف خبری می خواند، ذهنم پر می کشد سمت صالح و پسرهایش، سمت عماد و دخترش، سمت جاسم و بشیر و منیر و سجاد. دوست دارم بدانم جاسم و بچه هاش آخر آمدند زیارت امام رضا (ع)؟ عماد دخترش خوب شد؟ عمارت صالح هنوز پابرجاست؟ اصلاً آنها زنده اند هنوز همه شان؟ در دل این همه فاجعه.

شماره بشیر را در گوشی ام دارم؛ ولی ... دستم نمی رود زنگش بزنم.

امام رضا (ع) برایم دعا کنی! در عوض من هم اینجا هر وقت در حرم امام علی (ع) بودم دعا می کنم. قبول می کنم. دوباره دراز می کشد و پتورا می کشد روی صورتش. حسابی گرسنه ایم. کوله و وسایل مان را همان جا می گذاریم و می رویم بیرون دنبال یک لقمه شام. موکب بغلی، سفره شان آب گوشت است که به مذاق مان خوش نمی آید. می رویم به موکب بعدی که عمارتی قدیمی است با سقفی مرتفع و ستون هایی گچبری شده. در را باز می کنیم و وارد حیاط می شویم. (در شهر عجایب هیچ دری بسته نیست). پیرمردی با خوشرویی به استقبال مان می آید. می گوید متأسفانه اتاق ها پر شده. می گویم فقط برای شام آمده ایم. پسرش را صدا می کند و می گوید دو پرس غذا برای مان آماده کند و بیاورد. معلوم می شود شام شان تمام شده. می خواهیم برویم که پیرمرد دست مان را می گیرد و نمی گذارد. می گوید: «من و خانواده ام خادم زوار حسینیم. خاک پای شما بر سر ماست. من خدمت گزار شمایم.» حسابی شرمند مان می کند. می گوید: اگر کمی صبر کنیم غذا حاضر می شود. دعوت مان می کند برویم روی ایوان عمارت کنارش بنشینیم. جای باصفایی است. می نشینیم به گپ زدن با پیرمرد و شنفتن خاطراتش از سال هایی که در این موکب به زوار الحسین خدمت می کند. اسمش صالح است و این عمارت را سال ها پیش فقط برای خدمت رساندن به زائران اربعین امام حسین (ع) بنا کرده. یکی از پسرهایش میزی می آورد و می گذارد مقابل مان. آن یکی هم ظرف غذا را می گذارد روی میز. در نهایت احترام و ادب. شام سیب زمینی سرخ کرده است و خیارشور و گوجه با نان تازه از تنور درآمده. چاشنی اش هم ماست «پگاه» خود مان! حرف های پیرمرد آن قدر شیرین است که ترجیح می دهیم بعد شام هم دقایقی کنارش بنشینیم و دیرتر برگردیم به موکب محل خواب مان. در همین اثنا سه پرسو دو دختر از در فلزی موکب وارد حیاط می شوند. پیرمرد رو به من می گوید: «محسن! برو بین اینها چی نیاز دارند». از اینکه پیرمرد مرا مثل پسرهای خودش خطاب می کند، حس خوبی دارم. می روم پیشواز آن چند نفر. چهره هاشان آشناست. از کاروان بچه های دانشگاه هنراند. خسته اند و درمانده. ظاهراً از کاروان جا مانده اند و یکی دو نفرشان هم چند میله عقب تر بریده اند. از شان می پرسم شام خورده اید؟ می گویند نه. می برم شان پیش صالح و می گویم نه جا دارند و نه شام. دستی به ریشش می کشد و می گوید به شان بگو بیاوند داخل یک جا برای شان جور می کنم. آنها را می سپارم دست صالح و برمی گردیم موکب خود مان.

این گونه بود. آزادترین روزها و شب های عمرم همان دو سه روزی بود که در مسیر نجف تا کربلا گذشت. عارف هم که نباشی، این سفر. موقتاً. عارف می کند. به رقصت درمی آورد. به سماعت می کشد. بی خودت می کند. یک چهره دیگر از خودت نشانت می دهد که بیشتر نمی شناختی. به نظم تفاوت اربعین با عاشورا همین است. عاشورا، مقام استیصال است؛ عصر که می شود، گرفته ای. درمانده ای. دیگر کار تمام شده. سرگردانی. دل آشوبی. محزونی. محزون درمانده. اربعین، اما چهل منزل بعد از عاشورا است. چهل منزل بعد از درماندگی و حزن. دیگر فرصت رهایی است. دوست داری در اربعین «گنجینه الاسرار» عمان بخوانی. «روضه الشهداء» ی کاشفی بخوانی. دوست داری از دریچه عارفان، امام را ببینی و تفسیر کنی. عرفانی که سرآغازش همان عصر واقعه است و «ما رآیناه الا جمیلاً» دختر علی. تادم دمای غروب راه می رویم؛ یک نفس. به میله ۹۰۰ که می رسیم توان مان ته می کشد. به صرافت یافتن موکبی برای گذران شب می افتم؛ اما کمی دیر شده. اغلب موکب ها ظرفیت شان تکمیل شده است. عاقبت راضی می شویم به یک موکب درب و داغان. مرد میان سالی دم در ورودی نشسته و سیگار می کشد. می پرسد: دنبال «مبیت» (جای خواب) هستیم یا شام؟ می گویم مبیت. می گوید «اهلاً و سهلاً». تعارف مان می کند برویم داخل اتاق. قبل از ما ده بیست نفری آمده اند و عملاً جاهای خوب اتاق اشغال شده. رضایت می دهیم به جایی نزدیک در. پتوی کناری ام مرد میان سالی است که خیلی زود گرم می گیرد باهام. اسمش عماد است و ساکن شهرک صدر. می پرسم توی جنگ ایران و عراق بوده یا نه؟ سرتکان می دهد و می گوید که از جنگ فرار کرده و به صدام لعنت می فرستد. یاد مردی می افتم که ظهر، موقع استراحت دیدمش و با هم گپی کوتاه زدیم. مردی با یک پا و دو عصا زیر بغل که آن یکی پایش قربانی جنگ با ایران شده بود. تک و تنها، زده بود به جاده و تمام این مسیر را با همان یک پا و دو عصا آمده بود. عماد از انتفاضة شیعیان عراق می گوید که به دست صدام سرکوب شد و در آن هزارها هزار نفر از شیعیان کشته شدند. بعد انگار بخواهد بحث را عوض کند، می گوید: «من یک بار هم آمده ام ایران. برای مداوای دخترم». می پرسم کدام شهر؟ می گوید: «تهران» و اضافه می کند: «خیلی شهر قشنگی است تهران». خسته است. کاپشنش را لوله می کند و می گذارد جای بالش. دراز می کشد؛ اما انگار چیزی یادش آمده باشد سریع نیم خیز می شود. دستم را با دودستش محکم می گیرد و می گوید: «قول بده ایران که برگشتی هر وقت رفتی حرم

پیاده روی اربعین

تَوَلّی و تَبَرّی در میدانِ عَمَل

ناصر رفیعی *

خیاما

شماره: ۱۱ / آذر ۹۳

العظمی بهجت (ره) را بهتر درک می‌کنیم که فرمود: «امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور، خود را به واسطه امام حسین علیه السلام به همه عالم معرفی می‌کند؛ بنابراین در آن زمان باید همه مردم عالم، حسین علیه السلام را شناخته باشند و پیاده روی اربعین بهترین فرصت برای این کار است.» جالب اینجاست که موضوع اربعین و عزاداری در آن در مورد سایر حضرات معصومین علیه السلام نیامده و آنچه در تاریخ می‌بینیم این است که این مسئله فقط درباره حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام وارد شده است.

زیارت اربعین امام حسین علیه السلام آنقدر اهمیت دارد که از وجود نازنین امام صادق علیه السلام زیارت‌نامه‌ای ویژه در این باره در دست هست.

امام حسن عسکری علیه السلام در حدیث معروف خود به پنج نشانه مهم مؤمن اشاره می‌فرماید که از آن جمله خواندن زیارت اربعین است. اساساً زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام به ویژه در روز اربعین در کلام ائمه اطهار علیه السلام از جایگاه بسیار ویژه‌ای برخوردار است. در حدیث داریم که خدای تبارک و تعالی برای زیارت کربلای امام حسین علیه السلام، پاداش هزار حج و عمره قرار داده است. به تعبیر بزرگان چنین جایگاهی به دلیل آن است که حج هم به برکت عاشورای حسینی باقی مانده است و به طور کلی ادامه حیات اسلام در سایه خون پاک شهیدان کربلا میسر شده است.

بیانی ماندگار از بهجت عارفان

از اینجاست که کلام مرحوم آیت الله

مشّی و پیاده روی به سوی مراکز الهی و عبادی عملی مستحب است؛ کما اینکه یکی از مستحبات مشّی و حرکت به سمت مکان برقراری نماز جماعت است که اگر کسی پیاده برود ثواب بسیاری دارد یا مشّی و پیاده روی به سوی کعبه که خود موضوعیت دارد

اسلام از حرکت عظیم و باشکوه خود، رعب و وحشت ایجاد می‌کنیم.

یک تیر و دو نشان!

در حال حاضر پیاده‌روی بزرگ اربعین خود نوعی ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان اسلام و تشیع به‌ویژه، تکفیری‌هایی است که با افکار خشک و خطرناک به جان مسلمین و شیعیان افتاده‌اند و به عبارتی همان خوارج صدر اسلام هستند که کمر امیرالمؤمنین (ع) را شکستند و ایشان را به شدت رنج دادند؛ پیاده‌روی اربعین مانور و رژه‌ای برای تبری جستن از اقدامات ضد بشری تکفیری‌ها و دشمنان اهل بیت (ع) و از سویی اعلام وفاداری و علاقه شدید مردم به ساحت مقدس امام حسین (ع) است.

وحدت و اقتدار شیعه به برکت

سیدالشهدا (ع)

نکته سوم و پایانی هم اینکه مراسم بزرگ و باشکوه پیاده‌روی اربعین، علاوه بر آنکه زمینه یأس و ناامیدی کفار و منافقان و هواداران آنها را فراهم می‌آورد در تشدید وحدت و عزت مسلمین به ویژه شیعیان بسیار اثرگذار است و به حول و قوه الهی و عنایات اهل بیت (ع)، خاصه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به انسجام و اقتدار هر چه بیشتر شیعه در دنیای کنونی می‌انجامد.

پی نوشت:

حجت الاسلام دکتر ناصر رفیعی، استاد علوم قرآنی و حدیث

پیاده‌روی اربعین مانور و رژه‌ای برای تبری جستن از اقدامات ضد بشری تکفیری‌ها و دشمنان اهل بیت (ع) و از سویی اعلام وفاداری و علاقه شدید مردم به ساحت مقدس امام حسین (ع) است

همچنین در بعضی از روایات نقل شده است که اگر کسی پیاده به سوی مسجد حرکت کند از ثواب ویژه‌ای بهره‌مند می‌شود و هر قدمی که در این راه برمی‌دارد در نزد پروردگار مأجور است.

در سیره حضرات معصومین (ع) نیز آمده است که مثلاً امام حسن مجتبی (ع) سفرهای مکرری به صورت پیاده از مدینه به سمت مکه می‌رفتند و با اینکه محمل‌ها و شترها در اختیار داشته‌اند؛ اما حضرت به این عمل مبادرت می‌کردند و حال آنکه در تاریخ داریم که بر اثر این مسئله پای‌شان مجروح می‌شده است یا در مورد سید الساجدین (ع) روایات تاریخی وجود دارد که ایشان نیز پیاده به سمت مکه رهسپار می‌شدند و وقتی در مسیر، عده‌ای علت مسئله را از حضرت می‌پرسیدند، امام سجاد (ع) جواب می‌دادند که من به میهمانی خدای تبارک و تعالی می‌روم و به احترام ولی‌نعمت و مولایم دست به این پیاده‌روی می‌زنم.

طبعاً یکی از مصادیق این پیاده‌روی مشاهد زیارت است. در طول تاریخ اشخاصی مانند شاه عباس صفوی نیز پیاده به مشهد مقدس می‌رفته‌اند.

به لطف الهی هم اکنون نیز این سنت حسنه مرسوم است و در ایام مختلف سال در داخل کشورمان اشخاصی به سوی حرم امام رضا (ع) از مسافت‌های دور و نزدیک پیاده‌روی می‌کنند.

پیاده‌روی اربعین و چند نکته مهم

در این میان پیاده‌روی به سوی حرم مطهر امام حسین (ع) از چند لحاظ قابل توجه و اهمیت است؛

نخست آنکه نفس پیاده‌روی به سمت مشاهد مقدسه، ثواب دارد و مورد تأکید آموزه‌های دینی ماست.

نکته دوم در این مورد هم این است که این پیاده‌روی‌ها ناظر به بحث تعظیم شعائر است، همان‌طور که خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره مبارکه حج می‌فرماید: «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب».

در حقیقت تعظیم شعائر در دنیا، امری مرسوم است و در کشورمان نیز راهپیمایی‌هایی که به مناسبت‌هایی چون روز قدس و یوم الله ۲۲ بهمن انجام می‌دهیم در همین راستاست؛ چرا که خداوند می‌فرماید: اگر قدمی بردارید که مایه ناراحتی و ترس کفار شود این عمل عبادت است و ما در مناسبت‌های یادشده، هم عمل صالح انجام می‌دهیم و هم اینکه در دل و قلب کفار، منافقان و دشمنان

عنایت خاص علما و اولیا به زیارت اربعین

در طول قرن‌های متمادی نیز علما و اولیای الهی برای زیارت سیدالشهدا (ع) در روز اربعین، اهمیت و جایگاه والایی قائل بوده‌اند و با پای پیاده از نجف اشرف به سوی کربلا رهسپار می‌شدند.

در این میان، آنچه مسلم است اینکه جابر بن عبدالله انصاری، صحابه معروف رسول الله (ص) نخستین زائر کربلای معلی در روز اربعین سال ۶۱ هجری است و همچنین این سنت حسنه در سال‌های حضور ائمه معصومین (ع) با وجود حکومت سفاک و خونریز اموی و عباسی انجام می‌شده است. آن‌طور که برخی نقل کرده‌اند زیارت کربلا با پای پیاده در زمان شیخ انصاری رسم متداولی بوده است؛ اما در برهه‌ای از زمان به ورطه فراموشی سپرده می‌شود که در نهایت توسط شیخ میرزا حسین نوری، این امر مقدس و مؤکد دوباره احیا می‌شود.

یادآوری حماسه حسینی به هر مناسبتی

واقعاً جالب و آموزنده است که در مورد امام حسین (ع) در منابع روایی ما به هر مناسبتی سعی شده که به گونه‌ای مردم را به کربلا و عاشورای حسینی ارجاع دهند و همان‌طور که می‌دانیم در ایامی چون شب نیمه شعبان، روز عید غدیر، ۲۷ رجب، شب قدر و ... وارد شده که در آنها زیارت امام حسین (ع) بسیار مستحب است و شیعیان به این عمل مبارک به طور خاص، تشویق و ترغیب شده‌اند.

این همه تأکید از آن‌روست که کربلا و امام حسین (ع) از عوامل بقای دین خدا و پیامبر (ص) اوست. از سویی از جمله نقاط افتراق شیعه و غیر شیعه و از نشانه‌های خاص مؤمن، همین زیارت اربعین است.

ثواب بالای پیاده‌روی به سمت مراکز عبادی و مشاهد مشرفه

در مورد حرکتی که چند سالی است به ویژه پس از سقوط صدام در ایام اربعین سید و سالار شهیدان شکل گرفته و زائران با پای پیاده از کشورهای مختلف از جمله کشور عراق خود را به کربلای معلی می‌رسانند، قبل از هر چیز باید توجه داشت که مشی و پیاده‌روی به سوی مراکز الهی و عبادی عملی مستحب است؛ کما اینکه یکی از مستحبات مشی و حرکت به سمت مکان برقراری نماز جماعت است که اگر کسی پیاده برود ثواب بسیاری دارد یا مشی و پیاده‌روی به سوی کعبه که خود موضوعیت دارد.



فضای حاکم بر مراسم پیاده‌روی، نمایش عملی فرهنگ ناب شیعی است

چند تجربه از همراهی با زائران اربعین

گفت‌وگو با محمدرضا محمدی

علیرضا سهلانی

سال متوالی بود که جامعه‌المصطفی در ساماندهی امور اعزام طلاب فعالیت می‌کرد و استقبال نیز از این حرکت نسبت به سال‌های ابتدایی، افزایش بسیاری داشت به گونه‌ای که در سال نخست، ۱۵۰ طلبه اعزام شدند؛ ولی پارسال ۱۴۰۰ نفر از طلاب المصطفی از ۷۶ ملیت در قالب ۲۴ کاروان ۸۰ تا ۲۰۰ نفره به صورت زمینی به عتبات عالیات اعزام شدند.

البته شنیدیم که خیلی‌های دیگر هم قصد اعزام داشتند؛ اما موفق نشدند.

بله، به دلیل شرایط امنیتی در عراق و با توجه به محدودیت‌هایی که نسبت به طلاب غیرایرانی برای حضور در این حرکت بزرگ وجود دارد و سفارت عراق در ایران، برای اشخاص غیر

شما در چند سال اخیر اعزام‌هایی برای حضور طلاب غیرایرانی در این پیاده‌روی اربعین داشته‌اید. دلیل ورود جامعه‌المصطفی در این عرصه چه بود؟

درست است که در اعزام طلاب غیر ایرانی به حرکت بزرگ پیاده‌روی اربعین، جامعه‌المصطفی و برخی دفاتر مراجع عظام تقلید حضور دارند؛ ولی منشأ اصلی حرکت به صورت خودجوش از سوی طلاب است و المصطفی نیز در این عرصه فقط نقش ساماندهی دارد. طلاب جامعه‌المصطفی درباره فضیلت پیاده‌روی در اربعین سالار شهیدان، امام حسین (علیه السلام) بسیار شنیده بودند و از این رو اشتیاق بسیاری برای شرکت در این حرکت داشتند. سال گذشته برای چهارمین

«از چین به ایران آمده بود و سه سال در حال تحقیق درباره مذهب تشیع بود؛ او در گذشته، دارای تفکر کمونیستی بود و درباره اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) تحقیق می‌کرد تا اینکه در مراسم پیاده‌روی نجف تا کربلا در اربعین حسینی شرکت کرد؛ پس از رسیدن به کربلا، گفت که «من به حقانیت شیعه یقین یافتیم» و مسلمان و شیعه شد و در سال آینده نیز در این مراسم با شکوه حضور یافت. اشخاص بسیاری را می‌شناسم که نسبت به انتخاب مکتب اهل بیت (علیهم السلام) تردید داشتند؛ اما در این پیاده‌روی مستبصر شدند و به حقانیت مکتب اهل بیت (علیهم السلام) یقین یافتند.»

اینها حرف‌هایی است که محمدرضا محمدی، مدیر ارتباطات و بین‌الملل مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) و مسئول اعزام طلاب جامعه‌المصطفی به آئین اربعین در مصاحبه با «خیمه» بیان می‌کند.

خیاما

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳

ایرانی به سادگی ویزا صادر نمی‌کند، از این رو بسیاری از داوطلبان نتوانستند در این حرکت شرکت کنند.

به نظر شما عامل شکل‌گیری این جریان با عظمت چیست؟

هر چه درباره حضور شیعیان و مسلمانان در این حرکت گفته شود، کم است. بر اساس روایات، این حرکت، فضیلت فراوانی دارد به شکلی که سیره اکثر بزرگان ما از زمان جابر بن عبدالله انصاری که نخستین زائر حضرت سید الشهدا (علیه السلام) بود تا امروز، هر ساله به اشکال مختلف برگزار شده است؛ حتی در دوره خفقان بنی عباس و رژیم بعث، این حرکت قطع نشد.

بعد از حکومت بعث در عراق، فرصت به وجود آمد که شیعیان، حضور گسترده‌ای در این حرکت داشته باشند، از این رو، هر ساله بر عظمت آن افزوده می‌شود و جمعیت بیشتری در آن شرکت می‌کنند تا جایی که بر اساس اعلام آمار رسمی دولت عراق، این حرکت در سال گذشته رشد ۱۵ درصدی داشت در واقع می‌توان گفت؛ موسم حج، نمایش بزرگ‌ترین تجمع مسلمانان جهان و اربعین حسینی، بزرگ‌ترین تجمع شیعیان از سراسر دنیا است.

درباره تأثیراتی که این حرکت بزرگ شیعی برای طلاب غیر ایرانی دارد، بگویید.

پیاده‌روی نجف تا کربلا در ایام اربعین حسینی، آثار و حالات معنوی بسیاری برای زائران دارد؛ تعداد بسیاری از طلاب جامعه المصطفی که در این سفر حضور داشتند، مستبصر بودند که در گذشته اهل سنت یا مسیحی بودند که برخی بیش از چهار، پنج سال در ایران زندگی می‌کردند؛ ولی بعد از شرکت در پیاده‌روی اربعین اذعان داشتند که این حضور چند روزه و شرکت در مراسم پیاده‌روی، تأثیر بیشتری بر تعمیق باورهای دینی آنها نسبت به چند سالی که در ایران حضور داشته و مشغول تحصیل بودند، داشته است.

فضای حاکم بر مراسم پیاده‌روی، نمایش عملی فرهنگ ناب شیعی است. درباره ایثار بسیار شنیده‌ایم؛ ولی جایی که بتوان بارها این ایثار و از خودگذشتگی را دید، پیاده‌روی اربعین حسینی است. در این پیاده‌روی، ایثار و اخلاق شیعی به وفور از سوی محبان اهل بیت (علیهم السلام) دیده می‌شود. در آنجا بحث رنگ و نژاد و ملیت برای عراقی‌هایی که خادمان زائران امام حسین (علیه السلام) هستند، معنایی ندارد؛ آنچه برای آنها مهم است، خدمت به زائر ابا عبدالله (علیه السلام) است.

اتفاقاً یکی از زیباترین صحنه‌های پیاده‌روی اربعین، میزبانانی هستند که عاشقانه به زائران ابا عبدالله خدمت می‌کنند.

بله، موب‌هایی بودند که حدود ۱۵ روز در حال خدمت به زائران حسینی در مسیر نجف تا کربلا بودند، برای آنها ملیت، رنگ پوست و گویش اشخاص مهم نبود، مهم‌ترین مسئله برای آنها زائر امام حسین (علیه السلام) بود. آنچه برای شان اهمیت بسیاری داشت، این بود که زائری در آنجا آزرده خاطر نشود از این رو در خدمت‌رسانی به زائر از همدیگر سبقت می‌گرفتند.

شاید نیاز باشد که مسئولان هیئت‌های ما که مشغول خدمت‌رسانی هستند، حتماً یک بار هم که شده در این پیاده‌روی حضور داشته باشند تا معنای کاملی از خدمت‌رسانی را درک کنند؛ امروز مشاهده می‌شود که در هیئت‌ها خدمات بسیاری به اشخاص می‌شود؛ ولی گاهی به دلیل مشغله کاری و... شاید مقداری تندخویی هم صورت گیرد؛ ولی در این حرکت چنین رفتارهایی دیده نمی‌شود؛ در این مسیر، خادم کوچک‌ترین تندی و کسلی ندارد در اوج خستگی، کرامت زائر حفظ می‌شود؛ چرا که آنها حضور ائمه (علیهم السلام) را در این ایام باور دارند و می‌دانند که آنها بر رفتارشان نظارت دارند.

از یکی از صاحبان موب‌ها درباره هزینه‌های جاری در یک روز اداره این موب پرسیدم، پاسخی که داد به پول ایران روزی ده میلیون تومان می‌شد؛ وی کارمندی بود که حقوق ماهیانه معمولی داشت؛ وقتی از نحوه تهیه این میزان پول پرسیدم، گفت که «نمی‌دانم» ما صندوقی داریم که بعد از اربعین ابا عبدالله (علیه السلام) کنار می‌گذاریم و در اربعین سال آینده از آن استفاده می‌کنیم و در این خدمت‌رسانی ریالی هم کمک دولتی دریافت نمی‌کنیم. می‌گفت که من هر چه دارم همین موب است؛ خانه ساده‌ای پشت این موب دارم که در وضعیت ساده‌ای است و هر چه دارم خرج اینجا می‌کنم. این شخص که من با او صحبت می‌کردم، می‌گفت که همسرم چند شب گذشته در خواب دیده بود که حضرت زینب (علیه السلام) شب هنگام در موب در حال حرکت هستند و روی زائرانی را که در خواب بودند، می‌پوشاند. از این حالات در آنجا بسیار اتفاق می‌افتد.

در آنجا این خدمت‌رسانی هیچ‌گاه قطع نمی‌شود. در یکی از موب‌ها که یکی از مسئولان عراقی هم حضور داشت، می‌گفت که تا امروز یک مورد جرم و جنایت و حتی درگیری شخصی در این مسیر دیده نشده است. این درسی است برای موب‌داران و هیئت‌داران ما که اگر اعتقاد دارند که صاحبان این هیئت‌ها معصومین (علیهم السلام) هستند؛ پس قطعاً نیازهای آن را هم تأمین می‌کنند.

واکنش و بیان زائران غیر ایرانی نسبت به این خدمت‌رسانی چه بوده است؟

شما می‌دانید که در طول مسیر، مکان‌هایی وجود دارد که پای زائران را به دلیل طی مسافت بسیار، ماساژ می‌دهند تا بتوان بیشتر ادامه مسیر دهند. یکی از طلاب الجزایری به من گفت: «در یکی از چادرهایی که مخصوص ماساژ اشخاص بود، حضور یافتم و حدود ده دقیقه معطل شدم؛ ولی کسی برای ماساژ من نیامد، دیدم که دیر شد و ترسیدم که از دوستان جا بمانم از این رو تصمیم گرفتم بروم. بلافاصله یکی از آنها که متوجه من شد، جلوی مرا گرفت و عذرخواهی کرد که معطل شدم. هر چند بنده از این کار ناراحت نشده بودم و فقط به دلیل عجله‌ای که داشتم، بلند شدم که بروم؛ ولی آن شخص ناراحت شد و گفت که تو می‌روی و گلایه مرا پیش مولایم می‌بری؛ بالاخره با اصرار مرا بازگرداند.»

به طور خاص موردی داشته‌اید که در این سفر معنوی به تحول فکری و معرفتی دست بیاید؟

جامعه المصطفی در پذیرش طلاب از سراسر جهان، اصرار و الزام ندارد که فقط شیعیان را ثبت‌نام کند؛ بلکه به آنها اجازه داده می‌شود درباره اعتقادات و دین خود تحقیق کنند؛ زیرا ما معتقدیم انتخاب مذهب و دین اشخاص باید همراه با اختیار باشد. طلبه‌ای داشتیم که سه سال بود در حال تحقیق پیرامون مذهب تشیع بود؛ این شخص دارای تفکر کمونیست و از کشور چین به ایران آمده بود و در حال تحقیق

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳

فضای حاکم بر مراسم پیاده‌روی، نمایش عملی فرهنگ ناب شیعی است. درباره ایثار بسیار شنیده‌ایم؛ ولی جایی که بتوان بارها این ایثار و از خودگذشتگی را دید، پیاده‌روی اربعین حسینی است



بخشی از يك كتاب

می‌توان پدیده اصلی «الهام مذهبی در فرهنگ و هنر قومی ایران» را به سادگی چنین تعریف کرد که مذهب الهام‌بخش تبیین شکل‌های هنری است. این نهاد اصلی پدیده‌ای کلی است و به وحدت تبیین که وابسته تمامی هنرهای سنتی است می‌پردازد و چنین نظری در مورد هنر ایرانی، اسلامی و ماقبل آن و همچنین هنر هند و ژاپن و غیره صدق می‌کند و هزاران سال تاریخ هنر گواه آن است. تبیین مذهبی سطح کلی و سطح خاص دارد و در سطح کلی آن می‌توان هنر سنتی ایران را مثال زد.

واقعه کربلا در سال ۶۱ هجری رخ داد. در آن سال امام حسین (ع) و ۷۲ تن از یارانش در نزدیکی شهر کوفه به شهادت رسیدند. شکل‌های هنری بسیاری از این واقعه الهام گرفت، ولی قبل از پیگیری شکل‌های هنری باید الهامی را که سبب به وجود آمدن اشکال و حالات متعدد می‌شود مشخص کنیم. مذهب الهام‌دهنده شکل‌های هنری است، چون سبب می‌شود «نیت» بیان چیزی که والاتر از خود انسان است در قلب و روح هنرمند به وجود آید.

درباره ادبیات و هنر دینی، به کوشش حسین حداد و ناهید سلمانی، انتشارات نیستان

خیالما

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



هر ساله در ایام اربعین حسینی، موکب‌هایی از سوی دفتر حضرت آیت‌الله حکیم در راه نجف تا کربلا احداث می‌شوند که اگر کسی مایل به خادمی باشد، می‌تواند با اعلام آمادگی در آنها حضور یابد

درباره اسلام و مکتب اهل بیت (ع) بود و مسلمان شدن خود را به صورت جدی و رسمی اعلام نکرده بود. وی در مراسم پیاده‌روی نجف تا کربلا در اربعین حسینی شرکت کرد که پس از رسیدن به کربلا، گفت: «من به حقانیت شیعه یقین یافته‌ام» و مسلمان و شیعه شد و در سال آینده نیز در این مراسم با شکوه حضور یافت. چنین اشخاصی که دارای شک و تردید یا در حال تحقیق بودند، وجود داشتند که در این پیاده‌روی مستبصر شدند و به حقانیت مکتب اهل بیت (ع) یقین یافتند.

تأثیر دیگر این پیاده‌روی پس از بازگشت آنها و شرکت‌شان در مناسبت‌های مذهبی بود. آشنایی با فرهنگ شیعی نیازمند زمان است؛ ولی وقتی که این طلاب در مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی شرکت کردند، ارتباط برقرار کردن با آنها در برنامه‌های فرهنگی آسوده‌تر می‌شود؛ همچنین استقبال از اردوهای جهادی که معمولاً هر ساله برگزار می‌شود، بیشتر از میان این گروه از طلاب است.

اگر طلاب علاقه‌مند به خادمی در این مسیر باشند، چنین امکانی برای آنها فراهم شده است؟

هر ساله در ایام اربعین حسینی، موکب‌هایی از سوی دفتر حضرت آیت‌الله حکیم در راه نجف تا کربلا احداث می‌شوند که اگر کسی مایل به خادمی باشد، می‌تواند با اعلام آمادگی در آنها حضور یابد.

به نظر شما، چه ظرفیت‌هایی در آیین پیاده‌روی اربعین برای معرفی مکتب اهل بیت (ع) به جامعه جهانی وجود دارد؟

در سفرهایی که در این پیاده‌روی حضور داشتم، همواره به مسئولان عراقی گفته‌ام که قدر این ایام را بدانید؛ چرا که اگر در برگزاری این مراسم به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که اشخاص غیر مسلمان نیز دعوت شوند و از نزدیک، این حضور گسترده را ببینند، مسلماً نگاه‌شان به اسلام و تشیع متفاوت خواهد شد. اینکه اشخاص ببینند که برخی هر چند از نظر اقتصادی در سختی باشند، آنچه دارند را در طبق اخلاص گذاشته و ملتسمانه از زائر امام حسین (ع) می‌خواهند تا از آنچه فراهم کرده، استفاده کنند و هر چه شما از غذای او می‌خورید، لذت می‌برد و ... درس‌های بسیاری برای ما و جهانیان دارد؛ اگر ما بتوانیم در عرصه اطلاع‌رسانی و پوشش خبری و تصویری به صورت زنده جهانیان را از این مراسم با شکوه با خبر سازیم، مسلماً تأثیرات بسیاری در

جهان خواهد داشت. یکی از بازتاب‌های بین‌المللی در این مراسم، حضور طلاب جامعه المصطفی است که سفیران انقلاب و فرهنگ ناب شیعی در کشورهای خود هستند. طلابی که در چنین حرکت‌هایی شرکت داشته‌اند، زمانی که در کشور خود در عرصه‌هایی چون مدیریت مؤسسات علمی و فرهنگی، تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، مدیریت حوزه علمیه، مبلغی، فعال فرهنگی، امام جمعه و جماعت و ... مشغول فعالیت می‌شوند، طبیعتاً مردم آن کشور برای برطرف کردن نیازهای دینی و پاسخگویی به شبهات و پرسش‌هایشان به آنها مراجعه می‌کنند؛ این حرکت که برای آنها درس بزرگ معنوی و اخلاقی است، بهترین روش تبلیغ خواهد بود. مسئله دیگر، فعالیت‌های رسانه‌ای طلاب است که برخی از آنها در کشورهایشان در رسانه‌های دیجیتال، صوتی و تصویری حضور دارند و می‌توانند از این ظرفیت برای معرفی فرهنگ ناب شیعی و حسینی استفاده کنند.

و به ویژه به نظرمی‌رسد که این آیین باشکوه می‌تواند نقش ویژه‌ای بر تغییر برخی دیدگاه‌های اشتباه که از سوی کشورهای مسلمان و حتی غیرمسلمان نسبت به شیعیان وجود دارد، داشته باشد.

فرهنگ شیعی، ناب‌ترین و کامل‌ترین فرهنگ است، همان‌طور که نبی مکرم اسلام (ص) فرموده‌اند: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»؛ «مبعوت شدم که مکارم اخلاق انسانی را به کمال برسانم». دنیا نیز تشنه این فضیلت‌هاست. هر انسان دارای فطرت پاک، گرایش به این فضیلت دارد از این رو وقتی به دنبال این خواسته فطری خود می‌گردد، کامل‌ترین آن را در فرهنگ شیعی می‌یابد. حرکت شیعیان در اربعین، نمونه عملی این مکارم اخلاقی است که جایگاه و حقانیت شیعه را در جهان ثابت می‌کند.

برنامه امسال شما برای اعزام چیست؟
المصطفی در حرکت اربعین، به عنوان متولی عمل نمی‌کند؛ بلکه هماهنگ‌کننده امور اداری است و امور اجرایی طلاب بر عهده خود طلاب می‌باشد؛ بر این اساس با توجه به برنامه‌ریزی صورت گرفته برای امسال، حج و زیارت و معاونت فرهنگی المصطفی هر کدام عهده‌دار بخشی از برنامه‌ها هستند و تلاش می‌شود تا شرایط برای حضور حداکثری طلاب در آیین پیاده‌روی اربعین حسینی فراهم شود که با توجه به راینی‌های انجام شده با مراکز مختلف در این عرصه، قطعاً تعداد شرکت‌کنندگان از آمار سال گذشته بیشتر خواهد بود.



دستاورد های بین المللی میعادگاه جهانی عاشقان حسین علی السلام

محمد حسن قدیری ابیانه

سو، نشان گر اعتقاد راسخ مردم به مذهب تشیع و مکتب اهل بیت علیهم السلام و عشق و ارادت غیر قابل وصف آنان نسبت به امام حسین علیهم السلام است و از سوی دیگر حاکی از شدت و عمق روحیه شهادت طلبی در برابر دشمنان اهل بیت علیهم السلام و شیعه به ویژه در میان ملت عراق است؛ البته این راهپیمایی مختص عراقی ها نیست و به این مناسبت شیعیان از کشورهای مختلف از جمله ایران در این مراسم با شکوه شرکت کرده و در واقع در مانور عزتمندانه و قدرتمندانه در حراست از آرمان ها و ارزش های شیعه به ویژه سیدالشهدا علیهم السلام حضور پیدا می کنند.

استکبارستیزی؛ پیام جهانی اربعین حسینی
نکته ای که از حیث تأثیرگذاری بین المللی این واقعه بسیار مهم باید به آن توجه کرد، این است که ما در راهپیمایی و پیاده روی روز اربعین، شعار حسینی خود را جهانی می کنیم. به این معنا که در بزرگترین تجمع شیعیان حول حماسه ابا عبدالله الحسین علیهم السلام بیش از پیش به تعمیق ارزش های حسینی جامعه شیعی می پردازیم که از آن جمله ارزش ها و باورها و آرمان ها، مسئله ظلم ستیزی و استکبارستیزی شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام است.

عمق ذلت ناپذیری در میعادگاه بین المللی شیعه

شیعه در میعادگاه بین المللی روز اربعین به دنیا نشان می دهد که طرفدار حق و مخالف سرسخت ظلم و ستم است و با پیروی از حضرت ابا عبدالله الحسین علیهم السلام در برابر طواغیت و مستکبران عالم با سردادن شعار هیئات من الذله به هیچ وجه کوتاه نیامده و سرخم نمی کند.

در آئین اربعین می توانیم به خوبی یک سرمایه بزرگ اجتماعی برای جهان تشیع در شکستن ابهت پویشالی استکبار مشاهده کنیم که به تبع آن و از آثار مبارک چنین روحیه ای، شکل گیری هویت و عزتمندی دو چندان شیعه در برابر دشمنان خود است.

مذاهب از اسلامی و غیر اسلامی است به ویژه آنکه این راهپیمایی مذهبی و اعتقادی، هر سال در حالی باشکوه تر از سال قبل برگزار می شود که تهدیدات مکرر تروریستی علیه شیعیان و زوار حضرت ابا عبدالله الحسین علیهم السلام کماکان وجود داشته و دارد و عده ای نیز در این راه جان شان را از دست داده و می دهند.

با این وجود می بینیم که این همه تهدید و جنایت از سوی گروه های تکفیری و تروریستی نیز نتوانسته در عزم و اراده شیعیان و محبان سیدالشهدا علیهم السلام برای حضور در حرکت عظیم میلیونی اربعین، خللی وارد کند.

دو پیام مهم در یک حرکت چند میلیونی
این حضور با شکوه و دشمن شکن از یک

راهپیمایی چند ده کیلومتری شیعیان از کشورهای مختلف در آستانه اربعین حسینی به سمت کربلای معلی دارای ویژگی ها و خصوصیات منحصر به فردی است که هر کدام از زوایای آن، نیاز به تحلیل مبسوطی دارد. با این همه، آثار فردی، اجتماعی، سیاسی و به ویژه بین المللی این رویداد، آنچنان مهم و تأثیرگذار است که نباید به سادگی از کنار آن عبور کرد؛ بنابراین باید رسانه های مکتوب، مجازی و تصویری جهان شیعه، توجه بیش از پیشی به این مقوله داشته باشند.

یک پدیده استثنایی در دنیا

راهپیمایی و پیاده روی اربعین با آن جمعیت عظیم و مشارکت همه اقشار مردم، امری استثنایی در میان همه کشورها و همه



بخشی از يك كتاب

چند ساعت به افطار مانده بود. مسجد آذربایجانی‌های بازار تهران، همه میخکوب صحبت‌های حاج علی‌اکبر ترک شده بودند. راجع به قیامت و جهنمی‌ها. حاج علی‌اکبر از سختی بهشت رفتن می‌گفت. از آن‌هایی که به جهنم می‌روند و جهنم رفتن‌شان باورکردنی نیست. از زیادی جماعت جهنمی‌ها. از سختی حساب و کتاب وسط ترس و سکوت جماعت، یک صدایی بلند شد:

آقا میرزا علی اکبر آقا! آگه این طوری باشه که شما می‌فرمایید و بخوان همه‌مان را به جهنم ببرند، پس آقامان قمر بنی‌هاشم کجاست؟

رسول بود که بین جمعیت ایستاده بود.

چه طور با وجود شفیعیانی مثل قمر بنی‌هاشم، شیعه‌ها و گریه‌کنان ارباب به جهنم می‌رن؟ این‌ها را گفت و خودش‌های‌های زد زیر گریه.

مجلس به هم خورد. سکوت و وهم و ترس، جایش را به گریه و زاری و توسل و عشق داد. حاج علی‌اکبر نتوانست به منبرش ادامه دهد از شدت گریه. هیچ‌کس آرام نمی‌شد. اذان را هم گفتند، ولی حال خوش توسل و گریه و استغفار جمع تمامی نداشت. پاسی از شب که گذشت جمع کم‌کم آرام گرفتند و تازه سفره افطاری پهن شد.

کتاب رسول ترک؛ روایت زندگی رسول دادخواه تبریزی، فاطمه طهرانی، انتشارات خیمه

خیاما

شماره: ۱۱۰ / آفر ۹۳



پیام آور عزت و اقتدار حسینی

در تصاویری که روز اربعین حسینی و روزهای متصل به آن، تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای از پیاده‌روی جمعیت انبوه به سمت کربلای معلی نشان می‌دهند، انسان به عینه می‌بیند که در چهره شیعیان، اثری از غم و اندوه غربت و تنهایی نیست؛ بلکه آنان در این حرکت مقدس و حماسی، هم احساس عزت و هم به تعبیری احساس فرهمندی و افتخار و اقتدار می‌کنند از آن لحاظ که خود را شیعه و پیرو امام مظلوم‌شان می‌دانند و گرچه سیاه‌پوش سید و سالار شهیدان هستند؛ اما پیش از هر زمان دیگر به شیعه بودن خود می‌بالند.

ناکامی آمریکا در عراق؛ دستاورد حماسه اربعین

آمریکایی‌ها با وجود همه تلاش‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و ... نتوانستند بر عراق، مردم و فرهنگ این کشور سلطه پیدا کنند و به‌رغم صرف هزاران میلیارد دلار و دست زدن به جنایات فراوان به دلیل روحیه شهادت‌طلبی در ملت عراق و به ویژه شیعیان و مرجعیت شیعه این کشور و رابطه عمیقی که بین مردم و مرجعیت وجود دارد به اهداف از پیش تعیین شده خود دست نیافتند.

امروز هم می‌بینیم عراق - این کشور مهم و استراتژیک در منطقه - از دست آنها خارج شده و توسط بیشتر مردم که شیعه هم هستند در حال اداره شدن است.

البته باید توجه داشت که هم اکنون نیز پشت صحنه ناآرامی‌ها و بمب‌گذاری‌های کشور عراق، آمریکایی‌ها هستند؛ چرا که آنان به هیچ وجه مایل نیستند که ثبات حقیقی به عراق برگردد. به اعتقاد بنده اگر این توطئه‌ها علیه هر کشوری صورت گرفته بود که آن کشور همچون عراق دارای اعتقادات مذهبی از جمله شیعی نبود، خیلی زود از پای درمی‌آمد.

لزوم ثبت جهانی پیاده‌روی اربعین

نکته مهم دیگر آن است که باید شرایطی را آماده کرد که مراسم راهپیمایی بزرگ اربعین حسینی به عنوان میراثی ارزشمند برای شیعه و ملت عراق و بلکه کل بشریت، ثبت جهانی شود؛ چرا که این میراثی است که به یقین، آیندگان به آن افتخار خواهند کرد.

بی‌شک استقامت و پایداری ملت عراق در

مقابل دشمنان خود و خارج شدن این کشور از سلطه آمریکا با وجود چندین سال جنگ و جنایت، ریشه در ایمان و باوری دارد که ما در پیاده‌روی چندین میلیون نفری اربعین که بنا بر برخی آمار گاهی حتی به بیش از ۱۷ میلیون نفر نیز می‌رسد، شاهد گوشه‌هایی از آن هستیم.

جهانیان را با امام حسین (ع) آشنا کنیم آنچه مهم و بایسته است اینکه باید اهمیت، عظمت و تأثیرگذاری فوق‌العاده این راهپیمایی را به رخ جهانیان کشید و اعتقادات این جمعیت عظیم شیعه را به طرق مختلف به ویژه از طریق ابزار رسانه به مردم دنیا توضیح داد و تبیین کرد که در عاشورای حسینی چه چیزی رخ داده که این مردم پس از گذشت ۱۴۰۰ سال از آن، همچنان آن را مهم می‌دانند و این‌گونه در اربعین شهادت امام حسین (ع) خود را به زحمت می‌اندازند تا به کربلا برسند و در عزاداری میلیونی این روز شرکت کنند.

درسی برای همه بشریت

انجام چنین رسالتی می‌تواند گرایش بزرگی را به سمت اسلام و مطالعه آن در جهان ایجاد کند؛ چرا که همانا درس و پیام عاشورا و کربلا، درس آزادی به همه انبای بشری است و این پیام، پیامی جهانی و مطابق با فطرت انسان‌ها است.

عاشورای حسینی نشان می‌دهد که هیچ بن‌بست و شکستی در اسلام وجود ندارد؛ حتی آنجایی که به ظاهر شکست هست مثل کربلا و طی آن، یاران سیدالشهدا (ع) همگی به شهادت رسیدند؛ اما پیروزی حقیقی متعلق به جبهه حق و یاران حسین (ع) بود و ذلت و شکست اصلی، نصیب یزیدپانی شد که به ظاهر پیروز جنگی نابرابر و ناجوانمردانه بودند.

ضرورت نمایش زیبایی نهضت حسینی

امروز بهترین زمان است که مردم دنیا بفهمند و عمق کلام زینب کبری (ع) را درک کنند که فرمود: «ما رأیت الا جمیلاً»؛ این زیبایی چیزی نیست جز مقاومت در مقابل کفر و تسلیم نشدن در برابر ظلم و تباهی و فساد و انحراف و آمادگی برای جان‌فشانی در راه خدا و حفظ دین و مکتب او.

خلاصه اینکه، این پیام ماندگار تاریخ و زیبایی آن را در مراسم روز اربعین به بهترین شیوه می‌توان برای مردم دنیا که تشنه نورانیت و معنویت حقیقی هستند، تبیین کرد.



نگاه فراگیر به اربعین حسینی

اربعین صرفاً سرمایه شیعیان نیست

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳

اربعین صرفاً سرمایه شیعیان نیست

باید بدانیم که اربعین فقط سرمایه اعتقادی و معنوی شیعه نیست؛ درست است که بزرگ‌ترین نمایش اعتقادی ماست که هویت مذهب و مکتب شیعه را به سایر مذاهب و ادیان نشان می‌دهیم؛ ولی فقط متعلق به ما نیست.

اربعین، گنج انسانی است که شیعه آن را پیدا کرده است و باید خمس آن را به انسانیت ادا کند؛ این حق انسان معاصر است که از چرخه‌های خشک مدرنیسم و پست مدرنیسم رنج دیده به این گنج رسیده و از آن بهره‌برداری کند و از این زلال معنوی و عرفان و جهاد و حماسه استفاده کند.

اربعین فرصتی است که همراهی با حسین (ع) در آنجا احساس می‌شود. زمانی که انسان به کربلا نزدیک می‌شود و ورودی‌های امنیتی این شهر را می‌بیند، احساس می‌کند که امام حسین (ع) خود به استقبال اشخاص آمده است؛ همگان این حق را دارند که این ظرفیت و احساس را بچشند. پیوند با انسان کامل اثر

حجت الاسلام «حمیدرضا غریب‌رضا»، رئیس مؤسسه گفت‌وگوی دینی، معتقد است که باید به اربعین حسینی از بُعد بین‌المللی به عنوان مدیریت روابط انسانی نگاه کنیم؛ آنچه در این عرصه وجود دارد، تقریب مذاهب و وحدت اسلامی و به دست آوردن تدبیر عقلانی از قرآن و سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) برای روابط اجتماعی مسلمانان با اختلافات فکری است. می‌خواهیم در کنار این اختلافات جدی، همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم که اربعین سالار شهیدان این ظرفیت را ایجاد کرده است.

متن زیر حاصل گفت‌وگوی انجام شده با این فعال فرهنگی در عرصه بین‌المللی است که خدمت‌تان ارائه می‌شود:

اجتماعی وجود دارد که این سلوک در اربعین حسینی (ع) در مسیر نجف تا کربلا، حرکت میلیون‌ها انسان‌ها برای قرب الی الله برگزار می‌شود. در این راه، این جمعیت میلیونی برای نهادینه کردن سبک زندگی جهادی و قیام لله تمرین می‌کنند؛ چرا که حرکت امام حسین (ع) الگوی شهادت‌طلبی و جهاد با مال و جان در راه خداوند است.

حرکت در این مسیر و قرار گرفتن در آن به اندازه‌ای اهمیت دارد که در گذشته نیز این حرکت با هزینه‌های مادی و جانی انجام می‌پذیرفت.

حرکت بزرگ شیعی در روز اربعین حسینی از نجف تا کربلا را می‌توان از دو منظر بررسی کرد، هویت آن و دیگری از منظر حوزه ارتباطات و بین‌الملل و تعامل بیرونی و ظرفیت‌های پیش‌رو.

اربعین حسینی بزرگ‌ترین تجمع اعتقادی در جهان و نشان‌دهنده سلوک اجتماعی میلیون‌ها انسان‌ها به سوی خدا و اولیای الهی است. گاهی انسان «چله» می‌گیرد و با اذکاری که از اولیای الهی فرا می‌گیرد به دنبال قرب الی الله است که به این کار سلوک فردی گفته می‌شود؛ در کنار این سلوک فردی، سلوک



تربیتی بزرگی دارد و می‌تواند انسان را به سوی کمال هدایت کند.

شهید مطهری درباره نقش عشق در تربیت و تهذیب نفس، بیان می‌دارد که گاهی ما کلی ابزار فلزی مانند میخ و پیچ داریم که زیر دست و پا ریخته است؛ ممکن است جمع کردن آنها ساعت‌ها به طول بینجامد؛ ولی با یک آهن‌ربا در چند ثانیه می‌توان همگی را جمع کرد؛ در مسائل اخلاقی و تربیتی نیز این‌گونه است؛ اگر انسان بخواهد به خود برسد و پاکسازی کند؛ اگر دانه به دانه این رذایل اخلاقی را از خود جدا کند، ممکن است عمری به طول بینجامد و شاید به نتیجه هم نرسد؛ ولی زمانی که عشقی در میان باشد، همه آلودگی‌ها را می‌سوزاند و در مدت کوتاهی دل را پاک می‌کند.

در اربعین حسینی و پیاده‌روی از نجف تا کربلا، انسان گام به گام در مسیر بلوغ قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که احساس می‌کند از کودکی به سمت دوران بلوغ و پختگی حرکت می‌کند. مسیری که در اربعین حسینی تا کربلا طی می‌کنیم در صورتی که با معرفت باشد و به امام و نقشی که امام می‌تواند در پاک کردن شخص و جامعه ایفا کند، اعتقاد داشته باشیم، به پاکی می‌رسیم.

این احساس برای همه انسان‌ها با هر دین و مذهبی قابل فهم می‌باشد؛ چرا که دارای پیام فرادینی و فرامذهبی است. همین که اشخاص دل به این مسیر بسپارند و مقصد اصلی را در نظر داشته باشند، این طهارت را

خیابان

شماره ۱۱/ آذر ۹۳



شهید مطهری درباره نقش عشق در تربیت و تهذیب نفس، بیان می‌دارد که گاهی ما کلی ابزار فلزی مانند میخ و پیچ داریم که زیر دست و پا ریخته است؛ ممکن است جمع کردن آنها ساعت‌ها به طول بینجامد؛ ولی با یک آهن‌ربا در چند ثانیه می‌توان همگی را جمع کرد؛ در مسائل اخلاقی و تربیتی نیز این‌گونه است؛ اگر انسان بخواهد به خود برسد و پاکسازی کند؛ اگر دانه به دانه این رذایل اخلاقی را از خود جدا کند، ممکن است عمری به طول بینجامد و شاید به نتیجه هم نرسد؛ ولی زمانی که عشقی در میان باشد، همه آلودگی‌ها را می‌سوزاند و در مدت کوتاهی دل را پاک می‌کند

دریافت می‌کنند.

اگر بتوانیم به دنیا نشان دهیم که این مسیر، منبع چه تأثراتی برای تحولات جهانی است و امام حسین (علیه السلام) چه الگوهایی برای آنها دارد، ظرفیت بزرگی را پیش‌روی خود، برای اثبات حقانیت تشیع و نشر معارف ناب اهل بیت (علیهم السلام) خواهیم داشت.

با این سرمایه چگونه تعامل کنیم؟

وقتی کسی در بازار سرمایه‌ای دارد، باید آن را به کار تبدیل کرده و با تدبیر و بهره‌بهینه، سود چند برابر به دست آورد؛ در چنین سرمایه‌گذاری‌هایی به تدبیر انسانی نیاز است. در سرمایه‌های معنوی، بُعد انسانی، برنامه‌ریزی و تلاش نیاز است؛ چرا که مقدمه کار است؛ ولی بعد از عبور از این مقدمات، باید خود را به اصل سرمایه رساند.

در مسیر کربلا نیز این‌گونه است؛ پس از اینکه از مقدمات انسانی عبور کردیم، باید خود را به دامن امام حسین (علیه السلام) متصل کنیم تا به رشد برسیم؛ زمانی که انسان به امام حسین (علیه السلام) می‌رسد، این سرمایه است که او را مدیریت می‌کند. درست است که در ابتدای راه مقداری مدیریت و تدبیر انسانی نیاز است؛ ولی اینها مقدمه است که به اصل سرمایه دست یابیم. زمانی که انسان به معنای واقعی انسان باشد و در دل خود طهارت ایجاد کند به امام حسین (علیه السلام) وصل می‌شود.

فراهم کردن مقدمات

باید به اربعین حسینی از بُعد بین‌المللی به عنوان مدیریت روابط انسانی نگاه کنیم؛ آنچه در این عرصه وجود دارد، تقریب مذاهب و وحدت اسلامی و به دست آوردن تدبیر عقلانی از قرآن و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و برای روابط اجتماعی مسلمانان با اختلافات فکری است. می‌خواهیم در کنار این اختلافات جدی، همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم.

یکی از ابعاد روابط انسانی، ارتباط اجتماعی شیعیان با پیروان مذهب خودمان است. هویت‌هایی داریم که در هم تنیده شده و هویت اجتماعی را تشکیل می‌دهند. ما در ابعاد مختلف دارای هویت هستیم به این معنی که هر شخص دارای هویت انسانی است که در داخل این هویت انسانی، هویت دینی قرار دارد در داخل این هویت دینی نیز هویت مذهبی و در داخل این هویت مذهبی هویت شیعی قرار دارد. باید درون این هویت مذهبی با پیروان مذهب خود روابط درستی داشته باشیم، اختلافات فکری خود را در عرصه اجتماعی نکشانیم و آنها را مدیریت

کنیم؛ اربعین حسینی چنین فرصتی فراهم آورده تا به وحدت مذهبی دست یابیم.

درست است که با کشور عراق در هشت سال دفاع مقدس با حاکمیت رژیم بعث در جنگ بودیم که در این جنگ خون‌ها ریخته و جنایت‌ها انجام شد و در سایه آن، زنانی بیوه و فرزندان یتیم شدند؛ هر چند در موضع دفاع بودیم و برای جنگ خود دلیل شرعی داشتیم و بسیاری از مردم عراق نیز این مسئله را می‌دانستند تا جایی که بسیاری به دلیل خودداری از شرکت در این جنگ کشته یا فراری شدند؛ ولی آثار آن همچنان وجود دارد و چه بخواهیم و چه نخواهیم، رسوبات این ماجرا تا امروز نیز وجود دارد؛ به گونه‌ای که برخی از مردم دو کشور نگاه مثبتی به یکدیگر ندارند و امروز در عراق جنگ عرب و عجم و شیعه و سنی را تبلیغ می‌کنند.

خاطره‌ای از ظرفیت اربعین حسینی برای نزدیکی گفتمان اعتقادی

زمانی که زائران سیدالشهدا (علیه السلام) در مسیر پیاده‌روی نجف تا کربلا قرار می‌گرفتند، شیعیان عراق می‌آمدند و زائران امام حسین (علیه السلام) را ماساژ می‌دادند تا خستگی راه از تن آنها برطرف شود؛ وقتی آنها مشغول ماساژ ایرانیان بودند، یکی از آنها گفت که اینها ایرانی هستند که پدر تو را کشته‌اند، او نیز در جواب گفت: اشکالی ندارد، اینها زائر امام حسین (علیه السلام) هستند. امام حسین (علیه السلام) الفت و نزدیکی قلوب را فراهم آورده است.

شب دوم که در مسیر پیاده‌روی بودیم، آخر وقت، به یکی از موکب‌ها رفتیم؛ با توجه به اینکه دیر به آنجا رسیدیم، فضای خالی و امکاناتی چون پتو و محل استراحت مناسب وجود نداشت، پتوی نمناکی باقی مانده بود که به دلیل وجود نم و سردی هوا، نتوانستیم بخوابیم.

در همین وضعیت چند نفر با فاصله ۲۰ متر از من مشغول بحث و گفت‌وگو بودند. یکی از آنها جوان ایرانی بود که به همراه دوستش که عرب و خوزستانی بود؛ در حال پاسخ دادن به سؤالات آنها درباره ایران و مردم این کشور بودند؛ در مقابل آنها نیز چند جوان به همراه دو پیرمرد عراقی نشسته بودند که یکی از آنها پای خود را در جنگ تحمیلی از دست داده بود. بحث پیرامون این مسئله بود که چرا شما پول مردم عراق را گرفته‌اید و ماشین‌های خراب ایرانی را داده‌اید و... من هم که خواب نمی‌برد به جمع آنها ملحق شدم؛ البته در این مسیر از این گفت‌وگوها که به صورت خودجوش شکل می‌گرفت، فراوان دیده می‌شد.

بازبان عربی درباره مؤسسه و فعالیت‌های آن





میزگردی با حضور زائران از نقاط مختلف جهان

هرچه مادر این مسیر دیدیم زیباتر بود

«چرا شبیه‌های غربی از امام حسین (ع) چیزی نمی‌گویند؟ چیزی از تجمع بزرگ شیعیان در اربعین حسینی که در تاریخ و جهان بی‌نظیر است، مطرح نمی‌کنند؟ چرا در کتاب گینس که بسیاری از کم‌ارزش‌ترین مسائل را در آن ثبت کرده‌اند، این حرکت ثبت نشده است؟ آنها می‌خواهند نام امام حسین (ع) برای مردم شناخته نشود؛ چرا که اگر این پرچم برافراشته شود، مردم می‌فهمند که باید به کدام جهت حرکت کنند».

«اگر ما اجرای قیام امام حسین (ع) را بدون نام «حسین» برای اشخاص بازگو کنیم، همانجا که قصه تمام می‌شود، اشخاص مجذوب او می‌شوند؛ مردم دوست دارند چنین شخصیتی را الگوی خود قرار دهد».

«هر چه در این مسیر دیدیم زیباتر بود؛ به ویژه زمانی که انسان می‌داند، دارد به مقصد می‌رسد در هر قدمی که بر می‌دارد، احساس می‌کند که در حال بال و پرواز و پرواز کردن است».

«به یاد دارم که شخصی برای دعوت زائران به موكب خود و خدمت‌رسانی به آنها گریه می‌کرد. شخص دیگری بود که کودکان خود را در مسیر جاده خوابانده بود تا مردم به خیمه آنها بروند و می‌گفت که ما را از خدمت خود محروم نسازید».

چنین سخنانی از زبان بسیاری از اشخاص که در اربعین حسینی در حرکت پیاده‌روی نجف تا کربلا شرکت کرده‌اند، شنیده می‌شود؛ مسیری نزدیک به ۱۰۰ کیلومتر که قدم به قدم آن به مادرش معرفت و ایثار می‌دهد و هر کسی درباره احساساتش می‌پرسیدیم، می‌گفت که تا انسان نیاید در این مسیر قرار نگیرد، نمی‌تواند احساس ما را درک کند!

در این میان پای سخنان جمعی از زائران غیر ایرانی نشستیم و نظرات آنها را در این باره جویا شدیم: حسین خان، (ایگارات جای یونگسای)؛ دانشجوی کارشناسی ارشد از تایلند، علی حیدر حسین (تئومان اورال یولدیز) دانشجوی کارشناسی ارشد از ترکیه، فضل‌الدین یوسف پور، طلبه تاجیکستانی و سید شفیع حیدر رضوی، طلبه هندی جامعه المصطفی و از شعرای اردو زبان. نظر شمارا به این گفت‌وگوی صمیمی و خواندنی دعوت می‌کنیم:

توضیحاتی دادم و در ادامه صحبت‌های مان به مردم ایران و عراق و روحیات آنان و خاطرات آنان از ایران و ... پرداختیم. در بحث و گفت‌وگو با آنها مسائلی را باز و نقش ایران در حمایت از عراق را برای آنها تبیین کردیم؛ همچنین درباره محبت مردم ایران به شیعیان در سراسر جهان و پیرامون شبهات اعتقادی و جراتان سیاسی و اجتماعی عراق و ... سخن گفتیم؛ هر چه مباحث بیشتر می‌شدند ما نیز به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شدیم و گویی دیگر انتقادی وجود نداشت. صحبت‌های مان دو ساعتی طول کشید که در پایان چند پتو برای مان آوردند. فضا به گونه‌ای تغییر یافت که کسی که پای خود را در جنگ ایران و عراق از دست داده بود با ما دوست شد.

شیعیان عراق در ایام اربعین به دو دسته تقسیم می‌شوند عده‌ای تا کربلا پیاده‌روی و عده‌ای از زائران ابا عبدالله (ع) پذیرایی می‌کنند.

بخشی از فعالیت‌مان در این عرصه، آگاهی از ذهنیت مردم عراق نسبت به ایرانی‌هاست. باید بدانیم که ذهنیت مثبت و منفی ملت عراق نسبت به ملت ایران چیست؟ اگر برنامه‌ای برای چند میلیون ایرانی که در این ایام به عراق می‌روند، نداشته باشیم و آنها را به صورت خودجوش رها کنیم به اهداف خود دست نخواهیم یافت. باید از بستری که دین، مذهب تشیع، حرکت عاشورایی امام حسین (ع) و قداست عاشورا ایجاد کرده است، استفاده کنیم و دست ایرانی و عراقی را در دست یکدیگر بگذاریم و با یکدیگر تعامل کنیم.

در میسر نجف تا کربلا، دعوتی که عراقی‌ها به صورت خالصانه از ایرانی‌ها دارند، بسیاری از ذهنیت‌های بد ایرانی‌ها نسبت به مردم عراق را از بین می‌برد؛ همان‌طور که آنها از ما پذیرایی می‌کنند، ما نیز باید پذیرایی فکری و معرفتی و ابراز مودت خود را از آنها داشته باشیم.

علاوه بر شناخت ذهنیت‌ها میان دو ملت و اصلاح ذهنیت‌های نادرست، باید پاسخ سؤالاتی را که در ذهن ایرانی‌ها و عراقی‌ها وجود دارد، بدهیم و برای گفت‌وگوی واقعی قلب به قلب، اندیشه به اندیشه و چهره به چهره برنامه‌ریزی داشته باشیم.

ما از یک سو حرج را داریم که با همه مسلمانان ارتباط دارد و شاهراه تعامل مسلمین جهان را ایجاد کرده است و از سویی اربعین حسینی (ع) را داریم که شاهراه تعامل با ملیت‌های مختلف شیعه است و باید در این حرکت که در آن با جهان تشیع روبه‌رو هستیم برنامه‌ریزی داشته باشیم.

چطور شد در این حرکت بزرگ شیعی شرکت کردید؟

علی حیدر حسین:

بنده تاکنون چهار مرتبه در پیاده روی اربعین از نجف تا کربلا شرکت کردم که سه مرتبه از آن از طریق دفتر حضرت آیت الله حکیم بود. با توجه به اینکه در خانواده ای شیعی تربیت یافته ام، درباره اهل بیت (علیهم السلام) و جایگاه آنها اطلاعات فراوانی داشتم و آرزوی همیشگی من زیارت قبور مطهر آنها بود. سال اولی که به ایران آمدم و در دوره تمهید جامع المصطفی شرکت داشتم؛ شنیدم که کاروانی از طلاب غیر ایرانی به کربلا می رود که به دلیل عدم اطلاع به موقع از این حرکت، متأسفانه نتوانستیم ثبت نام کنیم؛ این مسئله برای من بسیار ناراحت کننده بود.

پس از آن در ایام اربعین، شنیدم که کاروانی به سمت کربلا حرکت می کند با تعدادی از دوستان خود در آن نام نویسی کردم و برای نخستین بار توانستم به زیارت قبر سیدالشهدا (علیه السلام) و عتبات عالیات عراق مشرف شوم. سال بعد در مجتمع آموزش عالی فقه (حجتیه) از مراکز وابسته به جامع المصطفی مشغول تحصیل شدم در همان سال اول حضور، شنیدم در ایام اربعین حسینی جمعی از طلاب غیر ایرانی را از سوی دفتر حضرت آیت الله حکیم به کربلا اعزام می کنند؛ بلافاصله در این کاروان نام نویسی کرده و به عتبات اعزام شدم و با عنایت حضرت توانستم با این کاروان مسیر نجف تا کربلا را پیاده طی کنم.

راه نزدیک به ۱۰۰ کیلومتری شما را خسته نکرد؟

علی حیدر حسین:



شماره ۱۱/ آذر ۹۳

من اولین کسی بودم که از خانواده خود در این پیاده روی شرکت کرده بودم؛ وقتی در جمع آنها درباره فضای معنوی ای که در آن حاکم بود صحبت می کردم، پدرم فکر می کرد، مبالغه می کنم. سال بعد از آن، که خودش در روز اربعین به کربلا مشرف شد به من گفت که وقتی ماجراهایی که از پیاده روی برای ما تعریف می کردی، فکر می کردم، مبالغه می کنی؛ ولی وقتی خودم در این سفر همراه زائران بودم، متوجه شدم که آنچه تو به ما گفته بودی، نیمی از واقعیت ها هم نبود

به نظر من که این ۱۰۰ کیلومتر کم است؛ اگر این مسیر هزار کیلومتر هم بود باز هم این راه را با علاقه و اشتیاق طی می کردم. هر شیعه ای آرزو دارد به گونه ای علاقه و ارادت خود را به ساحت مقدس اهل بیت (علیهم السلام) نشان دهد، از این رو، هر چند این راه طولانی تر و مشقت آن زیاد باشد، باز هم این راه توسط محبان آل الله پیموده خواهد شد. تاریخ ثبت کرده است که در گذشته، شیعیان برای زیارت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) دست و پای خود را می دادند، بر اساس این، چنین پیاده روی هایی کار زیاد سختی نیست.

فضل الدین یوسف پور:

من در خانواده ای به دنیا آمدم که سنی مذهب بودند از نوجوانی با مطالعه کتاب شیعیان به این مکتب علاقه مند شدم و در حال حاضر ده سالی است که شیعه شدم و هفت سال در جامع المصطفی مشغول تحصیل علوم اسلام ناب محمدی هستم.

چطور درباره پیاده روی بزرگ شیعیان در روز اربعین با خبر شدید؟

فضل الدین یوسف پور:

از کاروان هایی که به زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) رفته و مسیر نجف تا کربلا را پیاده طی کرده بودند، درباره این حرکت می پرسیدم که توضیحات آنها مرا در فضای معنوی این حرکت قرار می داد؛ همین مسئله مرا علاقه مند کرد تا در این پیاده روی شرکت کنم.

اولین حضور من در این حرکت بزرگ، سه سال پیش از سوی دفتر حضرت آیت الله حکیم انجام شد؛ الحمد لله با این کاروان به عتبات عالیات اعزام شدم و توانستم این حرکت بزرگ معنوی را درک کنم. در سال گذشته با توجه به سفر تبلیغی که به کشور روسیه داشتم از این حضور بی بهره بودم؛ ولی امسال توانستم مجدداً در این حرکت حضور یابم.

حسین خان:

من نیز تا ۱۷ سالگی از اهل سنت بودم و بعد از آن به مذهب تشیع مشرف شدم. در اوایل تشرف یافتنم به مذهب تشیع، اطلاعات چندانی نسبت به امام حسین (علیه السلام) نداشتم؛ ولی نام شان را بسیار شنیده بودم. در تایلند اشخاص دارای اسم رسمی و اسم غیر رسمی بر اساس دین و مذهب شان هستند از ابتدا اسم من حسین بود و همین مسئله علاقه مرا به این امام همام دوچندان می کرد.

در تایلند امام حسین (علیه السلام) چه جایگاهی دارد؟

حسین خان:

زمانی که من سنی بودم، دیدم که میان شیعه و سنی تفاوت های بسیاری وجود ندارد؛ حتی قبل از نفوذ وهابیت به تایلند در ایام محرم در مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) شرکت می کردیم و در این آیین ها شاهد بودم که پدر و پدر بزرگم در سوگ ایشان اشک می ریزند. بعد از آن شیعه شدم و به ایران آمدم. علاقه بسیاری برای حضور در کربلا داشتم، دعا می کردم؛ ولی این دعا خیلی از ته دلم نبود. یکی از عادت های بد من این بود که تا زبان کشوری را نمی دانستم، علاقه چندانی برای حضور در آنجا نداشتم، از این رو به دنبال این بودم که ابتدا زبان عربی را بیاموزم و بعد به کربلا بروم.

هنوز زبان عربی را فرا نگرفته بودم که شنیدم از سوی دفتر حضرت آیت الله حکیم جمعی از طلاب غیر ایرانی را به کربلا اعزام می کردند در آن زمان، مدیر مدرسه با من تماس گرفت و گفت که اسم شما برای کربلا انتخاب شده است، بسیار خوشحال شدم؛ ولی زمانی که به دفتر مدیر مراجعه کردم، دیدم که اشتباهی رخ داده بود و اسم من جزو اسامی انتخاب شده نبود. این مسئله موجب شد که قلبم جریحه دار شود. در خلوت خود به امام حسین (علیه السلام) گفتم: «درست است که من خیلی دعا نمی کردم؛ ولی چرا با من این گونه رفتار می کنید؟» پس از آن به مدت یک سال دعای هر شب من «اللهم ارزقنا کربلا» بود تا اینکه سال بعد، زمانی که با یکی از دوستانم در دانشگاه قم حضور داشتم از مدرسه تماس گرفتند و خبر انتخابم برای اعزام به کربلا را به من دادند. بسیار خوشحال شدم که امام حسین (علیه السلام) مرا دعوت کرد و به من آموخت که باید عادت های بد را کنار بگذارم. در همان سال به کربلا مشرف شدم و با توجه به عنایت حضرت، سه سال بعد از آن را نیز به صورت مستمر در پیاده روی نجف تا کربلا حضور داشتم.

این علاقه برای حضور هر ساله در این پیاده روی به چه دلیل است؟

حسین خان:

دفعه اول که به کربلا رفتم، برای من کافی نبود. در کشور عراق ایام اربعین و نیمه شعبان مسیر نجف تا کربلا را پیاده روی می کنند. من در هر دو مناسبت در مراسم پیاده روی شرکت داشتم؛ ولی این مراسم در اربعین حسینی با حال و هوای خاصی انجام می شود. سید شفیع حیدر رضوی؛ دو سال قبل، بعد از سال ها عشق و علاقه، زیارت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)، توانستم در این سفر معنوی شرکت کنم. با توجه به اینکه از ابتدا شیعه بودم از کودکی علاقه بسیاری به اباعبدالله (علیه السلام)



زائران به موکب داران گفته بود که شما چیپس دارید؟ گفته بود نه! که بلافاصله ماشین را به خادمش داد و گفت که برو و از چند کیلومتر عقب تر از یکی از مغازه ها چیپس بیاور و به این آقا بده. تا انسان در این پیاده روی شرکت نکند، هر چه هم برای او گفته شود، نمی تواند درک درستی از این مسئله به اشخاص داد.

من اولین کسی بودم که از خانواده خود در این پیاده روی شرکت کرده بودم؛ وقتی در جمع آنها درباره فضای معنوی ای که در آن حاکم بود صحبت می کردم، پدرم فکر می کرد، مبالغه می کنم. سال بعد از آن، که خودش در روز اربعین به کربلا مشرف شد به من گفت

در این مسئله فقط می توان یک جمله گفت، جمله ای که حضرت زینب علیها السلام آن را به یزید بیان داشتند و گفتند که «ما رأیت الا جمیل»؛ الحمد لله هر چه در این مسیر دیدیم زیبایی بود. به ویژه زمانی که انسان می داند دارد به مقصد می رسد؛ در هر قدمی که برمی دارد، احساس می کند که در حال بال درآورد و پرواز کردن است.

مردم عراق نیز که ارادت خاصی به زائران اباعبدالله علیه السلام داشتند و به آنها می گفتند: «حلب الزوار»؛ این جمله هنوز هم در گوش من شنیده می شود. انسان نگاه می کند که ما چیزی و کسی نبودیم؛ ولی آقا توفیق داده و از کرم خود، ما را در این مسیر قرار داده است.

زمانی که خدمات گسترده مردم به زائران اباعبدالله علیه السلام را می دیدم با خود می گفتم که اینها چه کسانی هستند که این گونه خدمت می کنند، گویی از اهل زمین نیستند؟! هر جا که کسی بانی کار خیری می شود، ممکن است دچار غروری شود و خود را کسی بداند؛ ولی در وجود اینها با این همه خدمت رسانی، هیچ احساسی غیر از خدمت نبود؛ مانند عبدی در برابر انسان زانو می زدند.

در مسیر پیرمردی بود که با کهولت سن با افتخار پای زائران را ماساژ می داد. در راه، یکی از

داشتم؛ من نخستین فرد در خانواده خود بودم که به سفر عتبات عالیات مشرف شدم. بنده پیش از پیاده روی اربعین حسینی به کربلا رفته بودم؛ ولی حضور امسال من در این مراسم معنوی و بزرگ، توفیقی بود که گویی خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام کارهایم را برای این حضور فراهم کرده بود؛ چرا که در ابتدا به دلیل برخی مشکلات، نتوانستم در موعد مقرر در این سفر نام نویسی کنم که بعد از پی گیری های فراوان، توانستم مسئولان مربوطه را راضی به نوشتن نامم کنم؛ بعد از آن، مشکل دیگری پیدا شد و آن اتمام زمان اقامت من بود. از زمانی که این مشکلات در مسیر سفر من به کربلا به وجود آمد، به مدت ۱۱۰ شب بعد از هر نمازی، «اللهم الرزقنا زیارت الحسین» را همواره می خواندم و در این راستا به حضرت زهرا علیها السلام متوسل می شدم. مسئولان کاروان همواره به من می گفتند که مشخص نیست که بتوانی در سفر امسال شرکت کنی که سرانجام یک روز مانده به حرکت کاروان، اعلام کردند که شما هم می توانید شرکت کنید.

در مسیر که قرار داشتید، چه احساسی داشتید، خستگی بر شما حاکم شده بود یا نه؟
علی حیدر حسین:

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



ما به این سفر نرفتیم؛ بلکه ما را بردند! اگر قرار بود که خودمان باشیم، نمی توانستیم این مسیر را طی کنیم. یکی از دوستان که احساس خستگی می کرد؛ وقتی از توانایی او از ادامه مسیر پرسیدم، گفت که «من خودم نمی روم، مرا دارند می برند»

که وقتی ماجراهایی که از پیاده روی برای ما تعریف می کردی، فکر می کردم، مبالغه می کنی؛ ولی وقتی خودم در این سفر همراه زائران بودم، متوجه شدم که آنچه توبه ما گفته بودی، نیمی از واقعیت ها هم نبود.

فضایی که در این حرکت حاکم است با گفتن، تمام نمی شود؛ وقتی انسان به حرم امام حسین (علیه السلام) نزدیک می شود و گنبد سیدالشهدا (علیه السلام) در مقابل چشمان او نمایان می شود، دل آدم می لرزد و انسان می خواهد پرواز کند.

به نکته خوبی اشاره کردید، شما که نزدیک به صد کیلومتر راه رفته بودید و پاهای تان تاول زده بود و سختی ها را تحمل کرده بودید، آن چند کیلومتر پایانی به ویژه زمانی که گنبد حرم حضرت دیده شد، چه احساسی داشتید که امروز در حین بیان آن بغض گلوئی تان را گرفت؟

علی حیدر حسین:
با توجه به مسائل امنیتی که برای طلاب غیر ایرانی در نظر گرفته بودند، ما را از مسیری بردند که در ابتدای ورود به کربلا، حرم اباعبدالله (علیه السلام) را مشاهده کردیم؛ وقتی که نزدیک بارگاه شدیم، می دانستیم که به معشوق نزدیک می شویم، از این رو همه خستگی ها از تن مان بیرون شد. در حالات علی بن مهزیار، نقل شده است که وی ۲۰ بار به امید زیارت امام زمان (عج) به سفر حج رفت که بعد از سفر بیستم که به محضر امام زمان (عج) مشرف شد، گفت که وقتی چشمم به خیمه امام افتاد، همه خستگی ۲۰ ساله به یکباره از تنم رفت.

ما نیز همین طور بودیم؛ درست است مشقت بسیاری در راه کشیدیم؛ ولی وقتی که به اباعبدالله (علیه السلام) رسیدیم، دیگر خستگی بر تن نمی ماند و گویی در امکانات کامل و در رفاه سفر کرده بودیم.

خیاما

شماره: ۱۱ / آذر ۹۳



هر موقع که خسته می شدید و می خواستیم استراحت کنیم، می دیدیم که پیرومردها، پیرزن ها و کودکان مسیر را ادامه می دهند از خود خجالت می کشیدیم. شرایط و فضای معنوی حاکم در اربعین حسینی چیزی نیست که بتوان آن را با زبان گفت. آنجا همه به فکر اهل بیت (علیهم السلام) بودیم که با شکنجه این راه را رفتند

حسین خان:

معتقدم ما به این سفر نرفتیم؛ بلکه ما را بردند! اگر قرار بود که خودمان باشیم، نمی توانستیم این مسیر را طی کنیم. یکی از دوستان که احساس خستگی می کرد؛ وقتی از توانایی او از ادامه مسیر پرسیدم، گفت که «من خودم نمی روم، مرا دارند می برند».

دوری یا نزدیکی برای شیعیان هیچ معنایی ندارد؛ دوستانی داریم که به مرز می آیند؛ ولی نمی گذارند وارد خاک عراق شوند؛ وقتی از آنها می پرسیم که چه احساسی دارند، می گویند که از همین فاصله نیز حضور امام معصوم (علیه السلام) را احساس می کنیم!

ما هر لحظه احساس می کردیم که گنبد سیدالشهدا (علیه السلام) در پیش روی ماست. هر چند زمانی که انسان نزدیک حرم امام حسین (علیه السلام) می شود، شور و عشق بسیاری در دلش ایجاد می شود.

فضل الدین یوسف پور:

در لحظه نزدیک شدن به حرم، همه فقط به فکر امام حسین (علیه السلام) بودند و با سرعت بیشتری راه می رفتند، در آن لحظه، بسیاری از کاروان های شان جدا شده و شبانه خود را به حرم سیدالشهدا (علیه السلام) رساندند. هر چند در دو سه کیلومتری کربلا، پذیرایی های مختلفی وجود داشت و کیفیت و کمیت این پذیرایی ها نیز نسبت به دیگر جاهای مسیر پیاده روی بهتر و بیشتر بود؛ ولی کمتر کسی به آنها توجه داشت، فکر همه در آن لحظه رسیدن به حرم سیدالشهدا (علیه السلام) بود.

در چند کیلومتر باقی مانده، درست است که خستگی بر انسان تأثیر بسیاری دارد و پاها دیگر توان راه رفتن ندارد؛ ولی همین که احساس می کردیم به حرم سیدالشهدا نزدیک می شویم، جان تازه ای به ما دست می داد.

سید شفیع حیدر رضوی:

هر موقع که خسته می شدیم و می خواستیم استراحت کنیم، می دیدیم که پیرومردها، پیرزن ها و کودکان مسیر را ادامه می دهند از خود خجالت می کشیدیم. شرایط و فضای معنوی حاکم در اربعین حسینی چیزی نیست که بتوان آن را با زبان گفت. آنجا همه به فکر اهل بیت (علیهم السلام) بودیم که با شکنجه این راه را رفتند و ... همه مسیر از نجف تا کربلا برای ما روضه امام حسین (علیه السلام) بود.

دکتر نازرائان، اشخاص با زبان ها و

ملیت های مختلفی دیده می شدند، به نظر شما ملیت در این مسیر معنایی دارد؟ می خواهیم نگاهی بین المللی به این حرکت

داشته باشیم؛ چرا که بزرگ ترین راهپیمایی تاریخ و جهان در روز اربعین رقم می خورد، به ویژه اربعین امسال که پرجمعیت ترین راهپیمایی بود؛ این حرکت قدرت نمایی شیعه در مجامع عمومی بود، هر چند در رسانه ها کمتر به آن توجه شد. به نظر شما آیا ملیت در این عرصه مهم بود یا هویت دیگری برای اشخاص مطرح بود؟

سید شفیع حیدر رضوی:

نگاهی که ما به اشخاص مختلف داشتیم، فقط زائر امام حسین (علیه السلام) بود از این رو در این سفر همه با هم صمیمی بودند و هدف همگی رسیدن به خدمت محبوب شان بود. جمله ای همواره در این مسیر دیده می شد که «حب الحسین هویتنا و خدمت زواره شرف لنا». هویت در این عرصه بر مبنای امام حسین (علیه السلام) شکل می گرفت.

فضل الدین یوسف پور:

در این عرصه همه با هر ملیتی در کنار هم بودند و در کنار هم غذا می خوردند. هیچ تفاوتی میان آنها نبود.

علی حیدر حسین:

وقتی که ما هنوز در مسیر نجف تا کربلا قرار نگرفته ایم، هر کس دارای ملیت و زبان خود بود؛ ولی زمانی که در مسیر حرکت کردیم، همگی زیر پرچم اباعبدالله (علیه السلام) قرار گرفتیم. در این مسیر همه زائر امام حسین (علیه السلام) می شوند و دیگر تفاوتی وجود ندارد که موجب تفاوت نگاه ها شود؛ در این مسیر، ایرانی، عراقی، ترکیه ای و ... معنایی ندارد.

حسین خان:

ما در این مسیر مانند آبی بودیم که داشتیم به چشمه ای که از آن به وجود آمده بودیم، بازمی گشتیم؛ در روایات از امام معصوم (علیه السلام) آمده است که «شیعتنا خلق من تینتنا»؛ شیعیان ما از باقیمانده خاک ما آفریده شدند. نگاه اشخاص در این مسیر این گونه بود. می دانیم در هشت سال جنگ میان ایران و عراق، بسیاری در این میان کشته شده بودند؛ ولی در این مسیر، چیزی نسبت به این مسئله دیده نمی شد. آنجا امام حسین (علیه السلام) مطرح است و همه زیر پرچم او قرار دارند؛ هر چند که هشت سال با یکدیگر جنگیده باشند.

اینکه دومت که در گذشته بایکدیگر

جنگیده اند، این گونه با هم یکی می شوند؛ اینکه بیش از چهل ملیت یا بیشتر، همگی در کنار هم راه می روند و هویت دیگری بر آنها قالب می شود؛ اگر به این مسئله نگاه



بین المللی به عنوان امت واحد داشته باشیم، اربعین چه کمکی می تواند در این عرصه داشته باشد؟
حسین خان:

اگر بخواهیم امتی واحد شکل گیرد باید یک پرچم بلند شود که همه مذاهب را شامل شود؛ اگر بخواهیم قصه امام حسین (ع) را برای جهانیان بگوییم. غیر از وهابیت که مغرض است. اگر این پرچم را علم کنیم، نه فقط شیعیان و مسلمانان، بلکه مسیحیان و سایر ادیان و مذاهب نیز با ما همراه می شوند؛ چراکه امام حسین (ع) در سراسر جهان نماد آزادی خواهی است.

علی حیدر حسین:

در سخنان و نوشته های اکثر رؤسای انقلاب ها بیان شده است که از امام حسین (ع) عبرت و درسی گرفته اند؛ مانند گاندی که وقتی از او درباره انقلاب هند می پرسند، می گوید که امام حسین (ع) و حرکت او را الگوی خود قرار داده است؛ وقتی گفته می شود که شما که مسلمان نیستند و او را الگوی خود قرار داده اید؟! می گوید که آزادی خواهی مربوط به مسلمان و غیر مسلمان نیست؛ بلکه برای همه مردم است، از این رو امام حسین (ع) برای همه است. زمانی که پرچم امام حسین (ع) برافراشته شود، خود به خود دیگر پرچم ها پایین می آیند.

حسین خان:

ما باید ببینیم که چرا شبکه های غربی از امام حسین (ع) چیزی نمی گویند؟ چیزی از این تجمع بزرگ که در تاریخ و جهان بی نظیر است، مطرح نمی کنند؟ چرا در کتاب گینس که بسیاری از کم ارزش ترین مسائل را در آن ثبت کرده اند، این حرکت ثبت نشده است؟ آنها می خواهند نام امام حسین (ع) برای مردم شناخته نشود؛ چرا که اگر این پرچم برافراشته شود، مردم می فهمند که باید به کدام جهت حرکت کنند.

زمانی که حضرت ولی عصر (عج) ظهور می کنند، فقط ۳۱۳ نفر یار ندارند؛ بلکه همگان بر زیر پرچم ایشان هستند؛ چراکه این امام همام ادامه دهنده راه امام حسین (ع) است. مردمی که می بینند حکومت مهدی (عج) بر آزادی و عدالت و صلح و صمیمیت است بر اساس فطرت خود به سوی او جذب می شوند.

در این مسیر از مذاهب اسلامی و ادیان دیگر نیز حضور داشتند؟
فضل الدین یوسف پور:

بله. در پیاده روی اربعین علاوه بر شیعیان و اهل سنت، مسیحیان و دیگر ادیان نیز حضور داشتند. مذاهب اربعه اهل سنت نیز امام حسین (ع) و ظلمی که به او روا شده را قبول دارند، از این رو هر ساله بر تعداد این جمعیت افزوده می شود.

حضور که از اهل سنت در پیاده روی اربعین دیده می شود به دلیل اشتراکات زیاد معرفتی میان اهل سنت و شیعیان است؛ ولی حضور مسیحیان در مسیر نجف تا کربلا را چگونه می توان تعریف کرد؟

فضل الدین یوسف پور:

امام حسین (ع) چهره آزادی خواهی است. ادیان دیگر نیز می دانند که امام حسین (ع) در مسیر آزادی و مبارزه با ظلم حرکت کرد و از جان و خانواده خود در این راه گذشت. از این رو ایشان برای آنها دارای احترام است. اهل بیت (ع) دارای الگوی کاملی برای انسان ها هستند که رفتارهای آنها همسو با فطرت انسان هاست. همین موجب می شود که از ادیان دیگر نیز اشخاصی از آنها الگو بگیرند. یکی از اندیشمندان مسیحی، کتابی درباره عدالت امام علی (ع) نوشته که نشان دهنده جایگاه اهل بیت (ع) در جهان است.

حسین خان:

اگر ماجرای قیام امام حسین (ع) را بدون نام «حسین» برای اشخاص بازگو کنیم، همانجا که قصه تمام می شود، اشخاص مجذوب او می شوند و شخص دوست دارد چنین شخصیتی را الگوی خود قرار دهد. همه مردم، انسان های برتر را الگوی خود قرار می دهند که از فطرت انسانی نشأت می گیرد؛ اگر کسی قصه امام حسین (ع) را بشنود و گریه نکند و محبت او در دل او ایجاد نشود، انسان نیست.

علی حیدر حسین:

شیخ بهلول که زمان شاه به افغانستان تبعید شد، معتقد است که در آنجا کتاب شعری به نام «خواهر و برادر» در هزار بیت مطالعه کردم که این کتاب در همه خانه ها وجود داشت. این کتاب منعکس کننده ماجرای زندگی یک پهلوان با خواهرش بود. وی می گوید که من هم کتاب شعری با هزار بیت با همان موضوع نوشتم؛ ولی داستان من درباره امام حسین (ع) و حضرت زینب (ع) بود. هر چند نامی از این دو در این کتاب دیده نمی شد؛ ولی زمانی که این کتاب چاپ شد، مردم شیفته آن شدند و آن را جایگزین کتاب قدیمی خواهر و برادر کردند.

سید شفیع حیدر رضوی:

امام حسین (ع) برای همه جوامع، شخصیت مرکزی است؛ در هند فرقه ای نیست که برای امام حسین (ع) ارزش بالایی قایل نباشد؛ حتی هندوها نیز با حضور در جمع عزاداران به سوگواری می پردازند. کسی که اولاد ندارد، بیمار جواب شده یا مشکلات فراوان دارد با نذر کردن برای امام حسین (ع)، حاجت خود را می گیرد؛ بنابراین خود را وقف این شخصیت می کند. هر جا امام حسین (ع) مطرح شود، اتحاد ایجاد می شود و کل جوامع متفق می شوند.

این حرکت به اندازه ای بزرگ است که حتی اگر سانسور رسانه ای هم شود، ده ها میلیون، سفیر این حرکت هستند که پیام آن را به گوش همگان می رسانند؛ به نظر شما دشمنان به این حرکت چگونه نگاه می کنند؟

فضل الدین یوسف پور:

دشمنان از این تجمع بزرگ شیعیان و مسلمانان هراسانند. مسلماً کسی که این حرکت و انبوه جمعیت را ببیند، مشتاق می شود که درباره امام حسین (ع) تحقیق کند و او را بشناسد. دشمنان از این می ترسند که مردم حقیقت را بفهمند و به تشیع گرایش یابند.

استکبار تلاش بسیاری در این عرصه دارد که از جمله آن می توان به ممنوع کردن اشخاص برای این حضور در برخی کشورها اشاره کرد، امروز در کشورهایی چون تاجیکستان، عربستان سعودی و ازبکستان، محدودیت های فراوانی بر سر راه عاشقان و محبان اهل بیت (ع) برای شرکت در راهپیمایی اربعین حسینی وجود دارد، از این رو بسیاری برای شرکت در این حرکت، ابتدا به ایران می آیند و سپس به کربلا سفر می کنند.

تهدید به بمب گذاری در مسیر زائران کار دیگر آنهاست؛ ولی همین مسئله به جای اینکه

خیابان

شماره: ۱۱۰ / آذر ۹۳



اگر بخواهیم امتی واحد شکل گیرد باید یک پرچم بلند شود که همه مذاهب را شامل شود؛ اگر بخواهیم قصه امام حسین (ع) را برای جهانیان بگوییم. غیر از وهابیت که مغرض است. اگر این پرچم را علم کنیم، نه فقط شیعیان و مسلمانان، بلکه مسیحیان و سایر ادیان و مذاهب نیز با ما همراه می شوند؛ چراکه امام حسین (ع) در سراسر جهان نماد آزادی خواهی است



حضور گسترده مردم را تحت تأثیر قرار دهد، اشتیاق آنها را برای شرکت در این راهپیمایی بیشتر می‌کند.

حسین خان:

در سال گذشته، پیش از فرا رسیدن ایام اربعین، تهدیدات بسیاری در این عرصه انجام می‌شد که این مسئله موجب شده بود تا گمان کنیم حضور مردم کم‌رنگ‌تر از گذشته خواهد بود؛ ولی مشاهده کردیم که نه فقط حضور مردم کم نشد؛ بلکه حماسه بزرگ شیعی را در تاریخ رقم زدند.

مگر، حدود ۲۰ سال گذشته که در حرم حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) بمب‌گذاری کردند، دیگر مردم به آنجا نرفتند؟ این کار موجب شد که شیعیان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) پر شورتر از گذشته از سراسر جهان به زیارت این امام همام بروند.

دشمنان در این حرکت عظیم، شور و شعور زینبی دیده‌اند. آنها از اینکه نزدیک به ۳۰ میلیون شیعه و غیر شیعه در مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی شرکت می‌کنند و پا در جای پای حضرت زینب (علیها السلام) می‌گذارند، هراسانند. پیاده‌روی نجف تا کربلا حرکتی است که حضرت زینب کبری (علیها السلام) آن را پایه‌ریزی کرد. این حرکت ادامه یافت و هر ساله با شکوه بیشتری ادامه خواهد داشت.

دشمنان و شیاطین در این حرکت، قدرت جماعت در اسلام را می‌بینند. درست است که مسلمانان فرقه‌فرقه شده‌اند؛ ولی در چنین حرکت‌هایی همه به هم نزدیک هستند.

چند سالی است که این حرکت و حضور مردم قوت خاصی گرفته است، این حرکت‌ها در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟

علی حیدر حسین:

چنین حرکت‌های گسترده، شعور مردم را نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) افزایش می‌دهد.

زمانی که آیت‌الله میرزای شیرازی، تنباکو را تحریم کرد و براساس این فتوا، دسیسه دشمن در هم شکسته شد، گریستند و گفتند که امروز انگلیس به توانایی مرجعیت شیعه پی برده است و برای آن برنامه‌ریزی می‌کند. در اربعین هم این مسئله وجود دارد و همگان قدرت شیعه را متوجه شدند. اگر هر کدام از این جمعیت چند ده میلیونی که در این آیین حرکت می‌کنند، آب دهانی به سوی طاغوت بیندازند، سیل، طاغوت را می‌برد.

دشمنان با دیدن این جمعیت و اتحاد آنها می‌فهمند که نمی‌توانند به مسلمانان آسیبی برسانند؛ تهدیدات و بمب‌گذاری‌ها نیز در این عرصه بی‌فایده است و موجب مشتاق‌تر شدن مردم برای این حضور می‌شود. با نگاهی به تاریخ می‌بینیم که قبر امام حسین (علیه السلام) را بارها ویران کردند تا مردم، سیدالشهدا (علیه السلام) را فراموش کنند؛ ولی مردم دوباره آمدند و آن را بازسازی کردند.

سید شفیع حیدر رضوی:

در هند، روحانیون شیعه تبلیغات گسترده‌ای در ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) انجام می‌دهند؛ ولی آنچه موجب موفقیت آنها در این عرصه می‌شود، نام امام حسین (علیه السلام) است. امروز با توجه به تبلیغات همه‌جانبه استکبار علیه مذهب تشیع، راهی غیر از تکیه بر نام امام حسین (علیه السلام)، برای ایجاد اتحاد میان مذاهب و ادیان دیگر نیست.

امام حسین (علیه السلام) شخصیتی است که برای همگان اهمیت دارد، به گونه‌ای که اگر برای این امام همام عزاداری کنیم و دسته‌های عزا به راه بیندازیم، اشخاص با مذاهب و ادیان دیگر، حتی هندوها، پیش از اینکه دسته‌های عزاداری ما در مسیر حرکت کنند، راه‌ها را آبپاشی و از عزاداران پذیرایی می‌کنند؛ اگر موضوع امام حسین (علیه السلام) در هندوستان مطرح نشود، شیعیان شخصیتی ندارند.

علی حیدر حسین:

حرکت اربعین دو جنبه دارد؛ یکی اینکه موجب می‌شود تا مسلمانان و به ویژه شیعیان اتحاد خود را به همگان نشان دهند. دیگر اینکه طاغوت متوجه این قدرت می‌شود؛ البته دشمن تلاش بسیاری در کم‌رنگ کردن جلوه دادن این حرکت دارد، به گونه‌ای که بی‌بی‌سی با دروغ پردازی، هر سال آمار شرکت‌کنندگان در پیاده‌روی اربعین را کمتر از واقعیت اعلام می‌کند. در دو سال قبل که ۱۷ میلیون نفر در این مراسم شرکت کرده بودند، بی‌بی‌سی آمار شرکت‌کنندگان را فقط هفت میلیون اعلام کرد، جالب اینکه هر چند هر ساله بر تعداد اشخاص افزوده می‌شود؛ اما آمار اعلام شده

کمتر می‌شود؛ اینها قصد دارند، بگویند که در آن سال مردم «جوگیر» شدند و آمدند؛ ولی در سال‌های بعد از اشتیاق مردم کاسته شد و هر ساله از تعداد این اشخاص کم می‌شود؛ آنها می‌خواهند این‌گونه القا کنند که این حرکت در چند سال آینده دیگر انجام نخواهد پذیرفت.

بر اساس قوانین قرار داده شده، هر چیز فوق‌العاده‌ای در کتاب گینس ثبت می‌شود از مسائل بسیار کوچک گرفته تا مسائلی بسیار شرم‌آور؛ ولی این حرکت عظیم با این گستردگی در این کتاب نوشته نمی‌شود؛ اگر آنها بر قواعد خود پایبند هستند باید این حرکت بزرگ را بنویسند و بگویند که امسال ۲۶ میلیون نفر آمدند. استکبار پیرامون این مسئله به دنبال انجام کار یزید است که پس از انجام جنایت کربلا در ابتدا می‌خواستند اقدام کثیف خود را بی‌سروصدا جمع کنند؛ ولی نتوانستند؛ بعد از آن تلاش کردند تا با جعل تاریخ از فضایل محرم بگویند تا مردم در این ایام به جای عزاداری به شادی بپردازند؛ مناسبت‌هایی چون ایامی که کشتی نوح در خشکی پهلو گرفت، حضرت ابراهیم از آتش نجات یافت و...؛ غافل از اینکه «ان قتل الحسین حراره فی قلب المؤمنین لا تبرد ابدا» عشق به اباعبدالله (علیه السلام) چیزی نیست که بتوان آن را خاموش کرد.

حسین خان:

درست است که طاغوتیان تلاش می‌کنند مردم نسبت به امام حسین (علیه السلام) و حرکت اربعین چیزی ندانند؛ ولی همین که ۲۶ میلیون نفر به عنوان سفیرانی که در این حرکت عظیم شیعی شرکت دارند به کشورها و مناطق خود می‌روند، این پیام را به همگان منتقل و این نور را به دیگران نیز ارائه می‌کنند. اینکه بت‌پرست برای حسین (علیه السلام) سینه می‌زند؛ یعنی این نور نه تنها خاموش شدنی نیست؛ بلکه همه روزه در حال گسترش است.

همان‌طور که گفتید در این مسیر پیرمردها و پیرزن‌ها و کسانی که شاید از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بودند، آنچه در این مسیر برای شان مهم بود، خدمت خاضعانه به زائران اباعبدالله (علیه السلام) بود، گویی هیچ مقام و منزلتی برای آنها غیر از خدمت مطرح نبود، به نظر شما این احساس از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

علی حیدر حسین:

شعری عربی در این عرصه وجود دارد مبنی بر اینکه «بکم رزقنا یا حسین / لکم خلقنا یا حسین»؛ «یا حسین! ما به وسیله شما رزق می‌گیریم و به وسیله شما خلق شدیم»؛ اگر این جمله در ذهن شخصی حک شود به این نتیجه می‌رسد که باید خود را محو خدمت ائمه

خیاما

شماره: ۱۱ / آذر ۹۳



در پیاده‌روی اربعین علاوه بر شیعیان و اهل سنت، مسیحیان و دیگر ادیان نیز حضور داشتند. مذاهب اربعه اهل سنت نیز امام حسین (علیه السلام) و ظلمی که به او روا شده را قبول دارند، از این رو هر ساله بر تعداد این جمعیت افزوده می‌شود





بخشی از يك كتاب

در کل، دلایل سیاسی در مناسک عزاداری و تکوین و تحول و گسترش آن سبب شده که مناسک عزاداری و گفتمان کربلا از آغاز، یک گفتمان سیاسی یا با دلالت سیاسی (صریح یا ضمنی) باشد؛ چرا که در تمام بلاد شیعی، این اهل سیاست بودند که عزاداری را به عنوان یک گفتمان دینی سیاسی و با انگیزه سیاسی ترویج کردند. هرچند بعد از عهد ناصرالدین شاه قاجار، حمایت‌های سیاسی از تعزیه و بعضی صور دیگر مناسک عزاداری کنار رفت؛ اما تاریخ عزاداری به مرحله‌ای رسیده بود که در عمیق‌ترین زوایای جامعه شیعی ایران نفوذ داشت و در کوی و برزن و شهر و روستا تعزیه و مراسم عزاداری رایج بود. (رک. چلکوفسکی، ۱۳۶۷؛ همایونی، ۱۳۶۸). بررسی اجمالی تاریخ تکوین تشیع و مناسک عزاداری بیانگر این نکته است که شرایط اجتماعی سیاسی و فرهنگی و مذهبی تشیع زمینه بسط و گسترش مناسک ثانویه، بالخصوص مناسک عزاداری کربلا شد.

مناسک عزاداری محرم/ جلد اول، گردآوری جبار رحمانی، انتشارات خیمه

خیابان

شماره ۱۱/ آذر ۹۳



علی حیدر حسین:

کسانی که توفیق شرکت در این پیاده‌روی را نداشتند به کسانی که در این حرکت شرکت کرده بودند، می‌گفتند که به جای ما نیز چند قدم بردارید؛ چراکه براساس روایات به ازای هر قدمی که در این مسیر برداشته می‌شود، گناهان فرد بخشوده می‌شود. در این حرکت انسان ایثار را می‌آموزد.

گفته می‌شود؛ حیوان ولگرد و بی‌صاحب، قیمیتی ندارد؛ ولی حیوان اصیل و شناسنامه‌دار قیمتی است؛ آنانی که فعلاً مولای‌شان مشخص نیست و به اباعبدالله (ع) ابراز ارادت نکرده‌اند و به زیارت ایشان مشرف نشدند، این‌گونه هستند؛ ولی کسی که به زیارت رفته است، اصیل می‌شود و صاحب پیدا می‌کند از این ورزش بسیاری می‌یابد.

سخن آخر.

سید شفیع حیدر رضوی:

این سفر خاطرات بسیاری برای من داشت؛ در حال بازگشت از کربلا به ایران، زمانی که می‌خواستم از اباعبدالله الحسین (ع) خداحافظی کنم، حداقل ده مرتبه از ضریح جدا می‌شدم و دوباره به سمت ضریح می‌رفتم؛ ان شاء الله از این فرصت‌ها که بتوانم علاقه و ارادت خود را به ساحت مقدس اهل بیت (ع) ابراز کنم، مجدداً قسمت شود و بنده به نوبه خود تصمیم دارم هر ساله در این حرکت شرکت کنم.

فضل الدین یوسف پور:

اربعین خاطره فراموش نشدنی است؛ سعی می‌کنم در هر جای جهان که هستم در این ایام خود را به کربلا برسانم.

علی حیدر حسین:

روایتی داریم که اهل بیت (ع) در چند جا به انسان سر می‌زنند؛ یکی از این مکان‌ها، برزخ است. هر چه در این دنیا به زیارت اهل بیت (ع) رفته باشیم، آنها نیز به در آن دنیا به دیدن ما خواهند آمد؛ اگر انسان می‌خواهد در حیات بعد از مرگ، همواره با اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) باشد، باید عمر خود را در محضر آنها باشد.

حسین خان:

خدایا! ززمه یا حسین و زیارت کربلا را از ما نگیر.

معصوم (ع) قرار دهد. اینکه شخص بداند که زائران به زیارت مولا و سرور او می‌روند، وظیفه خود می‌داند که این کار را انجام دهد.

به یاد دارم که شخصی برای دعوت زائران به موكب خود و خدمت‌رسانی به آنها گریه می‌کرد. شخص دیگری بود که کودکان خود را در مسیر جاده خوابانده بود تا مردم به خیمه آنها بروند و می‌گفت که ما را از خدمت خود محروم نسازید. در اینجا جاه و مقام معنایی ندارد.

امام حسین (ع) همه چیز خود را برای خدا، اسلام و شیعیان داده است و نوبت شیعیان است که همه چیز خود را برای ایشان هزینه کنند.

حسین خان:

وقتی اشخاص می‌بینند که امام حسین (ع) هر آنچه داشت برای خدا، شیعیان و اسلام داد از این رو چنین خدمت‌رسانی به زائران ایشان را بر خود لازم می‌دانند. برخی هستند که یک سال تلاش می‌کنند و همه سرمایه خود را جمع کرده و برای زائران خرج می‌کنند.

به نظر شما کسی که در این پیاده‌روی شرکت می‌کند، چه چیزی به دست می‌آورد؟

فضل الدین یوسف پور:

کسی که در این راهپیمایی شرکت می‌کند، عشق و محبت‌اش به امام حسین (ع) بیشتر می‌شود؛ در این پیاده‌روی ارادتم به امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) بیشتر شد؛ چرا که امام حسین (ع) درون انسان‌ها را متحول می‌کند.

حسین خان:

به گونه‌ای در این حرکت، خود و غلامی خود را به امام حسین (ع) ثابت می‌کنیم؛ اگر خدا بخواهد به کسی مقام بالا بدهد به اعمال مستحبی او توجه می‌کند؛ چراکه بدون اجبار بوده است؛ کسانی که در این حرکت شرکت می‌کنند با اخلاص و اختیار خود رفته‌اند، این مسئله نشان می‌دهد که امام حسین (ع) صاحب اوست.

برخی که دارای سنین بالایی بودند و دوران جنگ تحمیلی را درک کرده بودند؛ وقتی سؤال می‌کردیم که در این مسیر چه احساسی دارید، می‌گفتند که فکر می‌کردیم در دوران جنگ و در جمع رزمندگان هستیم؛ همان احساس ایثار و کمک به هم‌نوعان در این حرکت هم بود.

سید شفیع حیدر رضوی:

کسی که پیاده‌روی می‌کند، نه فقط در خود، بلکه در خانواده خود نیز فضای معنوی ایجاد می‌شود.

از زمانی که در اختیار ما قرار دادید،

سپاسگزاریم...





پیاده روی اربعین بزرگ‌ترین راهپیمایی در طول تاریخ

گفت‌وگو با حجت الاسلام نجم الدین طبسی *

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



شاهد فرازونشیب‌هایی در طول تاریخ بوده‌ایم؛ اما همواره زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) به ویژه در ایام اربعین داغ است.

بله. شاهد فراز و نشیب‌های بسیاری بودیم. ابن اثیر در الکامل به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید؛ زیارت‌ها فراز و نشیب داشت. گاهی حکومت‌ها فشار می‌آوردند؛ مثلاً در گذشته متوکل عباسی دستور تخریب بارگاه امام حسین (علیه السلام) را صادر کرد؛ حتی توابعین پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) به مدت ۱ یا ۲ سال بر سر مزار امام حسین (علیه السلام) تا شب می‌ماندند و گریه و اظهار پشیمانی می‌کردند؛ بنابراین زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) سنتی برخاسته از روایات اهل بیت (علیهم السلام) و تشویق آنان بوده است؛ ولی حکومت‌های ظالم از تجمعات و بیش از همه از گسترش فرهنگ شیعی احساس خطر می‌کردند؛ چون اگر فرهنگ شیعی گسترش می‌یافت، زمینه‌ای برای حضور غاصبان نبود از همین رو در طول تاریخ همواره برای زور امام حسین (علیه السلام) مزاحمت ایجاد می‌کنند.

در ارتباط با زیارت اربعین تأکیدات فراوانی شده است؛ امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌فرمایند: «من علامات المؤمن خمس»؛ «از علامات مؤمن است» یا «صلاة الخمسين و زیارت الاربعین»؛ «بعد از نماز واجب و مستحب، زیارت اربعین آمده است» یا «در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است که ایشان شیوه خواندن زیارت اربعین را آموزش داده‌اند. درباره زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز اربعین نیز روایاتی وجود دارد که آن را پشتیبانی و تشویق می‌کنند یا در روایاتی زیارت امام حسین (علیه السلام) در نیمه شعبان توصیه شده است.

سه روز پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) افرادی آمدند. در مدتی که جسد شریف حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) دفن نشده بود. مرثیه خواندند. جابر بن عبدالله انصاری نخستین کسی بود که سنت زیارت اربعین امام حسین (علیه السلام) را پایه‌گذاری کرد و پس از آن موج زوار و زیارت‌ها آغاز و به فرهنگ تبدیل شد؛ به گونه‌ای که ابن اثیر بیان می‌کند که متوکل عباسی دستور داد کسی که تا سه روز آنجا (زیارت امام حسین (علیه السلام)) باشد او را به سیاه چال‌های معروف عباسی بیندازند و بعدها دستور تخریب آنجا را صادر کرد؛ اما به رغم تهدیدات، زیارت امام حسین (علیه السلام) گسترش یافت. بسیاری از دوستان و همکاران ماهنامه خیمه در سال‌های گذشته در ایام اربعین، مسیر پیاده‌روی نجف به کربلا را طی کرده‌اند. شور عجیب و غیر قابل وصفی در آن مسیر حاکم است و هر سال نیز بر تعداد جمعیت این حرکت عظیم افزوده می‌شود. این حرکت، نمودار عظمت شیعه در جهان است و می‌توان آن را بزرگ‌ترین راهپیمایی در طول تاریخ دانست. در گفت‌وگو با حجت الاسلام نجم الدین طبسی، استاد حوزه علمیه قم قصد داریم به زیارت اربعین و این حرکت عظیم و پیشینه فکری و معرفتی آن بپردازیم.





حسین علیه السلام خدایی و ریشه دار نبود به دست فراموشی سپرده می شد.

به یاد دارم در مسیر پیاده روی از سمت نجف ابر سیاهی آمد و تمام منطقه را فراگرفت و طوفان شن آمد و بعد از آن بارانی گرفت که در طول عمرم ندیده بودم و با خود گفتم که همه زوار از میان می روند؛ ولی خون از بینی یک نفر هم نیامد. ما به چادری که ۳۰۰ نفر در آن حضور داشتند، پناهنده شدیم. طوفان آنقدر شدید بود که می خواست چادر را به آسمان ببرد؛ اما زوار صبر و تحمل کردند تا طوفان متوقف شد و دوباره به حرکت خود ادامه دادند؛ اگر ماجرای امام حسین علیه السلام ریشه دار نبود و پشتوانه

پیاده روی نروند و حتی به اسلحه و هلیکوپتر متوسل شد.

دو سال قبل که برای اولین بار این مسیر را طی می کردم، سندرسمی و دارای مهر جنایات رژیم بعث را مشاهده کردم که در آن به فرماندهان نظامی دستور داده شده بود تا زوار امام حسین علیه السلام را در مسیر پیاده روی از بین ببرند.

بله. آنها جنایت را به اوج رساندند و در بیابانها با هلیکوپتر به جان زوار افتادند و بسیاری از آنها را کشتند. جالب اینجاست که زواری که جان سالم به در می بردند به حرکت خود ادامه می دادند و شعار می دادند؛ «لو قطعوا ارجلنا و الیدین ناتیك زحفا سیدی یا حسین»؛ «اگر دست ها و پاهای ما را قطع کنند، یا حسین! سینه خیز به سوی تو می آییم». این شعار هنوز هم هست.

از دیگر مزاحمت های حاکمیت اینکه در آن زمان مردم متدین، کوزه های بزرگ و سفالی پر از آب در مسیر زوار می گذاشتند تا زوار در آن هوای گرم از آنها استفاده کنند. بعضی ها آب ها را روی زمین می ریختند. مردم متدین در مسیر غذا درست می کردند، بعضی ها درون آن سم می ریختند تا ماجرای امام حسین علیه السلام خاموش بماند؛ ولی نتیجه ای نداشت. این صحنه ها را با چشم خود دیدم و اگر ماجرای امام

حاکمیت با توریست ها کاری نداشت؛ ولی برای کسانی که به زیارت امام حسین علیه السلام می رفتند، مزاحمت ایجاد می کرد؛ مثلاً دست و پای آنها را قطع می کرد و آن ها را به زندان می انداخت. در این دوران نیز شاهد بودیم که صدام چگونه با زائران برخورد می کرد. اولاً خدماتی به زائران و حرم امام حسین علیه السلام ارائه نمی کرد و پول هایی که داخل ضریح ریخته می شد با دستگاه های مکنده جمع آوری می کرد؛ در حالی که پولی که داخل ضریح ریخته می شود باید برای امام حسین علیه السلام و زوار آن هزینه شود یا با ایجاد ایست و بازرسی های جعلی زوار را معطل می کرد و وسایل آنها را از ماشین بیرون می آورد؛ ولی مردم دوباره به زیارت امام حسین علیه السلام می آمدند. من پیاده روی مردم را به یاد می آورم و شاید ۴۷ یا ۴۸ سال قبل که کلاس هفتم یا هشتم بودم پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام رفتم.

از نجف به کربلا پیاده رفتید؟

بله از نجف تا کربلا پیاده رفتم. به یاد دارم که مرحوم والد در خان النصف، حیدریه امروز، نماز جماعت اقامه می کرد و جماعت بسیاری به او اقتدا می کردند و نماز ظهر در آنجا خوانده می شد؛ تعدادی از علمای نجف اشرف نیز به آنجا می آمدند. حاکمیت در سال های اخیر فشار آورد تا مردم به زیارت و راهپیمایی و

خیابان

شماره ۱۱۰ / آفر ۹۳

نباید شبهه افکنی کنیم. تشکیکات را کنار

بگذاریم؛ مثلاً در مورد قبر حضرت رقیه یا

قبر حضرت زینب علیه السلام تشکیکات را کنار

بگذاریم. خواهشیم از عزیزان این است که

به طور کلی روحیه تشکیک را کنار بگذاریم و

در مورد تحریفات عاشورا و ... کمتر صحبت

کنیم



مذهبی نداشت، قطعاً این طور نمی شد. سرما و گرما، تهدید و ... هیچ چیز در توقف حرکت زوار کارساز نبود. در آن شب طوفانی مرحوم آیت الله شهید مدنی به همراه دوستان خود پیاده می آمدند و اتفاقاً هیئت ما به نام هیئت امام سجاد علیه السلام میزبان آنها شد و آن شب را تا سحر در این هیئت مشغول نماز شب و عبادت بودند.

گذشته با امروز تفاوت های بسیاری دارد؛ در گذشته خدماتی ارائه نمی شد؛ اما امروز از نجف اشرف تا کربلای معلی، حسینیه وجود دارد. جمعیت نیز افزایش یافته است. در گذشته ۵۰ الی ۱۰۰ هزار نفر حضور داشتند. عده ای از راه آب می آمدند؛ مثلاً علمای حوزه علمیه معمولاً از راه آب می آمدند. امروز صحبت از جمعیت ۲۰ میلیونی است. سه الی چهار سال پیش از آقای حکیم شنیدم که می فرمودند؛ از جوانان اروپایی برای دیدن این صحنه دعوت می کنیم. من در سوئد بودم و دیدم که جوانان برای حضور در این جمع حرکت می کنند.

یکی از مراجع نجف اشرف می گفت؛ وقتی جوانان خدمات و امکانات را ببینند و بدانند که سفره ای به طول ۸۰ کیلومتر (از نجف تا کربلا) برپاست، خواهند آمد، این سفره متنوع و پر است از مواد غذایی، مسیرهای مجهز به گوشی و تلفن که می توانید با هر جایی تماس بگیرید و لباس مجانی. حتی در مسیر پای زوار را ماساژ می دهند یا عده ای در مسیر میزی قرار می دهند و روی آن کیسه های پول می گذارند تا هرزائی که به پول نیاز دارد به اندازه نیازش برداشت کند.

در رابطه با عالم بهشت و عنایات خدا در بهشت، عبارتی است که در آن عالم، چیزهایی هست که با چشم و گوش دیده و شنیده نمی شوند و به ذهن نیز خطور نمی کنند. در روایات داریم که بهشت از پرتو نور حسین علیه السلام آفریده شده است. «الحسین افضل من الجنة و من الحور»؛ «حسین از بهشت و از حور افضل است». حورالعین در روز قیامت به کسانی که

در کنار امام حسین علیه السلام نشسته اند التماس می کند؛ اما او جایی نشسته که «افضل من الجنة» است.

پیاده روی اربعین و زیارت امام حسین علیه السلام را چگونه باید تعبیر کنیم؟ حضور ۲۰ میلیون نفر در روز اربعین در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد. همه اینها کرامت و معجزه است.

جالب آنکه بسیاری از میزبانان جزو اقشار متوسط و متوسط به پایین هستند.

بله. در طول سال برای چنین روزی جمع می کنند و این نشان دهنده عشق است. آنها احساس می کنند که در کنار کسی که افضل من الجنة است قرار دارند و از سرما، گرما، طوفان، تهدید و ... نمی هراسند. امروز جنایت کارانی مانند سلفی ها و داعش آنها را تهدید می کنند و انفجارهای انتحاری صورت می دهند؛ ولی مردم با علم به این جنایات و انفجارها حضور می یابند؛ شاید اگر حماقت ها و جنایات آنها نبود اربعین اوج نمی گرفت.

گاه حضور اجتماعی هزارنفره در برخی تحولات سیاسی، اجتماعی به صورت مکرر در رسانه های جهانی منعکس می شود؛ اما مراسم روز اربعین و این تجمع بزرگ بین المللی انعکاسی در رسانه ها نمی یابد. چرا؟

آنها می ترسند. مگر حضور جمعیت ۲۰ میلیونی به وسیله تبلیغات شبکه ها بوده است که آن را پوشش دهند؟ «من را به خیر تو امید نیست، شر مرسان»؛ جریان امروز اربعین محیر العقول است. ارائه خدمات به ۲۰ میلیون جمعیت یک بعد قضیه و تأمین امنیت و اسکان آنها بعد دیگری است؛ مگر کربلا چقدر ظرفیت دارد؟ امسال در ایام حج با آن همه امکاناتی که کشور عربستان دارد و امسال نیز ۲۰ درصد جمعیت را کاهش دادند؛ به دلیل آنکه نمی توانستند خدمات ارائه دهند، سه الی چهار میلیون جمعیت حضور می یابند.

به حضور مرحوم شهید آیت الله مدنی اشاره کردید؛ به طور کلی سیره علما به پیاده روی اربعین چگونه است؟

علما از حوزه نجف اشرف حضور می یابند؛ مثلاً آقا زاده های مرحوم آیت الله سید محمود شاهرودی شرکت می کنند. مرحوم آیت الله العظمی نجفی و مرحوم والد به ویژه در خان النصف ملحق می شدند و در آنجا نماز جماعت اقامه و سخنرانی می کردند. مرحوم شهید آقامصطفی، ابوالزوجه ما و آیت الله کوشکی به همراه فرزندان خود حضور می یافتند؛ دو فرزند ایشان به نام های ابوالفضل و عباس در کربلا ۵ شهید شدند؛ ولی در کودکی همراه

ایشان می آمدند. ابوالفضل ۲۰ مرتبه این مسیر را پیاده طی کرد؛ او در ۱۹ سالگی شهید شد.

چه اتفاقی باعث تجمع عشاق الحسین علیه السلام در روز اربعین شده است؟ تأکیدات فراوان بر اربعین شده است؛ اما اربعین در واقع عاشورا و مصادف با بازگشت آل محمد علیه السلام و اهل بیت علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام و حضرت زینب علیه السلام است؛ یعنی بازگشت کسانی که قلب آنها از مصیبت و تألم و تأثر مملو است.

شیوه این کار چگونه باید باشد؟ نباید شبهه افکنی کنیم. تشکیکات را کنار بگذاریم؛ مثلاً در مورد قبر حضرت رقیه یا قبر حضرت زینب علیه السلام تشکیکات را کنار بگذاریم. خواهیم از عزیزان این است که به طور کلی روحیه تشکیک را کنار بگذاریم و در مورد تحریفات عاشورا و ... کمتر صحبت کنیم.

به نظرتان باید مسائل ایجابی را مطرح کنند؟

بله. مشکل ما این مسائل نیستند. به ترکیب عزاداری دست نزنید؛ چون برای آن خون ها ریخته شده است تا تثبیت شود؛ اگر می خواهیم قلم دست بگیریم در راستای تقویت این فرهنگ باشد. حضرت امام خمینی (ره) می فرمایند؛ «هر چه داریم از عاشورا است» و این واقعیت است.

صدام در عراق چهار میلیون شیعه را آواره کرد؛ اما عده ای از شیعیان به اروپا رفتند و در آنجا حسینه ساختند و عزاداری کردند و تشیع را به جهانیان معرفی و دیگران نیز از آنها استقبال کردند؛ مثلاً سوئدی های بسیاری از تجمعات شیعیان خوش شان آمد و مسلمان و شیعه شدند.

به هر حال عشق به امام حسین علیه السلام سبب حفظ و گسترش اسلام حقیقی که تشیع است، می شود. امروز گسترش اسلام حقیقی، مدیون حسینیه هاست که در سایه لطف امام حسین علیه السلام اجرا می شوند. روحیه از خودگذشتگی فقط در کسانی که عشق به امام حسین علیه السلام دارند، ایجاد می شود. این روحیه را باید حفظ کرد. بزرگان، علما، مداحان، همه و همه در راستای حفظ این فرهنگ کوشش کنند، خدای ناخواسته حرفی نزنند که سبب تضعیف اعتقادات یا تشکیک یا خوراک تبلیغاتی برای شبکه های مزدور شود.

پی نوشت:

* استاد حوزه علمیه قم

خیابان

شماره ۱۱/ آذر ۹۳



به ترکیب عزاداری دست نزنید؛ چون برای آن خون ها ریخته شده است تا تثبیت شود؛ اگر می خواهیم قلم دست بگیریم در راستای تقویت این فرهنگ باشد





طرح پردیس اربعین

زهرا گل محمدی

مقدمه

با عنایت به عمق محبت و علاقه مردم ایران برای سفر به عراق و زیارت عتبات عالیات، همچنین پیش‌بینی اینکه تعداد زائران سرور و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) در اربعین سال جاری افزایش چشمگیری خواهد کرد؛ نیاز به تشکیل ستادی مرکب از دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و انجام عملیات در این حوزه بیش از پیش احساس می‌شود. همچنین ضروری است با توجه به پتانسیل عظیم این حرکت خودجوش، فرصت کنونی را غنیمت شمرده و به نحو مطلوب برای رسیدن به اهداف اصلی نظام که همان قرار گرفتن در مسیر سیره نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) و ولایت اهل البیت (علیهم السلام) است.

است از آن استفاده شایسته کرد؛ بنابراین لازم است راهبردهای عملیات فرهنگی برای استفاده از ظرفیت بزرگ‌ترین اجتماع سیاسی، عبادی بی‌نظیر شیعه تدوین شود.

تعریف کلید واژگان (تعاریف)

اربعین: کلمه اربعین در لغت به معنای چهارم است و از نظر تاریخی روز بیستم ماه صفر، روز اربعین است؛ یعنی چهارم روز پس از شهادت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) به قول شیخین. شیخ مفید و شیخ طوسی. اربعین روز بازگشت اهل حرم امام حسین (علیه السلام) از شام به مدینه و روز ورود اولین زائران حضرت جابر بن عبدالله انصاری به کربلا برای زیارت امام حسین (علیه السلام) است. عزاداری: واژه‌ای است آئینی که نشان‌دهنده

رفتار و مراسم خاصی است که در مواقعی به‌ویژه توسط اقوام و ملل گوناگون انجام می‌شود. (رجبی، پاسخ به شبهات عزاداری، ص ۱۵)

عزاداری امام حسین (علیه السلام) یعنی برپا داشتن مراسمی به یاد سیدالشهدا (علیه السلام) در ایام مختلف. دهه محرم و روز عاشورا، این عمل که زنده نگه داشتن هدف حسین (علیه السلام) و فرهنگ عاشورا است، مورد تشویق بسیار اولیای دین است و خود معصومین (علیهم السلام) در راه ارتقای عزای حسینی می‌کوشیدند. (محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۳۸)

پردیس: واژه پردیس از زبان‌های ایرانی به انگلیسی و فرانسه وارد شده است در زبان انگلیسی به آن (Paradise) به فرانسوی





(Paradis) گویند و معرب آن به صورت فردیس و فردوس و در بعضی زبان های اروپایی به صورت پارادایس درآمد، بیشتر به عنوان بهشت شناخته می شود و به کار می رود. در لغت نامه دهخدا و معین به معنای فردوس و بهشت است؛ همچنین مترادف با «باغ» در زبان های ایرانی کهن می باشد؛ هر چند که امروزه بیشتر قطعه زمینی بدون حصار از آن اراده می شود. راهگشا: در این طرح منظور دستگاه های مجری هستند.

پیشینه

قدمت پیاده روی اربعین به بلندای تاریخ شیعه و توانسته است در طول سالیان طولانی با حفظ وحدت شیعه، عامل تحولاتی در تاریخ عراق و دیگر مسلمانان نیز باشد.

برگزاری مراسم اربعین فقط برای سیدالشهدا (ع) انجام می شود و همچنین پیاده روی و شتافتن به سوی کربلا با پای برهنه نیز فقط برای امام حسین (ع) است و در مورد هیچ کدام از ائمه اطهار (ع) مطرح نیست.

سنت پیاده روی روز اربعین حسینی بنا به اقوالی در زمان ائمه هدی به رغم ظلم و جور و خفقان حکام وقت انجام می شده است. در سال ۶۱ هجری عبدالله جابر انصاری از یاران پیامبر (ص) و علی (ع) نخستین کسی بود که این کار را انجام داد؛ اما بنیان گذار اصلی این حرکت که تاکنون دوام دارد کسی نیست جز شیخ انصاری. او این حرکت را به عنوان رسم و نمادی برای شیعیان معرفی کرد؛ اما پس از مدتی به فراموشی سپرده شد و در نهایت توسط شیخ میرزا حسین نوری مجدداً احیا و به عنوان رسم و سنتی نیکو در میان شیعیان نشر و گسترش یافت.

این عالم بزرگوار، اولین بار در عید قربان به پیاده روی از نجف تا کربلا اقدام کرد که سه روز در راه بود و حدود ۳۰ نفر از دوستان و اطرافیانش وی را همراهی می کردند، محدث نوری از آن پس تصمیم گرفت، هر سال این کار را تکرار کند، ایشان آخرین بار در سال ۱۳۱۹ هجری با پای پیاده به زیارت حرم ابا عبدالله حسین (ع) نایل آمدند.

این اقدام زمینه ساز پیاده روی بسیاری از عاشقان اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) شد. در راستای انجام این مراسم معنوی و روحانی، برخی از علما و حتی مراجع تقلید نیز با پای پیاده به کربلا سفر کردند؛ از جمله این افراد میرزا جواد آقا ملکی تبریزی یکی از مراجع عالیقدر جهان تشیع است که بارها با پای پیاده از عتبه علویه، رهسپار عتبه حسینی شده است.

ایشان درباره مراقبه و بزرگداشت روز اربعین حسینی می گویند: «به هر روی بر مراقبه کننده

لازم است که بیستم صفر (اربعین) را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده و بکوشد که امام شهید را در مزار حضرتش (ع) زیارت کند، هر چند فقط یک بار در تمام عمرش باشد، چنان که حدیث شریف، علامت های مؤمن را پنج امر ذکر کرده است: «۵۱ رکعت نماز در شبانه روز، زیارت اربعین، انگشت در دست راست کردن، پیشانی بر خاک گذاشتن و بلند «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» گفتن در نمازها.»

امام صادق (ع) نیز درباره ثواب زیارت امام حسین (ع) با پای پیاده می فرماید: «کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین (ع) برود، خداوند به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد، وقتی به زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را موكل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد است را ننویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند: ای ولی خدا! گناهانت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول (ص) هستی، به خدا قسم! هرگز تو آتش را به چشم نخواهی دید و آتش نیز هرگز تو را نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد کرد.»

مقام معظم رهبری (حفظه الله) نیز درباره اهمیت پاسداشت و بزرگداشت روز اربعین حسینی فرمودند: «شروع جاذبه مغناطیسی حسینی در روز اربعین است، جابرین عبدالله را از مدینه بلند می کند و به کربلا می کشند، این همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن های متمادی در دل من و شما هست.»

این سنت حسنه توانسته است در طول سالیان گذشته با ایجاد نوعی نشاط و پویایی در فقه و مذهب جعفری و با نشان دادن ارادت به اهل بیت (ع)، عامل اتحاد شیعیان و عاملی ناگسستنی برای پیوند و نزدیکی قلوب شیعیان باشد و تحولاتی را در تاریخ تشیع و کشورهای منطقه و به ویژه عراق ایجاد کند. این مسئله در مطالب بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ضرورت اجرای طرح

● ایجاد عاملی ناگسستنی برای پیوند و نزدیکی قلوب شیعیان و بستری برای تحولات در تاریخ تشیع و کشورهای منطقه

● خنثی کردن توطئه دشمنان در ایجاد فاصله میان دو ملت ایران و عراق با برگزاری هر چه با شکوه تر مراسم معنوی و حماسی این پیاده روی ● بالا بردن تأثیر این گونه امور معنوی با افزایش معرفت و درك صحیح آنها

● انتقال آثار معنوی این سفر به شهر و جامعه مبدأ

اهداف

۱. هدف اصلی

بررسی نقاط قوت و ضعف و بهبود عملکرد این راهپیمایی عظیم حسینی نسبت به سال های گذشته و همچنین ارائه راهکارهایی برای سال های آتی

۱-۱. اهداف کوتاه مدت

- به حداقل رساندن مشکلات پیش رو
- سازماندهی حضور مردم با تسهیل امور در جلوگیری از کاروان های بدون برنامه
- آشنایی زائران با فلسفه زیارت و افزایش معرفت دینی آنها
- جلوگیری از به وجود آمدن زمینه هایی که موجبات پایین آوردن و تقلیل دادن این حرکت عظیم معنوی و فرهنگی را فراهم می آورند؛ مانند انجام امور خرافی و وهم آور و جلوگیری از سوء استفاده دشمنان از این نوع حرکات
- احیای مسیر ولایت که همان مسیر عراق به ایران از مرز شلمچه است.

۲. اهداف بلندمدت

۱. احیای هدف اصلی امام حسین (ع) که همان احیای اسلام و ارزش های دینی است و همچنین راهپیمایان خود نیز در این اجتماع باشکوه مظهر اخلاق، تقوا، پارسایی و تندیس ارزش های دینی و اخلاقی خواهند شد.
۲. ساخت آشپزخانه های مدرن و مکانیزه
۳. ساخت هتل در مکان مرزها و داخل عراق
۴. ساخت درمانگاه و تجهیز آن
۵. ایجاد مکان های فرهنگی و استفاده از فضایی حوزه و دانشگاه در این مورد

نهادهای سازمان های همکاری

کمیته سیاست گذاری

سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت کشور، سازمان فرهنگ و ارتباطات، نماینده دفتر مقام معظم رهبری، امور بین الملل عراق، فرمانده قرارگاه قدس

کمیته اجرایی

وزارت امور خارجه، صدا و سیما، نیروی انتظامی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، سازمان های دولتی مستقر در نزدیکی مرزها، هلال احمر، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، شهرداری، بسیج دانشجویی، کانون مداحان، شورای هیئات مذهبی، شهرداری، قرارگاه قدس، سپاه پاسداران، سازمان فرهنگ و ارتباطات، ستاد عتبات عالیات، سازمان تبلیغات اسلامی استان های کرمانشاه، ایلام

و خوزستان، آموزش و پرورش و استانداری شهرهای مرزی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مشکلات پیش رو

- نداشتن نقشه راه
- مشکلات ناشی از صدور ویزا
- مشکلات حمل و نقل
- کمبود امکانات بهداشتی
- مسئله سرما و کمبود امکانات در مرزها
- نیازهای درمانی
- انتشار خرافه‌ها و بدعت‌ها
- کیفیت پایین هتل‌ها
- کیفیت پایین رستوران‌ها
- مشکلات برق عراق از زمان ویران شدن تأسیسات زیربنایی در جنگ با ترکیه

نمودار شروع اولیه طرح



زیرساخت‌های طراحی شده

۱. شناسایی استادان، روحانیان و مداحان فکور و متعهد به نظام در مرکز و در استان‌های سراسر کشور و تأسیس بانک اطلاعات نیروی انسانی آنها برای بهره‌برداری در راهپیمایی (این بانک اطلاعات دربردارنده مشخصات فردی، اجتماعی، سوابق اجرایی و تولیدات فکری و علمی اشخاص بوده و می‌تواند در سال‌های آتی کار را تسریع ببخشد؛ همچنین از آنجایی که امکان شناسایی، دسترسی به سوابق علمی و اجرایی و برقراری ارتباط مستقیم با همه اساتید مورد نیاز در گفت‌وگوهای دینی مقدور نیست، همکاری با مؤسسات علمی پژوهشی

که با اساتید متخصص در رشته‌های مختلف علوم انسانی، مهدویت، فقه و ... مرتبط هستند و سابقه همکاری با سازمان را نیز دارند مفید به نظر می‌رسد.

طراحی و راه‌اندازی سایت گفتمان

فواید طراحی سایت به شرح ذیل است؛
● انتشار اخبار و رسانه‌ای کردن این حرکت عظیم
● تشویق مردم به ویژه جوانان
● استمرار و تداوم ارتباط با مخاطبان
● اطلاع‌رسانی از آخرین اخبار راهپیمایی
● انجام فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی
● برقراری ارتباط با صاحب‌نظران، فرهیختگان در سراسر کشور برای تبادل نظر و تعامل با آنان

راهکارها و پیشنهادات



آموزش

قبل از سفر

آنجایی که تربیت نیروی انسانی کارآمد موجب ارتقای سطح کیفی خدمات ارائه شده به زائران را در پی خواهد داشت و کسب مهارت‌های لازم توسط کارگزاران سازمان حج و زیارت به عنوان بازوان اجرایی این سازمان در توسعه و پایداری سازمان مؤثر خواهد بود، موضوع آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد شد.

حین سفر

رصد کارها و برطرف کردن نقایص در طول سفر توسط سرپرستان هر گروه و رابطان آنها

بعد از سفر

جمع‌بندی کارها و بررسی نقاط قوت و ضعف و انجام تمهیدات برای برطرف کردن نقاط ضعف و افزایش نقاط قوت برای سال‌های آتی
راهگشا: همه دستگاه‌های دست‌اندرکار اجرایی

ویزا

● گرفتن ویزا و صدور آن توسط دولت عراق در این سفر معنوی یکی از معضلات و مشکلات مراجعه‌کنندگان است به همین منظور تمهیدات زیر لازم و ضروری به نظر می‌رسد:
● هماهنگی برای تعدد مؤسسات ارائه‌دهنده ویزا مانند مؤسسه طلوع و به دنبال آن تعدد مکان‌های صدور ویزا برای جلوگیری از تجمع‌های بالای ۲۴ ساعت
● هماهنگی برای مدیریت زمان و افزایش زمان صدور روادید به منظور جلوگیری از تجمع و ازدحام افراد
● پیش‌بینی تعداد برچسب‌های مورد نیاز ویزاها توسط سفارت عراق و جلوگیری از مشکلات پیش‌آمده در سال‌های گذشته

از سوی دیگر در مورد گرفتن ویزا به صورت انفرادی سه گروه وجود دارند؛

۱. گروهی که به سفارت عراق در تهران مراجعه می‌کنند.
۲. گروهی که تا مرز رفته و از کنسولگری عراق در مرز ویزا می‌گیرند.
۳. گروهی که ویزا دارند و می‌خواهند خودشان پیاده و به تنهایی به سفر ادامه دهند.

در این مورد ۲ کار اساسی می‌توان انجام داد: الف) کم شدن صدور ویزا در مرزهای شلوغ (مانند مرز چذابه) برای پایین آوردن زمان ایستایی در مرزها با وجود سرمای طاقت‌فرسا شرایطی که باعث مشکلات عدیده می‌شود.

ب) زائران به گروه‌های مشخص تقسیم و در قالب کاروان‌هایی هدایت شوند تا از بروز چنین مشکلاتی که باعث می‌شود تا کارها از نظام و کنترل خارج شوند، جلوگیری شود. از دیگر فواید حرکت گروهی اینکه چون کاروان‌دارها از قبل هتل‌ها را اجاره کرده‌اند با قیمت مناسبی می‌توانند در اختیار عزاداران قرار دهند و عزاداران از لحاظ هزینه دچار مشکل نخواهند شد.

● اطلاع‌رسانی برای جلوگیری از افراد سودجو (برای مثال گروه‌هایی هستند که ویزا می‌گیرند و زائران را به بهانه تسهیلات ارزان به آن طرف مرز می‌برند در صورتی که خیلی از عراقی‌ها موکب‌هایی را برای ارائه خدمات به زائران آماده کرده‌اند و خدمات تقریباً مجانی است.)
راهگشا: سفارت عراق، وزارت امور خارجه، سازمان تبلیغات اسلامی، مسئولان کاروان‌ها

جابه‌جایی

جابه‌جایی زائران محترم شامل دو بخش است؛ الف) ورود، ب) خروج



ورود:

مسافران در داخل کشور از دو طریق به زیارت کربلا می‌روند:

۱. هوایی

حرکت مسافران از مقصد، بیشتر به استان‌های آبادان، کرمانشاه و ایلام است.

۲. زمینی

- اتوبوس‌های بین شهری
- تاکسی‌ها
- ماشین‌های شخصی

تمهیدات لازم در این مورد شامل:

- یکی از تمهیدات لازم در مورد جابه‌جایی مسافران، هماهنگی با هواپیمایی کشوری برای اضافه کردن تعداد پروازها در مسیرهای مورد نظر است.
- هماهنگی‌های لازم میان همه نهادهای مستقر در فرودگاه از جمله پلیس فرودگاه، سپاه حفاظت هواپیمایی، گمرک، گذرنامه نیروی انتظامی برای تکریم و امنیت روحی زائران
- هماهنگی با اتوبوس‌های بین شهری و پایانه‌ها برای اضافه کردن تعداد اتوبوس‌های بین شهری و تاکسی‌ها همچنین هماهنگی با پایانه‌های استان‌های مرزی برای انتقال مسافران از پایانه‌ها به مقصدهای مورد نظر
- هماهنگی و استفاده از مکان‌های موجود و محوطه ادارات دولتی استان‌های مرزی برای پارک ماشین‌های زائران که با ماشین شخصی خود سفر کرده‌اند.

خروج

از آنجا که بازگشت يك باره تعداد عظیمی از زائران در مدت سه تا پنج روز بسیار مشکل است؛ هماهنگی ارگان‌های مختلف برای آماده‌سازی اتوبوس‌های شرکت واحد در مرزها و هماهنگی با پایانه‌های مسافری و انتقال مردم در صورت موافقت به اولین شهری که امکانات حمل و نقل در آنجا فراهم است و انتقال آنها به شهرهای مبدأ در صورت نبود اتوبوس‌های کافی و صحبت با سرپرستان موکب‌ها برای توجیه مردم برای داشتن سعه صدر راهگشا: راهنمایی و رانندگی، حج و زیارت، ستاد شمس، وزارت کشور، وزارت امور خارجه، سازمان پایانه‌ها، گمرک جمهوری اسلامی، راه‌آهن، شهرداری استان‌های مرزی، استانداری استان‌های مرزی، پلیس گذرنامه، نیروی انتظامی

تبلیغات

۱. ترغیب مردم به مقوله وقف برای ابا عبدالله

الحسین (علیه السلام): با توجه به وجود پتانسیل بسیار خوبی که در این زمینه وجود دارد این موقوفات می‌توانند به صورت ساخت مساجد بین‌راهی، درمانگاه‌ها، تهیه آمبولانس، هتل‌ها و رستوران‌ها در مرزهای کشور مانند مرز مهران و چاباه همچنین داخل عراق مانند شهرهای نجف اشرف، کاظمین و کربلا و حتی اختصاص مکان‌هایی در ایران و اختصاص درآمد آن برای خرج زائران و هزینه آنها تا خرید اقلام مورد نیاز و اقلام رفاهی و دارویی انجام شود. (قبل از سفر)

۲. اعزام ۳۱ موکب از ایران و استقرار در مسیر زائران عراق و حضور روحانی و مداح ایرانی در موکب ایرانی (قبل و حین سفر)

۳. تأکید بر دقت در ذکر مناقب و مصائب امام حسین (علیه السلام) توسط روحانیون، ذاکرین و مداحان (حین سفر)

۴. استفاده از فضلا، اندیشمندان و روحانیون (این گزینش دو فایده اساسی خواهد داشت در وهله اول سفرهای معنوی برای خود فرد می‌تواند منشأ اثر باشد و در گام بعدی می‌تواند زمینه را برای استفاده هر چه بیشتر زائران از این فضای مناسب و افزایش بصیرت دینی فراهم کند و به طور کلی زمینه بسیار مساعدی برای تعلیم معارف دینی است). (حین سفر)

۵. تهیه و اهداء بسته‌های فرهنگی، شامل اعمال و زیارت و ذکرهای مسیر راه (تهیه قبل، اهداء حین سفر)

۶. اهداء سی‌دی، نشریه، کتاب‌هایی ویژه کودکان با موضوعات جالب و تأثیرگذار در مورد زندگی امام حسین (علیه السلام) و کتاب‌های شعر جذاب مانند شعرهای مربوط به دوازده امام و اهداء کتاب‌های برطرف‌کننده شبهات و هایت.

۷. ارائه نقشه به زبان‌های انگلیسی، عربی و فارسی و نقشه‌های تخصصی با اطلاعاتی نظیر نشانی پایگاه‌های راهنمای زائران، چادرهای محل استقرار پزشکان و ... در این نقشه‌ها باید جایگاه خیمه‌های پاسخگو به خوبی مشخص شود. (تهیه قبل از سفر، اهداء حین سفر)

۸. تعبیه جایگاهی صلواتی برای ارائه موارد صوتی مانند زیارت عاشورا، نوحه‌ها، رفع شبهات مربوط به امام زمان (عج) و ... بر روی فلش‌های زائران (حین سفر)

۹. اجرای تعزیه در مسیر راهپیمایی در صورت امکان و استفاده از متون و مقتل‌های صحیح (حین سفر)

۱۰. مداحی کودکان و نوگلان حسینی در مسیر راه و اهداء هدایا به این عزیزان با نام یاوران علی‌اصغر و قاسم (علیه السلام) (هدایا شامل کتب، سررسید حاوی احادیث حسینی، کتاب‌های مداحی حاوی شعرهای پرمغز همراه با

سی‌دی، کیف با نام چاپ یاوران حسینی، اسباب‌بازی‌های مذهبی و ... (حین سفر)

۱۱. پخش زیارت عاشورا در مسیر و همچنین خواندن زیارت عاشورا و اعمال مسیر توسط مداحان (حین سفر)

۱۲. استفاده از مستندهای تهیه شده سال‌های قبل مانند مستند برگزیده لبیک (وحید امیرخانی) (قبل از سفر برای بررسی موارد و حین سفر برای پخش از صدا و سیما برای ایجاد شور و شعور حسینی (علیه السلام))

۱۳. ایجاد مسابقات بین‌المللی وبلاگ‌نویسانی حسینی و برگزیدن ۷۲ پست برتر

۱۴. پوشش کامل خبری و تصویری اربعین به ویژه در فضای مجازی با استفاده از چندین گروه هنرمند و اهل قلم، عکاس و فیلمبردار و نویسنده در نقاط مختلف و شهرهای مختلف زیارتی توسط يك تیم فعال آنلاین رسانه‌ای و انتشار آنها در شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی و شبکه آپارات، کلپ و لنرو در میان شبکه‌های داخلی و همچنین در شبکه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی و خبرگزاری‌ها، سایت‌ها و روزنامه‌ها با هدف تشکیل پرمخاطب‌ترین صفحات شبکه‌های اجتماعی و جهانی کردن حرکت عظیم شیعیان جهان و استفاده از کاربران فضای مجازی برای انعکاس فرهنگ برادری، ایثار و عشق به اهل‌البیت (علیهم السلام) (قبل و حین و بعد از سفر)

۱۵. جلوگیری از خرافات (قمه‌زنی، صوفی) به منظور مقابله با آنها

۱۶. بهره‌گیری مناسب از تصاویر حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و نصب پرچم و نمادهای جمهوری اسلامی در مسیر راهپیمایی

۱۷. صحبت با رؤسای کاروان‌ها (موکب‌ها) و بزرگان و مذهبیون هراستان و شهر که در این راهپیمایی شرکت می‌کنند و توجیه این افراد به عنوان لیدر گروه و صحبت با آنها برای توجیه گروه خود و از بین بردن آسیب‌های موجود در کمترین زمان ممکن

۱۸. ایجاد خیمه‌های پاسخگویی به شبهات: از آنجا که این سفر باید به يك سفر معنوی تبدیل شود یکی از راهکارهای آن پاسخ به شبهات افراد به‌ویژه جوانانی که اگرچه عاشق امام حسین (علیه السلام) هستند؛ اما بر اثر فعالیت‌های رسانه‌ای و حضور در دانشگاه‌ها دچار شبهات بسیاری بوده و این سفر معنوی می‌تواند زمینه بسیار مناسبی برای مقابله با وهابیت و شبهات ایجاد شده توسط آنها باشد. نیاز است در این خیمه‌ها روحانیون خوش‌سیما و دارای تحصیلات کلاسیک و همچنین دارای توان و فن بیان بالا حضور داشته باشند. از نکات دیگر در این مورد این است که هر يك از این

خسارت به زائران به سرعت (این کار نیاز به برنامه ریزی و آماده باش شبانه روزی توسط دستگاه ذیربط (بیمه توسعه) در همه حوزه های عتبات عالیات دارد؛ همچنین لازم است شرکت بیمه گرد مرزهای زمینی و هوایی به ویژه در فرودگاه ها نیروها و وسایل امدادی از قبیل آمبولانس را آماده داشته باشد و نمایندگان بیمه نیز در شهرهای مختلف عراق در کربلا و نجف و کاظمین فعال شوند و شرکت های بیمه در استان ها نیز تعاملات خود را با شرکت های مرکزی استان ها تقویت کنند. به این منظور لازم است شعب بیمه در مورد کاروان ها با تأیید مدیر و روحانی کاروان، خسارت ها را پرداخت کنند.

عمومی، متخصص، زنان و کودکان و پرستاری» دارند. (قبل از سفر)
۲. ایجاد درمانگاه در مبادی مرزها برای مثال استقرار پزشکان و کادر پزشکی در مدارس نزدیک مرز. در این درمانگاه های ثابت و سیار، پزشکانی با تخصص های داخلی، زنان و زایمان، کودکان، چشم پزشکی و پوست مورد نیاز است. وجود چند ایستگاه سنجش قند خون. (این مورد در سال های گذشته در راهپیمایی قم و مشهد مقدس انجام شد و بسیار موفق بود به معنای دیگر این پزشکان متعهد به صورت داوطلب عزاداری را به شیوه خدمت به عزاداران از طریق ویزیت رایگان معنی کرده اند.)

خیمه ها باید به يك عنوان خاص نام گذاری شوند؛ برای مثال خیمه های پاسخگویی عاشورا ییان. خیمه های پاسخگویی مهدیون، خیمه های پاسخگویی ولایتی ها، خیمه های پاسخگویی زینیون. همچنین در بروشور هایی که قبل از سفر توزیع می شوند به وجود چنین خیمه هایی در مسیر اشاره شود. (تشکیل کلاس های آموزشی برای اساتید و روحانیون پاسخگو و همچنین استفاده از کتب مربوطه در هر زمینه خاص).
۱۹. اهداء سربندهایی با نام شهدای کربلا مانند یاوران حسین، یاوران علی اکبر، این امر باعث رواج و اشاعه استفاده از اسامی عاشورایی و فرهنگ سازی می شود.

۲۰. تزئین اتوبوس ها با احادیث راهپیمایی اربعین، ولایت مداری، دوری از خرافه ها و نهی قمه زنی از سوی مراجع تقلید
۲۱. نصب نکات با نام «آیا می دانید ...»
راهگشا: دفتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها، حوزه علمیه قم، اساتید گفتمان دینی سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما، سرپرستان موکب ها، بسیج، سپاه، کانون مداحان

تغذیه

۱. ارزیابی شرایط خدماتی هتل ها، تغذیه زائران، ساخت آشپزخانه های بین راهی بهداشتی و رفع نواقص موجود
۲. تأکید بر استفاده از ظروف يك بار مصرف در همه مسیرها و شهرها برای حفظ بهداشت
۳. فراهم کردن بطری های آب برای چادرهای زائران
۴. فراهم کردن کلمن های خنک در مسیر راه
۵. قرار دادن تانکرهای مخصوص حمل آب در مسیر راهپیمایی همراه با لیوان های يك بار مصرف
۶. تمهیدات لازم برای غذای مناسب و بهداشتی و متناسب با ذائقه ایرانیان سراسر کشور
۷. برنامه ریزی برای تهیه چایی و استفاده از فلاکس در صورت امکان برای چادرها توسط مدیران یا دست اندرکاران
۸. استفاده از بروشورهای رفاهی که به زائران داده شده است برای داشتن يك تغذیه مناسب (برای مثال زائران محترم باید از خوردن پنیر اجتناب ورزند؛ به ویژه کسانی که سابقه نفرس دارند؛ زیرا باعث بالا رفتن اسید اوریک خون شان شده و درد مچ پا ادامه پیاده روی را برای شان سخت می کند.)

درمانی

۱. ایجاد ستادی برای انتخاب افرادی که سبقت کارهای فرهنگی، پزشکی «پزشک



راهگشا: وزارت بهداشت و درمان، بسیج دانشجویی، هلال احمر (در این مورد مطلع و داوطلب بودن فرد و اشتیاق وی به این سفر معنوی برای ارائه بهترین خدمات از مهم ترین آیتم ها است.)

۳. ایجاد مکان هایی برای استقرار و استراحت پزشکان در مسیر راهپیمایی
۴. استقرار پست های ثابت و سیار و تجهیزاتی مانند چرخ بال، آمبولانس، موتورلانس و ایجاد چادرهایی برای بیماران سرپایی و احیاناً برای اعزام
۵. انجام تست دیابت در چادرها و ایستگاه های سلامت در ابتدای ورود به مرز (این کار ابتکاری جالب به نظر می رسد) که بیمارانی که دیابت داشته و از آن بی اطلاع هستند در طول مسیر دچار مشکل نشوند.
۶. تهیه داروها و وسایل پزشکی که شامل: داروهای قلبی، ریوی، فشار خون، قند خون، مسکن ها و ... دستگاه اکسیژن، سرم ها و تزریقات
۷. ساماندهی بیمه زائران مانند گذشته و استقرار بیمه توسعه در ایام اربعین هم در ایران و هم در شهرهای مختلف عراق. هیچ زائری نباید بدون بیمه از ایران خارج شود و پرداخت

رفاهی

۱. تهیه پرسشنامه ای برای مدیران کاروان برای بهتر شدن کیفیت این حرکت عظیم و از بین بردن نقاط ضعف و بالا بردن نقاط قوت و همچنین استفاده از تجربیات چاپ شده دیگران (قبل از سفر)
۲. تشکیل کلاس های آموزشی برای مأمورین شهرداری، پزشکان، کمک یاران (زینیون و عاشوراییان)
۳. چاپ کتابچه ها، بروشورها و کتاب های راهنمای زائران و توزیع آن توسط ارگان های ذی ربط و در مبادی ورودی مرز عراق
۴. اطلاع رسانی از طریق تابلوها برای زائرانی که



به تنهایی سفر کرده یا بار اول شان است.

۵. فراهم کردن ویلچرهای مخصوص زائران مسن

۶. تهیه جزوه مانند:

الف) روز شمار اربعین

ب) جزوه مکالمه های پرکاربرد و مفید عربی که به صورتی ساده و مختصر جوابگوی نیازهای افراد در سفر است.

ج) جزوه مسیر راه

د) جزوه اطلاعات ضروری

و) جزوه دستورالعمل های پیاده روی، وسایل همراه و...

ه) رهنمودها و توصیه ها مانند نکات قابل ذکر در مورد پوشاک، تغذیه و...

ی) شماره های مهم و ضروری و اهدای بسته های مراقبتی

۷. نوبت دهی به زائران و بررسی آمادگی های رفتاری و جسمانی آنها

۸. ارائه مسیریابی برای زائرانی که امکان و توانایی پیاده روی ندارند و مجبورند با اتوبوس جابه جا شوند.

۹. جلوگیری از گرفتن عوارض توسط ارگان های مختلف مانند عوارض شهرداری، بانک ملی، زیرا بر اساس قوانین در قبال خدمات شهرداری، شهروندان هر شهر باید به شهرداری همان شهر که در آن سکونت دارند، عوارض پرداخت کنند؛ اما برای مثال شهرداری تهران به صورت غیرقانونی از زائران عوارض دریافت می کرد.

۱۰. اتخاذ تصمیم هایی برای به حداقل رساندن هزینه سفر توسط وزارت امور خارجه ایران، حج و زیارت و عراق و انجام رایزنی های مربوطه

۱۱. در مورد تقلیل هزینه های سفر چند مورد قابل تأمل است؛ از جمله آنکه به دلیل تنوع در شرایط و امکانات یکسان سازی قیمت امکان پذیر نبوده اما می توان با برنامه ریزی و اتخاذ تصمیم هایی از جمله:

قیمت تمام شده خدمات قبل از دریافت از زائران به تصویب سازمان حج و زیارت رسیده و هزینه تمام شده خدمات با احتساب حق الزحمه کارگزاران زیارتی از سوی سازمان حج و زیارت اعلام شود. این امر باعث می شود تا از فعالیت واحدهای زیارتی غیرمجاز که با عنوان نام زائر به صورت غیرقانونی فعالیت می کنند و باعث به وجود آمدن تضاد قیمت ها می شوند، جلوگیری شود و به طور کلی نرخ هزینه ها با نظر کارشناسان و مراجع ذی ربط مشخص شود.

۱۲. انتشار و ارائه آدرس ثبت نام کاروان های پیاده روی اربعین «ستاد مردمی راهیان کربلا» در استان های مختلف از طریق مبادی ذی ربط

۱۳. داشتن لباس یا سربند مشخص یا علامتی بر روی لباس

راهگشا: سازمان تبلیغات اسلامی، بسیج، سپاه پاسداران، حج و زیارت، شهرداری، آموزش و پرورش، استانداری، سرپرستان کاروان ها

خدماتی و بهداشتی

۱. دستشویی

تهیه مایع دستشویی
استفاده از نیروهای شهرداری برای نظافت

۲. استحمام

تهیه حوله های یک بار مصرف و شامپوهای یک نفره برای کسانی که فاقد این وسایل هستند.

۱. توجه به گرم بودن آب در همه ساعات با توجه به سرد بودن هوا در آن ایام

۲. استفاده از نیروهای شهرداری برای نظافت ذکر نکات بهداشتی در کانتینرها در مسیر راه می تواند به صورت جزوه و همچنین برای نصب در کانتینرها مفید باشد.

ذکر نکات شرعی به صورت (تابلوهای کاغذی نصب شده) مانند مواردی که در قم در حرم حضرت معصومه علیها السلام به ویژه برای بانوان ذکر شده بسیار مفید است. (استفتائات ناخن مصنوعی، چگونگی وضو با انگو و...)

با توجه به مشکلات سال گذشته به نظر می رسد با هماهنگی ارگان های ذی ربط و کمک از مردم، نیاز به استقرار تعدادی کانتینر برای این امر در مسافت های مشخص وجود دارد.

تمیز کردن مسیر راهپیمایی (شهرداری)

استفاده از بروشورهای رفاهی برای رفاه زائران محترم در طول مسیر راهپیمایی برای مثال (در همه طول مسیر در سمت چپ و گاهی راست جاده که برای پیاده رونده ها مشخص شده است عمودهایی (ستون) وجود دارد که با فاصله پنجاه متر از یکدیگر نصب و شماره گذاری شده اند. از شماره یک تا هزار و چهارصد و شصت؛ البته اگر بعد از رد کردن ستون شماره دویست با ستون شماره یک مواجه شدید تعجب نکنید! ستون ها در این قسمت مجدداً از یک نصب می شوند. این ستون ها کمک بزرگی است برای زائران تا علاوه بر اینکه فاصله شان را تا کربلا حساب کنند با دوستان و همسفرهای خود پای این ستون ها قرار بگذارند؛ مثلاً صبح وقتی راه می افتید قرار بگذارید برای نماز یا برای شب همه خودشان را به ستون چهارصد برسانند تا اگر کسی جا ماند یا گم شد یا خواست تنهایی مسیر را طی کند، شب به گروه بپیوندد.)

راهگشا: شهرداری، حوزه علمیه قم،

استانداری شهرهای مرزی، سازمان تبلیغات، ادارات دولتی مرزی

خواب و استراحت

۱. وجود چادرها و موکب هایی در مسافت های مشخص و هماهنگ با مدیران زائران برای استراحت زائران

۲. مشخص کردن چادرها برای زائران خانم و آقا و ارائه انواع خدمات به زائران توسط اشخاصی که از قبل برای این امر ثبت نام کرده اند.

۳. تمهیدات لازم برای تهیه پتو با توجه به سردی هوا همچنین وسایل و تجهیزات گرم کننده در پایگاه های اسکان

● استفاده از بروشورهای رفاهی برای استراحت مفید و بهره برداری حداکثری (برای مثال زائران در هر استراحتگاه پاهای شان را با آب و صابون بشویند و تمیز کنند و کمی از خستگی شان کم شود و از زدن تاول که باعث می شود طی مابقی مسیر برای شان مشکل شود، جلوگیری شود. شب ها سعی کنند از کرم های ضد التهاب پا استفاده کرده و از پاپوش مناسب استفاده کنند. از بهترین پاپوش ها دمپایی است که سبب ایجاد جریان هوا در پاها و انگشتان می شود و...)

راهگشا: بسیج، سپاه پاسداران، وزارت کشور، سازمان های دولتی، کمک های مردمی

امنیتی

به حداقل رساندن امکان بمب گذاری در مسیر حرکت زائران با استقرار افراد مشخص و تعیین شده برای ارائه خدمات

۱. ارائه برگه هایی به زائران در هنگام تحویل ویزا برای رعایت مفاد آن و گرفتن تعهد در این زمینه از زائران محترم

راهگشا: سپاه پاسداران، شمس، بسیج، وزارت کشور، وزارت امور خارجه

اکرامی

راه اندازی ایستگاهی با نام «قرائت قرآن، هدیه به شهدا» در بین راه با نام شهدای همه کاروان ها. به این صورت که عکس تعدادی از شهیدان بر روی تابلویی نصب و قرآنی روی میز قرار داده می شود و با نصب متن مناسبی مانند اینکه زائران برای قرائت یک برگ قرآن و هدیه ثواب آن به روح امام (ره) و شهدا به ویژه شهدای کاروان های زیارتی ارزش معنوی این زیارت را دو چندان کنند، هر زائر پس از قرائت صفحه مربوط به خود یک برگ قرآن را ورق می زند و نشان گر مربوط به قرائت قرآن را در برگ بعدی قرار می دهد و بدین ترتیب به صورت مشارکتی ختم قرآن به یاد شهدا و اموات انجام می شود.



یک تجربه مانا

تجربه‌های کاربردی

برای اعزام کاروان پیاده روی اربعین

معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

اجرای برنامه‌های فرهنگی کاروان

- مسئول تدارکات
- مسئول ثبت نام
- مسئول امور مالی (پیگیری بودجه و برنامه‌های مالی، شناسایی پتانسیل مالی برای کسب بودجه، مدیریت صحیح مبالغ دریافتی برای هزینه‌های کاروان)

ایجاد انگیزه و فضا سازی

- ۱- تشویق و ایجاد انگیزه برای حضور در پیاده‌روی اربعین از طریق سخنران و مداح و بزرگان مجموعه و هیئت صورت بگیرد.
- ۲- روزشمار اربعین به همراه متن متناسب با حال و هوای اربعین (به صورت پیامک، درج محل هیئت یا محلی که حضور بیشتر است).
- ۳- برگزار نمایشگاه عکس و خاطره
- ۴- برپایی همایش یا شب خاطره اربعین
- ۵- پخش کلیپ

ثبت نام

هنگام ثبت نام به چند نکته باید توجه شود:

- ۱- مشخص کردن اولویت‌های ثبت نام (در صورت مراجعه‌کننده بالا)
- ۲- بهترین ایام برای اعلام مکان و زمان ثبت نام برای چاپ پوستر تبلیغاتی ۵ تا ۱۰ محرم است. از آنجا که دوستان دانشجوی و طلبه برای خروج از کشور باید مشکل خروج‌شان را حل کنند و این کار زمان‌بر است پیشنهاد می‌شود قبل از محرم اقدام به تبلیغات و ثبت نام شود تا به مشکل

تصمیم‌گیری‌های کلی درباره سفر پیاده‌روی اربعین

۲. تعیین مسئول کاروان
۳. مشخص کردن کادر کاروان توسط مسئول کاروان (لازم است کادر کاروان هماهنگ با مسئول کاروان باشد تا برنامه‌ریزی‌ها و همکاری‌ها به بهترین شکل صورت گیرد)

اعضای کادر کاروان متشکل از:

- مسئول کاروان (وظایف مسئول اردو در تعامل با کادر اردو و تقسیم کار است و امورات بیرون اردو، مثل تأمین بودجه، هماهنگی مرز، محل اسکان در کربلا، نجف و ...، تعامل با اداراتی مثل اداره گذرنامه، ارتباطات با مهمانان و ...، برعهده اوست).
- مدیر داخلی (مدیر داخلی مسئول تعامل با شرکت‌کنندگان در اردو را برعهده دارد. مسائل ثبت نام، تدارکات، نظم و انسجام اردو، تعیین مدیران اتوبوس‌ها و نیز برگزاری جلسات کادر (به ریاست مسئول اردو و دبیری مدیر داخلی برعهده اوست. معمولاً کسی که اخلاق جدی‌تری دارد، مدیر داخلی می‌شود (آدم بد اردو) و کسی که اخلاق لین‌تری دارد، مدیر اردو. به این ترتیب با حفظ نظم اردو، اگر خدای نکرده رنجشی پیش بیاید، مسئول اردو با اخلاق لین خود، این مسئله را حل می‌کند؛ اما جدیت در برقراری نظم ایجاب می‌کند که مدیر داخلی همچنان به کار خود به نحو احسن ادامه بدهد).
- مسئول فرهنگی (طراحی و تهیه بسته فرهنگی،

هیئت‌ها این سال‌ها از ابتدای محرم یک برنامه را هم به موازات کارهای هیئت جلو می‌برند: برنامه‌ریزی برای کاروان پیاده‌روی اربعین. تبلیغ و کارهای ثبت نام در همان روزهای برگزاری برنامه در دهه اول انجام می‌شود و هماهنگی‌ها و جلسات از همان موقع کلید می‌خورد. تب و تاب کربلا رفتن بین بچه‌ها می‌افتد و حاجت خیلی‌ها در عزاداری محرم می‌شود کربلا.

واقعیت این است که دست‌مان هنوز در این اجتماع بزرگ شیعی و اسلامی خیلی خالی است و باید بیشتر از این‌ها وقت گذاشت و برنامه‌ریزی کرد، نه فقط برای حضور که برای حضور مؤثر و جدی. حرکت‌هایی آغاز شده تا حضور هیئت‌های انقلابی در این مراسم از حالت منفعلانه به فعال تبدیل شود. حضوری که جز آن انتظار نمی‌رود. روشن است که این کار نیازمند رعایت ظرافت‌ها و دقت نظر و هوشمندی است.

آنچه در این مطلب می‌آید مراحل تکمیل و اعزام کاروان پیاده‌روی اربعین است که حاصل تجربه چند ساله در اعزام کاروان پیاده‌روی اربعین است.

تلاش شده در این مطلب آنچه مختص به کاروان اربعین است، بیان شود و موارد بدیهی‌ای که برای هر اردو و کاروانی باید رعایت شود در این نوشتار نیامده است.

اقدامات اولیه

۱. هماهنگی اولیه و برگزاری جلسه برای



علمای مدفون در حرم امام حسین (ع)



نقشه و تقسیمای حرم امام حسین (ع)



ترافیک صدور ویزا برخورد نشود و همچنین برای عقد قراردادهای اسکان و حمل و نقل و... روشن شود.

۳- بهترین موقع برای اعلام زمان ثبت نام دهه دوم محرم است.

به گونه ای برنامه ریزی شود که مدارک لازم برای سفر تا آخر ماه محرم دریافت شود.

افرادی که مشکل نظام وظیفه دارند باید حتماً کارهای مربوطه را خودشان انجام دهند.

تذکر مهم

مسئله خروج از کشور همیشه لب مرز، دردسرافزین است. بسیاری از بچه ها هستند که آشنایی درستی با مسائل و مراحل خروج از کشور ندارند. لازم است یک چک لیست برای این افراد تدوین شود تا گام به گام راهنمایی شوند و تجربه تلخی که معمولاً در مرز ایران رخ می دهد و عده ای را از مرز به تهران برمی گردانند، تکرار نشود.

تعهدنامه

● گرفتن تعهدنامه از همه افراد به ویژه افراد زیر ۱۸ سال و خانم ها و افراد مسن و افرادی که بیماری خاص دارند.

● تعهدنامه ای که توقع زائر را به صفر برساند و موارد ذیل در آن لحاظ شود:

● تعهد افراد زیر ۱۸ سال از اولیای آنها و خانم ها از همسر یا ولی شان به همراه اثر انگشت گرفته شود. از کسانی که بیماری خاصی دارند حتماً تعهد محضری گرفته شود و قید شود که کاروان هیچ مسئولیتی را به عهده نمی گیرد.

● حتی در تعهدنامه قید شود که اجازه خروج از مرز و مشکل نظام وظیفه توسط خود زائر باید انجام شود و در صورت کوتاهی زائر و بروز مشکل به هنگام خروج، کاروان هیچ مسئولیتی

را نمی پذیرد.

● از آنجا که میلیون ها نفر در ایام اربعین برای زیارت به عتبات مشرف می شوند، برنامه ریزی دقیق برای ارائه خدمات مشکل است؛ بنابراین خادمین شما در کاروان، نهایت تلاش شان را برای رفاه زائران عزیز انجام خواهند داد با این وجود:

● احتمال ناهماهنگی اتوبوس در مکان و جابه جایی با وسیله ای دیگر وجود دارد.

● احتمال لغو شدن مکان در کربلا و نجف هست.

● احتمال معطلی بیش از اندازه در مرز یا جاهای دیگر هست.

توجه

به این نکته توجه شود که مشکلات اربعین آن قدر زیاد است که هر چه برنامه ریزی کنید، باز هم حوادث غیرمترقبه رخ خواهد داد و کل اردو را تحت تأثیر قرار می دهد؛ متأسفانه عده ای هم این مسئله را درک نمی کنند و گاهی کار به شکایت و دادگاه کشیده می شود. بنابراین از «همه شرکت کنندگان» تعهد محضری گرفته شود که کاروان «هیچ» مسئولیتی نمی پذیرد؛ البته بین خود و خدای مان تعهد داریم که به بهترین نحو، نوکری زوار را انجام دهیم و از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد.

برآورد هزینه سفر

● ۱۴۰ هزار تومان برای هزینه صدور ویزا - هزینه اتوبوس ایران تا مرز (از تهران): ۷۰، ۸۰ هزار تومان

● کل هزینه اتوبوس و حمل و نقل در عراق بین ۲۸ تا ۴۰ دلار (بستگی دارد که کاروان بخواهد به کاظمین هم برود یا نه).

● هزینه اسکان در نجف: هتل مناسب در

نجف از ۱۸ دلار به بالا شروع می شود و تا ۵۰ دلار هم می رسد. (البته غالب هتل ها در عراق کیفیت مناسبی ندارند.)

● هزینه اسکان در کربلا: اسکان خانه در کربلا از ۱۰ دلار تا ۲۰ دلار برای هر نفر است و هتل هم از ۳۰، ۴۰ دلار تا ۱۰۰ دلار موجود است.

● هزینه اسکان در کاظمین: هتل از ۱۷، ۱۸ دلار تا ۳۰ دلار است.

● هزینه بسته فرهنگی بسته به نوع کار فرهنگی دارد.

● هزینه غذا متغیر است.

● هزینه سفر در دویا سه قسط قبل از سفر دریافت شود (در قسط اول مبلغ دویست هزار تومان برای تهیه ویزا و برخی از هزینه های مقدماتی دریافت شود).

● نهایت تا پنجم الی ششم ماه صفر کل مبلغ را از زائران محترم دریافت شود.

گرفتن ویزا

با نزدیک شدن به روز اربعین، ازدحام برای گرفتن ویزا زیاد خواهد شد؛ بنابراین در اولین فرصتی که مدارک و مبلغ ویزا دریافت شد، برای گرفتن ویزا اقدام شود.

برای گرفتن ویزا حتماً باید یک نفر از کادر کاروان به صورت حضوری به دفتر طلوع مراجعه کند و کار صدور ویزا و مانیفست، بدون واسطه صورت گیرد؛ چون امکان جعل مانیفست توسط افراد واسطه وجود دارد. (عده ای به دلیل جعلی بودن مانیفست، در مرز دچار مشکل شده اند).

مدارک لازم ویزای گروهی

● اصل گذرنامه یا کپی واضح از صفحه اصلی (در صورت داشتن همراه در گذرنامه، کپی صفحه همراه)

● یک قطعه عکس رنگی ۴×۳ از صاحب



● هماهنگی اسکان کربلا

- تعیین موکب‌های استقرار شبانه در مسیر پیاده‌روی
- بهترین زمان برای شروع سفر، ۱۳، ۱۴، ۱۵ صفر است.
- به علت شلوغی مسیرها بعد از اربعین، تهیه اتوبوس و طی مسیر مشکل است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود دوستانی که می‌خواهند کاظمین هم بروند ابتدای سفر از مرز مستقیم سمت کاظمین بروند و بعد نجف و سپس پیاده‌روی را شروع کنند.
- پیاده‌روی سه تا چهار روزه باشد؛ یعنی ۱۶ و ۱۷ صفر پیاده‌روی را شروع کنند و به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که روز اربعین وارد کربلا شوند. (روز قبل از اربعین ازدحام جمعیت بالاست و روز اربعین حدود ۲، ۳ بعد از ظهر جمعیت رو به برگشت است و راحت‌تر است). چند روزی قبل از شروع سفر یکی دو نفر از کاروان مسیر پیاده‌روی را پیاده طی کنند؛ یعنی سه چهار روز زودتر بروند سمت کربلا تا مکان‌هایی برای استقرار کاروان مشخص شود و قبل از شروع سفر برنامه‌ریزی‌های لازم انجام و به زائران اطلاع‌رسانی شود که روز اول ستون چند باشند و روز دوم ستون چند. این مکان‌ها تایپ شود و در اختیار زائران قرار گیرد که اگر گرم شدند بدانند که شب در کجا ساکن شوند.
- مسئول اردو با کادر خود، قبل و در حین اعزام، جلسات مداوم داشته باشد و برای برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها هم‌فکری کنند به ویژه به هنگام ایجاد بحران

نکاتی برای پیاده‌روی

- بهترین زمان برای شروع پیاده‌روی صبح زود بعد از نماز صبح است و بهترین زمان برای اتراق شبانه، ساعت سه الی چهار عصر در موکب تعیین شده است. در ساعات بعد از شش و هفت عصر، موکبی که بشود گروهی برای شب اسکان داشته باشند، نیست. برای هر زائر یک سیم کارت خریداری و شماره‌ها جمع‌آوری شود برای اطلاع‌رسانی‌های لازم (هر چند اطلاع‌رسانی از طریق تلفن به علت شلوغ بودن خطوط مخابراتی مشکل است؛ بنابراین روی این مورد نمی‌توان تکیه کرد).
- ریز برنامه کاروان به صورت جدول در اختیار زائران قرار گیرد.
- شماره تلفن‌های ضروری و همچنین نقشه‌های کربلا و نجف و مسیر در اختیار زائران قرار گیرد. (آدرس و کروکی محل استقرار در کربلا، قبل از شروع پیاده‌روی به همه زائران داده شود. معمولاً زائر پس از سه روز پیاده‌روی به لحاظ جسمی بسیار خسته و ناتوان می‌شود و پیدا کردن آدرس در آن شلوغی و نیز با توجه به عربی

جلسه توجیهی برای زائران

- یک یا دو جلسه توجیهی اجباری برای زائران برگزار شود. جلسه آخر به صورت همایش هم برگزار شود.
- زائران در جریان جزئیات سفر و کم و کیف آن قرار بگیرند.
- نکات ضروری‌ای که برخی از آنها در بالا ذکر شد تذکر داده شود.
- اینکه ما همه سعی خودمان را برای ارائه خدمات (اتوبوس، اسکان نجف و کربلا و ...) خواهیم کرد؛ ولی در مرز عراق امکان بروز هر مشکلی هست. معطلی در مرز حتماً بیان شود و اینکه ممکن است زمان زیادی در مرز معطل بشویم شاید صبح وارد شویم و آخر شب رد شویم حتی یک شب در مرز بخواهیم.
- لازم است زائران محترم، وسایل سبک و کم حجم و ضروری را همراه خود بیاورند (در حد یک کوله‌پشتی) چون پیاده‌روی سه روزه در پیش دارند (بیشتر وسایلی که فکر می‌کنند شاید نیازشان بشود مورد نیاز نیست). وسایل مورد نیاز: یک چفیه (به جای حوله)، یک دست لباس راحتی و یک دست لباس بیرون که مسیر راحت باشند + وسایل ضروری شخصی مانند مسواک و ... بیشتر از این وسایل مورد نیاز سفر نیست.
- اگر کسی بیماری خاصی دارد؛ حتماً داروهای خاص مورد نیاز را برای ۱۰ روز به همراه خود بیاورد.
- مواد ضروری کمک‌های اولیه امدادی در مسیر وجود دارد.

نکاتی درباره مدیریت کاروان

- کاروان‌ها حداکثر به گروه‌های چهار نفره تقسیم شوند؛ یعنی هر ۴۰ نفر یک کاروان (تا مدیریت بر آنها آسان‌تر باشد، در غیر این صورت مدیریت امکان‌پذیر نیست).
- همه کارهای یک کاروان که متشکل از ۴۰ نفر است؛ برعهده مدیر همان کاروان و کادری که او برای کاروان در نظر می‌گیرد، است. (از ثبت نام گرفته تا گرفتن مدارک و هزینه سفر و گرفتن ویزا و گرفتن اتوبوس و حتی اسکان نجف و کربلا و برنامه‌ریزی مسیر پیاده‌روی)
- توصیه این است که در چند سالی که مسئله سردی هوا در ایام اربعین وجود دارد کاروان‌ها کلاً دو روز در کربلا باشند.
- مدیریت کاروان باید توان تصمیم در بحران را داشته باشد و خودش را نبازد.
- گروه‌ها کوچک باشند و هر چند تا گروه با هم مسایل کلان مثل غذا و اتوبوس را پیگیری کنند.
- تهیه اتوبوس و هماهنگی لازم برای حمل و نقل در ایران و عراق
- هماهنگی اسکان نجف

گذرنامه (در صورت داشتن همراه در گذرنامه، یک قطعه عکس رنگی از همراه)

- برای دریافت ویزای گروهی یک نفر به عنوان نماینده برای دریافت ویزا اقدام خواهد کرد و نیازی به حضور همه اعضا نیست.
- برای مسافرت با ویزای گروهی، همه اعضا در طول سفر به صورت کاروانی باید سفر کنند و اجازه عبور به تنهایی از مرز را نخواهند داشت.
- سفارت عراق هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال خروج از مرزهای زمینی کشور را ندارد. برای دریافت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۰۸۴۲۸۲۲۵۴۰-۵ (مرز تهران) تماس حاصل فرمایید.
- متولدان ایران، عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توانند با ارائه مدارک نسبت به دریافت ویزا اقدام کنند.
- اتباع خارجی (افغانستان، پاکستان، هندوستان و ...) با داشتن اقامت ایران و دعوت‌نامه (موافقت‌نامه) از عراق می‌توانند با ارائه مدارک نسبت به گرفتن ویزا اقدام کنند.
- اتباع خارجی که دارای اقامت ایران هستند، می‌توانند برای تسهیل در اخذ دعوت‌نامه به حوزه علمیه جامعه المصطفی یا دفتر آیت‌الله حکیم واقع در شهر قم، مراجعه کنند.
- در صورت تهیه کردن بلیت قبل از صدور ویزا مسئولیت آن به عهده خود شخص بوده و هیچ‌گونه تعهدی برعهده این دفتر نیست.
- توضیح شرکت طلوع برای صدور ویزای انفرادی. مدارک لازم برای صدور ویزای انفرادی: مدارک لازم برای صدور ویزا: دو قطعه عکس رنگی ۴×۳ زمینه روشن، اصل گذرنامه (حداقل شش ماه اعتبار)
- حضور صاحب گذرنامه یا بستگان درجه اول هنگام تحویل مدارک الزامی است.
- زمان تحویل بین ۲ تا ۱۰ روز کاری خواهد بود.
- سفارت عراق هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال عبور زائران از مرزهای کشور ایران را ندارد و مادامی که مرزهای کشور عراق باز است اقدام به صدور ویزا می‌کند. برای دریافت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۸۴۲۸۲۲۵۴۰-۵ (گذرنامه مرز تهران) تماس حاصل فرمایید.
- متولدان ایران، عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توانند با ارائه مدارک نسبت به دریافت ویزا اقدام کنند.
- همه اتباع خارجی و طلبه در ایران که تحت پوشش مجمع جهانی اهل بیت (ع) یا جامعه المصطفی هستند با معرفی‌نامه آن مرکز به سفارت عراق، در روند دعوت‌نامه ایشان تسریع می‌شود.
- با ویزای عراق می‌توان به همه شهرهای عراق به جز اقلیم کردستان سفر کرد.





فاصله خروجی شهر نجف تا ابتدای شهر کربلا حدود ۸۰ کیلومتر است.

● **چه مدت پیاده خواهیم رفت؟**
معمولاً این مسافت را در سه روز و دو شب طی می‌کنند؛ یعنی از صبح زود سه روز مانده به اربعین حرکت کرده و شب اربعین به کربلا می‌رسند.

● **آیا باید کل مسیر را پیاده برویم؟**
خیر! هر چند که لحظه رسیدن به کربلا به صورت پیاده لحظه فوق‌العاده‌ای است و تجربه طول مسیر باعث می‌شود خستگی از یاد انسان برود؛ اما اگر زائری به هر دلیل قادر به طی کردن راه به صورت پیاده نباشد، می‌تواند به وسیله خودروهایی که بین راه وجود دارد بقیه مسیر را با ماشین طی کند. این خودروها را ارتش عراق مهیا کرده است و معمولاً زائران را به صورت گروهی تا کربلا می‌برند.

● **آیا در طول مسیر از هم‌کاروانی‌ها جدا خواهیم شد؟**
بستگی به توافق شما با هم‌کاروانی‌های تان دارد. بعضی از کاروان‌ها به صورت گروهی حرکت می‌کنند و تا کربلا با هم می‌رسند. برخی قرار می‌گذارند که مثلاً عصر اربعین یا شب اربعین فلان جا حضور داشته باشید.

عراق پرداخت نشود. مبلغی به عنوان بیعانه داده شود و مابقی مبلغ بعد از جابه‌جایی پرداخت شود.

● **طوری برنامه‌ریزی شود که اگر اتوبوس طرف قرارداد دچار مشکل شد با اتوبوس‌های موجود در کربلا و کاظمین مسیر طی شود.**

● **اتوبوس‌های ایران چهل و دو نفره است؛ ولی در اتوبوس‌های عراق تا ۵۰ نفر هم می‌توان سوار کرد.**

● **قرار نیست همه کارها را از ابتدا تجربه کنیم. بدیهی است که به جای اختراع دوباره چرخ از این تجربه‌ها استفاده کنیم و به فکر اختراع‌های مکمل باشیم. اصل استفاده از تجربه‌ها انسان‌ها را به سمت مکشوف کردن آنها برده است. کاوش تجربه‌ها و دسته‌بندی آنها و تفکر درباره قواعد علت و معلولی، نتیجه‌اش بسیاری از علوم است که امروز با آنها سروکار داریم.**

سؤالات متداول

● **از کجا تا کجا باید پیاده برویم؟**
زائران ایرانی معمولاً از نجف تا کربلا را پیاده طی می‌کنند؛ اما برخی از هیئات مسیر بغداد تا کربلا را طی می‌کنند. این در حالی است که همه ورودی‌های شهر کربلا میزبان زائران اربعین حسینی هستند.

● **فاصله نجف تا کربلا چقدر است؟**

بلد نبودن، بسیار سخت است.)

برنامه برگشت

برای برگشت به ایران بیشتر از دو روز ماندن در کربلا سختی‌های خود را دارد؛ بنابراین توصیه نمی‌شود بیش از دو روز در کربلا بمانید. روز اربعین از شهر کربلا خارج شدن خیلی سخت است و تا دو روز بعد از اربعین خروج مشکل است. اتوبوس‌ها در بیست کیلومتری کربلا قرار دارند و برای رسیدن به آنها باید بیست کیلومتر پیاده طی کرد؛ ولی دو روز بعد از اربعین مسیر باز خواهد بود و اتوبوس‌ها به دو یا سه کیلومتری کربلا می‌رسند.

● **برای برگشت، صبح زود یا دو الی سه نیمه شب حرکت شود که صبح زود کاروان به مرز برسد تا معطلی‌های ورود به ایران کمتر باشد. در آن ساعات ورودی‌ها باز است.**

● **حتماً اتوبوس‌های رفت و برگشت آماده باشد. (هم اتوبوس‌های ایران و هم عراق)**

● **اگر تعداد کاروان‌ها زیاد است برای قرارداد اتوبوس از هر شرکتی دو یا سه اتوبوس گرفته شود و همه اتوبوس‌ها از یک شرکت تهیه نشود. برای مثال ده اتوبوس از یک سازمان برای ده کاروان مختلف گرفته نشود. لازم است برای هماهنگی جهت رزرو اتوبوس در عراق یک نفر یک ماه قبل از سفر به عراق برود و اتوبوس‌های لازم را رزرو کند.**

● **کل هزینه اتوبوس یک جا چه در ایران و چه در**





● این موکب ها چیست و چه تعداد در مسیر، موکب هست؟

از ابتدای مسیر تا انتهای مسیر به وسیله چادرها یا سازه هایی تقسیم بندی شده اند که هیئت هایی از سراسر عالم، مسئولیت این چادرها را بر عهده دارند! البته قریب به اتفاق این هیئت ها قبیله های عراقی هستند. عراقی ها به هیئت، موکب می گویند.

● در این موکب ها چه خبر است؟ و چه خدماتی به زائران می دهند؟

خدماتی که در این موکب ها داده می شود شامل موارد زیر است:

- انواع پذیرایی صبحانه، ناهار و شام. طبیعتاً در این حالت حق انتخاب با شماست که از کدام چادر چه چیزی را برای ناهار یا شام انتخاب می کنید! مثلاً ممکن است جایی به اصرار شما را دعوت به قیمة نجفی کنند و چادری دیگر آب گوشت پخته باشند یا حتی در ایستگاهی برای صرف ساندویچ فلافل توقف کنید! حتی تنور هم در کنار راه یافت می شود و همانجا مشغول پخت نان هستند! انواع طعام از ماهی تا انواع ساندویچ و خورش را می توانید در طول مسیر میل بفرمایید! تفاوت اینجا با قسمت های دیگر دنیا در این نیست که رایگان است؛ بلکه علاوه بر رایگان بودن اصرار صاحب طعام و التماس او برای خوردن حتی یک لقمه از طعامش هر انسانی را منقلب می کند!

- انواع میوه. معمولاً میوه ها را در وسط راه پیاده روی به زور به دستتان می دهند!
- انواع شیرینی جات. خرما و شیرینی های محلی عراق به وفور در طول مسیر دیده می شوند.
- انواع نوشیدنی. چیزی که شاید در همه مسیر به صورت یکنواخت پراکنده شده است چایی شکر معروف عراقی هاست! که در استکان های کمر باریک زائران را برای رفع خستگی و عطش به سوی خود می خواند! علاوه بر چایی، قهوه تلخ و آب معدنی و انواع نوشابه هم در طول مسیر توزیع می شود.

- محل خواب و استراحت! بعضی از موکب ها طوری شرایط موکب را طراحی کرده اند که محل استراحت زائران باشد. در این موکب ها پتو و بالش و سایر ملزومات یافت می شوند و معمولاً در هر ساعتی عده ای در این موکب ها مشغول استراحت هستند.

- مش و مال زائران! در طول مسیر موکب هایی را خواهید دید که زائران را مش و مال می دهند! بعضی توسط دستگاه و بعضی به صورت سنتی اما حرفه ای! حتی در مواردی پاهای خسته و خاکی زائران را به زور می شویند! حتی ناراحت می شوند؛ اگر شما اجازه ندهید که پاهای تان را

مسیر بغداد - کربلا موردهایی از نقض امنیت وجود داشته است؛ اما مسیر پیاده روی نجف تا کربلا جزو امن ترین مسیرهای منتهی به کربلاست و تقریباً می توان گفت از امنیت شهر نجف و همچنین مسیر آن تا کربلا و شهر کربلا به ویژه منطقه ای که اطراف حرمین است خیالتان راحت باشد.

● چه کفشی باید بپوشیم؟

حتماً سعی کنید از کفش راحت استفاده کنید اگر کفش تان ذره ای پای شما را اذیت می کند این اذیت در آن حجم پیاده روی خیلی نمود خواهد داشت و مطمئناً در روز آخر که معمولاً پای انسان در اثر یک عکس العمل طبیعی تاول های کوچکی خواهد زد بیشتر اذیت خواهید شد. ذکر دو نکته اینجا ممکن است مفید باشد: عرب ها از دمپایی برای پیاده روی استفاده می کنند. احتمالاً حرکت با دمپایی به مراتب راحت تر از کفش نامناسب خواهد بود؛ همچنین معمولاً چند ساعت آخر پیاده روی که نزدیک شهر کربلا خواهید شد به خاطر فشاری که کفش به پا خواهد آورد اکثر مردم با پای برهنه راه خواهند رفت؛ زیرا پای برهنه راه رفتن راحت تر از حرکت با کفش نامناسب است.

● ساک های مان را چه کنیم؟

سعی کنید از کوله پشتی استفاده کنید. راحت ترین نوع بار برای حمل در این مسافت کوله هایی است که کامل روی دوش قرار می گیرد. در غیر این صورت از ساک های چرخ دار که تحمل این مسافت را داشته باشند، استفاده کنید؛ زیرا اگر چرخ این ساک ها روی آسفالت مسیر حرکت دچار مشکل شود مطمئناً مجبور به حمل این ساک ها به روش های دیگر خواهید بود که کار را برای پیاده روی دشوار می کند. ممکن است با هماهنگی با دوستان تان کسی راضی شود که ساک ها را با ماشین های عبوری به کربلا ببرد و آنجا منتظر شما باشد! اما سعی کنید تجربه پیاده روی را ولو با حمل ساک دستی از دست ندهید. برخی از اعراب از جعبه های میوه استفاده می کنند و یک سر طنابی را در آن حلقه کرده و سر دیگر در دست می گیرند. با کشیدن این جعبه از نجف تا کربلا هم بار خود را در آن قرار می دهند و در بعضی موارد بچه های خردسال را به وسیله این جعبه ها می کشند.

● آیا نیازی به حمل مواد خوراکی داریم؟

خیر! تقریباً می توان گفت همه نوع خوراکی در طول مسیر به صورت رایگان در اختیار است! در خیلی از موارد صاحبان موکب ها (هیئت هایی که بین راه چادر زده اند) به اصرار شما را مجبور می کنند از خوراکی های آنها بردارید.

● چه کنیم که در حرکت های گروهی و دسته ای گم نشویم؟

استفاده از پرچمی که به نوعی نشان دسته شما خواهد بود، مطمئناً خوب است؛ اما با توجه به اینکه این پرچم باید نسبتاً بلند باشد تا دیده شود دو مشکل اساسی دارد: اولاً اینکه کسی که این پرچم را حمل می کند مطمئناً انرژی بسیاری از دست خواهد داد و باید این پرچم دست به دست شود. ثانیاً در طول مسیر تعداد پرچم ها بسیار زیاد است و تقریباً پیدا کردن پرچم کار ساده ای نیست. مگر آنکه رنگ و نوع پرچم خیلی متمایز باشد.

● اگر در طول مسیر همراهان مان را گم کنیم چگونه قرار بگذاریم؟

همه طول مسیر پیاده روی از خروجی نجف تا ورودی کربلا تیرهای چراغ برقی وجود دارد که شماره گذاری شده اند. از ۱ تا ۱۴۶۰ هر کدام از این تیرها با هم دقیقاً ۵۰ متر فاصله دارند. به نوعی خط نشان هستند که چقدر از مسیر را طی کرده و چقدر باقی مانده است. معمولاً برای اینکه هم کاروانی ها با هم قرار بگذارند از شماره های این تیرها که سمت چپ یا راست مسیر پیاده روی قرار دارد، استفاده می کنند.

● آیا خانم ها یا افرادی با سن و سال بالا می توانند این مسیر را طی کنند؟

این سؤال معمولاً از آنجا ناشی می شود که گمان می شود همه این مدت سه روز و دو شب را باید پیاده روی کرد! در حالی که تقریباً هر چند کیلومتر استراحت می کنید و نیاز نیست که همه این مسیر را به صورت یک نفس پیاده روی کنید. هر چند که ماشین هایی هم بین راه وجود دارند که زائرانی که از ادامه پیاده روی ناتوان شده اند را به مقصد برسانند؛ اما با نگاهی به اطراف خود خواهید دید که جمعیت خانم ها و همچنین افراد مسن کم نیستند؛ بلکه بعضی از خانم ها با بچه ای در آغوش یا افرادی با معلولیت جسمی این مسافت بلکه بیشتر از آن (از شهرهایی مثل بصره ۱۴ روز پیاده روی تا کربلا) را طی می کنند. در کل، حضور در بین جمعیتی که همگی با هم به سمت هدفی خاص در حال حرکت هستند؛ معمولاً طی مسیر را برای انسان راحت می کند. این تجربه را در راهپیمایی های مناسبی احتمالاً تجربه کرده اید.

● با توجه به اینکه دوشب در راه هستیم امنیت در طول مسیر وجود دارد؟

امنیت میان نجف تا کربلا خیلی خوب است و در سنوات گذشته در این مسیر انفجار یا خرابکاری اتفاق نیفتاده است هر چند که در



نقشه شهرگردی و اماکن موجود



بشویند!

● ایستگاه‌های امدادی، توزیع دارو و ملزومات پزشکی. در طول مسیر ایستگاه‌های امدادی تعبیه شده‌اند که اگر مشکلی برای کسی پیش آمد با مراجعه به این ایستگاه‌ها از خدمات پزشکی بهره‌مند شود. در طول مسیر هلال احمر ایران نیز ایستگاه‌هایی دارد که به زائران خدمات می‌دهد.

● ایستگاه‌های فرهنگی، در این ایستگاه‌ها بسته‌های فرهنگی از مداحی تا پوسترو مطالب و بروشورهای فرهنگی توزیع می‌شوند. خدمات متفرقه! برخی از موکب‌ها دست به نوآوری زند و خدماتی به مردم ارائه می‌کنند که ممکن است مورد نیازشان باشد؛ مثلاً موکب‌هایی هستند که خیاط در آنها نشسته و با نخ و سوزن و چرخ خیاطی آماده است تا مشکل لباس یا کیف دستی شما را برطرف کند! در موکب‌هایی کفاش نشسته! در موکب‌هایی برخی با تلفنی در دست التماس می‌کنند که از تلفن آنها استفاده کنی و با هر جای دنیا که می‌خواهی تماس بگیری!

● در طول مسیر چه نوع لباسی مناسب است؟ آیا گرمای هوا زیاد است؟

با توجه به اینکه هم اکنون اربعین در زمستان قرار دارد گرمای هوا به هیچ وجه اذیت‌کننده نیست و علاوه بر آن در ساعات شب و همچنین صبح هوا خیلی سرد هم خواهد شد و بهتر آن است که لباس گرم به اندازه کافی بپوشید.

● آیا برای پیاده‌روی پول همراه مان باشد؟

معمولاً به دلیل رایگان بودن خدمات در طول این سه روز هزینه‌ای نخواهید داشت؛ اما مقدار کمی پول هم ضرر نخواهد داشت بهتر است از

پول ملی خود عراق استفاده کنید. (دینار عراق)

● اگر شارژ موبایل تمام شد چه کنم؟ اصلاً برق وجود دارد یا خیر؟

در طول مسیر موکب‌هایی هستند (تقریباً هریک کیلومتر) که در کنار جاده پیل‌های ۱۵ یا ۲۰ تایی برق گذاشته‌اند و زائران دستگاه‌های برقی خود را در این پیل‌ها شارژ می‌کنند.

● محل خواب چگونه است؟ و چه نکاتی را باید برای محل خواب در نظر گرفت؟

برای محل خواب در طول روز با توجه به وجود خورشید و گرمای نسبی هوا نکته خاصی وجود ندارد؛ اما برای خواب پیشنهاد می‌شود که اولاً قبل از ساعت هشت محلی را برای خواب از بین موکب‌های طول مسیر انتخاب کنید. ثانیاً با توجه به سرمای شب سعی کنید به جای چادر در موکب‌هایی که ساختمان دارند و گرم‌تر هستند، اطراق کنید. احتمال اینکه بعد از ساعت ۱۱ شب جای گرم و مناسب گیر بیاورید کمی سخت خواهد شد. ذکر چند نکته در اینجا اهمیت دارد اولاً جای خواب مناسب برای خواهران و برادران در طول مسیر وجود دارد. ثانیاً کسی بدون جای خواب نخواهد ماند! چون جا و ملزومات خواب مثل پتو و بالش به اندازه کافی هست فقط باید بتوانید موکبی که هنوز کامل پر نشده را پیدا کنید؛ اگر از خود اهالی بخواهید، برای تان معرفی می‌کنند که کجا هنوز برای خواب جا دارد.

● در طول شب شرایط پیاده‌روی چگونه است؟

معمولاً بعد از ساعت ۹ شب مسیر پیاده‌روی خلوت‌تر می‌شود و اکثر موکب‌داران تا اذان صبح

استراحت می‌کنند؛ اما در این میان کم نیستند موکب‌دارانی که شب را هم متناسب با سرمای شب خدماتی ارائه می‌کنند که زائران شب‌روا کمک کند؛ به عنوان مثال چایی و شیر داغ و حتی هدیه! برای جلوگیری از سرمای شب در طول شب توزیع می‌شود و عده‌ای هستند که ترجیح می‌دهند تا اذان صبح پیاده‌روی کرده و بعد از طلوع آفتاب بخوابند.

● سرویس بهداشتی و وضعیت بهداشت مسیر چگونه است؟

هر چند که جمعیت زیادی در مدت زمان کوتاهی در این مسیر تردد می‌کنند؛ اما به لطف اهل بیت (علیهم‌السلام) و عشق خدام‌الحسین مسیر از لحاظ بهداشتی وضعیت مناسبی دارد و همچنین سرویس‌های بهداشتی (حمام و توالت) به صورت مرتب توسط خادمین تمیز می‌شود و اغلب، سطح بهداشت در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارد. هر چند پیشنهاد می‌شود در کوله همراه‌تان یک صابون داشته باشید.

● چه کنیم بیشتر بهره ببریم؟

همان‌طور که عراقی‌ها خود را برای پذیرایی از شما از مدت‌ها قبل آماده می‌کنند شما هم برای تأثیرگذاری بیشتر روی آنها و بالا بردن سطح علاقه و همچنین فکر آنها کار کنید؛ به عنوان مثال تجربه ما در سنوات گذشته نشان داد بچه‌هایی که در طول مسیر ایستاده‌اند و به زائران نگاه می‌کنند و بعضاً حتی با اصرار به شما خوراکی تعارف می‌کنند با یک اسباب‌بازی کوچک یا حتی یک بسته پاستیل چقدر به شوق آمده و مطمئناً در درازمدت تأثیر این حرکت در ذهن‌شان و تصورشان درباره شیعیان و حتی ایرانیان چقدر مثبت خواهد بود؛ حتی آماده





۴. برای جلوگیری از سرماخوردگی، لباس‌های مناسب به همراه داشته باشید: جوراب، دستکش، کلاه، پوشش گوش، کاپشن و غیره. البته بنابر تجربه، هوا در طول روز مناسب و در شب‌ها خنک است. لباس‌های گرم‌تان را حتی‌الامکان از گونه‌ای انتخاب کنید که دکمه یا زیپ داشته باشند و قابلیت کم یا زیاد کردن لباس‌های‌تان را در طول مسیر داشته باشید. خانم‌ها بهتر است، پارچه‌ای نرم مشکی مستطیل که جلوی صورت را بگیرد تهیه کرده و کش دوخته و چیزی شبیه پوشیه درست کنند تا در طول مسیر از سرما و گرد و غبار محافظت کنند. خانم‌ها از چادری استفاده کنند تا امکان انداختن کوله باشد. انواع چادرهای لبنانی و ملی مناسب است.

۵. کرم مناسب برای تاول و عرق سوز به همراه داشته باشید.

۶. بد نیست یک عدد کیسه خواب نیز به همراه داشته باشید تا در صورت مناسب و سرد بودن مکان‌ها برای استراحت از شما در برابر خاک و سرما محافظت کند.

۷. می‌توانید قرآن، دعا و زیارت جیبی یا مداحی مورد علاقه‌تان را همراه داشته باشید؛ البته بهتر است اینها را در موبایل خود داشته باشید تا در حال پیاده‌روی گوش فرا داده یا بخوانید.

۷. کفش‌های نو و بندی را نپوشید. بهتر است یک کفش مناسب و آزاد بپوشید. این مورد بسیار اهمیت دارد؛ چون در طول مسیر دائماً برای استراحت در موکب‌ها ناچار به در آوردن کفش از پا هستید.

۸. پاسپورت و شارژر موبایل را حتماً به همراه داشته باشید.

۹. امکان گم کردن همراهان‌تان در طول مسیر وجود دارد؛ بنابراین با توجه به آتن ندادن موبایل‌تان در بعضی نقاط، همچنین به دلیل ترافیک بالای شبکه از همان ابتدای مسیر، شماره علمی (ستون‌ها) را انتخاب کنید که اگر همراهان‌تان را گم کردید زمان رسیدن به آن علم توقف کنند. فقط حواس‌تان باشد شماره‌های رند خیلی شلوغ است و تجمع افراد بسیار است. ۱۰. همه خدمات در طول مسیر مانند اسکان، نوشیدنی‌ها، غذاها و حتی ماساژ به صورت رایگان ارائه می‌شود. نیازی به حمل مقدار زیادی پول نیست. فقط مقداری پول عراقی همراه داشته باشید؛ چون پول ایرانی قبول نمی‌کنند.

۱۱. سرویس‌های بهداشتی فراوانی در طول مسیر قرار دارند و همین‌طور تعدادی از موکب‌ها نیز سرویس بهداشتی فرنگی دارند. از آنجا که آب برای شستن دست‌ها بعد از دستشویی سرد است و بعضاً مایع و آب برای شستن دست‌ها کم است، بهتر است همراه خود تعدادی

است و فقط کافی است باقی زائران را دنبال کنید:

از درب ساعت (باب‌الساعة) حرم حضرت علی (ع) خارج شده و پیاده‌روی را مستقیم از کنار خیابان امام زین‌العابدین علیه السلام یا خیابان امام جعفر صادق (ع) شروع کنید. این مسیرها را مستقیم بروید تا به بزرگراه کربلا برسید. به سمت چپ رفته، جایی که هزاران نفر به صورت پیاده به سمت کربلا در حال حرکت هستند. به آنها ملحق شوید و حدود ۷۵ کیلومتر در ستون ۱۴۵۲ به حرم حضرت عباس (ع) خواهید رسید.

دستورالعمل‌های پیاده‌روی

۱. پیاده‌روی را از طلوع آفتاب آغاز کرده و در مغرب به طور کامل توقف کنید.

۲. اولین شب را در یکی از موکب‌ها (کمپ یا حسینیه) در حدود ستون ۵۰۰ و دومین شب را حدود ستون ۱۰۰۰ بگذرانید.

۳. مدت طولانی پیاده‌روی نکنید. هرزمانی لازم بود استراحت کنید.

۴. در زمان نماز مغرب جایی را برای خواب بین صدها موکب (کمپ یا حسینیه) پیدا کنید. نیازی به نگرانی نیست چون تعدادی زیادی از این موکب‌ها وجود دارد.

۵. مراکز افراد گمشده در ستون‌های ۷۲، ۳۳۵، ۶۰۲، ۱۱۰۳ و حرم حضرت عباس (ع) قرار دارند. هر سه کیلومتر مرکز گزارش گمشدگان تعبیه شده است.

چه وسایلی همراه داشته باشیم؟

لازم به ذکر است که در این سفر باید یک کوله‌پشتی بزرگ شامل باری برای کل سفر در یک هفته در کربلا و نجف و کاظمین و باری هم برای سفر سه روزه پیاده‌روی اربعین داشته باشید؛ وسایل عمومی همچون لباس، لباس گرم و وسایل شخصی‌تان مربوط به کل سفر است و با سفرهای دیگر تفاوتی نمی‌کند؛ اما برای سه روز پیاده‌روی‌تان وسایلی نیاز است که در زیره آنها اشاره می‌شود.

۱. سعی کنید وسایل کم وزنی با خود حمل کنید. نیازی به همراه داشتن غذا یا آب نیست؛ چون مقدار بسیاری غذا و آب در مسیر موجود است. صرفاً مقداری خشکبار مانند پسته، بادام، انجیر خشک، برگه زردآلو به همراه داشته باشید. ۲. مقداری داروی اساسی برای ۲ یا ۳ روز پیاده‌روی همراه داشته باشید. مانند قرص سرماخوردگی، پماد برای باز شدن عضلات پا، باند کشی برای بستن پا در صورت نیاز، و ... البته تعدادی کلینیک‌های کوچک و کمپ‌های درمانی در طول مسیر وجود دارند.

۳. به جای همراه داشتن کیف دستی یا کیف خرید از کوله‌پشتی سبک استفاده کنید.

کردن بسته‌های فرهنگی به زبان‌های عربی یا انگلیسی و توزیع آن بین مردمی که پیاده می‌روند تأثیرگذار است. گاهی یک پوستر یا یک عکس کوچک مذهبی با یک جمله عمیق تأثیر شگرفی بر ذهن مخاطب خواهد گذاشت. روی تأثیرگذاری متقابل چه برای موکب‌داران چه برای سایر زائران از سراسر جهان برنامه‌ریزی کنید.

اگر در طول مسیر با هم‌کاروانی‌ها به صورت گروهی اطراق می‌کنید بهتر است که برنامه‌ای برای آن محل در نظر بگیرید؛ مثلاً ذکر مصیبت یا مداحی و ... چون هم بعضی از موکب‌ها سیستم صوتی دارند که در اختیار می‌گذارند هم اینکه در طول مسیر به دلیل صدای زیاد بلندگوها که دائماً در حال پخش نوای مداحی عربی هستند احتمالاً نمی‌توان مراسم یا مداحی داشت و گوش کردن به همین نواها و دیدن صحنه‌هایی که از جلوی چشم انسان در حال عبور است برای آماده شدن دل و توجه آدمی کافی است.

زیارت حسین (ع) با خستگی پیاده‌روی گویی مزه‌ای دو چندان دارد و اینجاست که پا و دل با هم ارتباط پیدا می‌کنند! در طول مسیر هنگامی که پاهای‌مان خسته یا حتی در مواردی جراحی کوچک پیدا می‌کند کافی است برای آماده شدن دل. کمی اگر مرغ دل را پرواز دهی به وضوح کاروانی را خواهی دید که از کربلا به سوی شام به اسیری می‌روند و وقتی نگاهت را به طرفین برمی‌گردانی و می‌بینی این چنین با عزت در حال راه رفتنی و این چنین از تو پذیرایی می‌شود مطمئناً با خود می‌گویی این کجا و آن کجا؟ اینجاست که آدمی می‌گوید: لایم کیومک یا ابا عبدالله!

میلیون‌ها نفر به قصد زیارت قبر امام حسین (ع) با پای پیاده به سمت کربلا حرکت می‌کنند! آگه شما هم علاقه‌مند هستید که به این سفر ملحق شوید این راهنما را بخوانید تا بدانید که چگونه می‌توانید این سفر پیاده از نجف تا کربلا را طی کنید.

اطلاعات ضروری

میزان مسافت: ۸۰ کیلومتر

تعداد ستون‌ها: ۱۴۵۲ ستون

فاصله میان هر ستون: ۵۰ متر (۲۰ ستون = ۱ کیلومتر)

زمان لازم برای پیاده‌روی کل مسیر: ۲۰ تا ۲۵ ساعت (متوسط روزی هفت تا هشت ساعت)

زمان تخمینی سفر پیاده: ۲ تا ۳ روز

بهترین زمان شروع سفر: ۱۶ صفر

انتظار می‌رود در این تاریخ سفر تمام شود: ۱۸ صفر

مسیر با خیل جمعیت پیاده کاملاً مشخص





دستکش یکبار مصرف داشته باشید تا برای دستشویی رفتن استفاده کنید تا اگر آب نبود یا سرد بود نگران نظافت دستتان نباشید. صابون خمیری و ژل شست و شو حتماً همراه داشته باشید.

۱۲. نیازی نیست نگران به پایان رساندن مسیر باشید. در هر جایی تصور کردید که دیگر توانایی ادامه دادن مسیر را ندارید، می‌توانید از صدها ون، ماشین یا اتوبوس‌هایی که در مسیر هستند برای رسیدن به کربلا استفاده کنید.

۱۳. به طور متوسط ۹۹ درصد زنان و مردان بالای ۱۰ سال بدون هیچ مشکلی در روز سوم، مسیر را به پایان می‌رسانند.

۱۴. از اینکه نام و آدرس هتل یا حسینیۀ محل سکونت خودتان در کربلا را می‌دانید اطمینان حاصل کنید.

۱۵. اگر می‌خواهید تماس تلفنی داشته باشید، بهتر است این کار را قبل از طلوع آفتاب انجام دهید به این دلیل که احتمالاً به دلیل ترافیک بالای شبکه در طول روز با مشکل برخورد خواهد کرد.

۱۶. بهتر است چتری سبک به همراه داشته باشید؛ چون باران‌های عراق بسیار سنگین است.

۱۷. اگر در نهایت با همه تدابیر، هم سفران‌تان را گم کردید، آخرین جایی که برای قرار در نظر می‌گیرید ستاد عتبات عالیات ایران در جوار حرم امام حسین (علیه السلام) باشد که آدرس این مکان را بیشتر کسبۀ اطراف حرم می‌دانند.

شماره‌های مهم

اورژانس: ۱۰۴

افراد گمشده: ۰۷۸۰۱۳۰۰۵۶۱

احکام شرعی: ۰۷۸۱۴۶۵۱۳۵۳

مخابرات و ارتباطات در ایام اربعین

نوع دکل‌های BTS در کشور عراق برای ایام عادی به گونه‌ای طراحی شده که در نهایت حجم دو میلیون کانکشن را پاسخگو است؛ اما در ایام اربعین تراکم جمعیت در شهر نجف، مسیر نجف-کربلا، کربلا و مرزها ده‌ها برابر حالت عادی است و به طبع میزان کانکشن‌ها کاهش می‌یابد و بار ترافیکی شبکه بسیار بالاست در نتیجه:

اگر می‌خواهید تماسی داشته باشید، بهتر است این کار را قبل از طلوع آفتاب انجام دهید یا از ساعت ۱۱ شب به بعد که بار ترافیکی شبکه مخابراتی عراق کاهش می‌یابد.

تعرفۀ رومینگ همراه اول به شرح ذیل است:

مکالمۀ دریافتی به ازای هر دقیقه ۱۴۵۰ تومان
مکالمۀ داخلی عراق به ازای هر دقیقه ۵۵۰ تومان (شما از داخل عراق تماس بگیرید.)
مکالمه با ایران به ازای هر دقیقه ۱۱۰۰ تومان (شما از داخل عراق تماس بگیرید.)

پیامک ارسالی به ازای هر صفحه ۳۵۰ تومان
پیامک دریافتی رایگان
استفاده از اینترنت همراه به ازای هر مگابایت ۳۳۰۰ تومان

ایرانسل در قرارداد با اپراتور زین عراقی:

مکالمۀ دریافتی به ازای هر دقیقه ۱۵۰۰ تومان
مکالمۀ داخلی عراق به ازای هر دقیقه ۱۱۱۰ تومان (شما از داخل عراق تماس بگیرید.)
مکالمه با ایران به ازای هر دقیقه ۲۲۲۰ تومان (شما از داخل عراق تماس بگیرید.)

پیامک ارسالی به ازای هر صفحه ۵۱۸ تومان
پیامک دریافتی رایگان

استفاده از اینترنت همراه به ازای هر ۵۰ مگابایت ۱۵۸۰ تومان

ایرانسل در قرارداد با سایر اپراتورهای عراقی: مکالمۀ دریافتی به ازای هر دقیقه ۱۰۳۷ تومان
مکالمۀ داخلی عراق به ازای هر دقیقه ۲۹۶۵ تومان (شما از داخل عراق تماس بگیرید.)
مکالمه با ایران به ازای هر دقیقه ۶۵۲۳ تومان (شما از داخل عراق تماس بگیرید.)

پیامک ارسالی به ازای هر صفحه ۱۳۳۴ تومان
پیامک دریافتی رایگان
استفاده از اینترنت همراه به ازای هر ۵۰ مگابایت ۱۵۴۰ تومان

سیم‌کارت‌های عربی از نظر هزینه، برتری‌ای نسبت به ایران ندارند؛ اما اگر قصد استفاده از سیم‌کارت‌های ایرانی را دارید، نکته:

برای اینکه زمان بازگشت به ایران با قبض چند صد هزار تومانی مواجه نشوید؛

حتماً از خطوط اعتباری استفاده کنید و کارت شارژها به تعداد لازم از ایران تهیه کنید و همراه ببرید.

به دلیل ترافیک بسیار زیاد شبکه عراقی اصلاً روی اینترنت همراه سیم‌کارت‌ها حساب نکنید...

دوستان دو نوع سیم‌کارت اعتباری در عراق می‌توانند تهیه کنند؛ نوع ارزان آن را پس از مدتی استفاده نکردن از بین می‌رود و نیازی به ثبت به نام‌تان ندارد. نوع دوم به نام‌تان ثبت می‌شود و در محل فروش سیم‌کارت اسکن گذرنامه شما دریافت می‌شود. این نوع از سیم‌کارت‌ها نمی‌سوزند و سال‌های سال باقی می‌مانند و برای استفاده مجدد فقط باید آن را شارژ کرد. قیمت آن حدود سی الی چهل هزار تومان است.

حسینیه

در حسینیه این شماره، در کلاس درس اخلاق «آیت الله علی اکبر رشاد» شئون و شرایط تعزیت و تعظیم شعائر حسینی را می خوانیم. معرفی هیئت صالحین (محبان اهل بیت رسول الله ﷺ) از دیگر مطالب این بخش نشریه است



گوش‌های مسافر

علی اصغر معبادی

انبیا محمد مصطفی ﷺ می‌فرمایند: کمال دین، خیرخواهی است و حال حسین (علیه السلام) به باور این قلم، برای نجات عواطف انسانی همه دارایی‌اش را تقدیم حضرت دوست می‌کند تا انسانیت به همه ابعادش برای انسان به ارث گذاشته شود.

و اما عقل: برایش باید دست به دعا شد که ای خدای مهربان، عقل ما را به کربلا برسان. با خواندن آنچه در عاشورا می‌گذرد، به نظر می‌رسد اولین دارایی انسان که پایش به کربلا باز می‌شود، عقل است، گرچه هر چه عاشورا به غروب نزدیک‌تر می‌شود، عقل جا می‌ماند و انسان بی‌خبر چه می‌داند از جا ماندن عقل؟! ولی کربلا برای همه، جا دارد، برای هر طرز فکری راهی برای قدم زدن در کربلا هست، مگر نه این است که خواستن توانستن است؛ هر چند، واقعیت دنیای امروز، ظاهراً جهان بی‌ارادگی انسان‌هاست؛ ولیکن صدای «هل من ناصر ینصرنی» حسین بن علی (علیه السلام) نویدبخش انسانیت است، نیت زیارت باید داشت ...

گوش‌های مسافر می‌شوند؛ وقتی ثانیه‌های بی‌ارزش را جا می‌گذاری.

به شنیدن روضه سیدالشهدا (علیه السلام) دعوتی. با شروع هیئت، برق خاموش و قرار می‌شود اذهان به نور حقیقت روشن شوند.

گوش‌های شنوا حالا سرا پا گوش‌اند تا به تصور آنچه بر حسین (علیه السلام) و اولاد و اصحاب او گذشته است، اشک را میهمان چشم کند و چشمان، میزبان اشک بر حسین (علیه السلام) شود که فرموده باشد: انا قاتل العبرات.

قصه کربلا به گوش‌های صادق می‌رسد و ثانیه‌های بی‌ارزش را بها می‌دهد.

به روایت تاریخ، آنچه در مسیر زمان بر آحاد اهالی زمین می‌گذرد چیزی جز استبداد و استعمار و چپاول انسان نیست که از این‌رو، قصه کربلا در گذر زمان گوش‌ها را شنواتر از قبل، سرا پا به گوش نگه می‌دارد.

اگر بشر سعی بر آن داشته باشد که ظلمی روا ندارد و زیر بار ظلم نرود، عواطف انسانی متولد می‌شود و انسان در کنار عقل محاسبه‌گر خود، دنیایی از مهر و محبت می‌آفریند که خاتم



گزارش چهل و نهمین جلسه درس اخلاق آیت الله علی اکبر رشاد

تذکراتی درباره شئون و شرایط تعزیت و تعظیم شعائر حسینی

حیدر همتی

حضرت سیدالشهدا علیه السلام قرار گرفته است. به تعبیر دیگر: بررسی و طبقه بندی پیامی خطبه. ۵. غایت قصوای القای خطبه و دستاوردهای تاریخی آن و نیز دستاوردها و پیام های آن برای نسل ما و نسل های آینده ۶. شیوه شناسی خطابی و ویژگی های منطقی خطبه. شیوه ها و شگردهایی که در القای این خطبه به کار رفته است. آن بزرگوار توجه به

خیابان

شماره ۱۱/ آذر ۹۳

قمه زنی، مصداق اضرار به نفس، موجب وهن مذهب، معارض با شئون شعائر حسینی و خلاف حکم عقل و حرام شرعی است

محورهای مباحث شرح خطبه منی

سلسله مباحثی را درباره خطبه منی می توان طرح کرد که اهم آنها عبارت اند:

۱. پیشینه و شرایط اجتماعی و سیاسی ظرف تاریخی صدور خطبه از ساحت قدسی حضرت سیدالشهدا علیه السلام و نیز جایگاه تاریخی این سند ارجمند

۲. شخصیت و مختصات القاکننده خطبه یعنی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و انگیزه های او، از سویی و نیز ترکیب جمعیتی و شئون و مختصات اجتماعی اشخاصی که در مجلس القا حاضر بوده اند که فی الجمله در مقام نقل از سوی روات، مذکور افتاده است.

۳. وثاقت سنتی سندی این نص مقدس ۴. هندسه معرفتی و طبقه بندی مضامین پیرامونی خطبه. به عبارت دیگر: موضوع کانونی و نقطه ثقل معرفتی و پیام اساسی و اصلی خطبه. که توضیح دادیم امر «ولایت» است. و مباحث پیرامونی مطرح شده در این خطبه و جزئیاتی که در آن مورد توجه و تذکر

رئیس شورای حوزه های علمیه تهران در چهل و نهمین جلسه درس اخلاق در زمینه برخی رفتارها و گفتارهایی که در مجالس مقدس حضرت سیدالشهدا علیه السلام به عنوان عزاداری از سوی بعضی اشخاص جاهل و بی مبالات سر می زند، گفت: این رفتارها و گفتارها خلاف شأن متعالی شعائر حکیمانه حسینی، باعث وهن مذهب، معارض حکم عقل و بعضاً خلاف شرع است.

آیت الله رشاد در آغاز درس اخلاق که به صورت هفتگی در محل حوزه علمیه امام رضا علیه السلام برگزار می شود، با تسلیت ایام سوگواری حضرت ابی عبدالله علیه السلام گفت: سوگ حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اصحاب با وفای آن بزرگوار، داغ عظیمی است که همه قلوب مستعد در همه تاریخ را اندوهگین و سوگوار خویش ساخته است و قرن هاست که همه موحدان و مؤمنان، بلکه بشریت به مقیاس يك تاریخ بر این داغ گریه می کنند.

ظرایف و طرایفی داشته‌اند که القای خطبه را هر چه کارسازتر کند.

۷. ویژگی‌های ادبی و بلاغی خطبه
۸. مضامین جزئی بخش‌های خطبه؛ البته بحث اصلی و تفصیلی ما در همین قسمت صورت خواهد گرفت، ان شاء الله.
تمرکز مباحث در جلسات آتی ما بر روی محور هشتم خواهد بود؛ یعنی تحلیل محتوای تفصیلی اجزا و بخش‌های خطبه

نکات و تذکراتی دربارهٔ شئون و شرایط تعزیت و تعظیم شعائر حسینی علیه السلام

استاد خارج فقه و اصول حوزهٔ تهران اظهار داشت: به مناسبت اینکه اولین روز ماه سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام است از باب ادای تکلیف طلبگی، برخی نکات را دربارهٔ شرایط اجرای شعائر حسینی و تعزیت و تعظیم حضرت سیدالشهدا علیه السلام مورد اشاره قرار داده، بعضی تذکرات را عرض می‌کنیم؛ سپس وارد بحث اصلی می‌شویم.

ایشان اضافه کرد: همواره باید بین حکم و موضوع مناسبت رعایت شود. باید مسیر و مقصد با هم سازگار باشند. هرگز از طریق غلط نمی‌توان به مقصد صحیح دست یافت. امر عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام بی‌شک از امور مهمهٔ دینی و از شئون اساسی اجتماع اسلامی و اسلام است. بدون هیچ شبهه‌ای عزاداری برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام و ذکر اهل بیت علیهم السلام از مصادیق کامل تعظیم شعائر الله است و در این هیچ تردیدی نیست. قطعاً احیای امر اهل بیت علیهم السلام که مشتمل بر طرح و شرح تعالیم قولی و فعلی آن حضرات است از مستحبات و احیاناً برخی موارد و مصادیق آن به نحو وجوب کفایی از واجبات است و اگر

ادا نشود شریعت و سنت مندرس و منحرف خواهد شد. نهضت حضرت امام حسین علیه السلام برای مقابله با اندراس دین و شریعت محمدیه و به جهت مواجهه با تحریفات و انحرافات که بین جماعتی از نخبگان و عوام مسلمین پیش آمده بود، شکل گرفت.

تعظیم این نهضت عظیم که از مصادیق کامل تعظیم شعائر الله است و باید متناسب با شأن و مقصد آن انجام شود؛ اما متأسفانه در روزگار ما (هر چند که در گذشته‌ها نیز این آفات و آسیب‌ها کمابیش و گاه وجود داشته است) تحریفات و انحرافات در عرصهٔ فهم و فعل منتسب به تعظیم شعائر حسینی اتفاق می‌افتد که مایهٔ نگرانی است.

امروز برخی رفتارها و گفتارهایی که در مجالس مقدس عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام از سوی بعضی اشخاص جاهل و بی‌مبالات سر می‌زند، خلاف شأن متعالی شعائر حکیمانهٔ حسینی، باعث وهن مذهب، معارض حکم عقل و گاه خلاف شرع بین است.

اکاذیبی به نام روضهٔ حضرت سیدالشهدا علیه السلام و ذکر مصیبت اصحاب و اولاد آن بزرگوار ذکر می‌شود. مطالبی غیر مستند که هیچ اساس و مبنایی ندارد که بیان برخی از آنها مصداق افترا به اهل بیت علیهم السلام و موجب وهن ایشان است. بعضی حرکات از برخی اشخاص جاهل سر می‌زند که از محرمات قطعی است.

آیت الله رشاد با ابراز نگرانی از اوضاع پیش آمده گفت: هر چند و البته این اقوال و افعال از ناحیهٔ بعضی روضه‌خوان‌های درس‌ناخوانده یا مداحان بی‌مبالات مطرح می‌شود و کثرت ندارد؛ اما چون از طرف برخی عناصر، توجیه فقهی و شرعی می‌شود و توسط عوام ناآشنا با مبانی دینی و تعالیم اهل بیت علیهم السلام پذیرفته می‌شود، نگران توسعه و تأثیرگذاری آن در میان اقشار جامعه‌ایم، لهذا تذکر و تبیین آن تکلیف ما طلاب است.

عده‌ای در محافل برپاشده به نام حضرت سیدالشهدا علیه السلام با ظاهر نامناسب با شأن محفل عزا و شأن مجلس ذکر اهل بیت علیهم السلام حاضر می‌شوند. با لباس‌های نامناسب، آرایش‌های غلیظ، شکل و شمایل نامناسب، زننده و خلاف شئون و بلکه خلاف شرع و احکام مسلم دینی در محفلی که به نام حضرت سیدالشهدا علیه السلام برپا شده حضور پیدا می‌کنند. ما نمی‌خواهیم نیت این اشخاص را تخطئه کنیم؛ ممکن است بعضی از سر جهل و بی‌دقتی و نه از سر جحد و عناد به این صورت در مجالس حضور پیدا کنند؛ ولی باید به آنها تذکر داد. بر ما طلبه‌ها لازم است که این مطالب را در بین مردم مطرح کنیم بر رسانه‌ها نیز ضرور است که این مسائل و مطالب را به

نحومناسی تحلیل و تبیین و به اقشار مختلف مردم منتقل کنند.

حرمت اضرار به نفس از قطعیات فقه است

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی ادامه داد: گاه بعضی اعمال به نام ذکر مصیبت و عزاداری سر می‌زند که بعضی از آنها مصداق فعل حرام است. حرمت اضرار به نفس از قطعیات فقه ماست و قطعاً حرام است؛ برای مثال در حین عزاداری از زنجیرهایی استفاده می‌شود که بر سر آنها تیغ‌هایی بسته است و با آن به سر و صورت یا سینه و پشت می‌زنند و خون شدیدی از بدن جاری می‌شود. آیا این اضرار به نفس نیست؟ خراش کوچک بر صورت و دست و جوارح انداختن دیه دارد و جایز نیست، آن‌گاه چگونه ممکن است بگوییم این عمل جایز است. قمه زدن قطعاً از مصادیق اضرار به نفس است و هیچ شکی در آن نیست. اشخاص بسیاری بر اثر قمه زدن آسیب دیده‌اند و دچار عارضه شده‌اند، موارد متعددی بوده که شخصی بر اثر قمه زدن فوت شده است. آیا این اضرار به نفس، این قتل نفس و خودکشی نیست؟ آیا مصداق عمل به فعلی که قرآن صریحاً از آن نهی کرده نیست؟ چرا به جای اینکه به خودمان لطمه بزنیم به دشمنان حضرت سیدالشهدا علیه السلام لطمه نمی‌زنیم؟ چرا به جای اینکه به ظالم و جائرو به یزیدیان زمانه حمله‌ور شویم این چنین خودزنی می‌کنیم و خودمان را لالت و پار می‌کنیم؟ آیا این رفتارها عاقلانه است؟ و با مبانی و احکام شرع سازگار است؟

استناد به نقل‌های تاریخی غیرمستند برای افتا مجاز نیست

این مدرس عالی حوزه تصریح کرد: استناد به نقل‌های تاریخی ضعیف و غیرمستند برای افتا در فروع مجاز نیست؛ گاهی به این مطلب استناد می‌شود که حضرت زینب علیه السلام سرشان را به ستون کجاوله زدند و خون از سر مبارکشان جاری شد! معلوم نیست که چنین نقلی درست باشد. نوعاً این‌گونه مطالب سند ندارد و به لحاظ دلالتی هم تمسک به آن قابل تأمل است. حضرت زینب علیه السلام عقیلهٔ بنی‌هاشم است، قلّهٔ خردمندی و خردورزی است، او ولیدهٔ حجر ولوی است و حصیلهٔ تربیت نبوی است؛ آیا انتساب چنین رفتارهایی به آن خاتون حکمت و معرفت جائز است؟ چرا شخصیت آن بزرگوار را با نسبت‌های ناروا مخدوش و موهون جلوه می‌دهیم؟ شخصیت عظیمی که نهضت حسین به تدبیر و تلاش آن حضرت پایدار مانده در مسیر اسارت و در مجالسی که غاصبان حق اهل بیت علیهم السلام

خیابان

شماره: ۱۱/ آذر ۹۳

ما باید از مشی و منش حضرات معصومین علیهم السلام در مراسم و محافل پیروی کنیم؛ اگر حضرت صادق علیه السلام، امروز بود این اعمال را مرتکب می‌شد؟ سنت عزاداری از موارث حضرت صادق علیه السلام است. امام باقر و امام صادق علیهم السلام بیش از سایر معصومان بر مسئلهٔ ذکر مصیبت و تشکیل محافل ذکر تأکید فرموده‌اند و خود این بزرگواران هم ملتزم بودند





اختلافات مذهبی شده و باعث کشته شدن شیعیان مخلص علی علیه السلام می شود، جائز باشد؟ تکفیرهای جاهل وهابی و برانگیخته استعمار پیر و بازیچه کنونی آمریکا و اسرائیل، بهانه می خواهند و بعضی از جهال از این طرف به دست آنها بهانه می دهند! امروز اگر بر اثر تحریکات و قول و فعل نسنجیده کسی، شیعه ای زیر تیغ جلادهای اموی و عباسی معاصر سر بریده شود، مانند قاتلان آن شریک جرم است و در روز قیامت باید جوابگوی

غیرمعقول و بلکه غیرمشروعی مثل قمه زدن منشأ سیاسی و استعماری دارد. این رفتار را انگلیسی ها در بین بعضی از اقوام در مناطق شیعه نشین، مانند شبه قاره رایج کردند و سپس این رفتار نامعقول، آرام آرام به ایران که کانون تشیع است، منتقل شد. دین ما، دین حکمت و عقلانیت، تفکر و اندیشه، کلام و کتاب و دین جهاد و اجتهاد است؛ رفتارهای غیرعقلانی و اعمال سفیهانه با تعالیم متعالی و عقلانی اهل بیت علیهم السلام سازگاری ندارد.

تشکیل دادند، آن خطبه های غزا را القا کردند و پس از ماجرای کربلا با تشکیل محافل معرفتی و شاگردپروری، نهضت امام حسین علیه السلام را احیا و از تحریف مصون داشتند و اگر مساعی معرفتی و حکیمانه آن بانوی بزرگوار و آن مجسمه صبر و شکیبایی نبود، بسا نهضت امام حسین علیه السلام مندرس می شد، اخبار واقعه به تاریخ منتقل نمی شد و اگر دشمن توسط آن عقیده حکیمه به حدی که باید و به نحوی که شاید افشا نمی شد، راز انقلاب حسینی پنهان می ماند و فلسفه قیام تحقق نمی یافت.

این بانوی بزرگوار با این مراتب حکمت و معرفت و این مقامات معنوی و فضائل اخلاقی را متهم می کنیم که همانند يك زن عامی و بی مبالات، جزع و فزع می کند و سر بر کجاوه می زند! آن چنان شدید که خون از محمل سرازیر می شود! چرا چنین نسبتی را به ساحت حکمت نمون عقیده بنی هاشم حضرت زینب علیه السلام نسبت می دهیم؟ در حالی که چنین نسبتی به ساحت قدسی این بانوی حکیم و صبور نسبت ناصوابی است، تازه از این نسبت ناروا، نتیجه می گیریم که قمه زدن هم از همین قبیل است و بدین ترتیب این عمل خلاف عقل و شرع خود را توجیه کنیم؛ و اسفا!

بنا به بعضی تحقیقات تاریخی، رفتارهای

خیابا

شماره: ۱۱۰ / آذر ۹۳

به دست تکفیرهای برانگیخته استعمار پیر و بازیچه آمریکا و اسرائیل بهانه ندهیم

آیت الله رشاد تأکید کرد: بعضی سخنان که از بعضی از اشخاص جاهل و عوام صادر می شود و باعث تشدید اختلاف بین مسلمانان می شود، باعث شق عصای مسلمین و منشأ بعضی خونریزی ها و قتل ها می شود، حرام است؛ اگر کسی با برخی اظهارات نسنجیده سبب شود که در گوشه ای از جهان يك شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام کشته شود، مقصر است و باید در نزد خداوند او هم در کنار آمرین و قاتلین، پاسخگوی خون به ناحق ریخته باشد. چطور می شود که افعال و اقوالی که سبب تحریک اشخاصی جاهل در آن سوی قضیه

این چه کاری است که يك معمم می ایستد و يك مشیت جوان پاکدل را تشویق می کند که به نام عزاداری روی آتش راه بروند؟ زغال گداخته را روی زمین ریخته اند و می گویند یا حسین یا حسین گویان روی آن بدوید!! آیا امام صادق علیه السلام چنین کارهایی را در عزای جد بزرگوارش انجام می داد؟





خون به ناحق ریخته باشد؛ چرا اشخاص معاند را تحریک می‌کنیم و بهانه به دست آنها می‌دهیم؟ چرا موجب وهن مذهب می‌شویم؟

آیا حضرت صادق (ع) که مؤسس سنت عزاداری‌اند، زنجیر تیغ‌دار یا قمه بر سر می‌زدند؟

ما باید از مشی و منش حضرات معصومین (ع) در مراسم و محافل پیروی کنیم؛ اگر حضرت صادق (ع)، امروز بود این اعمال را مرتکب می‌شد؟ سنت عزاداری از مواریث حضرت صادق (ع) است. امام باقر و امام صادق (ع) بیش از سایر معصومان بر مسئله ذکر مصیبت و تشکیل محافل ذکر تأکید فرموده‌اند و خود این بزرگواران هم ملتزم بودند. در واقع سنت‌های حسنه قدسی الهی که بقای تشیع و حیات مکتب اهل بیت (ع) و در حقیقت اسلام ناب در گرو تحفظ آنها بوده و هست، ارث صادقین (ع) است و آن بزرگواران این سنت را بنا گذاشته‌اند. من از بعضی حضرات که ظاهراً نظر فقهی ارائه می‌کنند سؤال می‌کنم که آیا در رفتار و سنت حضرات معصوم (ع) که بانی این سنن‌اند چنین رفتارهای غیرمعقولی سراغ داریم؟ حتی يك مورد داریم که حضرت صادق (ع) که مؤسس سنت عزاداری‌اند، زنجیر تیغ‌دار بر سینه و پشت زده یا قمه بر سر زده باشند؟ اگر چنین چیزی جایز بود امام صادق (ع) انجام می‌دادند. ما در هرامری اگر از حضرات معصوم (ع) مدرک مستند برخوردار از دلالت تام در اختیار داشته باشیم روی چشم می‌گذاریم و به آن عمل می‌کنیم؛ اما هرگز قول و فعل منسوب مستند به آن بزرگواران در این زمینه‌ها در دست نیست.

استاد خارج فقه و اصول حوزه همچنین تأکید کرد: بعضی توجیهات که برخی به عنوان مبانی رأی فقهی خود و در واقع برای توجیه عمل خلاف شرع جمعی عامی ارائه می‌کنند هرگز صلاحیت معارضت با مبانی بین و ادله نقلی مسلم و دلایل عقلی قطعی را ندارد. این توجیهات، عوامانه است و مبنای فقهی ندارد. ما طلبه هستیم و طلبه باید بر اساس مبانی، استنباط کند و فتوا بدهد. ما اصول فقه خوانده‌ایم، رجال خوانده‌ایم، قواعد فقه خوانده‌ایم، باید در چارچوب این مبانی نظر دهیم. برای دلخوشی عوام فتوا ندهیم! ما وظیفه داریم حق را بگوییم؛ عوام را راهنمایی و هدایت کنیم؛ اگر افعال غلط و خلاف شرعی از آنها سر می‌زند به آنها تذکر دهیم و اصلاح کنیم.

حضرت سیدالشهدا (ع) برای احیای سنت رسول خدا (ص) و شرع جد بزرگوارشان

قیام فرمودند. آیا می‌توان فعل مقدسی مثل عزاداری را که قطعاً از مصادیق اتم احیا و تعظیم شعائر الهی است به گناه آلوده کرد؟ مسیر و ابزار باید با مقصد سازگار باشد، فعل شرعی را با روش غیرشرعی نمی‌توان انجام داد؛ چرا مذهب عقلانی، تعالیم حکیمانه، عمیق و قدسی اهل بیت (ع) را به اعمال و حرف‌های موهون آلوده می‌کنیم و در دنیا تا از شیعه صحبت می‌شود به این اعمال اشاره می‌کنند. این درد را باید به کجا برد که وقتی شما وارد اینترنت بشوید و کلمه شیعه را جست‌وجو کنید صحنه‌های فجیع قمه‌زنی نشان داده می‌شود؟! گناه این آبروریزی بر گردن کیست؟ عجیب است که برخی نیز این اعمال را با ارائه مطالب لاطائل و بی‌اساس توجیه شرعی و فقهی می‌کنند! به جای اینکه امروز در دنیا تشیع با نام مبارک امام صادق (ع) و تعالیم بلند او و با حکمت عظیم، فقه قویم، اصول اصیل، کلام عمیق و اخلاق متعالی‌اش شناخته شود، با قمه‌زنی شناخته می‌شود و می‌گویند شیعه اینها هستند!

ما به جای اینکه تشیع را به دنیا با عقل و عدل علوی معرفی کنیم و جان‌های تشنه و دل‌های مشتاق جهانی را به سمت مکتب امام صادق (ع) فرا بخوانیم و جذب کنیم و جمعیت شیعه را افزایش دهیم و مکتب اهل بیت (ع) را تقویت کنیم تا زمینه ظهور حضرت حجت را فراهم کنیم، مطالب سست و رفتارهای سخیف را ترویج و به نام شیعه ثبت می‌کنیم و دیگران را از مکتب آل الله منزجر و گریزان می‌کنیم.

این چه کاری است که يك معمم می‌ایستد و يك مشت جوان پاکدل را تشویق می‌کند که به نام عزاداری روی آتش راه بروند؟ زغال گذاخته را روی زمین ریخته‌اند و می‌گویند یا حسین یا حسین‌گویان روی آن بدوید!! آیا امام صادق (ع) چنین کارهایی را در عزای جد بزرگوارش انجام می‌داد؟ امام حسین (ع) از این کار راضی است؟ مذاهب بشر ساخته بی‌بته و بی‌بنیه در مناطقی مانند هند، مناسکی را برای مشغول کردن مریدان فریب خورده‌شان جعل کرده‌اند، برخی هم آن رفتارهای سخیف و زشت را می‌آورند و به نام عزاداری وارد فرهنگ و شعائر دینی ما می‌کنند! آخرین چه کاری است؟ مگر تعالیم اهل بیت (ع) و دستورهای دین اسلام چیزی کم دارد که حاجت به اقتباس از مذاهب ساختگی بیفتند؟ این آتش را به جان دشمنان امام حسین (ع) بیندازید، این قمه را بر فرق دشمنان امام حسین (ع) بزنید. این اعمال و رفتار را به نام امام حسین (ع)، به نام تشیع و به نام ایران حکیم تمام نکنید. این بافته‌های

سست را به فقه قویم اهل بیت (ع) نسبت ندهید. فقهی را که در مقابل همه مکاتب حقوقی دنیا ایستاده و با قامت آراسته و استوار، مراتب مترقی بودن، نجات‌بخش بودن، کارآمد و روزآمد بودن خود را به برکت اجتهاد عقلانی برپام جهان فریاد می‌کند، سخیف و ضعیف نشان ندهید. اینها قطعاً خلاف شرع است و مرتکبان آنها را خداوند عقاب می‌کند.

عزاداری صحیح، همان است که ائمه (ع) انجام می‌دادند

آیت الله رشاد در پایان بحث افزود: راه صحیح عزاداری آن است که حضرات ائمه طاهرین (ع) و به ویژه باقرین (ع) فرموده‌اند و ما باید به همان‌ها عمل کنیم. طبق رفتار و بیان حضرت کاظم (ع) عمل کنیم که حضرت رضا (ع) نقل می‌فرمایند: «کان ابی إذا دخل شهر المحرم لایری ضاحکاً، وکان الکأبه تغلب علیه، حتی تمضی عشره أيام، فإذا کان یوم العاشر کان ذالک الیوم یوم مصیبتیه وحرزه ویکائه، ویقول: هو الیوم الذی قُتل فیهِ الحُسن (وسائل الشیعه: ج ۱۰، ص ۳۹۴)؛ «روز اول محرم پدرم اندوهگین می‌شد و ده روز را سوگوار بود، گویی تازه عزیز خود را از دست داده بود و در روز عاشورا گریه او قطع نمی‌شد. صبح تا شب گریه می‌کرد، می‌گفت امروز آن روزی است که جدمان حضرت سیدالشهدا (ع) را مظلوم کشتند.»

حضرت رضا (ع) روز اول محرم روضه‌ای خواندند: «یا ابن شیبب إذا كنت باکیا علی شیئ فابک علی الحسین (ع)؛ «برای هر که و هر چه می‌خواهید گریه کنید جا ندارد، فقط برای حضرت سیدالشهدا (ع) جا دارد گریه کنید». این قدر داغ آن بزرگوار سنگین است که وقتی داغ او هست برای دیگری نباید گریه کرد. می‌فرمودند مثل قوچی او را کشتند.

خیلی‌ها تصور می‌کنند منظور حضرت این بوده که همان‌طور که يك قوچ را سر می‌برند حضرت را همان‌گونه سر بریدند؛ اما معنی این عبارت بیش از این و بلکه غیر از این است. يك سنت جاهلی در عهد جاهلیت بوده که اعراب جاهلی از يك قوچ، يك سال نگه‌داری و رسیدگی می‌کردند تا يك روز معین که یوم الکبش (روز قوچ‌کشی) نامیده می‌شد، این قوچ پرورده را وسط میدان می‌آوردند و يك عده بی‌رحم با انواع سلاح به جان او می‌افتادند، هر کسی با هر چیزی که در دست داشت به آن حمله‌ور می‌شد و به آن می‌زد، با شمشیر، با نیزه، با تیر، با سنگ آن قدر می‌زدند تا این حیوان بی‌گناه تشنه و غرقه به خون به زمین بیفتد. امام رضا (ع) فرمود که جد من را این‌گونه کشتند.





«حسین طیبی»، رئیس آکادمی فرهنگی ورزشی صالحین واقع در منطقه ۹ تهران است. ایشان مسئول کمیته آموزش تک رزم در سطح کشور است و بیشتر از دغدغه های ورزشی و تربیت بدنی به سلامت روح و روان هنرآموزانش می اندیشد. از جمله اقدامات حسین طیبی تأسیس بخش فرهنگی و مخصوصاً «هیئت محبان اهل بیت رسول الله صلی الله و علیه و آله و سلم» در آکادمی است. طیبی ورزش را از سال ۱۳۶۴ ش. آغاز کرده و از جمله دستاوردهای او در این سال ها کسب نمایندگی سبک کیک جیتسو MMA در غرب استان تهران است. در گفت و گو با حسین طیبی از اقدامات وی و همکاری اش در آکادمی صالحین و حسینیة محبان اهل بیت رسول الله ﷺ پرسیدم که در ادامه می خوانید:

معرفی هیئت صالحین (محبان اهل بیت رسول الله ﷺ)

پهلوان در هیئت

گفت و گو با حسین طیبی

مرتضی احمدی

خیابان

شماره ۱۱/آذر ۹۳

نقطه عزیمت ما فرمایش سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (ع) است: «هیئات منا الذله». ما می خواهیم ذلیل نباشیم؛ بنابراین جسم و جان مان را پرورش می دهیم. جسم های مان را با تمرینات بدنی و روح و روان مان را با آموزه هایی از دین برای متعهد بودن و شرافت مندانه زیستن

پالایش روح را هم در برنامه های خود داشته باشیم.

یعنی اعضای هیئت و مخاطبان آن، مربیان و ورزشکاران همین آکادمی هستند؟ فعلاً همین طور است؛ اما ما دوست داریم و تلاش می کنیم محصولات فرهنگی و ورزشی خود را در اختیار همه علاقه مندان قرار دهیم. ان شاء الله در آینده کسانی که هنجوی این آکادمی نیستند، ولی گاهی برای تماشای تمرینات بچه ها به آکادمی می آیند، در

لطفاً قدری درباره فعالیت های هیئت صالحین بگویید. در این هیئت چه می کنید؟ اعضای هیئت چه کسانی هستند؟ محور فعالیت های شما چیست؟ هیئت صالحین یا دقیق تر بگوییم: «هیئت محبان اهل بیت رسول الله ﷺ» زیر مجموعه ای از آکادمی فرهنگی و ورزشی صالحین است. در این هیئت هنرجویان، ورزشکاران، مشاوران، مربیان و استادان این آکادمی، روح و روان شان را پرورش می دهند؛ تا متناسب با تمرینات جسمی و پرورش تن،





در دست اجرا دارد. برای چنین افق بلندی هیچ گزینه‌ای مناسب‌تر از حسینیّه و هیئت نیست. نقطه عزیمت ما فرمایش سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین علیه السلام است: «هیئات منا الذله». ما می‌خواهیم ذلیل نباشیم؛ بنابراین جسم و جان‌مان را پرورش می‌دهیم. جسم‌های‌مان را با تمرینات بدنی و روح و روان‌مان را با آموزه‌هایی از دین برای متعهد بودن و شرافت‌مندانه زیستن. بی‌تردید این دومی در مکتب اهل بیت رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر از هر جای دیگری دریافتنی است.

بسیار خوب! خدا بر توفیقات شما بیفزاید. البته این منافاتی با این ندارد که شما در باشگاه ورزش کنید و در همین مسجد، حسینیّه و هیئت‌های محل حضور داشته باشید. البته من با حسینیّه‌ای که در باشگاه برگزار می‌شود خیلی موافقم و صادقانه بگویم که از آن به وجد هم آمده‌ام. منتظر دلیل... بله، می‌فهمم؛ خوب ما یعنی من و باقی مربیان و هنرآموزان همگی در مساجد و هیئات محل نیز حضور داریم و از برنامه‌های آن استفاده می‌کنیم. برخی از بچه‌ها از اعضای فعال هیئت‌های محل هستند. اما یک همچنین حسینیّه‌ای در آکادمی لازم است. وجود این حسینیّه پیام دارد؛ هم برای بنده، هم برای والدین هنرآموزانی که برای ثبت‌نام به این آکادمی می‌آیند و مهم‌تر از همه، برای خود هنرآموزان؛ تا با مشی مجموعه هماهنگی بیشتری داشته باشند.

کردن جوانان را دارد و ان‌شاءالله تلاش‌های او و ما باعث شادی روح آن شهید بزرگوار باشد. هم‌اکنون حجت‌الاسلام «حسین اخوان» بزرگوارانه مسئولیت فرهنگی هیئت و آکادمی را پذیرفته‌اند و ضمن مشاوره به مجموعه، از محضر ایشان در هیئت بهره می‌بریم.

چه بهره‌ای؟

کمترین بهره، استفاده از سخنرانی‌های ایشان در مراسم هیئت است. امیدوارم به کمک ایشان و سایر صاحبان فکر و ایده‌های خلاق که در ادامه راه به ما می‌پیوندند، افق بلندی را برای بچه‌های آکادمی ترسیم کنیم و ماحصل آن پرورش جوانمردان شجاع و شریف برای ایران اسلامی باشد.

برای این منظور چرا هیئت را انتخاب کردید؟ شما می‌توانستید، برنامه‌های خودتان را داشته باشید و در عین حال در

مناسک مذهبی، در همین مسجد امام جعفر صادق علیه السلام در نزدیکی باشگاه ورزشی‌تان حضور دسته‌جمعی داشته باشید. تادلتان بخواهد در همین محله مهرآباد حسینیّه و هیئت نیز هست.

ما نمی‌توانیم مدعی افتخار متفاوت‌تر از تکرار مکررات ملال‌آور و بی‌حاصل باشیم، مگر اینکه در عمل چیزی متفاوت از خود عرضه کنیم. طرح آکادمی فرهنگی، ورزشی صالحین چشم‌انداز بلند و در عین حال عمیقی از بینش، منش و روش جوانمردی

برنامه‌های هیئت حضور خواهند داشت. امیدوارم والدین هنرآموزان آکادمی، به زودی جزو مخاطبان هیئت باشند. «مهدی رمضانیان»، نایب‌رئیس این آکادمی، برادر شهید «پرویز رمضانیان» سال‌هاست که ضمن خدمت در ساختار فرهنگی کشور با نوجوانان و جوانان سرو کار دارد و از این ظرفیت برای جذب علاقه‌مندان به آکادمی استفاده می‌کنیم. شهید پرویز رمضانیان کمربند مشکی دان یک تکواندو داشت. پرویز در شهریور سال ۱۳۶۸ ش. ۲۰ ساله بود که در منطقه سردشت کردستان شهید شد. ایشان در همان سن و سال الگوی تمام‌عیاری برای جوانان استان گیلان بود. مهدی نیز با بینش و منشی که از برادر آموخته، دغدغه سالم زندگی

خیابان

شماره: ۱۱ / آذر ۹۳



یک همچنین حسینیّه‌ای در آکادمی لازم است. وجود این حسینیّه پیام دارد؛ هم برای بنده، هم برای والدین هنرآموزانی که برای ثبت‌نام به این آکادمی می‌آیند و مهم‌تر از همه، برای خود هنرآموزان؛ تا با مشی مجموعه هماهنگی بیشتری داشته باشند

❦ مشی شما چگونه است؟ اجازه بدهید که این طور بپرسم: اولویت شما کدام است؛ فرهنگ یا ورزش؟ شما یک هیئت هستید که در آن کارورزشی هم می کنید؟ یا ورزشکارانی هستید که به هیئت هم می روید؟

ما ورزشکار هستیم و باید به مولایمان علی (ع) اقتدا کنیم. قطعاً رویکردمان عقیدتی است؛ به خاطر همین هم من اصرار دارم که ما در آکادمی مان بخش فرهنگی فعالی داشته باشیم. البته هنوز در اول راه هستیم؛ اما به حول و قوة الهی راهمان را شروع کرده ایم و ان شاء الله نتیجه خواهیم گرفت.

❦ چه نتیجه ای مد نظر شماست؟

رسیدن به آرامش و رضایت باطنی. به گمانم برای این منظور گاهی عبادت می کنیم، گاهی کار می کنیم و در پی رزق و روزی خود هستیم، گاهی کمک می کنیم، استمداد می کنیم، تفریح می کنیم، ورزش می کنیم و ... در نهایت اگر همه این کارها را درست انجام دهیم می بینیم که همگی کاملاً برهم منطبق هستند. در واقع ایده آل ما این است که کارهای مان را در آکادمی فرهنگی-ورزشی صالحین و در حسینیه مجبان اهل بیت رسول الله (ص) طوری انجام دهیم که برهم منطبق شوند؛ یعنی فرقی میان عبادت ما در حسینیه و تمرینات مان در آکادمی. که از حیث مکانی نیز در یک جا برگزار می شوند. نباشد.

❦ شما با این دغدغه ها چرا چنین ورزشی را انتخاب کرده اید؟ کیک جیتسو MMA! کیک بوکسینگ! این ورزش ها با روح لطیف شما هم خوان نیست! چرا؟

❦ خوب دائماً باید کتک بخورید یا کتک بزنید!

متأسفانه بخشی از واقعیت های تلخ زندگی همین هاست. به قول شما کتک خوردن ها و کتک زدن ها!

بخشی از واقعیت زندگی رسول الله (ص) و امیر المؤمنین (ع) هم غزواتی است که در تاریخ اسلام خوانده ایم و می دانید. یکی از بزرگ ترین اتفاقات تاریخ اسلام یا شاید تاریخ هستی نیز سرشار از خشونت است: عاشورا. انسان مسلمان یا بهتر بگویم هرانسان آزاده ای در سراسر زندگی خود با انواع زیاده خواهی ها و زورگویی ها مواجه است و تکلیف مجاهدت در برابر این تهاجم هاست. فرقی نمی کند که ما در آکادمی فرهنگی. ورزشی صالحین با چه تکنیک هایی به تربیت بدنی

مشغول ایم، مهم نتیجه آن است؛ که من امیدوارم پرورش جوانمردان مصمم، بااراده و شریف باشد.

خیمه: با توجه به اینکه اغلب صاحب نام های چنین رشته های رزمی، در بیرون از کشور ما و با سبک زندگی متفاوتی هستند، نگران این نیستید که شما در اقدامات فرهنگی خود کمتر توفیق داشته باشید و در نهایت محصول کار شما جوانانی باشند که توان جسمی بالایی دارند، اما از الگوهای غربی پیروی می کنند. منظورم سبک زندگی کسانی است که ما مسابقه های آنان را در برنامه های مختلف می بینیم و نوعی ناهنجاری رفتاری در آنها کاملاً مشهود است.

قطعاً نگران هستم و اتفاقاً تأسیس بخش فرهنگی آکادمی و مخصوصاً هیئت مجبان رسول الله (ص) اولین اقدام در پاسخ به این نگرانی است. آموختن تکنیک های رزمی بدون تردید یک ضرورت است و در تحلیل و بررسی در سطح کلان، با امنیت در جامعه مرتبط است. آنچه مهم است، توان ما در اقناع مخاطبان و علاقه مندان به ورزش های رزمی است؛ که به تعبیر شهید مطهری هدف از تربیت بدنی، فقط پرورش تن و تن پروری نیست. ما می دانیم که بهداشت روح و روان با بهداشت تن مرتبط است و مقصود از تمرینات ورزشی، کمک به پرورش جان و رسیدن به نوعی انضباط درونی برای نوعی زندگی پاک و مبتنی بر طاعت پروردگار است.

البته ما برای ممانعت از بردگی فکری و کورمردی در این خصوص، باید برنامه های متن و منظمی داشته باشیم؛ که در آموزش و پرورش، آموزش عالی، وزارت ورزش و جوانان و خیلی نهادهای دیگر مرتبط با جوانان پیگیری شوند، دائماً بازانندیشی و بازبینی شوند، اصلاح و اجرا شوند؛ تا سرانجام به نتیجه مطلوب برسند.

❦ به نظر شما با جذابیت هایی که در نحوه ارائه آن سبک وجود دارد، ما چقدر توفیق داریم؟

ما اگر در مواجهه با موضوع صادق و شریف باشیم، حتماً توفیق می یابیم. مخاطب ابتدا سعی می کند که بینش ما را دریابد، به منش و روش ما دقت می کند و اگر چیز مطلوبی می کند و اگر چیز مطلوبی دید، واکنش مثبت نشان می دهد. ما اگر می گوییم فلان طور نه؛ باید بگوییم چطور. بعد باید نشان دهیم که برای چنین روشی که معرفی می کنیم چقدر صادق و روراست هستیم. اگر گفتار و رفتار ما صادقانه،

شریف و گویا و محیای زندگی بهتری باشد، چرا مخاطب نپذیرد؟ چرا فکر می کنید در آنچه ما می خواهیم جذابیت نیست؟ امروز شما «پوریای ولی» را به دلیل پهلوانی هایش می شناسید یا به خاطر ویژگی های نیکوی اخلاقی او. پوریای ولی به خاطر زور بازویش عزیز است یا به سبب اینکه مرد خدا بود؟ مردم چرا «تختی» را دوست داشتند، دارند و خواهند داشت؟ ما باید طوری عمل کنیم که ورزشکاران ما در رینگ، مردان خدا باشند.

❦ ما چقدر صادق و شریف ایم؟ کلاً؟

مولا در نهج البلاغه فرمایشی با این مضمون دارد که نزدیک است شخصی که ادای کسی را در می آورد شبیه به او شود. در حکمت ۲۸۹ نیز خصوصیات یکی از پیروان اهل بیت (ع) را برمی شمرد و تأکید می کند: بر شما باد پیروی از این خصوصیات و می فرمایند در کسب آن ویژگی ها رقابت کنیم و اگر نتوانستیم لااقل بدانیم که به دست آوردن برخی از آنها بهتر از رها کردن همه است. می فرمایند:

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل و گرماد نیام به قدر وسع بگویم

ما در برابر امثال پرویز رمضانیاها مسئول ایم. پرویزها دغدغه آرامش و امنیت برای وجب به وجب این خاک عزیز داشتند، ما در برابر تک تک مردم مسئول ایم. یادمان باشد رفتار، گفتار و کردار ما را قضاوت می کنند.

خیابان

شماره ۱۱۰ آذر ۹۳



مخاطب ابتدا سعی می کند که بینش ما را دریابد، به منش و روش ما دقت می کند و اگر چیز مطلوبی دید، واکنش مثبت نشان می دهد. ما اگر می گوییم فلان طور نه؛ باید بگوییم چطور. بعد باید نشان دهیم که برای چنین روشی که معرفی می کنیم چقدر صادق و روراست هستیم. اگر گفتار و رفتار ما صادقانه، شریف و گویا و محیای زندگی بهتری باشد، چرا مخاطب نپذیرد؟



مramنامه آکادمی فرهنگی- ورزشی صالحین

مramنامه هنرآموزان آکادمی صالحین، عهدنامه ورزشکاران است؛ تا هدف و مقصد پرورش جسم، روح و روان فرارو باشد. این مramنامه معیار و شاخص رفتار هنرجویان، ورزشکاران، مشاوران، مربیان و استادان این آکادمی است.

۱. ما هنرجویان و ورزشکاران آکادمی فرهنگی- ورزشی صالحین با نام و یاد خداوند، ترویج دانایی، خیرخواهی، راستی و درستکاری، شفقت و دادگری را مرکز و تکیه‌گاه دانش، هنر و توان خود قرار می‌دهیم.
 ۲. ما ضمن سخت‌کوشی و قدردانی از زحمات مربیان، پیشکسوتان و استادان خود، با تبعیت از قوانین آکادمی و با همدلی و همراهی، دانش، هنر و توان خود را در خدمت پیشبرد اهداف مجموعه قرار می‌دهیم.
 ۳. رعایت ادب و احترام به پدر و مادر و استادان و زحمت‌کشان این مجموعه از اصول بنیادی ماست.
 ۴. ما خود را نسبت به ضعیفان و افراد ناتوان- مخصوصاً سالخوردگان و کودکان- مسئول می‌دانیم و دانش، هنر و توان جسمی را ابزاری برای خدمت به هموعان می‌دانیم.
 ۵. ما از نادانی، فریب‌کاری، خشونت و بیدادگری بی‌زاریم و همواره با تحصیل، تهذیب و تقویت انضباط درونی از زیاده‌طلبی و زورگویی پرهیز می‌کنیم.
 ۶. ما با پرهیز از تندخویی و دشمن‌تراشی، هرگز روحیه آزادی و آزادگی و شرافت و مناعت طبع انسانی را فدای هیچ سلیقه و مرامی نمی‌کنیم.
 ۷. ما بر رعایت شئون اسلامی و اخلاقی و همت و دقت در حفظ و نگه‌داری آکادمی تأکید داریم.
 ۸. بینش، منش و روش ما احترام به عقاید دیگران و حفظ حرمت همگان است و از خداوند متعال می‌خواهیم ما را در پاسداشت این بینش، منش و روش یاری رساند.
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أَضَلَّ، أَوْ أَزِلَّ أَوْ أَزَلَ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ
خدا! به تو پناه می‌برم از اینکه گمراه کنم یا گمراه شوم، بلغزانم یا لغزیده شوم، ظلم کنم یا بر من ظلم شود، آزار دهم یا به من آزار رسد.

ورزشکار مسلمان چه ویژگی‌هایی دارد؟

گزیده‌ای از سخنرانی حجت الاسلام حسین اخوان در جمع ورزشکاران آکادمی صالحین

جنس مذکر بودن آنها نیست؛ بلکه آن است که انسان اهل قرآن باشد. دوم آنکه «عمارة مساجد الله»؛ «اهل مسجد و آبادانی آن باشد». امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: در قیامت سه دسته و گروه از انسان‌ها شکایت می‌کنند؛ اول «مسجد الخراب لایصلی فیه اهره»؛ «مساجدی که آبادانی ندارند و خراب

امام حسین علیه السلام از زمان ترک شهر مدینه تا زمانی که سر مقدس‌شان بالای نیزه‌ها برود، ۷۴ آیه قرآن خواندند. ایشان برای هر مناسبتی خطبه می‌خواندند و در خطبه‌ها و رهنمودهای‌شان به قرآن استناد می‌کردند. سر مقدس ایشان بالای نیزه نیز قرآن می‌خواند. یکی از آن آیه‌ها، آیه ۹ سورة کهف است؛ «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ

عده‌ای تصور می‌کنند که مردانگی به داشتن هیکل قوی و نیرومند است یا زهد در دنیا به این معناست که شهرنشینی را رها و در غاری زندگی کنند. بعضی متصورند که شجاع‌ترین و قدرتمندترین مردم کسانی هستند که بتوانند اشیاء سنگین را از روی زمین بلند کنند؛ اما وقتی به سراغ آیات قرآن و بیانات اهل بیت علیهم السلام می‌رویم حقیقت چیز دیگری است. پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند که مروت و مردانگی انسان در دارا و عامل بودن به شش خصلت است؛ که سه تای آن در حضر (وطن) و سه تای دیگر در سفر است.

سه خصلت در حضر:

اول آنکه «فتلاوت کتاب الله»؛ «مرد کسی است که اهل قرآن باشد». در آیه ۳۰ سورة مبارکه فرقان آمده است که «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»؛ «پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فردای قیامت از دست تعدادی از بندگان شکایت می‌کند که خدایا اینها در دنیا قرآن مرا مهجور کردند». به این معنا که قرآن را فقط در مراسم ختم یا راهی کردن مسافران یا مراسم عروسی خواندند یا در جای دیگر می‌فرمایند: «لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْرِكٍ»؛ «خداوند قرآن را در قالب الفاظ تنزل داد و برای انسان‌ها فرستاد تا با خواندن آن متذکر و از غفلت دور شویم».

امام حسین علیه السلام عاشق تلاوت قرآن بود و برای همین از حضرت ابوالفضل علیه السلام خواست تا از دشمن برای او مهلت بگیرد؛ اما آنها در پاسخ گفتند یا بیعت کنید یا همین الان بجهنمید. امام حسین علیه السلام در پاسخ گفت: «انی احب الصلاة والدعا والاستغفار وتلاوت القرآن»؛ «من عاشق نماز، دعا، ذکر استغفار و تلاوت قرآن هستم».



خیابا

شماره ۱۱ / آذر ۹۳

الْكُفْهِفَ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا» یا «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»؛ بنابراین هر قدر، انس و مداومت بر خواندن آیات قرآن بیشتر شود به همان اندازه محبت امام حسین علیه السلام در دل‌ها افزایش می‌یابد.

ابن ملجم‌ها، یزیدها و عمر سعدها (لعنت الله علیهم اجمعین) در ظاهر از معنویت و مسائل اسلام دور نبودند؛ بلکه قاری قرآن بودند؛ اما تدبیر در قرآن نداشتند. مردانگی انسان‌ها در

ورزش کردن باید با هدف و برنامه‌ریزی

انجام شود. ورزش، هم سلامت جسم و

هم سلامت روح را تأمین می‌کند؛ البته باید

دانست که در ورزش جهت‌های منفی نیز

وجود دارند که باید آنها را شناسایی کرد و به

دنبال آنها نرفت





بخشی از یک کتاب

حاج یدالله بهتاش: وقتی مداح می‌تواند به وسیله اینترنت با مردم ارتباط برقرار کند و پیام اهل بیت (علیهم‌السلام) را به آن‌ها برساند، چرا باید از این امکان روی گردان باشد؟ شاید کسی فرصت شرکت در جلسات مذهبی را نداشته باشد، اما شب که از محل کار به منزل برمی‌گردد، سری به وب‌سایت‌ها بزند و حدیث و روایتی را در وبلاگ ما بخواند که برایش مفید باشد. بنابراین نباید مداحان و وعاظ از این کار دوری کنند.

معتقدم انسان از هر وسیله‌ای که بتواند پیغام دین را به مردم برساند، باید استفاده کند. البته در این فضا هم باید مراقب حد و مرزها باشیم و مطلبی را که ممکن است ایجاد شبهه کند، ننویسیم. به عبارت دیگر، همان‌طور که شیوه بیان مطالبی که در مجلسی در منطقه شمیرانات ارایه می‌کنم، با نحوه بیان همان مطالب در نقاط دیگر شهر متفاوت است، باید توجه داشته باشم که مخاطبان فضای مجازی هم از قشرها و سن‌های گوناگون هستند و درک‌های متفاوتی از مطالب دارند.

عشق، ادب، اخلاص: مجموعه گفت‌وگو با مداحان و ذاکران اهل بیت (علیهم‌السلام) / جلد اول، به کوشش مرکز مطالعات راهبردی خیمه، انتشارات خیمه

خیابان

شماره ۱۱ / آذر ۹۳



جسم انسان در تربیت نفوس تأثیر به‌سزایی دارد برای همین معصومین (علیهم‌السلام) ما را به تحرک و ورزش‌هایی مانند تیراندازی، شنا و اسب‌سواری سفارش کرده‌اند؛ چون در پرتو صحت جسم است که بسیاری از عبادات را می‌توان انجام داد

هستند از دست همسایگان خود شکایت می‌کنند.» منظور از آبادانی اینکه امام جماعت ندارند، نماز در آنها برقرار نیست و ... این مساجد فردای قیامت از همسایگان خود شکایت خواهند کرد. منظور از همسایگان شامل چهل خانه از سمت چپ، چهل خانه از سمت راست، چهل خانه از مقابل مسجد و چهل خانه از پشت مسجد است. در روایت دیگری منظور از همسایگان، خانه‌هایی است که اذان مسجد به گوش آنها می‌رسد؛ بنابراین مردانگی در آن نیست که ده نفر را حریف باشید و اشیای سنگین بلند کنید؛ بلکه آن است که اهل مسجد باشید.

در روایتی آمده است که بهترین مکان‌ها بر زمین، مساجد و بدترین مکان‌ها، بازارها هستند؛ البته این موضوع نسبی است و مع‌الاصف گاهی در مساجد شیاطینی حضور دارند و کارهایی انجام می‌دهند که بازاری‌ها انجام نمی‌دهند.

پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند: «خمسۀ تنور القلب»؛ «پنج چیز باعث می‌شود قلب انسان نورانی شود» (کنایه از اینکه چگونه انسان دچار قساوت قلب نشود). یکی از آنها «کثرة قراءة قل هو الله احد»؛ «سوره قل هو الله احد را بسیار بخواند»، دوم «مجالسة العلماء»؛ «نشست و برخاست با علما»، سوم «قله الاكل»؛ «کم بخورد»، چهارم «صلاة الليل»؛ «نماز شب بخواند» و پنجم «المشيء الى المساجد»؛ «مشی رفت و آمد با مسجد را داشته باشد». سوم آنکه: «اتَّخَذَ الْإِحْوَانُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»؛ «مرد آن کسی است که دوستی را در راه خدا انتخاب کند». به این معنا که دوست را به دلیل منصبش، ماشین گرانیقیمت یا مال و منالاش انتخاب نکند؛ بلکه برای خدا او را انتخاب کند. مسئله انتخاب دوست آنقدر مهم است که خداوند در سوره فرقان می‌فرماید: در قیامت از عده‌ای از بندگان خدا پرسیده می‌شود که چرا به ضلالت کشیده شدید و گناه کردید؛ آنها در پاسخ می‌گویند که دوستم باعث شد تا گناه کنم؛ ای کاش در دنیا با او طرح رفاقت نمی‌ریختم؛ چون او باعث ضلالت و گمراهی من شد.

سه خصلت در سفر:

اول «فذل الزاد»؛ اگر کسی با خانواده، دوستان، اقوام و بستگان به مسافرت می‌رود هر چه دارد با همسفران خود در طبق اخلاص بگذارد. دوم «حسن الخلق»؛ «در سفر خوش اخلاق باشد»، سوم «المزاح فی غیر المعاصی»؛ «در سفر شوخی و مزاح کند»؛ اما در اینجا باید گفت که نه مزاحی که سر از گناه و معصیت خدا درآورد.

... خداوند در آیه ۷۷ سوره قصص می‌فرماید: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» به این معنا که از نعمت‌های مادی و ظاهری و نعمت‌های معنوی به گونه‌ای استفاده کنید تا مقدمه‌ای شود برای آخرت شما. از این نعمت‌ها باید برای آخرت ثواب جمع کنید. در ذیل این آیه قرآن روایتی از امیر المؤمنین علی (علیه‌السلام) آمده است که «لا تنس صحتک و قوتک و فراغک و شبابک و نشاطک و غناک آن تطلب بها الآخرة» به این معنا که انسان باید از صحت جسم، قدرت، نیرو، فراغ بال، جوانی و نشاط برای آخرت مدد گیرد. صحت جسم و کسب قدرت و نیرو به سبب ورزش و تحرک بر انسان حاصل می‌شود و کسانی که تحرک ندارند، صحت جسم ندارند.

خداوند در آیه ۱۱۵ سوره مؤمنون می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا»؛ «تصور کردید که شما را بی‌هوده آفریدم» خداوند از خلق انسان و اینکه او را اشرف مخلوقات قرار داده است، هدفی دارد. اشرافیت انسان مستلزم داشتن هدف و برنامه‌ریزی در زندگی است. انسان از انجام هر کاری مانند نماز خواندن و ازدواج کردن و تحصیل علم و ورزش کردن، هدفی دارد.

ورزش کردن باید با هدف و برنامه‌ریزی انجام شود. ورزش، هم سلامت جسم و هم سلامت روح را تأمین می‌کند؛ البته باید دانست که در ورزش جهت‌های منفی نیز وجود دارند که باید آنها را شناسایی کرد و به دنبال آنها نرفت. باید بدانیم که ورزشکار مسلمان چه ویژگی‌هایی دارد؟ یا اسلام انسان را به چه ورزش‌هایی سفارش کرده است؟

خداوند انسان را از دو بعد جسمانی و روحانی آفریده است. جسم انسان مرکبی است برای پرواز روح. جسم تأثیر به‌سزایی در معنویت انسان دارد. اهل بیت (علیهم‌السلام) فرموده‌اند که ساعات زندگی را به سه دسته تقسیم کنید: یک بخش از ساعات زندگی را برای کار و فعالیت، قسمتی را برای عبادت خداوند و قسمت دیگر را برای تفریحات سالم از جمله ورزش و سیاحت قرار دهید و از تفریحات سالم برای طاعت خداوند استفاده کنید.

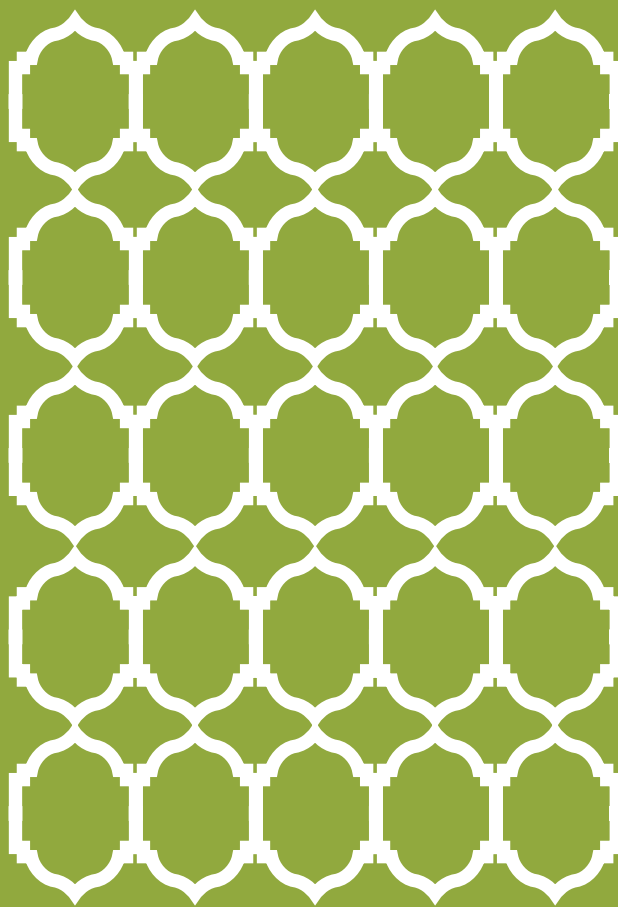
ورزش امر مباح است. جسم انسان در تربیت نفوس تأثیر به‌سزایی دارد برای همین معصومین (علیهم‌السلام) ما را به تحرک و ورزش‌هایی مانند تیراندازی، شنا و اسب‌سواری سفارش کرده‌اند؛ چون در پرتو صحت جسم است که بسیاری از عبادات را می‌توان انجام داد. امیر المؤمنین (علیه‌السلام) در دعای کمیل می‌فرمایند: «رَبِّ قُو عَلَي خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي» به این معنا که جسم برای پرواز روح بسیار مهم است.



در این بخش در نظر داریم به مسائل زنان و دغدغه‌های فرهنگی بانوان با قلم و اندیشه‌های خود آنها بپردازیم و البته رویکرد اصلی ما شناساندن بیشترین بانوان نویسنده و انعکاس نظرهای آنها به مخاطبان و به تبع آن، تلاش برای برآورده شدن نیازهای جامعه در این حوزه است. بدیهی است تلاش ما اولویت دادن و پرداختن به موضوعاتی با محوریت دین و آیین‌های مذهبی و متناسب با محتوای خیمه خواهد بود.

در این شماره و ابتدای این بخش به معرفی یکی از فرهیختگان و مفاخر زنان مسلمان معاصر «بانو مجتهده امین» پرداخته‌ایم و در ادامه، نتایج یک واکاوی و تحلیل از خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام در جریان قیام خونین ابا عبدالله علیه السلام ارائه شده است. در بخش‌های دیگر، گفتاری از یک جامعه‌شناس مطرح و صاحب‌نظر دین در باب دینداری زنانه و مقالاتی در آسیب‌شناسی روضه‌های زنانه و مجالس عزاداری عاشورا آورده شده است.

زینبیه





سیمای زینبی

گر خدا خلق کند آدم و هوای دگر
می نیابد، به جهان زینب کبری دگر
ما نگوییم گلش از گل ما نیست ولی
عفت و عصمت او آمده از جای دگر
به متانت چو نبی و به صداقت چو بتول
مرتضی را شده از فاطمه، زهرای دگر
زین آب بودن زینب، همه را روشن نیست
جز حسین بن علی و دو سه دانای دگر
دهم ماه محرم که بشد، زینب بود
پیش روشن نظران کرد تجلای دگر
خون جوشان حسینش نبیفتاده ز جوش
دست برزد به یکی نهضت عظمای دگر
هر که در کوفه صدایش بشنیدی می گفت:
مرتضی آمده در کوفه به سیمای دگر
گرم صحبت، سخن از حق، به فراز ناقه
اندر آن گرمی دم، یافت هم آوای دگر
گفت: جانم به فدایت! مرو از پیش نظر
که به غیر از تو مرا نیست، دل آرای دگر
غمم این نیست بریدی ز منت، آن ترسم
تو بلا دیده بیفتی به بلاهای دگر
خلق با آن همه تندی به سخن، «ساکت» شد
گوش، سوی تو گرفتیم به آوای دگر

حسین هویدا (ساکت)

با نگاهی اجمالی به تاریخ اسلام به ویژه مذهب شیعه، می توان زنان انگشت شماری را یافت که نه تنها سرآمد دوران خویش بوده اند بلکه در گذر زمان هم به عنوان الگو و اسوه، نامی از خود به جای گذاشته اند. زنانی عالم و متقی که در عین تلاش و مجاهدت های عالمانه و سیر و سلوک معنوی و عارفانه، از محیط اطراف خویش نیز غافل نبوده اند و سهم به سزایی در تربیت افراد شایسته روزگار و هدایت گری جامعه به عهده داشته اند؛ ولی تلاش ها و مجاهدت های این زنان بزرگ بنا به علل مختلف و موانع موجود در زمینه های تاریخی، اجتماعی کمتر موضوع بحث جدی محافل علمی و فضاهای اندیشه گری بوده است و شاید کمتر کسی باشد که حتی آشنایی با نام و نشان این زنان داشته باشد. بانوی مجتهد بزرگوار و متواضع، سیده نصرت امین، از جمله این زنان است که در این مجال برآنیم که نگاهی گذرا به شخصیت این بزرگوار که از مراتب علمی و عملی والایی برخوردار بوده است، بیندازیم. استاد علامه محمدتقی جعفری رحمه الله در مورد این بانوی بزرگوار می فرمایند: «با توجه به آثار قلمی که از خانم امین در دسترس ما قرار گرفته است، به طور قطع می توان ایشان را یکی از علمای برجسته عالم تشیع معرفی کرد و روش علمی ایشان هم، با نظریه مقامات عالیة روحی که ایشان به درک آن موفق شده اند، کاملاً قابل مقایسه با سایر دانشمندان بوده، باید ایشان را از گروه و نخبه ای از دانشمندان به شمار آورد». زندگی بانورا به سه دوره می توان تقسیم کرد:

۱. از کودکی تا بیست سالگی، دوره بستر سازی و آماده کردن زمینه های درونی برای شکوفا

رخشنده اختری از کهکشان علم

صبا موحد

شدن استعدادها

۲. از بیست سالگی تا چهل سالگی، دوره ظهور استعدادها و کمالات درونی و شکوفا شدن آنها

۳. از چهل سالگی به بعد مرحله به ثمر رسیدن و انتشار آثار خارجی کمالات و ظهور و بروز آن در جامعه آثار و تألیفات نورانی و الهی

سرگذشت بانو امین

بانوامین در سال ۱۲۷۴ ش. (برابر با ۱۳۰۸ ق.) در اصفهان چشم به جهان گشود. آثار نبوغ و تیزهوشی از دوران کودکی در سیمایش نمایان بود. از چهار سالگی به فراگرفتن قرآن پرداخت. او در ۱۵ سالگی با پسر عمیش به نام حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج کرد؛ اما زندگی خانوادگی و تربیت فرزندان در فراگیری دانش او اثری نگذاشت و آنچنان برای کسب علوم دینی از خود جدیت نشان داد که موافقت و مساعدت اطرافیان به‌ویژه همسر خویش را برای ادامه تحصیلات در علوم دینی، به دست آورد و همزمان به فراگیری حکمت و فلسفه مبادرت ورزید. از ابتلائات و آزمایش‌هایی که خداوند کریم برای صیقلی و خالص شدن روح مطهر این بنده مقربش کرد، مسئله از دست رفتن فرزندان ایشان بوده است. چنان که هشت فرزندش به علل مختلف از قبیل بیماری و ... از دست رفتند و فقط يك پسر برایش باقی ماند. بانوی پرهیزگار، خانم نصرت امین رحمۀ الله، پس از پشت سر نهادن مدارج علمی در حضور استادانی چون شیخ ابوالقاسم زفره‌ای، حسین نظام‌الدین کجویی، سید ابوالقاسم

دهکردی، میرزا علی آقا شیرازی، میرسید علی نجف‌آبادی از دو شخصیت بزرگوار شیخ محمدکاظم شیرازی و شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، اجازه اجتهاد دریافت کردند.

بانوامین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتاب، تدریس و پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی و تأسیس مؤسسات فرهنگی مشغول بودند. در این زمینه می‌توان به تألیف بیش از سی عنوان کتاب اشاره کرد که از جمله آنهاست یک دوره تفسیر قرآن کریم در پانزده جلد با نام مخزن‌العرفان تأسیس مدرسه علمیه‌ای به نام مکتب فاطمه علیها السلام که با بیش از ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ شاگرد در سال ۱۳۴۶ آغاز به کار کرد. از دیگر کارهای مهم فرهنگی بانوامین است که در اوضاع بسیار سخت فرهنگی و سیاسی جامعه صورت گرفت و زمینه تحصیل بانوان علاقه‌مند به آموختن معارف اسلامی را فراهم کرد. گذشته از این، تأسیس چند دبیرستان دخترانه و تربیت شاگردان برجسته که هر یک همچون ستاره‌ای درخشان در آسمان دانش به پرتوافکنی مشغول بودند بخشی از فعالیت‌های این اسوه دانش و تقوا محسوب می‌شود.

آثار منتشر شده

اربعین الهاشمیه:

کتاب اربعین الهاشمیه اولین اثر قلمی بانوامین است. وی این کتاب را در پنجاه سالگی به نگارش درآوردند. ایشان در آن به شرح و توضیح چهل حدیث از احادیث گران‌قدر اهل بیت علیهم السلام می‌پردازند. به دنبال چاپ این اثر بود که آن بانوی پرهیزگار دانش‌دوست به

کسب درجه اجتهاد نائل شدند.

موضوعات و محورهای اصلی مباحث این اثر عبارت‌اند از: روش دعوت به ایمان، روش تزکیه، تشویق به عبادات، روش اسوه و الگوسازی در احادیث، روش موعظه و انداز، روش تعلیم حکمت، روش فریضه‌سازی، مداومت و محافظت بر عمل، روش انداز، قهر و مهر و ... وی این کار را با هدف نشر احادیث معصومین علیهم السلام و نیل به ثواب و برکات حفظ سخنان آنها انجام دادند. این کتاب را یکی از شاگردان بانوامین به نام خانم زینت‌السادات همایونی به فارسی ترجمه کرده‌اند.

خیابان

شماره: ۱۱/ آذر ۹۳

بانوی پرهیزگار، خانم نصرت امین

رحمة الله، پس از پشت سر نهادن مدارج

علمی در حضور استادانی چون شیخ

ابوالقاسم زفره‌ای، حسین نظام‌الدین

کجویی، سید ابوالقاسم دهکردی، میرزا

علی آقا شیرازی، میرسید علی نجف‌آبادی

از دو شخصیت بزرگوار شیخ محمدکاظم

شیرازی و شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس

حوزه علمیه قم، اجازه اجتهاد دریافت کردند

سیر و سلوک:

این اثر همان‌گونه که از نام آن معلوم است به راه و روش سیر الی الله می‌پردازد. کتاب در سیصد صفحه تنظیم و منتشر شده است. بانو امین در این کتاب اولین گام در راه طی مدارج و مراحل کمال انسانی را این‌گونه بیان می‌کند: «کسی که مایل به پیمودن راه حق و اشتیاق رسیدن به جوار الهی در سر او نمودار شود، نخست باید مجاهده تام با نفس خود کند و وی را از خودسری و شهوت رانی و لوازم طبیعت و هر چه مهیج شهوت شود باز دارد و از حظوظ دنیا قناعت کند به قدر ضرورت و ناچاری و ریسمان اطاعت و انقیاد و بندگی پروردگار را در گردن خود ببازد». این کتاب اولین بار در سال ۱۳۲۳ به چاپ رسید.

روش خوشبختی:

بانو امین این کتاب را در سال ۱۳۳۱ ش. نگاشته‌اند. مجموعه مباحث این اثر بر مبنای اخلاق اسلامی و با هدف تبیین شیوه‌های درست نیل به کمال مطلوب و سعادت واقعی نوشته شده است. مؤلف راه خوشبختی حقیقی را ترسیم کرده و بخشی از اندیشه‌های غلطی را که درباره خوشبختی انسان مطرح شده نقد و بررسی کرده است. در این اثر ارزشمند ابتدا به بیان ارکان خوشبختی که عبارت از آسایش بدن و آرامش فکراست پرداخته شده، آنگاه ارکان ایمان، مورد بررسی قرار گرفته است. گفتنی است که بسیاری از مباحث این اثر، جنبه اجتماعی دارد و با توجه به دوران حاکمیت طاغوت و وضع بد فرهنگی ناشی از آن به نگارش درآمده است.

خیابان

شماره: ۱۱۰ / آذر ۹۳



خانم امین به مراتب بالایی از عرفان دست یافته بودند و همه پیشامدها و گرفتاری‌ها را مایه امتحان و تهذیب نفس انسان می‌دانستند

نفحات رحمانیه:

از آنجا که بانوی پرهیزگار، خانم نصرت امین رحمه الله، همواره در طول زندگی با برکتش مشغول جهاد نفس بودند و با اسلحه علم و عمل با خواهش‌های نفسانی مبارزه می‌کردند، خداوند متعال نیز حجاب‌ها را از برابر قلب او برطرف ساخته او را با حقایق نهان عالم آشنا کرد. در حقیقت نفحات رحمانیه، حکایتی از یافته‌های عرفانی و واردات قلبی ایشان است. ایشان خود در نفحه دهم کتاب در این باره می‌نویسند: «در اوایل امر در کیفیت معیت حق سبحان نسبت به موجودات یعنی در معنای «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ»؛ «هر کجا باشید خدا با شماست» فکرمی‌کردم و این تفکر مدت زمانی مرا به خود مشغول کرده بود و کسی را که از او سؤال کنم، پیدا نمی‌کردم و نیز به طرد این فکر از ذهن خود قادر نبودم. تا اینکه پروردگار عالم، مرا منت نهاده و قلبم را به نور ایمان گشود و شرح صدری بخشید و فی‌الجمله به اندازه سعه قلب خویش و شرح صدرم، کیفیت معیت حق متعال را با مخلوقات دریافتم».

تفسیر مخزن العرفان:

یکی دیگر از آثار خانم مجتهده امین، تفسیر مخزن العرفان، مشتمل بر پانزده جلد و تفسیر جامعی از قرآن کریم است. نقل می‌کنند بانو امین پس از تفسیر دو جزء اول قرآن از بیم آنکه شاید برای تمام کردن تفسیر کل قرآن عمرش وفا نکند به تفسیر جزء سی‌ام می‌پردازند. بعد از آن به تدریج این کار را دنبال و تا اواخر عمر پربرکت‌شان آن را کامل می‌کنند. روش ایشان در تفسیر، آن است که از همان آغاز عین آیات را می‌آورند، آنگاه ترجمه و توضیح آن را بیان می‌کنند؛ سپس به همراه توضیح چگونگی شأن نزول آیات به نقل اقوال مفسران و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) می‌پردازند. در پایان نیز نظریه و برداشت خود را عرضه می‌کنند. به طور کلی می‌توان شیوه بانو امین را در تفسیر قرآن همانند روش صدرالمتألهین، فلسفی و عرفانی دانست.

اخلاق:

کتاب اخلاق بانو امین، اقتباسی است از «تَهْذِيبُ الْأَخْلَاقِ وَ تَطْهِيرُ الْأَعْرَاقِ إِبْنِ مُسْكُوَيْه». توضیح آنکه مؤلف پس از ترجمه این کتاب، دیدگاه‌های خود را به همراه توضیحاتی که در نظر داشته‌اند، بیان می‌کنند. این اثر که بهترین کتاب اخلاقی تا قرن پنجم محسوب می‌شود، مشتمل بر هفت مقاله اخلاقی است. مباحث این کتاب علاوه بر جنبه اخلاقی از اهمیت و ارزش علمی بیشتری برخوردار است. مجموعه مطالب این کتاب در ۳۶۲ صفحه تنظیم و

در تاریخ ۱۹ رجب ۱۳۶۸ ق. چاپ شده است.

جامع الشّتاتک

محتوای کتاب ارزشمند جامع الشّتاتک بانو امین عبارت است از پاسخ‌های مبسوط و در عین حال متقن بانو نصرت امین رحمه الله به بخشی از سؤال‌های عمیق فقهی و علمی و اعتقادی شماری از استادان و علمای فرزانه حوزوی که از جمله آنان‌اند: سید محمدعلی قاضی طباطبایی و شیخ محمد طه هندای نجفی‌زاده. به دنبال منتشر شدن این پاسخ‌ها توانمندی‌های علمی و مهارت‌های بانو امین رحمه الله بیش از پیش برای علما و فضلا معلوم شد. این مطالب را که در قالب پرسش و پاسخ تنظیم شده است در طول زمان، عالم پرهیزگار شیخ مرتضی مظاهری نجفی جمع‌آوری و چاپ کرده‌اند.

معاد یا آخرین سیر بشر:

در کتاب معاد یا آخرین سیر بشر، بانو نصرت امین رحمه الله مباحث مربوط به معاد و سیر تکامل انسان را در قالب ۹ مقاله علمی بررسی می‌کنند. ایشان در مجموعه مطالب این اثر کوشش می‌کنند تا ثابت کنند غیر از نشئه دنیوی، نشئه دیگری نیز برای انسان در پیش است و آدمی پس از پشت سر نهادن این عوامل در نهایت به عالم آخرت می‌رسد که در آنجا از همه اعمال و رفتار گذشته او سؤال خواهد شد و او باید در مقابل کردارش پاسخگو باشد. عناوین مقالات این کتاب عبارت‌اند از: سیر بشر از عالم علوی به سفلی و از سفلی به علوی، هردانی قائم به مافوق خود است، انسان مجموعه عالم وجود است، انسان در عالم برزخ، سؤال قبر، انسان در نشئه قیامت، صراط، میزان، حساب، بهشت و جهنم، مجموعه این مباحث در ۲۱۲ صفحه تنظیم و در سال ۱۳۶۹ ش. چاپ و منتشر شده است.

مَخَزَنُ اللَّائِي فِي فَصَائِلِ مَوْلَى الْمَوَالِي:

کتاب ارزشمند مخزن اللالی فی فضائل موالی‌الموالی تألیف دیگر بانو امین است. همان‌گونه که از عنوان آن مشخص می‌شود به معرفی قسمتی از فضایل و مناقب مولای متقیان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام اختصاص داده شده است. مؤلف محترم، مباحث کتاب را در یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه تنظیم کرده‌اند.

بانو امین در زمینه استفاده از فرصت‌های عمر خود می‌نویسند: «من در زمان کودکی و اوایل جوانی بسیار مایل و حریص به مطالعه کتاب‌های علمی و گوش دادن به مواظ دینی بودم و هرگاه نزدیکان من مشغول تفریح





بخشی از يك كتاب

حسین (علیه السلام) روبه مردم حاضر کرد و گفت:

پس ای مردم، شاهد باشید من ام‌کلثوم دختر عبدالله بن جعفر را به پسر عمویش قاسم بن محمد بن جعفر تزویج کردم به مهرالسنه حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مزرعه‌ای را که در زمین‌های عقیق دارم به آنها بخشیدم تا با آن زندگی‌شان را بگذرانند. زیرا که سالی هشت هزار دینار از فروش غله آن مزرعه به دست می‌آید و برای آن‌ها کافی است.

رنگ از روی مروان پرید؛ هیچ وقت نمی‌توانست در مقابل استدلال فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دلیلی را بازگو کند، فرزندان علی مثل همیشه او را در میان مردم مفتضح کرده بودند مثل همیشه. برای همین بود که هیچ یک از بنی‌امیه راضی نمی‌شد فرمانداری مدینه را بپذیرد. اما نباید خود را می‌باخت. فریاد زد: ای بنی‌هاشم؛ از در حيله وارد شدید و میل دارید به دشمنی ادامه دهید ...

یاوران حرم؛ روایت حماسه زنان عاشورایی، فریبا انیسی، انتشارات کتاب آشنا

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



گردانید به صفات نیکو.

و بدانید که اصول سعادت از سه چیز تحقق‌پذیر است. اول ایمان کامل، دوم اخلاق و صفات نیکو، سوم اعمال خوب که مطابق باشد با دستورات شرع اسلام و در همه حالات در خوشی و غم، در صحت و مرض، [و] در نعمت و بلا، به دل و زبان شکرگزار حق و گویای ذکر او باشید و در هر حال مراقب حال خود باشید و احکام و دستورات شرع مطهر اسلام را محترم دارید. راضی نشوید ساعتی از عمر شما بیهوده یا در گناه صرف شود و مرتکب نافرمانی حق تعالی گردید.

نیز توصیه می‌کنم شما را که در تحصیل معرفت و شناسایی حق تعالی کوشش کنید و محبت آن یگانه معبود را در قلب خود پیور کنید؛ زیرا یگانه چیزی که باعث سعادت و رستگاری است، معرفت به خدای تعالی و دوستی و محبت آن خرد ازلی است و تمام بدبختی‌ها و بلاها ناشی از جهل و فقدان معرفت است.

نیز توصیه می‌کنم شما را که در تمام اعمال، نیت خود را خالص گردانید و در هر کاری اول فکر کنید: آیا رضای حق تعالی در آن هست یا نه. اگر مطابق رضا و دستور پیامبران است بدان عمل کنید و الا آن را ترک کنید.

در سوگ بانو، از سپیده کاشانی؛
بانگ رحیل خاک وطن را فرا گرفت
اسلام شد به ماتم و رنگ عزا گرفت
آیات را، نماز بخوانیم دوستان
زیرا خسوف هجر رخ ماه ما گرفت
رخشنده اخترش بشد از کهکشان علم
در عرش جا به بارگه انبیا گرفت
می‌رفت و داغ لاله فراوان به سینه داشت
زین خاکدان که مرتبه نینوا گرفت
گلچین ز شاخه چید بسی گل در این دیار
فقدان این گل از چه چمن را فرا گرفت
فخر زنان، «امینه» ما، درس عاشقی
از مکتب امین خدا مصطفی گرفت
آن مرجع فضیلت و تقوا به راه علم
بر راهوار عشق مدد از خدا گرفت
بانوی بانوان جهان شد شفیع او
واندر کنار کوثر میعاد جا گرفت
جاوید، خانه باد مبارک براو که خاک
از آن گل معطر عصمت صفا گرفت

منابع:

۱. مجموعه مقالات اولین کنگره بزرگداشت بانو ۱۳۷۲، صص ۲۴-۲۳.
۲. زندگی‌نامه بانوی مجتهدة نصرت امین، میرصادق سیدنژاد، ص ۶۴.
۳. ریاحی، محمدحسین، مشاهیر زنان اصفهان؛ ۱۳۷۶، ص ۵۷.
۴. مجله گلبرگ، خرداد ۱۳۸۱، شماره ۳۰.

می‌شدند، من به مطالعه علمی و گوش دادن به مواعظ دینی مشغول می‌شدم و آنها بیشتر اوقات به من اعتراض می‌کردند و می‌گفتند: چگونه تو مشغول مطالعه می‌شوی و تفریح را رها می‌کنی؟ این کار عاقلانه نیست؛ بلکه از بطالت و کسالت است و من به لحاظ اشتیاق شدیدی که به مطالعه داشتم سخنان ناروا و استهزاهای آنان را تحمل می‌کردم و چنان خود را می‌یافتم که گویا از امور لهو و مزخرف دنیا اعراض دارد و به اینها انس نمی‌گیرد؛ بلکه قلبم به چیز دیگری بستگی دارد. هرگاه از یک عالم یا واعظی، چیزی از اوصاف حق تعالی می‌شنیدم قلبم به سخن او میل مفروطی می‌نمود. گویا سر تا پا گوش می‌شدم.

خانم امین به مراتب بالایی از عرفان دست یافته بودند و همه پیشامدها و گرفتاری‌ها را مایه امتحان و تهذیب نفس انسان می‌دانستند. یکی از فرزندان ایشان می‌گوید: «مرحوم والده متأسفانه در طول زندگی، درد و رنج جسمی فراوان کشیدند. به یاد دارم که پا درد خیلی شدیدی داشتند که بر اثر آن گاهی مواقع فریادشان به آسمان بلند می‌شد ... ولی یک کلمه حرفی که بوی ناشکری بدهد، هرگز از ایشان شنیده نشد. روزی به ایشان گفتم: شما که یک زن عالمه فاضله موخته به تمام معنا هستید، چرا باید این قدر زجر و درد بکشید؟ ایشان در پاسخ فرمودند: صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی. من باید خالص بشوم. اینها امتحان است من باید امتحان بدهم.

پس از یک عمر تدریس و تحقیق و تلاش فرهنگی، سرانجام بانو نصرت امین معروف به «بانوی ایرانی» در شب دوشنبه اول رمضان المبارک ۱۴۰۳ ق (مصادف با ۲۳ خرداد ۱۳۶۲ ش) دار فانی را وداع گفت. جنازه مطهر ایشان در بقعه خانوادگی خاندان امین در تخت فولاد اصفهان به دنبال تشییع کم نظیر مردم دانش‌دوست به خاک سپرده شد.

قسمتی از وصیت‌نامه

بانو امین در وصیت‌نامه خود می‌نویسد: «ای اولادان و خویشان و اقوام من، عمده غرض این جانب گنه‌کار توصیه به حق است. توصیه می‌کنم شما را که تقوا را شعار خود گردانید و از نافرمانی حق تعالی و متابعت هوای نفسانی، خودداری کنید و بدانید راه پرخطری در پیش دارید. قدری از خواب غفلت بیدار شوید و خانه خود را از غیر خدا خالی گردانید و به تمام قوا روی خود را به طرف آن معبود یگانه قرار دهید و حتی‌الامکان محبت غیر خدا را از دل بیرون کنید؛ زیرا که یگانه ملجأ و پناه‌دهنده ما اوست و قلب خود را از اوصاف ذمیمه و صفات نکوهیده تخلیه کنید و خود را آراسته



دینداری زنانه

و حضور خاموش زنان در حوزه اجتماعی

سارا شریعتی

خانگی گرفته تا هویت های منسجم تر مذهبی. این محافل زنانه بسیارند و اگر پرس و جو کنیم، می بینیم که هر کس در محیط اطراف خود لااقل یک جلسه، دوره یا محفل خیریه اجتماعی از این دست را می شناسد محافلی که در جامعه حضور اجتماعی وسیعی دارند و در بسیاری از موارد، وظایف سنگینی که اغلب به عهده یک دولت است را عهده دار شده اند. در این جمع خانم امام حضور دارند که یکی از چهره های شاخص این نوع فعالیت ها بوده اند. بر خلاف جلسات مردان، جلسات زنان ویژگی های خاص خود را دارند که گاه از آن با نام «دینداری زنانه» نام می برند: اولاً جنبه عاطفی و دوستانه بر جنبه سخنران محور غلبه دارد و آنچه در جلسات مردان حاشیه است در این جلسات به متن تبدیل می شود و اغلب حاشیه از متن مهم تر است: احوالپرسی ها، رد و بدل اخبار، قول و قرارها، آشنایی های که در جلسات رسمی قبل و بعد از جلسه انجام می شود در جلسات زنان نقش مهم تری از خود برنامه دارد. دوماً وجه رفتاری و اخلاقی بر وجه آموزه ای و نظری غلبه دارد و سوماً عنصر جشن، مهمانی، سفره، غذا، نذری همیشه بر وجه رسمی غالب است.

این گونه مجالس با ویژگی هایی که برشمردم همیشه از دیرباز در جامعه ما وجود داشته است و هر چه شرایط عمومی و اجتماعی سخت تر شده است، فعالیت زنان در عرصه خانه ها

وسیع اند؛ اما بدون ارتباط با هم عمل می کنند. از طرفی در جامعه ما از دیرباز مجالس و جلسات زنان برقرار بوده است. جلسات با خصلت مناسکی و آموزشی و اغلب بر محور قرآن و با حضور یک تیپ اجتماعی که به عنوان «خانم جلسه ای» شناخته می شوند. در این جلسات آموزشی زنانه، معمولاً خانمی که سواد قرآنی دارد و با تاریخ اسلام هم کم و بیش آشناست به قرائت و تفسیر قرآن می پردازد یا در مناسبت های مذهبی روضه خوانی می کند و به سؤالات و مسائل زنان پاسخ می دهد. این جلسات از نظر تاریخی یکی از قدیمی ترین اشکال اجتماعی شدن زنان و به ویژه زنان متعلق به اقشار سنتی تر جامعه بوده است که با محدودیت های بیشتری روبه رو بوده اند و امکان مشارکت و حضور در دیگر فعالیت های اجتماعی را نداشته اند و هنوز هم در میان فعالیت های اجتماعی متعدد، مجالس زنان از بالاترین حد مشارکت عامه زنان برخوردارند. دومین حوزه ای که زنان در آن به طور تاریخی فعال بوده اند فعالیت های خیریه ای و نیکوکاری است: کمک به خانواده های بی یا بدسرپرست، کمک به خرج تحصیل، تهیه جهاز، امکان درمان و... این فعالیت هادر بسیاری از موارد به شکل غیرمتشکل، محدود و پراکنده صورت می گیرد و در برخی از موارد نیز در قالب دوره های زنانه یا کانون های کم و بیش متشکل تر و منظم تر عمل می کند؛ از شکل مجالس خانگی گرفته تا هویت های منسجم تر مذهبی

یک سنت قدیمی در ایران وجود دارد و آن حضور زنان در حوزه اجتماعی است. در دو حوزه اجتماعی به طور سنتی، عامه زنان حضور خاموش و پراکنده ای دارند: نخست حوزه آموزش دینی و سپس فعالیت های خیریه. خاموش به این دلیل که این گونه فعالیت ها در حیطه نوگرایی و روشنفکری تعریف نمی شود، با وسائل ارتباطی مدرن رابطه ای ندارند و فعالیت های شان انعکاس بیرونی نمی یابد، دیده نمی شوند و به چشم نمی آیند و پراکنده از آن رو که این فعالیت ها بسیار گسترده و

خیابان

شماره: ۱۱/ آذر ۹۳

دومین حوزه ای که زنان در آن به طور تاریخی فعال بوده اند فعالیت های خیریه ای و نیکوکاری است: کمک به خانواده های بی یا بدسرپرست، کمک به خرج تحصیل، تهیه جهاز، امکان درمان و... این فعالیت هادر بسیاری از موارد به شکل غیرمتشکل، محدود و پراکنده صورت می گیرد و در برخی از موارد نیز در قالب دوره های زنانه یا کانون های کم و بیش متشکل تر و منظم تر عمل می کند؛ از شکل مجالس خانگی گرفته تا هویت های منسجم تر مذهبی

پویایی بیشتری پیدا می‌کرده است و این جلسات رونق بیشتری می‌یافته‌اند؛ اما می‌توان گفت که فعالیت‌های آموزشی و اجتماعی زنان با دو شاخص ممتاز می‌شوند: بی‌ارتباط بودن با هم و بی‌ارتباط بودن با جریان روشنفکری. اغلب این فعالیت‌ها با هم بی‌ربط‌اند و در نتیجه جریان‌ساز نیستند و به شکل مجزا عمل می‌کنند و هیچ کدام از این فعالیت‌ها به نام روشنفکری یا نوگرایی انجام نمی‌شوند. محافل روشنفکری زنان با جلسات سنتی و فعالیت‌های خیریه عامه زنان بیگانه‌اند. در واقع یک رابطه رد متقابل بین جلسات زنان روشنفکر دینی و مجالس سنتی زنان وجود دارد. موضوع بحث و فعالیت‌های جلسات روشنفکری زنان یا حضور زنان در فضای سیاسی است یا حقوق زنان در جامعه مدنی یا مباحث نظری در مورد زنان، اما این مباحث در محدوده زنان روشنفکر باقی می‌ماند یا از خلال مطبوعات به حوزه فکری انتقال می‌یابد؛ اما در متن حیات دینی زنان انعکاسی نمی‌یابد و زنان روشنفکر ما، چه دینی و چه غیردینی از گسترده‌ترین شکل ارتباطات عامه زنان که در جامعه ما همین مجالس زنانه است، غافل‌اند، نسبت به ظرفیت‌های آن بی‌توجه‌اند و در این شبکه عظیم اجتماعی که از دیرباز در جامعه وجود داشته است و نقش مؤثری در اجتماعی شدن زنان ایفا کرده است، حضور ندارند.

این شرایط را با مصر مقایسه می‌کنم؛ وقتی از مصر صحبت می‌کنیم طبیعتاً اولین جریانی که در حوزه اسلامی به ذهن می‌رسد، اخوان المسلمین است، به عنوان جریانی که بیش از ۸۰ سال سابقه دارد، بسیار فعال است و به یک جریان بین‌المللی تبدیل شده است؛ اگر چگونگی شکل‌گیری اخوان المسلمین را در مصر با چگونگی شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی در جامعه ایران مقایسه کنیم، می‌توانیم تفاوت‌های اساسی میان این دو بیابیم. در ایران شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی اغلب به این ترتیب بوده است، عده‌ای از نخبگان فکری و سیاسی با دغدغه‌های مشترک دور هم جمع می‌شوند و تصمیم به یک کار جمعی می‌گیرند، یک دوره فعالیت درونی انجام می‌دهند و پس از آن اعلام موجودیت بیرونی می‌کنند. غالباً شکل سازماندهی در ایران از بالا به پایین بوده است؛ یعنی اول اعلام موجودیت می‌کنند و بعد به سراغ جامعه می‌روند. به نظر می‌رسد در مصر با تکیه بر مورد اخوان المسلمین، این روند معکوس بوده است؛ اگر شکل‌گیری اخوان المسلمین و فعالیت‌های حسن‌البناء را مورد مطالعه قرار دهیم، می‌بینیم که وی کار جمعی را از پایین، از جامعه، از محافل صوفیانه، انجمن‌های خیریه، قهوه‌خانه‌ها و

مساجد شروع می‌کند و سپس در بالا، جریانی به نام اخوان المسلمین شکل می‌گیرد و اعلام موجودیت می‌کند. همین مکانیزم سازماندهی پایین به بالا را ما در برخی از جریانات زنان در مصر هم می‌بینیم. در اینجا می‌خواهم به جریانی اشاره کنم که با نام «جنبش مساجد» شناخته شده است و از نظر اجتماعی بسیار موفق عمل کرده است. این جریان که در سال‌های شصت میلادی حول مساجد محلی شکل گرفت و متأثر از جریان اصلاح دینی بود، مستقل از اخوان المسلمین است و نوع دینداری‌اش هم واجد شاخص‌هایی است از آنچه دینداری «زنانه» نامیدیم. شناخت من نسبت به این جریان از طریق کتابی است با نام «سیاست پارسیایی»^۲ از انسان‌شناس و نویسنده چپ پاکستانی به نام صبا محمود. این کتاب محصول یک تحقیق میدانی در قاهره بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ م. در مورد زنانی است که در جنبش مساجد فعالیت داشتند و ورودشان به اجتماع از خلال تعلق دینی‌شان ممکن شد. بر اساس یافته‌های این کتاب، زنان جنبش مساجد، کار خود را با نقد دینداری موجود شروع کردند؛ یکی نقد دینداری شیوخ‌الازهر که سنتی بودند و دینداری‌ای بسته و محافظه‌کارانه را نمایندگی می‌کردند و دیگری به قول خود این زنان، نقد دینداری لیبرال. آنها منتقد اسلامی بودند که به مجموعه‌ای از عقاید انتزاعی تقلیل یافته بود و در زندگی روزمره هیچ نقشی نداشت. از نظر آنها هدف، تبدیل اعتقادات به اخلاقیات و رفتارها بود. تبدیل ایده‌ها به ابیتوس یا عادت‌واره‌ها. به آنچه وبر اتیک یا اتوس می‌خواند یا ابن خلدون، «ملکه وجود». به عنوان مثال توضیحی که آنها از «روژه» می‌دهند از توجیهاتی که دینداری محافظه‌کار یا دینداری مدرن شده به زعم آنان ارائه می‌داد، متفاوت بود. از نظر آنان قرائت سیاسی از اسلام، روژه را از موضع هویت جمعی و تأثیر سیاسی‌اش توضیح می‌دهد، زنان مدرن، روژه را به عنوان یک «فولکلور اسلامی» و دینداری سنتی آن را یک «واجب شرعی» قلمداد می‌کنند؛ اما زنان جنبش مساجد معتقدند که روژه برای ما درس فردگرایی دینی است و ما را با آموزه‌هایی چون «صبر»، «زهد» و «توکل» آشنا می‌کند. این زنان که گرایش‌های مختلف طبقاتی در میان آنان حضور داشتند، فعالیت خود را با تشکیل جلسات دینی در خانه‌ها آغاز کردند و سپس این جلسات به مساجد منتقل شد و در مساجد در سه وجه مشغول به فعالیت شدند: نخست آموزش دینی. سپس خدمات اجتماعی به فقرا و در نهایت درمان. اینها به عنوان داعی شناخته شدند و توانستند در متن مردم نفوذ کنند. در ۱۹۹۶ م. دولت

مصر ۳۰ هزار مسجد را ملی کرد و زنان داعی را مجبور کرد ۲ سال در وزارت مربوط به امور دینی درس بخوانند. در زمانی که مردم علمای دینی را دولتی می‌دانستند و کمترین سرافشان می‌رفتند، این زنان به عنوان نمایندگان اسلام شناخته شدند و فعالیت‌های‌شان با استقبال بسیاری روبه‌رو شد.

فارغ از ارزیابی این جریان از نظر سیاسی و اعتقادی، اشاره من صرفاً به عنوان یک نمونه موفق جریان زنان است که هم از نظر اعتقادی و هم از نظر اجتماعی حضور فعال و مؤثری داشته‌اند. در زمینه فکری، بحث قضاوت، امامت، اجتهاد زنان را مطرح کرده‌اند و از نظر اجتماعی با استفاده از ظرفیت‌های موجود، جریانی گسترده و اجتماعی در ربط مستقیم با حیات اجتماعی زنان در مصر به وجود آورده‌اند و مطالبات خود را در همه عرصه‌ها پیش بردند. جمع‌بندی می‌کنم: زنان نوگرایی دینی که در حوزه زنان فعالیت می‌کنند در دو حوزه نیازمند حضور جدی‌تر هستند: نخست حوزه دین و به تعبیر شریعتی «استخراج و پالایش منابع فرهنگی» و سپس جامعه. بدون پیوستن با زیست اجتماعی عامه زنان و حضور در اشکال سنتی تجمعات آنان، جریان روشنفکری خود را از مهم‌ترین منبع تغذیه و حیاتش که عامه مردم باشند محروم خواهد کرد و آسیب‌پذیر می‌ماند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. گزیده‌ای از سخنرانی (۱۳۹۲ ش.)، تحریرشده در آرشیو اینترنتی

دکتر سارا شریعتی با نام «زنان و نوگرایی دینی»

۲. Saba Mahmood, Politique de la pitié. Lef minisme

l'preuve d'un nouveau islamisme, LaD couverte, coll.

p. ۳۱۱, ۲۰۰۹, «textes l'appui

نام اثر به زبان انگلیسی

Politics of Piety: The Islamic Revival and the Feminist Subject

خیابان

شماره: ۱۱/ آذر ۹۳



بر خلاف جلسات مردان، جلسات زنان

ویژگی‌های خاص خود را دارند که گاه از آن با

نام «دینداری زنانه» نام می‌برند: اولاً جنبه

عاطفی و دوستانه بر جنبه سخنران محور

غلبه دارد و آنچه در جلسات مردان حاشیه

است در این جلسات به متن تبدیل می‌شود و

اغلب حاشیه از متن مهم‌تر است



تحلیل گفتمان حضرت زینب علیها السلام در مواجهه با حادثه عاشورا و رویدادهای پس از آن

نسیم کاهیرده

مقدمه

امروزه به واسطه رشد علوم مختلف و گسترش فضاهاى علمى و تسهیل ارتباطات، پیوند میان رشته‌های مختلف علوم افزایش یافته و تلاش‌های فکری و اندیشه‌گى امکان هم‌افزایی بیشتری یافته‌اند. در این میان پرداختن به شخصیت‌های مذهبی و تاریخی یکی از

خیابا

شماره: ۱۱۰ / آذر ۹۳

حضرت زینب علیها السلام به واسطه داشتن نقش بزرگ و بی‌بدیل در روشنگری و بیان حقایق قیام تاریخی کربلا همواره یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های مذهبی و تاریخی مکتب شیعه و مورد توجه خاص شیعیان به ویژه محققان و اهل اندیشه بوده است

مقولات مهم مورد توجه پژوهشگران و محققان رشته‌های مختلف علمی است؛ چرا که در بستر چنین مطالعات و پژوهش‌هایی است که امکان شناخت بیشتر و عمیق‌تر از فرهنگ و دستیابی به الگوهای راهبردی متناسب با نیاز دوران معاصر میسر می‌شود.

حضرت زینب علیها السلام به واسطه داشتن نقش بزرگ و بی‌بدیل در روشنگری و بیان حقایق قیام تاریخی کربلا همواره یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های مذهبی و تاریخی مکتب شیعه و مورد توجه خاص شیعیان به ویژه محققان و اهل اندیشه بوده است؛ البته در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با بسترسازی‌های فرهنگی در مراکز علمی و دانشگاهی، شاهد کارهای علمی و مطالعاتی بیشتری در این حوزه بوده‌ایم؛ از جمله طرح‌های پژوهشی به ویژه پایان‌نامه‌هایی که بیشتر از گرایشات فکری و علقه‌های مذهبی دانشجویان نسبت به این شخصیت بی‌نظیر نشأت گرفته است؛ البته گاه تکرار یک حقیقت هر چند با ارزش و متعالی برای ذهن ملال‌آور می‌شود و در این وضعیت برای یادآوری حقیقت و نشان دادن آن به ذهن مخاطب راه‌حلی که انجام آن

ضرورت می‌یابد تغییر زاویه نگاه و پرداختن نو به آن حقیقت است. آن‌گونه که گشودن افقی تازه را پیش‌روی ممکن کند. پرداختن به حقیقت عاشورا و آنچه پیرامون آن مشمول توجه قرار می‌گیرد از جمله شخصیت حضرت زینب علیها السلام و موضوع پیام‌آوری ایشان در قیام کربلا نیز که موضوع بحث حاضر است نیز از این قاعده مستثنی نیست.

به لحاظ سنخ‌بندی، مطالعات انجام شده در مورد حضرت زینب علیها السلام را شاید بتوان به؛

۱. تاریخی، ۲. دینی، ۳. اجتماعی، ۴. سیاسی و ۵. ادبی تقسیم‌بندی کرد که به نظر می‌رسد با توجه به آثار منتشر شده از بین آنها، مطالعات دینی، بیشترین سهم را دارا هستند؛ اگر چه در سال‌های اخیر در حوزه‌های دیگر هم تلاش‌هایی شده است؛ ولی این آثار به لحاظ محتوایی از غنای کافی برخوردار نیستند و ضرورت مطالعات عمیق و جدی‌تر کاملاً احساس می‌شود. از این‌رو تحقیق پیش‌رو نیز شاید بتواند در راستای حرکت در جهت تحقق این هدف، تلاشی هر چند ناچیز محسوب شود که نتایج آن در ادامه نوشتار حاضر آمده است. در واقع این تحقیق از منظر اجتماعی



است؛ ولی پرداختن به شخصیت زینب علیها السلام به نوعی می‌تواند یادآور نقش تاریخی پراهمیت و غیر قابل انکار زن در بنای جامعه اسلامی باشد.

طرح مسئله

همراهی زنان و کودکان با امام حسین علیه السلام در جریان قیام عاشورا همواره موضوعی تأمل برانگیز بوده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در آن دوره زمانی برخی حتی سعی داشتند که مانع از همراهی‌شان با امام شوند؛ چرا که سرنوشت این قیام تا حد زیادی قابل پیش‌بینی بود؛ اما امروزه این واقعیت کاملاً مشهود است که از ابتدا این اقدام به عنوان استراتژی مهم و تعیین‌کننده سرنوشت قیام مد نظر امام حسین علیه السلام بوده است؛ چرا که امام از ابتدا به قصد شهادت در مکه در میان جمعیتی که در حال به جای آوردن مناسک حج هستند آشکارا اعمال حج را نیمه کاره رها کرده و به همه اعلام می‌کند: «من به سوی مرگ می‌روم. مرگ برای فرزند آدم زیباست. همچون گردنبندی در گردن دختری زیبا و جوان، مرگ زینت مرد است!» و در هنگام خروج از مدینه می‌فرمایند: «من به پیروی از سیره جد و پدرم برای امر به معروف و نهی از منکر بیرون می‌روم» و با این جمله هدف قیام خود را به روشنی

به زندگی و شخصیت زینب علیها السلام پرداخته است و سعی شده در آن ویژگی‌های برجسته ایشان به لحاظ فردی و اجتماعی در قالب یک گفتمان و با هدف ارائه الگو به جامعه مطرح شود؛ چرا که گفتمان، ویژگی پارادایمی دارد، بیانگر الگو و منطق گفت‌وگو است و فراتر از عناصر نحوی و لغوی به عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد و از این‌رو موضوعی کاملاً جامعه‌شناختی است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸)؛ بنابراین انتخاب و پرداختن به آن به مثابه بستری مناسب برای تحلیل نظام معنایی و دیدگاه‌های فکری و اندیشه‌گی اشخاص و حرکت‌های اجتماعی راهگشاست.

در واقع با تکیه بر این روش، برجسته‌ترین گفتار، سخنان و خطبه‌های قابل دسترسی از حضرت زینب علیها السلام که در مواجهه با موقعیت‌های مختلف قیام امام حسین علیه السلام و حوادث پس از آن بیان فرموده است با توجه به استنادهای مکرر به آنها در متون مختلف به ویژه تحقیق‌های مشابه مورد استفاده قرار گرفته‌اند و پس از تحلیل و بررسی نتایج آن به صورت اپیزودهای معنایی ارائه شده است که این نتایج شاید تا حدی بتواند بیانگر جنبه‌هایی از ویژگی‌های فکری و شخصیتی ایشان باشد؛ اگر چه در این مطالعه نگاه جنسیتی مطرح نبوده

بیان می‌کند. بی‌شک امام با علم به شهادت خویش و یارانش به این موضوع اندیشیده بودند که در این میان کسانی باید وظیفه رساندن پیام قیام و انتقال حقایق آن را پس از شهادت‌شان به عهده بگیرند تا این حقایق در حصار زمان دفن نشوند. زنان و کودکان همراه امام از آنجا که در جنگ شرکت نمی‌کردند؛ بنابراین امید می‌رفت که بتوانند از این مهلکه جان سالم به در ببرند و نجات یابند و بنابراین آنچه در کربلا شاهدش خواهند بود به گوش مردم برسانند.

زینب علیها السلام به عنوان شایسته‌ترین شخص مورد اعتماد و نزدیک به امام عهده‌دار این مسئولیت خطیر شد به طوری که امام کم‌کم از عصر تا سوعا با صحبت‌های خود، ایشان را آماده پذیرش این وظیفه خطیر و سرنوشت‌ساز می‌کرد. رابطه عاطفی خاص امام با خواهر بزرگوارشان و همچنین معرفت عمیق ایشان، بستر مناسب پذیرش این مسئولیت سنگین بود. زینب علیها السلام به ندای امام پاسخ مثبت می‌دهد و بعد از شهادت امام و یارانش بهترین و رساترین تربیون مدافع از حقانیت قیام و قافله سالار و حامی کاروان اسیران کربلا می‌شود. زینب علیها السلام با صبری غیر قابل تصور همه روزهای تلخ و مصیبت‌بار اسارت را با شجاعت و عزت پشت سرمی‌نهد و از این‌روست که در تاریخ «ام المصائب» لقب می‌گیرد و البته زینب علیها السلام

در بازخوانی صحفه عاشورا فقط ام المصائب نیست؛ بلکه در ایشان مجموعه‌ای از صفات و ویژگی‌های متعالی انسانی بروز می‌یابد که تبلور عینی عقاید، اندیشه‌ها و افکارشان است که باید از دل تاریخ بیرون کشیده شود و ضمن تأمل بیشتر در قالب یک گفتمان پویا و زنده به جامعه ارائه شود.

موقعیت و شرایط ایراد خطبه‌ها

خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام هر کدام دارای موقعیتی خاص است که اسلوبی خاص را هم می‌طلبد خطبه ایشان در کوفه در میان مردم بوده است؛ مردمی که استاد مطهری مهم‌ترین عامل در اقدام آنها به قتل فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را جهالت آنان می‌داند و در واقع امام حسین علیه السلام، شهید فراموش‌کاری مردم شد. (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۸-۴۷) همین مردم اگر چه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها گذاشتند؛ ولی بعدها جوانه‌های نهضت مقاومت و بیداری در میان آنها آشکار و به صورت قیام توأبین و مختار، روییده شد و به حکومت هزار ماهه بنی امیه خاتمه داد. (محدثی، ۱۳۸۱: ۹۱) در حقیقت، تأثیر این خطبه در مردم، اولین بذره‌های این قیام‌ها را در وجود آنها کاشت؛ بنابراین واجب بود که این خطبه‌ها به صورتی ایراد شود که بیشترین تأثیر را در آنها بگذارد و وجدان خفته آنان را بیدار کند.

خطبه حضرت زینب علیها السلام در مجلس ابن زیاد و مجلس یزید در مقایسه با خطبه ایشان در کوفه، موقعیت متفاوتی دارد و اسلوبی دیگر را اقتضا می‌کند. ابن زیاد و یزید هدفی جز تحریف واقعه کربلا و جلوگیری از ابلاغ رسالت حسین علیه السلام بعد از شهادت او نداشتند. آنها در پی معرفی کردن شهادت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام به عنوان عذابی از جانب خدا بودند.^۱ یزید از نسل «من لفظ فوه اکباد الاذکیاء»^۲ بود. او همان شرابخواری بود که دوست و دشمن به

خیابا

شماره: ۱۱/ آذر ۹۳



خطبه حضرت زینب علیها السلام در مجلس ابن زیاد و مجلس یزید در مقایسه با خطبه ایشان در کوفه، موقعیت متفاوتی دارد و اسلوبی دیگر را اقتضا می‌کند

فساد او اعتراف می‌کردند و حسین علیه السلام وجود چنین حکمرانی را برای حکومت اسلامی مایه نابودی اسلام می‌دانست.^۳ در مقابل چنین شخصیتی و در شرایطی که سر بریده امام حسین علیه السلام در مقابل چشمان زینب علیها السلام توسط یزید مورد اهانت قرار می‌گیرد و مجلسیان یزید التماس و به خواری افتادن خواهر حسین علیه السلام را انتظار می‌کشیدند تا آخرین ضربه خود را به پیکر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بزنند، زینب علیها السلام با رفتاری آرام و کلامی استوار و استدلالی که نشان‌دهنده ایمان او به پیروزی آنان بر یزیدیان بود، خطبه تاریخی خود را که تمام‌کننده حماسه برادر در ابدیت تاریخ است، ایراد می‌کند.

مخاطبان حضرت زینب علیها السلام در کوفه، مردمی بودند که با شرایط خاص خود، موقعیتی را ایجاد کرده بودند که اسلوب عاطفی، بیشتر از اسلوب برهانی و استدلالی می‌توانست مؤثر باشد. در مقابل، مخاطبان ایشان در مجلس ابن زیاد و یزید با شرایطی متفاوت‌تر و در نتیجه، موقعیتی دیگر، اسلوب کلامی دیگری را می‌طلبیدند که می‌توان اسلوب برهان و استدلال همراه با مقداری عاطفه را مناسب با موقعیت آنها دانست؛ البته باید توجه داشت که این موقعیت خاص در مقابل ابن زیاد و یزید که اقتضای اسلوب جدلی و حماسی را دارد. فقط مخصوص شخصیت زینب علیها السلام است و گرنه چه کسی به جزدختر علی علیه السلام می‌تواند با وجود آن همه مصیبت‌هایی که بر او وارد شد، باز هم در مقابل زورگویی همچون ابن زیاد و یزید، مقاومت کند و سر تسلیم و خواری فرود نیاورد و به تخطئه و شماتت یزیدیان پردازد. (روشنفکر، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

تحلیل متون نمونه

در این بررسی، متون به لحاظ ساختارهای معنایی متن مورد مطالعه قرار می‌گیرند به طوری که در آن به وجه ادراکی (مضامین، ارزش‌ها و عقاید)، وجه رابطی (موقعیت‌ها و روابط اجتماعی) و وجه بیانی (هویت‌های اجتماعی) با استفاده از الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف (۱۳۷۹) توجه می‌شود تا مشخص شود که هر متن نوشتاری یا گفتاری (سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها و متون مورد استفاده) بیانگر چه مضامین، روابط و هویت‌هایی است.

شاخص‌های مورد استفاده در تحلیل پرتکس‌های گفتمانی (متون نمونه)

یکی از مراحل کار تحلیل گفتمان، انتخاب شاخص‌های این تحلیل بر اساس اهداف تحقیق است. شاخص‌ها، خود بر اساس سطوح مورد نظر تحلیل گفتمان، متناسب با

آنچه باید تحلیل شوند، انتخاب می‌شوند که در این تحقیق ۲ شاخص زیرمجموعه‌های اصلی در تحلیل متون نمونه‌اند (خانیک‌کی ۱۳۸۷):

۱. اپیزودهای معنایی
۲. جملات کانونی

متن ۱: سخنان حضرت زینب علیها السلام در مواجهه با صحفه یورش به امام و شهادت (الف) اپیزودهای معنایی:

۱. سرزنش و ملامت و تحقیر دشمن
۲. تقید به تکریم مقام ولای نبی اکرم صلی الله علیه و آله در اوج رنج و سختی
۳. شکوه و درد و دل کردن با جد بزرگوار و پدر و مادر
۴. مرثیه خواندن بر پیکر امام

(ب) جملات کانونی:

۱. ای پسر سعد! آیا ابوعبدالله الحسین کشته می‌شود و تو می‌نگری؟
۲. - آیا در میان شما مسلمان نیست؟
۳. ای رسول‌خدا، ای آنکه ملائکه زمین و آسمان بر تو درود می‌فرستد.
۴. شکوه ما به درگاه خداست و به پیشگاه محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و حمزه سیدالشهدا
۵. ای مادر، ای دختر خیرالبشر، نظری به صحرای کربلا افکن و فرزند خود را ببین که سرش بر نیزه مخالفان و تنش در خاک و خون غلطان است.
۶. ای مادر، دختران خود را ببین که سراپرده آنها را سوزاندند و ایشان را بر شتران برهنه سوار کردند و به اسیری می‌برند. ما فرزندان توایم که در غربت گرفتار شدیم.

متن ۲: خطاب حضرت زینب علیها السلام به امام سجاد علیه السلام در روز ۱۱ محرم سال ۶۰ هجری هنگام عبور از کنار اجساد شهدا (الف) اپیزودهای معنایی:

۱. دلداری دادن و حمایت روحی
۲. امیدوار بودن و امید دادن
۳. اطمینان به عهد الهی

(ب) جملات کانونی:

۱. آنچه مشاهده می‌کنی مبدا تو را بی‌تاب کند که به خدا سوگند این ماجرا روی عهد و پیمانی بود از رسول خدا صلی الله علیه و آله که از جد و پدر و عمومیت گرفته است.
۲. در این سرزمین برای قبر پدرت (سیدالشهدا علیه السلام) نشانه و علامتی نصب خواهند کرد که با گذشت زمان‌ها و شب و روزها از بین نخواهد رفت.





بود. بمیرید! سرخجالت را فرو بیفکنید!
 ۱۰. از این پس باید با خواری و سرشکستگی زندگی کنید.
 ۱۱. شما خشم خدا را برای خود خریدید! کاری کردید که نزدیک است آسمان بر زمین افتد و زمین بشکافد و کوه‌ها در هم بریزد.
 ۱۲. می‌دانید چه خونی ریختید؟
 ۱۳. می‌دانید این زنان و دختران که بی‌پرده در کوچه و بازار آوردید چه کسانی هستند؟
 ۱۴. می‌دانید جگر پیغمبر خدا ﷺ را پاره کردید؟!
 ۱۵. چه کار زشت و احمقانه‌ای؟! کاری که زشتی آن سراسر جهان را پر کرده است.
 ۱۶. خدا کیفر گناه را فوری نمی‌دهد؛ اما خون مظلومان را بی‌کیفر نمی‌گذارند، خدا حساب همه چیز را دارد.
 ۱۷. پایان کار آنانی که کردار بد کردند، این بود که آیات خدا را دروغ می‌خواندند و آنها را مسخره می‌کردند.

متن ۴: متن مناظره حضرت زینب علیها السلام با ابن زیاد

الف) اپیزودهای معنایی:

۱. حمد و ستایش خدا
۲. انتساب پاکی و طهارت خود و خاندانش به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۳. متهم کردن ابن زیاد به فسق و فجور و

۱۴. زشت و احمقانه دانستن عمل کوفیان در ریختن خون مردی که چراغ راهشان بود.
۱۵. حتمی دانستن وعده خداوند بر کیفر ظالمان در روز رستاخیز
۱۶. انکار و تمسخر آیات خدا را عاقبت بدکاران دانستن

ب: جملات کانونی:

۱. سپاس و ستایش خاص خداست.
۲. درود بر پدرم محمد و خاندان پاک و برگزیده‌اش
۳. مردم کوفه! مردم مکار خیانت‌کار! هرگز دیده‌هاتان از اشک تهی مباد! هرگز ناله‌هاتان از سینه بریده نگردد!
۴. نه پیمان شما را راجی است و نه سوگند شما را اعتباری!
۵. جز لاف، جز خود ستایی، جز در عیان مانند کنیزکان تملق گفتن و در نهان با دشمنان ساختن چه دارید؟
۶. آری به خدا گریه کنید که سزاوار گریستنید! بیش بگریید و کم بخندید!
۷. چه ننگی بدتر از کشتن پسر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و سید جوانان بهشت؟!
۸. با چنین ننگی که برای خود خریدید، چرا نگریید؟ ننگی که با هیچ آب شسته نخواهد شد.
۹. مردی که چراغ راه شما و یاور روز تیره شما

متن ۳: متن سخنرانی حضرت زینب علیها السلام در کوفه

الف) اپیزودهای معنایی:

۱. حمد و ستایش خدا
۲. معرفی خود به عنوان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۳. لعن و نفرین به کوفیان به عنوان مردم مکار و خیانت‌کار
۴. تحقیر و سرزنش کوفیان به واسطه عهد شکنی، تملق‌گویی، لاف‌زنی و خود ستایی‌شان
۵. توبیخ کوفیان و سزاوار دانستن آنها بردر یافت عقوبت دنیوی و اخروی
۶. بی‌اعتنایی به گریستن‌های کوفیان
۷. نابخشودنی دانستن ننگ کشتن فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و سید جوانان اهل بهشت
۸. یادآوری کردن اینکه کوفیان دست به خون مردی آلوده‌اند که راهنما و خیرخواه‌شان بوده است.
۹. خواهان مرگ و زندگی همراه با ذلت و سرشکستگی برای کوفیان شدن
۱۰. مستوجب خشم و عذاب الهی دانستن کوفیان
۱۱. سؤال از خون ریخته شده اباعبدالله علیه السلام
۱۲. سؤال از بی‌حرمت کردن اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
۱۳. کنایه شکافته شدن جگر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از غم شهادت حسین علیه السلام



بخشی از یک کتاب

ای یزید! آنچه از باطن خبیثت می خواستی به مرحله عمل در آوردی... نشکافتی مگر پوست خود را و ندریدی مگر گوشت خود را...! و عنقریب است با آن چهره شوم و خیانت بار که از آزار ذریه عزیز پیامبر خدا ﷺ و هتک حرمت و ریختن خون های پاک عترت و خاندان مطهرش به خود گرفته ای، با آن بزرگوار روبه رو گردی... و همان هنگام است که پروردگار متعال آن آل اطهار را جمع و پراکندگی شان را التیام داده و از ستمکاران شان انتقام و حق شان را هم از دشمنان شان باز می ستاند...!

برای توای یزید همین مقدار کافی است که خداوند حکیم علی الاطلاق ناظر اعمال تو است، ولایت و حکومت مطلق هم از آن پروردگار است، دشمن تو پیامبر خدا و یار و مددکارش هم جبرئیل فرشته اعظم الهی است.

زینب در کاروان کوفه و شام، امیر تیمور معینی، تحت شماره ۳۴۷ مورخ ۱۶/۱۱/۱۳۵۸ در دفتر مخصوص کتابخانه ملی به ثبت رسیده

خیابان

شماره ۱۱/آذر ۹۳

حضرت زینب در مواجهه با امام حسین در شب عاشورا، زنی است سرشار از عاطفه و احساس که خبر شهادت برادر و عزیزانش را تاب نمی آورد و به شیون و زاری می پردازد و امام به سختی او را آرام می کند؛ ولی در فردای همان شب، آنچه از ایشان می بینیم تصویر زنی سخت با اراده ای پولادین است که شرارت و قساوت دشمن، ذره ای ترس و ضعف در دل او ایجاد نمی کند

دروغگویی

۴. مبری دانستن خود و اهل بیت ﷺ از

دروغگویی

۵. نگاه عرفانی و زیبااندیشانه به مصائب

عاشورا

۶. شهادت امام حسین ﷺ و یارانش را تقدیر

خداوند دانستن

۷. نگاه به عاشورا به عنوان صحنه آزمون بندگی

و اطاعت از فرمان خدا

۸. انذار به دشمن برای حاضر شدن در پیشگاه

دادرسی پروردگار

۹. پیروز نهایی دانستن امام حسین ﷺ و

یارانش برغم مرگ ظاهری

۱۰. تحقیر دشمن به دلیل ناپاکی و آلودگی اش

ب) جملات کانونی:

۱. ستایش خدا را که ما را به واسطه پیامبر ﷺ

خود (که از خاندان ماست) گرامی داشت و از

پلیدی پاک گردانید.

۲. آنها که فاسق اند مفتضح و رسوا می شوند

و اهل فسق و فجور ناچار به دروغگویی اند و

بحمدالله ما چنین نیستیم.

۳. جز زیبایی ندیدم!

۴. آنان کسانی بودند که خدا مقدر ساخته بود

کشته شوند و آنها نیز اطاعت کرده و به سوی

آرامگاه خود شتافتند.

کرد خدا تو و آنان را (در روز رستاخیز) با هم

روبه رو

۵. به زودی آنان از تو به درگاه خدا شکایت و

دادخواهی خواهند کرد، اینک بنگر که آن روز

چه کسی پیروز خواهد شد.

۶. مادرت به عزایت بنشیند ای پسر مرجانه!

متن ۵: متن خطبه حضرت زینب کبری سلام

الله علیها در شام (مجلس یزید)

الف) آیه و ده های معنایی:

۱. حمد و ستایش خدا و تکریم پیامبر ﷺ و

خاندانش

۲. نقل قول از قرآن مبنی بر اینکه انکار و تمسخر

آیات خدا عاقبت بدکاران است (کنایه به یزید

که بدیهیات دین را نیز انکار می کرد)

۳. تحقیر دشمن و بی ارزش دانستن پیروزی

ظاهری اش

۴. زودگذر دانستن شادمانی و احساس پیروزی

دشمن

۵. انذار دشمن به دلیل مهلتی که یافته و

عقوبت اخروی که در انتظارش است.

۶. نامیدن یزید با عنوان تحقیرآمیز «یابن

الطلقاء»

۷. نکوهش یزید به دلیل عدم پابندی به

اخلاق و بی حرمتی به دختران پیامبر ﷺ

۸. سرزنش یزید و یادآوری سابقه او و

خاندانش در وحشی گری (یادآوری عمل بی رحمانه هند در بیرون کشیدن جگر همزه سید الشهداء در جنگ احد)

۹. ملامت یزید به دلیل عدم پشیمانی و

بی توجهی به جنایت و معصیت بزرگی که

مرتکب شده است.

۱۰. از امام حسین ﷺ و اهل بیت پیامبر ﷺ

به عنوان ستارگان زمین نام بردن

۱۱. دادخواهی و شکوه و از ظالمان و قاتلان امام

حسین ﷺ به درگاه خداوند

۱۲. انذار به یزید برای روبه رو شدن با

پیامبر ﷺ در حالی که بار گناه بزرگ کشتن

فرزند او حسین ﷺ را بردوش دارد.

۱۳. استناد به قرآن و بیان این حقیقت که

شهادت و کشتگان راه حق زنده اند و نزد پروردگار

خویش متعین اند.

۱۴. معرفی یزید به عنوان دشمن خدا و رسول

الله ﷻ

۱۵. یادآوری این حقیقت به یزید که خداوند

حاکم مطلق بر سرنوشت همگان است و

حکومت او فقط حکومتی ظاهری است.

۱۶. بی توجهی به قدرت ظاهری یزید و بیان

اینکه او را حتی شایسته خطاب خود نمی داند.

۱۷. با وجود سنگینی مصائب، رسوا کردن و

توبیخ و سرزنش یزید را وظیفه خود دانستن.

۱۸. ابراز ناراحتی و گلایه و شگفتی از روزگار که

خون مردان پاک خدا و عترت رسول الله ﷺ را

به دست نوادگان ابوسفیان که حزب شیطان اند

بر زمین ریخت.

۱۹. قاتلان امام را چون حیوانات وحشی

و درنده ای دیدن که خون شهدا از

چنگال های شان و گوشت بدن آنها از

دهان های شان می ریزد.

۲۰. اسارت خود و عترت رسول الله ﷺ را

برخلاف تصور یزید عامل خسران و زیان ابدی

او معرفی کردن

۲۲. مطلع کردن یزید از کوتاه بودن عمر

حکومتش

۲۱. خدا را تکیه گاه اصلی و دادرس خود

دانستن

۲۲. یقین به وعده های خداوند در رسیدن به

سعادت ابدی و سپاسگزار این نعمت بودن

۲۳. اطمینان خاطر از برحق بودن حرکت خود

و محو نابود ناشدنی دانستن خاطره آن

۲۴. حمد و ستایش خداوند برای نعمت

شهادت که نصیب عزیزان شان کرده و

سرنوشتی که برای شان رقم زده است.

۲۵. خدا را مهربان و بهترین وکیل خود دانستن

ب) جملات کانونی:

۱. سپاس خدا را و درود خدا بر رسول او و

خاندانش باد.





راستی یک عهد الهی میسر شده بود. عهدی که پیامبر ﷺ به عنوان نبی با خدا بسته بود و بعد از آن با نام امامت، عمل به آن را به پاک‌ترین انسان‌های روی زمین یعنی علی علیه السلام و آل او سپرده بود. زینب علیها السلام از کودکی با این عهد آشنا شده به پیام توحید و پیام قرآن و به راه علی علیه السلام معتقد است و جوهر وجودی اش در خانه وحی با این اندیشه توحیدی سرشته شده بود که در راه خدا از همه چیز باید گذشت؛ زیرا در سایه این انتخاب است که انسان امکان رسیدن به قلّه کمال الهی را می‌یابد؛ یعنی زمانی که از ضعف‌ها و ناتوانی‌ها با ایمان راسخ به وعده خداوند عبور کند.

۲. علم و آگاهی

یکی از ویژگی‌های مهم شخصیت زینب علیها السلام برخورداری از علم و آگاهی عمیق و بالاست. چنانچه امام حسین علیهما السلام ایشان را لایق نیابت خود و بر عهده گرفتن مسئولیت سنگین قافله سالاری کاروان اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند و او را پیام‌رسان قیام خود منسوب کرده است. در جایی هم خطاب امام سجاد علیهما السلام به ایشان را می‌بینیم که دلالت قوی بر این مدعا است: «انت بحمد الله عالمه غیر معلمه و فهمه غیر مفهمه».

در جای جای سخنان زینب علیها السلام می‌توان به راحتی رد پایی از این علم و آگاهی مشاهده کرد. آن‌گاه که عمر سعد، فرمانده فرب خورده لشکر دشمن را مخاطب قرار می‌دهد و می‌داند او کسی است که به طمع دنیا، دین خود را ارزان فروخته است؛ پس سعی می‌کند وجدان خفته او را بیدار کند (متن ۱: ب ۱۰، ۲). یا زمانی که به گریه‌های دروغین کوفیان واقعی نمی‌نهد و آنان را به بی‌وفایی، دغل‌بازی، دروغ و خیانت متهم می‌کند و آنها را سزاوار گریستن می‌خواند (متن ۳: ب ۳، ۴، ۵، ۶) همه نشان از بینش و آگاهی ایشان بر شرایط و مردم زمان خود دارد. زینب علیها السلام همچنین به خوبی با مفاهیم و حقایق قرآن مأنوس بوده و آشنایی دارد و زمانی که با قاتلان برادر مجادله می‌کند با استناد به آیات قرآن است که آنها را محکوم و مغلوب می‌کند (متن ۵: ب ۲، ۵، ۱۲). او با تکیه بر علم الهی که وارث برحق آنست و برخورداری از منطق و استدلال قوی که در اثر تربیت و پرورش در خانه امامت کسب کرده لب به سخن می‌گشاید و همه حاضران را متحیر می‌کند. در این شرایط، سخنان منطقی اوست (متن ۳: الف ۲، ۴، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۴) که بسیاری از مردم حقیقت‌جو را با حقیقت قیام اباعبدالله ﷺ آشنا می‌کند و اهل عناد را خجل و شرمسار می‌سازد.

را گرگ‌ها سرکشی می‌کنند و کفتارها در خاک می‌غلطانند.

۱۷. به خدا شکایت می‌کنم و براو تکیه دارم. ۱۸. پس هر حيله که داری به کار گیر و هر چه می‌توانی تلاش کن و هر چه می‌خواهی کوشش کن به خدا، نمی‌توانی ما را از خاطره‌ها محو کنی و وحی ما را بمیرانی و به نهایت ما نمی‌رسی و ننگ این ستم را نمی‌توانی از خویش پاک کنی. ۱۹. رأی تو بسیار سست و ایام دولت‌ات اندک و آن روز که منادی فریاد می‌زند لعنت خدا بر ستمکاران باد جمعیت‌ات به پریشانی می‌گراید.

۲۰. سیاس خدا را که کار پیشینیان ما را با سعادت و مغفرت پایان برد و کار آخرمان را با شهادت و رحمت و از خدا می‌خواهم که ثوابشان را کامل کند و بیفزاید و خودش برای ما خلفی نیکو باشد که او مهربان و رحیم است و همو برای ما کافی و بهترین وکیل است.

نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل متون نمونه، اپیزودها و محورهای اصلی معنایی تشکیل‌دهنده گفتمان قابل تشخیص هستند؛ بنابراین صورت‌بندی معنایی به دست آمده تا حد بسیاری امکان تبیین نظام فکری و ویژگی‌های شخصیتی که موجب چنین گفتمانی است را ممکن می‌کند:

۱. معرفت تام و ایمان توحیدی

آنچه در شرایط سخت و حوادث ناگوار از هر انسانی مورد انتظار است بروز رفتاری است که ناشی از غلبه هیجان و احساسات طبیعی بشر است در واقع انسان در مصائب و شدائد به لحاظ تعادل فکری، روحی و روانی دچار نوعی بهم ریختگی می‌شود و حفظ تعادل و بروز رفتار منطقی همراه با دوراندیشی برای انسان به طور طبیعی دشوار خواهد بود و شگفت‌آور است که زینب علیها السلام در برهه‌ای از تاریخ در چنین موقعیت دشواری قرار گرفت؛ ولی برخلاف انتظار در همه این لحظات هرگاه که لب به سخن باز می‌کرد سخنانش با حمد و سپاس و ستایش خدا همراه بود (متن ۱، ۳، ۴، ۵: الف ۱، ب ۱) اینکه در اوج مصیبت و درد و اندوه و در شرایطی که به او و اهل بیت پیامبر ﷺ بی‌حرمتی‌ها شده بود و مورد آزار و اذیت‌های فراوان قرار گرفته بودند؛ ولی از او واژه‌ای و جمله‌ای که ناشی از نارضایتی و ناخشنودی باشد هیچ‌گاه شنیده نشد. این آرامش و رضایت بی‌نظیر و تفوق بر هیجانات و عواطف برای یک زن فقط در محاصره خیل نامحرمات و دشمنان قسم‌خورده فقط در پرتو معرفتی تام، ایمانی قوی، عمیق و یقین به

۲. خدای سبحان راست گفت که فرمود: عاقبت آنان که کار زشت کردند، بسیار زشت است که آیات خدا را تکذیب کردند و به استهزا گرفتند.

۳. ای یزید گمان می‌کنی این پیروزی به دلیل ارزشی است که نزد خدا داری که تکبر می‌ورزی و باد به بینی انداخته‌ای؟

۴. از اینکه روزگار به کام توست و کارهایت مرتب و آراسته و ملک و پادشاهی ما را بی‌مزامح در اختیار گرفته‌ای، شادمان و خوشحالی؟

۵. اندکی آهسته‌تر آیا فراموش کرده‌ای که خدای تعالی می‌فرماید: «کافران نپندارند مهلتی که به ایشان می‌دهیم به نفع آنهاست، این مهلت را فقط برای آن می‌دهیم که گناه بیشتر مرتکب شوند و آنان را عذابی دردناک است.»

۶. «یابن‌الطلقاء» آیا این عدالت است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده بنشانی و دختران رسول خدا صلی الله علیه و آل و سلم را در معرض نگاه نامحرمات قرار دهی؟

۷. چگونه می‌توان از کسی انتظار مراعات داشت که مادرش جگرپاکان را به دندان کشید و گوشتش از خون شهیدان رویید؟

۸. بدون آنکه احساس گناه کنی و بدانی چه کار می‌کنی با چوب به لب و دندان ابا عبدالله علیهما السلام، سالار جوانان اهل بهشت می‌زنی و می‌گویی: دست مریزاد ای یزید؟

۹. چرا نمی‌گویی که با ریختن خون ذریه محمد ﷺ و ستارگان زمین از آل عبدالمطلب، زخم ما را علاج‌ناپذیر کردی و ریشه‌مان را سوختی؟

۱۰. خدایا، حق ما را بستان و انتقام ما را از این ستمگران بگیر و خشم را بر کسی که خون ما را ریخت و حامیان ما را کشت نازل کن!

۱۱. ای یزید تو با این بار که از ریختن خون ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آل و سلم شکستن حرمت عترت و پاره تنش به گردن داری، براو وارد می‌شوی

۱۲. گمان مکن آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند؛ بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.

۱۳. همین برایت بس که خداوند حاکم است و محمد ﷺ خصم تو

۱۴. ای یزید اگر مصائب دنیا باعث شده که من با تو سخن بگویم، باز هم تو را بی‌ارزش می‌دانم و کوبیدن را لازم و نکوهشت را با ارزش می‌شمرم و از جاه و حشمت تو هراسی ندارم؛ ولی چشم گریان است و دل بریان.

۱۵. بسیار عجیب است که نجیبان حزب خدا به دست آزادشدگان حزب شیطان کشته می‌شوند.

۱۶. از چنگال‌تان خون ما می‌چکد و از دهان‌تان گوشت ما می‌ریزد و آن بدن‌های پاک





۳. عاطفه قوی آمیخته با عقلانیت

آنچه از سخنان و رفتار زینب علیها السلام در جریان واقعه کربلا از متون موجود قابل برداشت است وجود نوعی دوگانگی ظاهری است که شاید سؤال برانگیز باشد اینکه مشاهده می‌کنیم ایشان در مواجهه با امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، زنی است سرشار از عاطفه و احساس که خبر شهادت برادر و عزیزانش را تاب نمی‌آورد و به شیون و زاری می‌پردازد و امام به سختی او را آرام می‌کند؛ ولی در فردای همان شب، آنچه از زینب علیها السلام می‌بینیم تصویر زنی سخت با اراده‌ای پولادین است که شرارت و قساوت دشمن، ذره‌ای ترس و ضعف در دل او ایجاد نمی‌کند او هم وظیفه روشننگری و پیام‌رسانی را به عهده دارد و هم باید به پرستاری و حمایت از حضرت سجاد علیه السلام که سخت بیمار است، بپردازد و با سخنانش (متن ۲: ب ۱، ۲) دردها و غم‌هایش را تسلی دهد و او را دلگرم کند و بر داغ بزرگی که بر دل دارد مرهم نهد و از سویی دیگر هم زنان و کودکان مصیبت‌زده و رنج‌دیده را دریابد. زینب علیها السلام این شرایط را به خوبی درک کرده و از اهمیت نقش خود در این میان آگاه است و در نتیجه همه این وظایف را به خوبی به انجام می‌رساند؛ چرا که هم زن است و سرشار از احساس، عاطفه و حس حمایت‌گری و هم عقیله بنی‌هاشم و وارث معرفتی، عمیق از پدری به عظمت علی علیه السلام و مادری به یگانگی فاطمه علیها السلام و با تکیه بر این عقلانیت، بهترین رفتار و عملکرد را در پیش می‌گیرد تا در سایه آن مانع دشمن از رسیدن به اهدافش شود. او می‌داند که عامه مردم فریفته شده‌اند و باقی اشخاص یا به دلیل منافع شخصی یا از روی ترس و اجبار در جبهه مقابل‌اند؛ بنابراین باید کسانی را که در این میان هنوز امیدی به بازگشت‌شان به جبهه حق وجود دارد از حقایق با خبر کند؛ بنابراین در این شرایط سرنوشت‌ساز دیگر نمی‌تواند فقط به عواطف و احساساتش عمل کند؛ بلکه باید بار غم از دست دادن و اسارت عزیزانش را و مسئولیت سنگین پیام‌آوری خود را همزمان با هم بردوش بکشد و البته بیش از هر چیز به مسئولیت سنگین الهی که به عهده دارد، بیندیشد.

۴. استحکام روحی و شجاعت

رسالت زینب علیها السلام از لحظه تنها ماندن و به زمین افتادن اباعبدالله علیه السلام در گودال قتلگاه آغاز می‌شود زمانی که دشمن خیال پیروزی در سر پرورانده و گمان می‌کند امام را شکست داده و غائله به پایان رسیده است. زینب علیها السلام رو به دشمن فریاد برمی‌آورد و با سخنان نافذ (متن ۱: ب ۱، ۲) و ویرانگر خود آنها را به شدت تحقیر و ملامت می‌کند و با یادآوری کردن حقایقی

که فراموش کرده‌اند شادی آنها را به احساس حقارت تبدیل می‌کند.

زینب علیها السلام به واسطه استحکام و قدرت بالای روحی در آن شرایط دهشتناک با وجود آنکه در میان قساوت انبوه دشمنان و نامحرمان و اشخاص پست تنها و بی‌پناه مانده و از لحاظ عاطفی نیز ضربات سنگینی را تحمل کرده بود؛ ولی آن‌گونه بر شهدا و عزیزانش می‌گریست و مرثیه می‌خواند تا حقانیت امام را آشکار و قاتلانش را رسوا گرداند همان مرثیه‌های زینب (متن ۱: ب ۵، ۶) بر بالین برادرش و همان رو کردن به سوی مدینه و سخن گفتن با جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مادرش و طرز رفتار و کردارش در عصر روز عاشورا و صبح روز بعد برای ابلاغ پیام عاشورا کاملاً هدفمند بود و با همان سخنان و اعمال خود، زمینه انقلاب بر ضد ستمگران را در میان مردم فراهم کرده و از این فرصتی که پیش آمده بود حداکثر استفاده را برای به ثمر رساندن قیام مقدس امام برد.

زینب علیها السلام در روزهای بعد از عاشورا نیز، هم در میان مردم کوفه و هم در حضور این زیاد و در کاخ یزید نیز به افشاگری‌های خود و تلاش برای روشن کردن افکار عمومی ادامه می‌دهد؛ البته در شرایطی بسیار سخت و طاقت‌فرسا. او ننگ کشتن فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و سید جوانان اهل بهشت را به عنوان گناهی نابخشودنی به مردم یادآوری می‌شود و آنان را به شدت سرزنش می‌کند؛ چرا که کوفیان دست به خون مردی آلوده‌اند که راهنما و خیرخواه‌شان بوده است و از سوز دل و داغ جگرش خواهان مرگ و زندگی همراه با ذلت و سرشکستگی برای کوفیان می‌شود و آنها را مستوجب خشم و عذاب الهی می‌داند. زینب علیها السلام همچنین از خون به ناحق ریخته شده اباعبدالله علیه السلام و از بی‌حرمت کردن دختران و عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سؤال می‌کند؛ و این حقیقت را به یادشان می‌آورد که حسین علیه السلام جگرگوشه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود که سرش بر نیزه رفت و آنان با کشتن حسین علیه السلام جگر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را شکافتند. در واقع زینب علیها السلام این همه حقایق تلخ را در قلبش انباشته و هجوم این همه مصیبت را تاب می‌آورد؛ ولی با این وجود در خود ذره‌ای احساس عجز نمی‌کند؛ بلکه چون کوهی استوار در مقابل مصائب می‌ایستد (متن ۳: ب ۷ تا ۱۵) او با صدایی رسا که همه بشنوند به جد بزرگوار و پدر و مادرش (متن ۱: ب ۳، ۴، ۵، ۶) شکوه می‌کرد و از بی‌وفایی مردم کوفه می‌گفت و از این طریق هم مرهمی بر داغی که بردل داشت می‌نهاد و هم وجدان‌های خفته را بیدار می‌کرد. او با گفتار و سخنان تکان‌دهنده‌اش مظلومیت اباعبدالله علیه السلام و یارانش را به تأثیرگذارترین شیوه به دل‌ها منتقل می‌کرد.

این قدرت بیان و جسارت از یک زن با همه ظرافت‌های طبیعی‌اش در مقابله با دشمنی بی‌رحم و سفاک نشان‌دهنده استحکام روحی و شجاعتی بی‌نظیر است که از ویژگی‌های بارز شخصیت زینب علیها السلام به حساب می‌آید ویژگی‌ای که به لحاظ تربیتی می‌توان آن را به پرورش یافتگی در خانه پدری چون علی علیه السلام که در شجاعت سرآمد روزگار خویش بوده است و مادری چون فاطمه علیها السلام که الگوی صبر و متانت است نسبت داد؛ اگر چه نباید فراموش کرد که مشاهده و درک صحنه‌های عظیم روز عاشورا نیز سهم بسزایی در ستر شدن ایمان زینب علیها السلام و آمادگی افزون‌تر ایشان برای به دست گرفتن سرنوشت قیام اباعبدالله علیه السلام به عهده داشت.

۵. عزت نفس و ابهت

در شرایطی که دشمنان به زینب علیها السلام به عنوان اسیر و مغلوب شده در جنگ نگاه می‌کردند و در دل شادمان بودند که او و خاندانش در چشم مردم خوار و ذلیل شده‌اند این بانوی بزرگ همه را شگفت زده می‌کند و با افتخار و سربلندی و رضایت با صدایی رسا از خداوند به دلیل نعمت شهادت و هدایت که به او و خاندانش بخشیده است، سپاسگزاری می‌کند و با عزت نفس تمام به سرزنش و ملامت و تحقیر دشمن می‌پردازد و مسلمانی آنها را بی‌اعتبار معرفی کرده و آنها را تکفیر می‌کند (متن ۳: ب ۳) و آلوده و ناپاک معرفی می‌کند (متن ۵: ب ۱۰) و به واسطه عهدشکنی، تملق‌گویی، لاف‌زنی و خودستایی کوفیان به تحقیر و سرزنش آنها می‌پردازد و لعن و نفرین‌شان می‌کند و سزاوار دریافت عقوبت سخت دنیوی و اخروی، چرا که آنها را مردمی مکار و خیانت‌کار می‌داند. (متن ۳: ب ۴، ۵) برخورداری زینب علیها السلام از این عزت نفس و ابهت در همه لحظات اسارت، قابل مشاهده است به ویژه در رویارویی با عمر سعد، ابن زیاد و یزید بن معاویه. (متن، ۱، ۴، ۵) زمانی که این صاحبان قدرت، سعی در تحقیر و آزار او دارند او علی‌وار خطابه‌های غرا ایراد می‌کند و چون فاطمه علیها السلام مادرش ابهت یک زن مسلمان که مردان خاندانش به خاک و خون کشیده شده‌اند را به نمایش می‌گذارد. (متن ۴: ب ۸، ۹، ۱۰) ابهت و عزت نفس زینب علیها السلام آن‌گونه است که دشمن پست و فرومایه نه فقط جرأت جسارت به ایشان را نمی‌یابد؛ بلکه فقط می‌تواند زن بودن زینب علیها السلام را بهانه کرده و در برابرش سکوت کند. زینب علیها السلام این آمادگی روحی و روانی را در طول سالیان زندگی پر از رنج و مرارت در خانه توحیدی علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام به مرور کسب کرده و در پذیرفتن مسئولیت نیابت امام و قافله‌سالاری کاروان اسرا به اوج خود رسانده است. این زن بزرگ با این ویژگی‌ها نه فقط در مقابل دیدگان و انظار مردم و سردمداران



۱. آقاگل زاده، فردوس. مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل کلام انتقادی در تولید و درک متن. رساله دکتری. زبان شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۸۱ ش.
۲. مک داتل دیان. مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان. ترجمه حسینعلی نودری. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰ ش.
۳. خانیکی، هادی، ۱۳۸۷ در جهان گفت وگو، تهران، هرمس
۴. فرکلاف، نورمن ۱۳۷۹ تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
۵. روشنفکر، کبری، تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب (ع)، مجله علمی-ترویجی سینه، شماره ۲۲، ص ۱۴۹ تا ۱۲۷.
۶. مطهری، مرتضی. حماسه حسینی، ج ۳، تهران: انتشارات صدا، ۱۳۶۶ ش.
۷. محدثی، جواد، پیام‌های عاشورا، قم: تحسین، ۱۳۸۱ ش.
۸. اخبار الزینبات، ابوالحسن یحیی بن حسن علوی
۹. اللهوف، سید ابن طاووس ترجمه عباس عزیزی
۱۰. بانوی کربلا، حضرت زینب (ع)، عایشه بنت الشاطی ترجمه آیت الله سید رضا صدر
۱۱. بحار الانوار مجلسی، ج ۴۵، ص ۱۶۵، ب ۳۹، ح ۸ / ص ۱۳۳، ۱۳۵.
۱۲. حسین وارث آدم، علی شریعتی
۱۳. حضرت زینب کبری حسین عمادزاده
۱۴. حماسه حسینی، آیت الله مرتضی مطهری، ج ۱
۱۵. خصایص زینبیه، سید نورالدین جزایری
۱۶. زینب کبری، جعفر نقدی
۱۷. عقیده بنی هاشم، حسن الهی
۱۸. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج ۱

پی نوشت‌ها:

۱. در مجلس ابن زیاد، او خطاب به حضرت زینب (ع) گفت: «الحمد لله الذی فصّحکم و قتلکم و اکذب أحد و ثکم»؛ «سپاس خدایی را که شما را رسوا کرد و کشت و دروغتان را ثابت کرد».
- القزونی، عبدالحسین. صناعة الخطابه، بیروت: مؤسسه البلاغه، ۱۹۸۸ م، ص ۱۷۶.
۲. حضرت زینب (ع) در خطبه خود در مجلس یزید، او را «ابن من لفظ فوه اکباد الازکیاء» خواند؛ یعنی پسر کسی که جگر پاک‌ترین بندگان خدا را درید. (همان)
۳. و علی الإسلام السلام؛ إذا قد بلیت الامه براع مثل یزید. (مطهری، مرتضی. حماسه حسینی، ج ۳، تهران: انتشارات صدا، ۱۳۶۶ ش: ص ۳۰).



عامل خسران و زیان ابدی اش معرفی می‌کند. زینب (ع) قاتلان امام را چون حیوانات وحشی و درنده‌ای توصیف می‌کند که خون شهدا از چنگال‌های شان و گوشت بدن آنها از دهان‌های شان می‌ریزد؛ همچنین از روزگار ابراز ناراحتی و شگفتی می‌کند که چگونه خون مردان پاک خدا و عترت رسول الله (ص) را به دست نوادگان ابوسفیان که حزب شیطان‌اند بر زمین ریخته است.

زینب (ع) همچنین در جای جای سخنانش، مردم کوفه را به واسطه عهد شکنی، تملق‌گویی، لاف زنی و خودستایی شان ملامت و سرزنش کرده و آنها را مستوجب خشم و عذاب الهی دانسته و لعن و نفرین می‌کند. او از خون ریخته شده اباعبدالله (ع) و شکافته شدن جگر رسول الله (ص) از غم شهادت حسین (ع) و از بی حرمت کردن اهل بیت رسول الله (ص) سؤال می‌کند و با بی‌اعتنایی به گریستن‌های کوفیان ننگ کشتن فرزند پیغمبر (ص) و سید جوانان اهل بهشت را امری نابخشودنی دانسته و به آنها یادآوری می‌کند که این آنها بودند که کاری زشت و احمقانه کردند و دست به خون مردی آلوده‌اند که راهنما و خیرخواه شان بوده است.

در گفتمان زینب (ع) همچنین معنای شگرف «ما رأیت الا جمیلا» را می‌بینیم که مکرر درباره آن گفته و نوشته‌اند. زینب (ع) از زیبایی سخن می‌گوید که شاید برای خیلی‌ها قابل درک نیست؛ ولی او مظهر انسان کامل است از این‌روست که خدا را علت العلل و منشأ همه رویدادها و حوادث می‌بیند و هر آنچه از سوی خدا باشد برای او زیبایی محض است؛ خواه مرگ عزیزان باشد، خواه اسارت در بند دیروزگان. این جمله زمانی از سوی زینب (ع) بیان می‌شود که ابن زیاد فرصتی برای عقده‌گشایی نفس حقیر خود می‌یابد و در پی تحقیر زنی تنها و مصیبت‌دیده برمی‌آید. او با دید محدود و نگاه دنیا، بینش بانوی بزرگ را خطاب قرار می‌دهد و زینب (ع) با پشتوانه‌ای عظیم از عرفانی عمیق او را از شنیدن پاسخی که انتظار می‌کشد نا امید می‌کند. او جمله‌ای می‌گوید که ابن زیاد را مبهوت و مستأصل ساخته و از ادامه سخن گفتن منصرف می‌کند. زینب (ع) از زیبایی صحنه عاشورا و آنچه خداوند برای او و خاندانش رقم زده است، سخن می‌گوید؛ چرا که او انسانی است که به عالم غیب باور دارد و وجودش روزه‌ای است که حقایق هستی را آن‌گونه که باید می‌نمایاند و از این‌رو رنج‌ها و سختی‌های ظاهری او را از پای نمی‌اندازد و ذهنش را تاریک نمی‌کند.

منابع:

ستم، لحظه‌ای ترجمه برانگیز نمی‌نمایاند؛ بلکه چون تندیس زیبا، نورانی و با شکوه در میان جمعیت بهت زده می‌درخشد و غلبه پاک‌ی عترت رسول الله (ص) و خاموش ناشدنی بودن نور حق را به اثبات می‌رساند.

سخن آخر

در گفتمان زینب (ع) محوری‌ترین معنا، خداوند است. سخنان او در هر لحظه و موقعیت با یاد خداست. تکیه به نام خدا و اطمینان خاطر حاصل از آن، بر اساس یقین به عهدی الهی است که از پیامبر (ص) و امام در نزد او به ودیعت نهاده شده است. او خدا را مهربان، بهترین وکیل، تکیه‌گاه اصلی و دادرس خود می‌داند و به برحق بودن حرکت خود و محو و نابود ناشدنی دانستن خاطره آن یقین دارد. این خدا باوری در مواجهه با صحنه قتلگاه و دیدن پیکر شهدا به او صبر می‌دهد و در لحظه مواجهه با دشمن به او شجاعت و جسارت می‌بخشد.

با مراجعه به خطابه‌های منتسب به حضرت زینب (ع) آنچه به عنوان مطلع در همه موارد به چشم می‌خورد مضمون شکرگزاری و حمد و ستایش پروردگار است.

در واقع حمد و ثنای الهی در برابر مصائب از ویژگی‌های پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) مکرم ایشان است؛ چنانچه در زیارت عاشورا هم اشاره می‌شود که «حمد و ستایش مخصوص توست و کسانی که در برابر مصائب از تو سپاسگزاری می‌کنند»؛ بنابراین زینب (ع) نیز وارث چنین خصیصه‌ای از خاندان نبوت است. زینب (ع) قبل از آنکه لب به سخن بگشاید خود را مقید به حمد خداوند و در کنار آن تکریم مقام پیامبر خدا (ص) می‌داند. تقید به تکریم مقام والای نبی اکرم (ص) در اوج رنج و سختی و ستایش خدا از این باب که به واسطه پیامبر (ص) خود او و خاندانش را گرامی داشته و از پلیدی پاک گردانیده است. حمد و ستایش خداوند برای نعمت شهادت که نصیب عزیزان شان کرده و سرنوشتی که برای شان رقم زده است.

سرزنش، توبیخ، تحقیر و تکفیر دشمن، بی‌ارزش دانستن پیروزی ظاهری اش و انداز دشمن به دلیل مهلتی که یافته و عقوبت اخروی که در انتظارش است، معانی هستند که بخش دیگر گفتمان زینب (ع) را تشکیل می‌دهند. بخشی که بیشترین سهم را در روشننگری اذهان و افشا کردن جنایات و وحشی‌گری‌های حاکمان ظالم به عهده دارد؛ آنجا که بی‌محابا و بدون توجه به قدرت و هیبت ظاهری کاخ یزید علنا او را به عنوان دشمن خدا و رسول الله (ص) معرفی می‌کند و اسارت خود و عترت رسول الله (ص) را برخلاف تصور یزید،



تأملی بر چند و چون مجالس روضه زنانه

طیبه محمدلو

بهرتر منظورم چند مثال می‌زنم: می‌دانیم که به ادعیه رسیده از جانب ائمه معصومین علیهم‌السلام نباید کلمه‌ای اضافه یا از آن کم کرد، هر چند که در نفس عمل اشکالی ندارد؛ ولی به مانند این است که برخلاف نظر معصوم علیه‌السلام و از جانب خود در دعا تصرف می‌کنیم. در بحار الانوار آمده است: روزی امام صادق علیه‌السلام فرمود: «به زودی شبهه‌ها شما را احاطه می‌کنند و شما بدون پیشوای هدایت می‌مانید. از آن شبهات کسی نجات نمی‌یابد مگر کسی که دعا کند و دعای غریق را بخواند.» عبدالله بن سنان سؤال کرد: «دعای غریق چگونه است؟»

امام فرمود: «یا الله یا رحمن یا رحیم، یا مقلب القلوب، ثبت قلبی علی دینک»؛ «ای تغییردهنده قلب‌ها، قلب مرا بر دین خودت تثبیت کن.» عبدالله بن سنان چنین خواند: «یا مقلب القلوب و الابصار ثبت قلبی علی دینک». امام فرمود: «خداوند مقلب القلوب و الابصار هست؛ ولی دقیقاً آنچه من می‌گویم بگو: «یا مقلب القلوب» و چیزی بیش از آن نگو.»

اما برای مثال در این مجالس، خانم‌های جلسه محترم، هنگام خواندن زیارت عاشورا و در انتهای قسمت سلام‌ها، این عبارات را هم اضافه می‌کنند:

و در مراکز آموزش قرآن همچون مهدهای قرآن رفته‌اند. مخاطبان ایشان هم که عموماً سطح علمی و آگاهی دینی بالایی ندارند. البته به معنای تعلم تحت آموزش سازمان یافته‌ای همچون مدارس و نه به معنای اعتقاد قلبی و روحی. به سراغ این خانم‌ها می‌روند؛ بالاخره هر که هواخواه خودش دارد. قبل‌ترها که کوچک‌تر بودم با اشتیاق همراه مادرم به این مجالس می‌رفتم و چون اغلب مشغول همراهی دختر صاحب‌خانه در امور پخش چای، قند و پذیرایی می‌شدم، زیاد به محتوای جلسه کاری نداشتم. بعدها که بالغ‌تر شدم و از جنب و جوش نوجوانی فاصله گرفته و در کنار مادر آرام گرفتم، کم‌کم متوجه شدم حضور در چنین مجالسی نه تنها چیزی به آگاهی دینی نمی‌افزاید؛ بلکه هر از گاهی انحرافات هم به دنبال دارد. مهم‌ترین آسیب هم برمی‌گردد به نبود آگاهی و شناخت از اصول و فروع دینی و نداشتن سواد کافی حتی حداقلی خانم جلسه در این خصوص است و فعلاً کاری ندارم با اینکه این بانوان چقدر در زندگی عملی خود دین‌دارانه رفتار می‌کنند و آیا نماینده خوبی برای تبلیغ دین هستند یا نه. برای تفهیم

همه‌ساله با فرا رسیدن ماه‌های محرم و صفر مجالس خانگی زنانه قرآن‌خوانی و عزاداری هم، داغ‌تر از دیگر ایام سال برگزار می‌شوند. یکی از مشخصه‌های رایج و بارز چنین مجالسی بهره‌گیری از سخنران و روضه‌خوان و قاری خانم است که تقریباً در اکثر موارد به دلیل سابقه و تجربه‌اش در اداره این‌گونه مراسم شناخته شده است و تحصیلات آکادمیک دانشگاهی یا حوزوی ندارد و صرفاً بر اساس علاقه خود یا تشویق دیگران که خوش صدا هستی و می‌توانی موفق باشی یا متأسفانه به دلیل نیاز مالی که یقیناً پول خوبی هم در این کار هست به سراغ قرآن‌خوانی و حدیث‌خوانی در سطح مبتدی

خیابا

شماره: ۱۱ / آذر ۹۳

نمی‌توان از اثرات و پیامدهای مثبت مجالس خانگی زنانه چشم‌پوشید. این مجالس، فرصتی را برای بانوان خانه‌دار فراهم می‌آورد تا ساعاتی را در جامعه‌ای کوچک اما شلوغ‌تر و متفاوت‌تر از خانه خویش بگذرانند و اعتماد به نفس برای حضور در جوامع بزرگ‌تر را به دست آورند

و علی انصار الحسین و علی زوّار الحسین و متأسفانه برخی ها به این حد هم قانع نمی شوند و برای اینکه عزاداران امام حسین (علیه السلام) را هم به فیض برسانند، می گویند: و علی عزاداران الحسین! همان نداشتن سواد حداقلی اینجا به چشم می آید که نمی داند این عبارت از نظر نگارشی نه در زبان عربی صحیح است و نه در زبان فارسی یا در قسمتی از همین زیارت در قسمتی که نام شمر ملعون دو بار آمده و یکی داخل پُرانتز است: و لعن الله شمرًا (شمرًا)؛ چنین خوانده می شود: شمرًا شمرًا! باز هم موضوع همان سواد است و ناآگاهی به اینکه کلمه داخل پُرانتز در دعا یعنی می توان از آن چشم پوشید نه اینکه با تلفظی واقعاً شاذ آن را به دعا اضافه کرد.

و اما یکی از اهداف اصلی این گونه مجالس، یعنی بالا بردن سطح دانش و آگاهی دینی افراد حاضر در جلسه، به دست فراموشی سپرده شده است. همان طور که در ابتدا هم اشاره کردم، خانم های سردمدار، تحصیلات دینی علمی ندارند و بنابراین هنگام سخنرانی عمدتاً به بیان ابتدایی ترین سطح از احکام بانوان و ذکر یک حدیث و تعریف خواب یکی از بزرگان بسنده می کنند. بماند که حدیث انتخاب شده چقدر موثق و تأیید شده است و اینکه بیان آن بدون تفسیر دقیق و بیان مصادیق و پرداخت همه جانبه چه اثراتی می تواند داشته باشد؛ اما خواب محوری و ترویج آن به عنوان پدیده ای نامطلوب قابل توجه است که بسیاری از خانم های حاضر در جلسه را هم به همان سبک دینداری سوق می دهد.

علاوه بر آن اشکالات علمی، بعضاً یک ایراد معرفتی هم وارد می شود. به یاد دارم در یکی از این مجالس، خانم مداح پس از سخنرانی و احکام گویی، صدایش را نازک کرده و با دادن سوز و نوبایی غم انگیز به آن، شروع به خواندن اشعار عاشورایی کرد. ایشان در تمام مدتی که خانم های دیگر با صدای بلند گریه می کردند با نگاهی خیره و بی تفاوت به رویه رو در حال نوحه خوانی بود، بدون آنکه قطره ای اشک از چشم شان سرازیر شود و فقط با تکان دادن سرو بالاتنه به سمت جلو و عقب با دیگران همراهی می کرد و این یعنی صرفاً برگزاری مرحله مداحی از سری مراحل مجلس داری. همان لحظه به یاد خاطره ای افتادم؛ در خوابگاه دوست صمیمی و هم اتاقیم مشغول مطالعه یکی از کتاب های دکتر شریعتی بودم که نقدی داشت بر اینکه چرا مداحان خود گریه نمی کنند و آن دوست مذهبی و مؤمن من چقدر از این جمله بهم ریخته بود که بالاخره من با یادآوری مداح دانشگاه که خودش هم صدا با دیگران گریه می کرد، گفتم همه مداحان این طور نیستند و

او قدری آرام شد. بگذریم.

اما بعد از تذکر این امثله، سؤال این است که چرا طلبه های خانم برای اداره این مجالس، انتخاب نمی شوند؟ چنین به نظر می رسد که حوزه های علمیه بانوان کشور حتی در شهری مانند قم هم، هنوز نتوانسته اند به رسالت اصلی خویش که پرورش مبلغ و فرستادن ایشان به دیگر شهرها و روستاهای کشور است، عمل کنند؛ به عنوان مثال وقتی در همین شهر ما و چند شهر اطراف، حوزه علمیه بانوان وجود دارد، چرا از وجود بانوان تعلیم دیده در این گونه مجالس استفاده نمی شود یا کمتر استفاده می شود؟ یکی از دلایل، فاصله ارتباطی بین بانوان طلبه و بانوان خانه دار و درس نخوانده است که یا به دلیل فقدان اطلاع گروه اول از نیازهای فردی و اجتماعی دینی گروه دوم یا ناشی از کم توانی گروه اول در برقراری ارتباط دوستانه و نزدیک با گروه دوم است؛ در حالی که در قدیم الایام روحانیون و طلبه ها منبع پاسخگویی به سؤالات دینی و شرعی و از طرفی به حل مشکلات و دوست و رفیق هم معروف بودند؛ ولیکن با گذر زمان و دور شدن حوزه و طلاب از اهداف اصلی تبلیغ دین و باز همان قضیه کمیت و کیفیت، این فاصله ایجاد شده و روز به روز هم بیشتر می شود؛ البته ای کاش موضوع فقط منحصر به عدم برقراری ارتباط با قشر عادی بود که مع الاسف بانوان حوزوی دانشمند کمتر توانسته اند پاسخگوی نیازهای علمی و معرفتی اقشار تحصیل کرده همچون دانشجویان دختر هم باشند. نمونه های این پدیده را در طول دوران هشت ساله تحصیل در دانشگاه ها به وفور دیده ام که مبلغه های اعزامی از قم با یک سری اطلاعات کلیشه ای و فسیل شده نظیر جمله حجاب، صدفی است برای گوهر وجود زن! در برابر سؤالات فراوان گیج کننده ذهن یک دانشجوی جوان شکست خورده اند؛ حتی اگر در تلویزیون هم دقت کرده باشید، کارشناسان مذهبی خانم تعداد بسیار کمی در مقایسه با روحانیون دارند و به عنوان مثال در برنامه مذهبی بسیار مفید و سازنده و موفق در جذب مخاطب سمیت خدا که پنج روز در هفته پخش می شود، هیچ کارشناس خانمی حضور ندارد. این در شان حوزه علمیه نیست که منفعل و منزوی باشد و دانش آموختگانش توانایی انتقال دانش و آگاهی خود را به دیگر افراد نداشته باشد. دانش آموختگانی که سال های سال در خلوت یک محیط معنوی و به دور از هیاهوی اجتماع و پستی و بلندی های فکری اش به تحصیل علوم پرداخته اند و در مقام مباحثه و مناظره تنها قادر هستند با هم فکران و هم درسان خود هم صحبت شوند نه آنهایی که حقیقتاً

نیازمند دانستن و آگاه شدن هستند و در نهایت یک شمه اش این می شود که در مجالس خانگی زنانه، بانوان کم سواد و کم دانش اما علاقه مند به حضور در اجتماع هم اسناخ، جایگاه منبر و ملایی را از آن خود کرده و به تعلیم همان دانش اندک خود بپردازند و حضار هم با رضایت و حمایت از ایشان استقبال کنند.

از آنجایی که در نقد منصفانه باید نکات قوت را هم در نظر گرفت، نمی توان از اثرات و پیامدهای مثبت مجالس خانگی زنانه چشم پوشید. این مجالس، فرصتی را برای بانوان خانه دار فراهم می آورد تا ساعتی را در جامعه ای کوچک اما شلوغ تر و متفاوت تر از خانه خویش بگذرانند و اعتماد به نفس برای حضور در جوامع بزرگ تر را به دست آورند؛ حتی یک بانوی بی سواد هم با دیدن قرآن خوانی رفیق همتایش معتمد به نفس می شود تا در جمعی که همه خودی هستند با خیال راحت از اینکه کسی به غلط های قرائت او ایراد نخواهد گرفت و او خجالت زده نخواهد شد، شروع به خواندن قرآن می کند و در مرحله بعدی از درون ترغیب می شود تا در کلاس آموزش قرآن هم حضور پیدا کند. از طرفی شنیدن و استماع نوای قرآن و دعا و مداحی، خود دارای اثرات مثبت بسیاری است که جایگزین شنیدن سخنان بیهوده از زندگی دیگران می شود و در آخر اگر هیچ اثری هم نداشته باشند، حداقل باعث گردآمدن افراد بسیاری دور هم می شود که شاید در طول سال کمتر فرصت دیدار پیدا می کنند و البته ثواب قرائت قرآن و دعا که نصیب حاضران در مجلس می شود؛ حتی اگر اثر معرفتی چندانی نداشته باشد هم، یک توشه ای برای ایشان محسوب می شود؛ اگر این پتانسیل ها توسط یک رهبر عالم و توانا به خوبی تقویت و پرورش داده شوند، آثار تربیتی و معنوی بسیاری بر روی مادران خواهند داشت که نتیجه آن در نحوه برخورد با همسر و فرزندان بروز خواهد کرد.

خیابا

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



ثواب قرائت قرآن و دعا که نصیب حاضران در مجلس می شود؛ حتی اگر اثر معرفتی چندانی نداشته باشد هم، یک توشه ای برای ایشان محسوب می شود؛ اگر این پتانسیل ها توسط یک رهبر عالم و توانا به خوبی تقویت و پرورش داده شوند، آثار تربیتی و معنوی بسیاری بر روی مادران خواهند داشت که نتیجه آن در نحوه برخورد با همسر و فرزندان بروز خواهد کرد



برای بچه‌های هیئت چه می‌کنیم؟

مسیر

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



هستند و کودکانی با انواع روحیه و سلیقه و توانایی را جذب می‌کنند.

۲. تحرک: روش‌ها و فعالیت‌هایی که بتوانند تحرک بیشتری داشته باشند، برای پسر بچه‌ها جذاب‌تر هستند و انرژی بیشتری از کودکان را صرف می‌کنند؛ همچنین برای پیشگیری از درگیری میان بچه‌ها، مؤثرتر هستند. در عین حال روش‌های پرتحرک، نباید با سرو صدای بلند همراه شوند.

۳. کم صدا بودن: اغلب هیئت‌ها این امکان را ندارند تا اتفاقی در اختیار بچه‌ها قرار دهند که عایق صوتی داشته باشد و سرو صدای آن، مزاحم دیگر عزاداران نباشد؛ بنابراین خوب است که روش‌های پیشنهادی برای سرگرم کردن کودکان کم سرو صدا تر باشد.

۴. حضور کودک در فضای معنوی هیئت را سد نشود.

۵. حتی المقدور اگر مادر مایل باشد، بتواند کودک را همراهی کند.

۶. مراسم در آن فضا قابل شنیدن باشد.

۷. امنیت فیزیکی محیط از نظر وسایل برنده، نوک تیز، برق، سوختگی، شیمیایی، پرتگاه و....

گزینه‌های دیگر

اغلب مادرها راه‌های مختلفی برای سرگرم کردن کودکان سراغ دارند، آوردن ساکی پراز خوراکی‌های رنگارنگ و اسباب‌بازی، دفتر و مداد رنگی یا کتاب مصور و دادن تبلت یا گوشی همراه به دست کودک، از اولین و رایج‌ترین گزینه‌های امروزی‌ست. از طرفی برگزارکنندگان گاه با تدارک بسته‌های خوراکی مورد علاقه و مختص کودکان در ابتدا یا اواسط مراسم از آنان پذیرایی و برای مدت کوتاهی سرگرم‌شان می‌کنند.

این موارد، دم دستی‌ترین راه‌هاست؛ اما از آنجا که مدت تمرکز کودکان بسته به سن آنها از نیم ساعت تجاوز نمی‌کند و دنبال تنوع و تحرک‌اند، این تدابیر برای برخی کودکان راهگشا نیست؛ به‌ویژه کودکان پرجنب و جوش و کم حوصله‌تر. پس راه‌های دیگری که مؤثرتر باشند، کدام‌اند؟ برای طراحی چنین راه‌هایی چه ویژگی‌هایی را باید مدنظر داشته باشیم؟

راه حل‌ها، چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟

۱. تنوع: هر چه روش‌ها بتوانند تنوع بیشتری ایجاد کنند، سرگرم‌کننده‌تر و جذاب‌تر

ظهر عاشورا دختری، پرجنب و جوش، چهار پنج ساله نشسته بود کنارم. نیم ساعتی که گذشت خانم جلویی با ناراحتی و خشم برگشت عقب و به مادرش گفت: «بشون این بچه‌ها رو، از بس پا زد به کمرم کلافه شدم!» مادر مستأصل جواب داد: «من چی کار می‌تونم بکنم؟! بچه‌اس دیگه!»

فضای هیئت کوچک بود و آدم‌ها متراکم نشسته بودند. هم خانم مسن می‌توانست محق باشد، هم مادر کودک. ولی حق کودک چه؟

از علما بسیار شنیده‌ام که «بچه‌ها را در عزاداری‌ها و سینه‌زنی‌های محرم و صفر بیمه کنید»، پس اجازه بدهید گزینه توی خانه نشستن مادر و نگاه‌داری از کودک را کنار بگذاریم. به‌ویژه که از نگاه آموزشی، فارغ از تأثیر معنوی حضور. محیط اجتماعی مراسم عزاداری پتانسیلی بسیار عالی برای رشد اجتماعی و آموزش برخی آداب به کودکان است؛ پس خوب است به راه‌هایی فکر کنیم که کودکان در مراسم حضور داشته باشند؛ ولی حضورشان مخل و مانع تمرکز و استفاده بقیه شرکت‌کنندگان نباشد.





بخشی از يك كتاب

در کنار آن رودخانه، درخت صنوبری بود که به واسطهٔ مساعدت آب و هوا، رشد فوق‌العاده‌ای نموده و سربه آسمان کشیده بود. شیطان آن قوم را فریب داد و به پرستش آن درخت دعوت نمود. قوم هم وسوسهٔ او را پذیرفتند و تن به عبادت درخت صنوبر دادند و پس از آن شاخه‌هایی از آن درخت به آبادی‌های دگر بردند و پرورش دادند و به عبادت آنها پرداختند.

رفته‌رفته، اعتقاد آنان نسبت به درخت صنوبر قوت گرفت. یک‌باره خدا را فراموش کردند، برای صنوبر قربانی می‌کردند و در مقابل آن به خاک می‌افتادند. جهل و نادانی آن قوم از این درجه هم بالاتر رفت و آب آن رود بزرگ را بر خود حرام کردند و برای مصرف خودشان از آب چشمه‌های دیگر مصرف می‌نمودند؛ زیرا می‌گفتند حیات و زندگی خدای ما بسته به این آب است و جز خدا کسی نباید از آن مصرف کند. هرانسان و حیوانی از آن آب می‌آشامید، بی‌رحمانه او را می‌کشتند.

قصه‌های قرآنی، سید محمد صفحی، انتشارات اهل بیت

خیابان

شماره ۱۱۰ / آذر ۹۳



(لازم است تأکید کنم این داستان‌ها نباید به وقایع تلخ روز حادثه بپردازند و صرف پرداختن به روابط عاطفی و برخوردهای محبت‌آمیز حضرت و همراهان با کودکان کافی است.)

تدارک یک اتاق با انواع وسایل سرگرمی:

این وسایل می‌توانند شامل پازل، اسباب‌بازی‌های ساختنی مثل دومینو و بریکس، تکمیل کردنی، خانه‌سازی و ابزار ساخت کلاژهای ساده و بی‌خطر، خمیر بازی و ... باشند. کودکان در این مکان می‌توانند با حضور یک ناظر در کنار هم بازی کنند.

● پیشنهاد دیگر اینکه میزبان هیئت، مجموعه‌ای از وسایل بازی و سرگرمی را که بتوان به صورت امانت در اختیار کودکان قرار داد، تدارک ببیند و در بدو ورود یا مدتی پس از حضور در اختیار کودکان شرکت‌کننده قرار دهد. شرکت‌کنندگان نیز می‌توانند این مجموعه را تهیه کنند؛ یعنی هر مادر چند اسباب بازی به همراه بیاورد که برای کودک/کودکان «دیگر» استفاده شود. (استفاده از قاعدهٔ مرغ همسایه غازه در ایجاد تنوع و در پایان مراسم/ دهه با خود ببرد.

● چه خوب که خانواده‌هایی که کادو، اسباب‌بازی و لوازم التحریر فرزندشان بیش از اندازه است یا از سن آنان گذشته (اما قابل استفاده است) را به هیئت‌ها هدیه کنند.

تدارک هدایای کوچک سرگرم‌کننده:

به‌ویژه هدایایی که شامل کادارستی‌های ساده باشند. (این مجموعه به صورت هدیه یا با پرداخت وجه به کودک داده می‌شود). مجموعهٔ ساخت پرچم و سربند با شابلون بابا حسین و یک قوطی رنگ سفید به نام «من و هیئت» توسط مؤسسهٔ شهید چمران تهیه شده است یا مجموعهٔ ساخت زنجیر کوچک که برای این گزینه نیاز است تا طراحان و تولیدکنندگان اسباب‌بازی و سرگرمی با تم مناسبت محرم دست به کار شوند.

نکتهٔ آخر اینکه اینها بخشی از پیشنهادهاست و بی‌شک می‌توان با کمک و همکاری شرکت‌کنندگان روش‌های بهتری را به کار برد؛ همچنین استفاده از هر روش به مختصات فیزیکی، فرهنگی و اجتماعی هیئت بستگی دارد.

۸. در آخر اینکه در همهٔ این مراحل توجه به امنیت و سلامت روحی کودکان نیز بسیار ضروری است.

۹. همواره یادمان باشد می‌خواهیم شیرین‌ترین خاطرات از حضور در مراسم عزاداری را برای کودکان مان به یادگار بگذاریم.

راه‌های دیگر و مؤثرتر، کدام‌اند؟

تدارک محیطی مختص کودکان:

تعیین اتاقی که بتوان با حضور یک یا دو مربی کاربلد و علاقه‌مند، کودکانی را که حاضر به جدا شدن از مادرشان هستند در آنجا سرگرم و نگه‌داری کرد یا از مادرانی که قدرت نگه‌داری چند کودک را به صورت هم‌زمان دارند، استفاده کرد (مادران می‌توانند به نوبت، جلسات بعدی یا همان یک جلسه را تقسیم کنند) گرچه لازم نیست همهٔ وقت کودکان در این شرایط بگذرد و چه خوب است که در بخشی از سینه‌زنی در کنار مادران باشند و همراهی کنند.

● خیلی وقت‌ها می‌توان با آموزشی دم‌دستی و یک‌ربعی از کودکان یا نوجوانان حاضر در مراسم برای کمک در نگه‌داری و سرگرم کردن کودکان کمک گرفت. (مزایای این روش هم بدیهی و بی‌نیاز از توضیح است.)

● گاهی چنین اتاقی برای مادران و کودکان در کنار هم نیز مناسب است؛ اما مهم آن است که اجباری در کار نباشد و فضای اتاق چنان گیرا و جذاب باشد که چه کودک به تنهایی و چه مادر و کودک در کنار هم مشتاق به حضور باشند.

(به‌ویژه برقرار بودن سیستم صوتی - تصویری مراسم در اتاقی که برای حضور همهٔ مادران و کودکان تدارک دیده می‌شود).

● فرد نگه‌دارنده، لیستی از شمارهٔ همراه مادران تهیه کند تا در صورت بی‌قراری یا بروز مشکل برای کودکان بتواند با آنها تماس برقرار کند.

● فرد نگه‌دارنده باید بتواند از بازی‌های بی‌صدای گروهی، که کودکان سنین متفاوت را درگیر می‌کند، استفاده کند. برای خردسالان «اتل متل، پریدن از روی مانعی مانند کیف یا متکا، نمایش عروسکی، نمایش با انگشتان دست، نمایش با کاغذی که روی آن آدمک‌ها ترسیم شده‌اند و ...».

● برای سنین بالاتر، می‌توان از شعرخوانی و سینه‌زنی کودکان یا قصه‌گویی از سطوح روابط عاطفی حاکم بر کاروان کربلا نیز استفاده کرد.





جدیدترین آثار هیئت قرآنی احیا



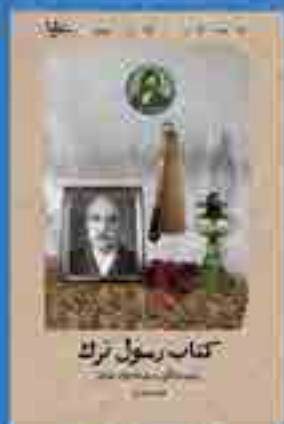
شماره دوم مجله جدید



پیش شماره چهارم مجله احیا



شماره ۱۰۹ ماهنامه حجه



کتاب رسول ترک
۹۷۸۹۷۹۷۹



حسن الحسن
۹۷۸۹۷۹۷۹



بی بی حسن
۹۷۸۹۷۹۷۹



زندگی حسین
۹۷۸۹۷۹۷۹



تلفن مرکز پخش: ۷۲-۸۸۹۳۴۹۶۱
 خرید اینترنتی: nashrekheime.ir
 وبسایت هیئت قرآنی احیا: ehyaonline.ir

